

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصل نامه علمی - ترویجی

پژوهش های مهدوی

با رویکرد امامت و مهدویت

سال سیزدهم، شماره ۵۰، تابستان ۱۴۰۳ (ویژه نوزدهمین همایش بین المللی دکتترین مهدویت)
براساس ماده واحده جلسه ۶۲۵ مورخ ۱۳۸۷/۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، نشریات دارای امتیاز حوزوی دارای اعتبار یکسان با مجلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است.
فصل نامه «پژوهش های مهدوی» براساس نامه شماره ۳۷۷۹ مورخه ۱۳۹۳/۵/۵ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی حوزه، از شماره چهارم به بعد دارای درجه علمی - ترویجی است.

هیئت تحریریه براساس حروف الفبا:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر آیتی، نصرت الله عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم	حجت الاسلام والمسلمین ربانی، محمدتقی عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم
حجت الاسلام والمسلمین دکتر الهی نژاد، حسین دانشیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سهرابی، صادق استادیار و عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم
حجت الاسلام والمسلمین پورسیدآقای، سیدمسعود استاد حوزه علمیه قم	حجت الاسلام والمسلمین سیدرضی دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی قم
حجت الاسلام والمسلمین دکتر جعفری، جواد استاد سطوح عالی حوزه علمیه	حجت الاسلام والمسلمین هادی زاده، محمدتقی استاد حوزه علمیه قم
حجت الاسلام والمسلمین دکتر جعفری، محمدصابر عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم	

مدیر مسئول:	حروف نگار:
سیدمسعود پورسیدآقای	ناصر احمدپور
سر دبیر:	صفحه آرا:
نصرت الله آیتی	علی جواد دهقان
مدیر داخلی و دبیر هیئت تحریریه:	طراح جلد:
مجتبی خانی	ابوالفضل بیگدلی نسب
مترجم چکیده های انگلیسی:	چاپخانه:
گروه ترجمه مؤسسه آینده روشن	بوستان کتاب

دفتر نشریه: قم، خیابان شهدا (صفائیه)، کوچه ۲۵، پلاک ۲۷
تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۸۴۰۰۸۰ دورنگار: ۰۲۵ - ۳۷۷۳۸۲۴۰
صندوق پستی: ۴۷۱ - ۳۷۱۸۵ کدپستی: ۴۵۶۵۱ - ۳۷۱۳۷
مرکز پخش: قم، خیابان شهدا (صفائیه)، کوچه ۲۵، پلاک ۲۷، تلفن: ۳۷۸۴۰۹۰۲
شمارگان: ۱۰۰ قیمت: ۲۹۵۰۰۰ ریال
پست الکترونیک: pajoheshhayemahdavi@yahoo.com - pajoheshhayemahdavy@gmail.com
سایت های دسترسی به نشریه: journals.ayandehroshan.ir
این نشریه در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام ISC و نیز پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی SID نمایه می شود

انتظار فرج یعنی آماده بودن، خود را از همه جهت برای آن هدفی که
امام زمان علیه السلام برای آن هدف قیام خواهد کرد، آماده کردن.
مقام معظم رهبری (دامت برکاته)

فهرست عناوین

۷.....	راهکارهای احیای ارزش‌های اخلاقی جوانان در جامعه منتظر..... فاطمه اکبری
۳۱.....	جوانان و نقش عدالت‌خواهی آنان با تأکید بر راهبردهای مقام معظم رهبری کائنات زرداری، زهرا ضیایی، صدیقه محمدی
۵۱.....	بررسی راهکارهای مؤثر در انتقال معارف دینی به دانشجویان در دانشگاه‌ها..... اکرم خلیلی نوش‌آبادی
۷۳.....	ضعف روش‌های تربیتی در انتقال معارف دینی و انقلابی..... زهرا گوهری، سعید بخشی
۸۹.....	نقش مهدویت و انتظار در سلامت روان جوان سیدمهدی حسینی
۱۰۹.....	تأثیر تفکر مهدویت در رشد جامعه و حفظ و استمرار انقلاب اسلامی از منظر مقام معظم رهبری..... فاطمه لطفی، سیداحمد موسوی باردئی
۱۳۳.....	آسیب‌شناسی نقش مادر در تربیت نوجوان از منظر علم، سنت و قرآن..... سمیه عبدی سقاواز، احسان عبادی، محمدرضا نصوری
۱۵۵.....	بررسی انتقادی مهدویت در آثار منصور هاشمی و تأثیر آن بر جوانان معصومه اکبری، فاطمه شریف فخر

فصل نامه «پژوهش‌های مهدوی» از مقالات ترویجی اساتید محترم حوزه و دانشگاه در موضوع امامت و مهدویت با تمامی روی‌کردهای تخصصی استقبال می‌کند.

راهنمای تدوین مقالات

الف) شرایط تدوین و ارسال مقالات

۱. مقاله ارسالی، به‌طور هم‌زمان به دیگر نشریات ارائه نشده یا قبلاً در هیچ جای دیگری منتشر نشده باشد.
۲. مقاله با مباحث امامت و مهدویت، ارتباط مستقیم داشته باشد.
۳. مقاله دارای نوآوری باشد.
۴. مقاله باید در ۱۵ تا ۲۵ صفحه A4 با فرمت word حروف چینی شده و فایل و پرینت آن به دفتر نشریه ارسال گردد.
۵. ساختار مقاله باید دربرگیرنده این موارد باشد: عنوان مقاله (منعکس‌کننده محتوای مقاله و تا حد ممکن موجز)، چکیده (حداقل یک‌صدا و حداکثر دویست کلمه)، واژگان کلیدی (حدود هفت واژه پس از چکیده)، مقدمه، بیان مسئله و ضرورت، سؤال یا فرضیه، روش، داده‌های تحقیق، مباحث تفصیلی، نتیجه‌گیری و پیشنهاد، فهرست منابع (به ترتیب الفبا بر اساس نام نویسنده).
۶. چکیده مقاله دربردارنده مسئله تحقیق، روش تحقیق و نتایج تحقیق باشد.
۷. درج‌نشانی کامل پستی، شماره تماس، پست الکترونیک نویسنده یا نویسندگان، مقطع تحصیلی (دکتری، یا...)، گرایش تحصیلی (علوم قرآنی، یا...)، رتبه علمی (استاد، دانشیار و...) و تعیین نویسنده مسئول الزامی است.

ب) روش ارجاع به منابع در متن و پایان مقاله

۱. آدرس دهی مقاله باید به روش درون متنی و با ذکر نام مؤلف، سال انتشار، شماره جلد و صفحه ای که مطلب مورد نظر از آن نقل شده انجام شود و در داخل پرانتز قرار گیرد.
۲. تنظیم فهرست منابع در پایان مقاله به ترتیب ذیل می آید:
برای درج مشخصات کتاب: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده (سال انتشار درون پرانتز)، نام کتاب، ترجمه یا تصحیح یا تحقیق: نام و نام خانودگی مترجم یا مصحح یا محقق، شهر محل انتشار، انتشارات، نوبت چاپ.
برای درج مشخصات نشریات: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده (سال انتشار درون پرانتز)، «نام مقاله»، نام نشریه، شماره، محل نشر، سازمان یا مؤسسه یا ارگان منتشر کننده.

ج) تذکرات

۱. نظریات مندرج در مقالات، الزاماً بیان گر دیدگاه های مجله نبوده و مسئولیت آن به عهده نویسنده آن است.
۲. مجله در ویرایش، تلخیص، پذیرش یا رد مقالات آزاد است.
۳. مقالات ارسالی به هیچ وجه پس فرستاده نمی شوند و نویسنده محترم می تواند پیش از ارسال، از مقاله خود کپی تهیه کند.
۴. نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ بلا مانع است.
۵. از نظریات اندیشمندان، جهت ارتقای کیفی مجله استقبال می شود.

Strategies for Revival of Moral Values of Youth in a Waiting Society

Dr. Fatemeh Akbari ¹

Abstract

Moral values have always been of great importance; however, in the present era, due to the growth of technology, the increasing spread of mass media, cultural invasion, cyberspace, the enemy's combined and strategic warfare, and the special position of the Islamic Republic of Iran, moral values are of particular importance because, on the one hand, their absence causes the spread of factors and motives for corruption among individuals in society, especially youth, role models, and figures, which impose irreparable consequences on individuals and society. On the other hand, acquiring desirable moral traits, adhering to morality and spirituality in all aspects of life, and purifying the heart from moral vices are among the most important Quranic topics and, in a sense, the most important goal of the mission of the divine prophets. Leaving these emphases and invitations leads to deprivation of the blessings and valuable effects resulting from values, to the point where neither religion has any meaning for people nor their world is organized. But unfortunately, statistics, newspaper incidents, numerous enemy movements in our country, numerous moral corruptions in the political, economic, scientific, and cultural fields, and the leadership's emphasis on the necessity of morality and spirituality in the statement of the second step of the revolution, and the concerns of families and cultural activists indicate that moral virtues are fading and moral vices are growing in the waiting society, especially the youth. Therefore, this article, relying on the verses of the Quran and searching in the narrations of the Infallibles? Ahem?, discusses solutions that can be used to revive, grow, and expand the moral values that have faded in society. Strengthening faith and belief, recognizing values and introducing them, providing basic needs, enjoining what is good and forbidding what is evil, presenting and introducing successful models, employing methods of encouragement and punishment, creating a favorable educational environment, insight, enemy identification, and optimal, accurate, and targeted use of the capacities of domestic mass media can be considered among the most important solutions

Keywords: Value, ethics, moral value, importance of value, types of values, strategies for restoring values

1. PhD in Islamic Studies, Islamic Revolution Orientation



ISSN: 2423 - 7655



فصلنامه علمی ترویجی مهدویت
سال سیزدهم / شماره پنجاهم / تابستان ۱۴۰۳

راهکارهای احیای ارزش‌های اخلاقی جوانان در جامعه منتظر

فاطمه اکبری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۱۱

چکیده

ارزش‌های اخلاقی در هر زمان از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده‌اند؛ ولی در عصر حاضر به دلیل رشد تکنولوژی، گسترش روزافزون رسانه‌های جمعی، تهاجم فرهنگی، فضای مجازی، جنگ شناختی و ترکیبی دشمن و جایگاه خاص جمهوری اسلامی ایران، ارزش‌های اخلاقی اهمیت ویژه‌ای دارند زیرا از یک سو فقدان آن سبب گسترش عوامل و انگیزه‌های فساد در بین آحاد افراد جامعه به خصوص جوانان، الگوها و چهره‌ها می‌شود که پیامدهای جبران‌ناپذیری را بر افراد و جامعه تحمیل می‌کند و از سوی دیگر اکتساب صفات پسندیده اخلاقی و پایبندی به اخلاق و معنویت در تمام ابعاد زندگی و منزه کردن قلب از رذائل اخلاقی از مهم‌ترین مباحث قرآنی و از یک نظر مهم‌ترین هدف بعثت انبیای الهی را تشکیل می‌دهد، که ترک این تأکیدها و دعوت‌ها سبب محرومیت از برکات و آثار ارزشمند ناشی از ارزش‌ها می‌شود تا جایی که نه دین برای مردم مفهومی دارد و نه دنیای آنها سامان می‌یابد. اما متأسفانه آمار، حوادث روزنامه‌ها، تحرکات متعدد دشمن در کشور ما، فسادهای اخلاقی متعدد در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، علمی، فرهنگی و تأکید رهبری بر ضرورت اخلاق و معنویت در بیانیه گام دوم انقلاب و دغدغه خانواده‌ها و فعالان فرهنگی حاکی از کمرنگ شدن فضائل اخلاقی و رشد رذائل اخلاقی در جامعه منتظر به خصوص جوانان است. لذا این نوشتار با تکیه بر آیات قرآن و جستجو در روایات معصومین علیهم‌السلام به بیان راهکارهایی می‌پردازد که با به کارگیری آنها می‌توان ارزش‌های اخلاقی کمرنگ شده در جامعه را احیا، رشد و گسترش داد که می‌توان تقویت ایمان و اعتقاد، شناخت ارزش‌ها و معرفی آنها، تأمین نیازهای اولیه، امر به معروف و نهی از منکر، ارائه و معرفی الگوهای موفق، به کارگیری روش‌های تشویق و تنبیه، ایجاد محیط تربیتی مساعد، بصیرت، دشمن‌شناسی و استفاده بهینه، دقیق و هدفمند از ظرفیت‌های رسانه‌های جمعی داخلی را از مهم‌ترین راهکارها دانست.

۱. دکتری مدرسی معارف اسلامی گرایش انقلاب اسلامی.

واژگان کلیدی

ارزش، اخلاق، ارزش اخلاقی، اهمیت ارزش، انواع ارزش‌ها، راهکارهای احیای ارزش‌ها.

مقدمه

آئین اسلام و کتاب مقدس قرآن، راه حقیقی هدایت بشر به سوی سعادت و کمال است. اسلام آن چنان برنامه گسترده و جامعی برای زندگی دارد. که خط سیر سعادت بشر را از هنگام تولد تا موقع مرگ و از درون خانواده تا میدان جنگ و از اداره و کارخانه و بازار تا کرسی قضاوت و مدیریت و رهبری سیاسی مشخص می‌کند. اسلام، ارزش‌های اخلاقی مرتبط با هر مسئله‌ای از مسائل زندگی را پیش پای انسان گذاشته و رابطه انسان با خدا، با خود، با دیگران و حتی با طبیعت جاندار و بی‌جان را به صورتی بسیار ارزنده‌تر و زنده‌تر از آن چه امروز در رسانه‌ها و مجامع جهانی مطرح است، بیان کرده است. بنابراین اسلام فقط سعادت دنیوی را در نظر ندارد. بلکه سعادت اخروی را در گرو این می‌داند که فرد، در دنیا و در جزئی‌ترین مسائل زندگی خود راه درست را طی کند. از این رو در قرآن کریم بسیاری از این اصول و ارزش‌ها را که به متن زندگی فردی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و اخلاقی انسان مربوط می‌شود و نقش مهمی در رسیدن به سعادت اخروی و دنیوی دارند، را مورد توجه قرار داده است.

خداوند متعال با فرستادن پیامبران و کتب آسمانی متعدد قوانین شرعی و اخلاقی فردی و اجتماعی را برای انسان ترسیم کرده است (به عنوان نمونه: بقره ۲۳۸-۲۳۹؛ هود: ۱۱۵؛ اسراء: ۷۸؛ انعام: ۱۴۱؛ انفال: ۴۱) بنابراین قرآن کتابی است که طبق آیه شریفه «تبیانا لكل شیء» جامع و کامل و در همه موارد و موضوعات مبتلا به بشر قوانینی را برای این مشخص کرده و مصالح و مفاسد اخلاقی و اجتماعی را به وضوح نشان داده است، اما با کمال تأسف باید اعتراف کرد که قوانین اخلاقی در حد انتظار مورد استفاده قرار نگرفته‌اند و آموزه‌های دینی و فضیلت‌های اخلاقی مورد بی‌مهری واقع شده‌اند و متأسفانه گاهی به فراموشی کامل سپرده شده و از بین رفته‌اند.

بنابراین لازم است بار دیگر ارزش‌های اخلاقی مورد توجه همگان قرار گیرد و همه افراد به سوی فضائل اخلاقی رنگ باخته و ارزش‌هایی که مورد غفلت واقع شده‌اند دعوت شوند. ارزش‌های اخلاقی جایگاه والایی در دین اسلام دارند و مباحث اخلاقی از مهم‌ترین مباحث قرآنی بعد از مسائل اعتقادی است که بیشترین تکرار، تذکر و آموزش درباره آن در قرآن آمده

است. زیرا قرآن در آیات متعدد بر تهذیب و تزکیه اخلاقی انسان تاکید نموده و آن را یکی از مهم‌ترین وظایف انبیاء معرفی می‌کند و می‌فرماید:

﴿ربنا وابعث فیهم رسولا منهم یتلوا علیهم آیاتک و یعلمهم الکتاب والحکمه و یرزقهم إنک أنت العزیز الحکیم﴾ (بقره: ۱۲۹؛ آل عمران: ۱۶۴؛ جمعه: ۲؛ بقره: ۱۵۱).

و در راستای این جایگاه و مقام رفیع اخلاق، رسول گرامی اسلام ﷺ نیز هدف رسالت خویش را اكمال مکارم اخلاق می‌داند و می‌فرماید: «انی بعثت لأتمم مکارم الخلاق». بر این اساس احیا، رشد و گسترش ارزش‌ها در جوامع اسلامی به ویژه جامعه ایران که دارای حکومت اسلامی و مذهب رسمی شیعه می‌باشد بسیار حائز اهمیت است.

از این رو انتظار می‌رود که ارزش‌های اخلاقی در جامعه منتظر در بهترین حالت خود باشند، و در تمام سطوح فردی، اجتماعی، اقتصادی و... رواج و گسترش داشته و اکثر افراد جامعه به خصوص افراد چهره، موثر و تاثیرگذار، بسیجیان و نیروهای انقلابی بدان پایبند باشند. اما متأسفانه شاهد هستیم که در دهه اخیر ارزش‌های اخلاقی بسیاری، در حوزه اخلاق فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی کمرنگ و ضعیف شده‌اند و ارزش‌های جامعه، روز به روز آسیب‌پذیرتر می‌شوند و گاه از بین رفته و فراموش شده‌اند. و ضد ارزش‌های، رایج و معمول شده است که نتایج و پیامدهای ناخوشایند بسیاری را برای افراد و جامعه به دنبال داشته است. از این رو نگارنده در این مقاله براساس آیات و روایات به بیان راهکارهایی می‌پردازد که رعایت آنها می‌تواند به احیا، رشد، تقویت و گسترش ارزش‌های اخلاقی جوانان جامعه اسلامی کمک شایانی نماید. و به عبارت دیگر به راه‌حل‌هایی اشاره می‌کنیم که بتوان با به کارگیری آنها وضعیت «موجود نامطلوب اخلاقی جوانان» را به «وضعیت مطلوب اخلاقی» تغییر داد. که لازم و ضروری است قبل از پرداختن به آنها مروری بر معانی ارزش در لغت و اصطلاح، ابعاد و اقسام ارزش و اهمیت آن از نظر اسلام بپردازیم.

معناشناختی

یک. ارزش

واژه «ارزش» در زبان فارسی، اسم مصدر ارزییدن و دارای معانی متعدد است. در فرهنگ معین آمده است: ارزش یعنی:

- ارز، ارج، قدر؛

- برازندگی، شایستگی، زیبایی، قابلیت، استحقاق؛

- اعتبار یک سند یا متاع، پولی که در سند نوشته شده است (ر.ک: معین، ۱۳۶۲ش: ج ۲،

۵۵۴).

معادل کلمه ارزش در زبان عربی دو واژه «فضیله» و «قیمه» است. که فضیله به معنای «الدرجة الرفیعه فی حسن الخلق» و «فضیله الشیء: مزیتة او وظیفته التی قصدت منه» است و «قیمه الشیء» نیز به معنای «قدره او ثمن الذی یعادل تکلفته» است که جمع آن «قیم» به معنای فضائل دینی و اخلاقی و اجتماعی که حیات جوامع انسانی بر پایه آن استوار شده است (ابراهیم و دیگران، بی تا: ج ۱، ۱۵۵).

واژه value که در زبان انگلیسی معادل واژه ارزش می باشد به معنای سودمندی و اهمیت و اعتقاد راسخ داشتن به آن چه که با ارزش، مفید، مهم و قابل قبول است به کار رفته است (فرانکنا، ۱۳۸۶ش: ۲۸).

معنای اصطلاحی ارزش: مراد از ارزش در کاربرد جامعه‌شناختی، معیارهای مشترک فرهنگی است که براساس آن ربط اخلاقی و زیبایی‌شناسی موضوعات، نگرش‌ها و آرزوها و نیازها را می‌توان با هم سنجید و مورد داوری قرار داد. نزد کسانی که در مجموعه‌ای از چنین معیارهایی سهیم‌اند، این باور وجود دارد که این معیارها معتبرند و باید در ارزش‌گذاری هر موضوعی به کار گرفته شوند؛ یعنی آن را به نیازها، آرزوها و نگرش‌ها مرتبط می‌سازد و در ارزیابی هر موضوعی به کار گرفته می‌شود. به این معنا که ربط آنها با موضوع یا موضوعات دیگر را مقایسه می‌کند (بیرو، ۱۳۶۷ش: ۴۸).

«ارزش» عبارت است از اندیشه‌ها و تصورات از آنچه یک فرهنگ خاص به آنها به عنوان خوب یا بد، متمایل یا غیرمتمایل توجه دارد. در تعریف دیگر، «ارزش آن چیزهایی است که افراد به صورت الزام، عادت، لذت و... به آن تمایل دارند و می‌خواهند». و «ارزش عبارت است از ترکیبی از ایده‌ها، نگرش‌ها که طیف‌هایی را برای رجحان غرض‌ها و اعمالی که برای دستیابی به اهداف مورد نظر لازم است، در اختیار ما قرار می‌دهد» (محسنیان‌راد، ۱۳۷۵ش: ۴).

نتیجه آن که، ارزش‌ها؛ ملاک، معیار، الگو و ابزار سنجش اعمال، گفتار و کردار رفتار هستند که فرد، گروه یا جامعه براساس این ملاک‌ها و الگوها، رفتار و کردار افراد را مورد قضاوت و داوری قرار می‌دهند.

دو. اخلاق

اخلاق جمع خلق و خلق از ماده (خ ل ق)، به معنای سجایا و منش‌های پایدار اعم از (خوب و بد) است. خلق به چهره و شاکله درونی انسان گفته می‌شود که تحت اختیار انسان است که با فطرت و دید دل درک می‌شود. واژه خلق نیز از همان ماده گرفته شده که به شاکله و آفرینش بیرونی انسان گفته می‌شود که با حواس درک می‌شوند و چگونگی آن از اختیار انسان خارج است (راغب اصفهانی، بی تا: ج ۱، ۷۴).

در زبان انگلیسی واژه‌های «ethics» و «morality» هر دو به معنای اخلاق به کار رفته‌اند. کلمه «ethics» از ریشه یونانی «ethos» به معنای منش (character) گرفته شده. و کلمه «morality» نیز از ریشه لاتینی «mores» که برای اشاره به منش یا رسم و عادت به کار می‌رود گرفته شده است (فرانکنا، ۱۳۸۶ ش: ۲۸).

عالمات اخلاق معنای اصطلاحی متعددی برای «اخلاق» بیان کرده‌اند. که رایج‌ترین آنها عبارت است از: صفات نفسانی که در نفس انسان رسوخ کرده و پایدار شده است و موجب صدور افعالی متناسب با آنها، به طور خودجوش و بدون تأمل و تفکر می‌شود (مسکویه، ۱۳۷۵ ش: ۵۷-۵۸).

گروهی دیگر از عالمان، اخلاق را به هرگونه صفات نفسانی اعم از این که راسخ و پایدار باشد یا غیرراسخ و ناپایدار، و چه در اثر تفکر و تأمل حاصل شود و یا بدون تفکر و تأمل، تعریف می‌کنند (مصباح یزدی، ۱۳۸۴ ش: ۲۱).

گاهی هم اخلاق فقط در مورد اخلاق نیک و فضائل اخلاقی به کار می‌رود در نتیجه رذائل از دایره اخلاق خارج می‌شوند و فقط اخلاق فضیلت در دایره اخلاق قرار می‌گیرد و این تعریف در زبان انگلیسی با تعبیر اخلاقی «ethical» به معنای درست یا خوب، رایج است (فرانکنا، ۱۳۸۶ ش: ۲۸).

علاوه بر این تعاریف، از سوی دانشمندان غربی تعاریف دیگری مانند: نهاد اخلاقی زندگی، نظام رفتاری حاکم بر افراد مانند اخلاق عملی سقراط، یا سیستم همگانی غیررسمی ارائه شده است (همان).

سه. ارزش‌های اخلاقی

ارزش‌هایی هستند که از ارتباطات حقیقی بین افعال اختیاری انسان و کمالات تکوین نفس

انسانی پدید می‌آیند. به بیان دیگر، همه انسان‌ها، کما بیش، استعداد رسیدن به سلسله‌ای از کمالات حقیقی را دارند و هر فعل اختیاری به اندازه‌ای که وصول به آن کمالات را آسان یا دشوار کند، ارزش اخلاقی مثبت یا منفی خواهد داشت. این ارزش‌های اخلاقی حقایق هستند که، با قوه عقل کشف می‌شوند و در موارد ناتوانی عقل، وحی بیان آنها را بر عهده می‌گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۷۲ ش: ۲۰۵-۲۰۹). برای ارزش‌های اخلاقی، ضمانت اجرایی در خارج وجود ندارد، بلکه ضامن اجرایی داخلی دارد که همان وجدان است. وجدان اخلاقی باعث رعایت ارزش‌های اخلاقی است. و این که عمل اخلاقی قائم به نیت است؛ بر این اساس، عمل انسان در صورتی اخلاقی است که به قصد ریا و خودنمایی نباشد و الا ارزشی ندارد. پس اخلاق مرهون نیت صالح است (مصباح یزدی، ۱۳۷۳ ش: ۴۶) که این، نگاه اسلام به ارزش اخلاقی است ولی در مکاتب مختلف، نگاه به ارزش به گونه دیگری است همچون مکاتب مادی‌گرا.

اهمیت و جایگاه ارزش‌های اخلاقی

یک. تهذیب و تزکیه اخلاقی هدف نزول قرآن کریم

اسلام، تربیت اخلاقی، تهذیب انسان و رشد و هدایت جامعه را از اهداف نزول قرآن کریم دانسته است و می‌فرماید:

«هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یرکیمهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة و ان کانوا من قبل لئى ضلال مبین» (جمعه: ۲).

دو. ارزش‌های اخلاقی ملاک ارزش‌گذاری

قرآن کریم خصلت‌های اخلاقی را ملاک ارزش انسان می‌داند، و در مقام ستایش و تمجید پیامبران الهی، آنان را به جهت دارا بودن صفات اخلاقی نیکو می‌ستاید. برای مثال، حضرت ابراهیم علیه السلام را به خاطر برخورداری از سه صفت عالی اخلاقی ستوده، و می‌فرماید:

«ان ابراهیم حلیم اواه منیب» (هود: ۷۵).

همچنین درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«انک لعلی خلق عظیم» (قلم: ۴).

سه. عامل موفقیت رسولان در امر رسالت

قرآن کریم رمز موفقیت رسول خدا صلی الله علیه و آله را در ایفای رسالت خویش و گسترش توحید، اخلاق

نیکوی آن حضرت می‌داند و می‌فرماید:

«فَمَا رَحْمَةُ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فِظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران: ۱۵۹).

چهار. فلسفه ارسال رسل

ریشه و اساس و فلسفه بعثت پیامبر گرامی اسلام ﷺ مسئله مهم اخلاق است «انما بعثت لا تمم مكارم الاخلاق» (نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۲، ۲۹۰). براساس این روایت نبوی که البته به مضامین مختلفی از آن نبی گرامی نقل شده، یکی از علت‌های مهم بعثت را تکمیل فضائل اخلاقی انسان‌ها بیان می‌کند.

پنج. اخلاق وسیله اتصال به خداوند

نبی مکرم اسلام، راه اتصال به خداوند متعال را فضائل اخلاقی بیان داشته به گونه‌ای که هر کس می‌خواهد به خداوند متصل شود بهترین وسیله، کسب سجایای اخلاقی است. رسول الله ﷺ فرمودند:

وَجَعَلَ اللَّهُ سَبْحَانَهِ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ صَلَةً بَيْنَهُ وَبَيْنَ عِبَادِهِ فَحَسْبُ أَحَدِكُمْ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِخَلْقٍ مُتَّصِلٍ بِاللَّهِ (همان: ج ۱۱، ۸۳).

خداوند سبحان فضائل اخلاقی را وسیله ارتباط میان خودش و بندگانش قرار داده، همین بس که هر یک از شما دست به اخلاقی بزنند که او را به خدا مربوط سازد.

شش. اخلاق ظرف دین

رشد و تکامل دینی بشر نباید در حد اجرای قوانین الهی متبلور در واجب و حرام متوقف شود، بلکه، تکامل دینی بیشتر، نیازمند ارزش‌هایی فراتر از حد ضرورت شریعت است و آن ارزش‌ها هستند که در اخلاق نمودار می‌گردند. رسول خدا ﷺ فرمود:

الْأَخْلَاقُ وَعَاءُ الدِّينِ (محمدی ری‌شهری، بی‌تا: ج ۳، ۱۳۷).

اخلاق ظرف دین است (یعنی دین در ظرف اخلاق پدید می‌آید، رشد می‌کند و باقی می‌ماند) و حتی بعضی از احادیث، داشتن فضائل انسانی و اخلاق نیکو را، مساوی با تمام دین یا نصف دین دانسته و از ریشه‌دار بودن آن در دین و تعلیم دینی پرده برمی‌دارد، به گونه‌ای که آن را از بخشش‌های الهی می‌شمارد. پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

الأخلاق منایح من الله عزوجل... (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۱، ۳۹۴)؛
اخلاق، بخشش‌هایی از خداوند بزرگ است.

هفت. عامل رستگاری

ارزش‌های اخلاقی، صرف‌نظر از جنبه مذهبی از ضروریات زندگی یک جامعه سعادت‌مند است. امیرمؤمنان علی (ع) در این باره می‌فرماید:

لو کنالانرجواجنة ولا نخشی ناراً ولا ثواباً ولا عقاباً لكان ینبغی لنا ان نطالب بمکارم
الأخلاق فإنها مما تدل علی سبیل النجاح (نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۱۱، ۱۹۳)؛

اگر به بهشت و ثواب (آخرت) امیدوار نباشیم و از آتش و عذاب (جهنم) نهراسیم، باز هم
شایسته است که فضیلت‌های اخلاقی را طلب کنیم؛ زیرا فضائل اخلاقی، از چیزهایی است
که ما را به راه رستگاری هدایت می‌کند.

هشت. اخلاق عامل ایجاد انگیزه

با توجه به این‌که انسان موجودی با اراده و مختار است، باید آگاهانه و آزادانه در پی اجرای
دستورات الهی قیام کند و این‌ونه حرکت، با وضع قوانین خشک و اعمال قدرت تحقق
نمی‌یابد، بلکه باید انگیزه لازم در انسان پدید آید تا انسان بدون احساس فشار و تنگنا در این
راستا قیام کند و این انگیزه را ایمان و اخلاق پدید می‌آورد و قوت می‌بخشد و قوانین الهی در
کنار ارزش‌های اخلاقی قابل‌اجراء می‌گردد. بنابراین ارزش‌های اخلاقی نگهبان دین و ضامن
اجرای قوانین خواهند بود.

راهکارهای احیای ارزش‌های اخلاقی

یک. تقویت ایمان و اعتقاد

ایمان به خدا، رسول، کتاب، معاد و... سبب ایجاد یک کشش و انگیزه در انسان می‌شود به
گونه‌ای که توجه او متمرکز در ارزش‌های الهی و معنوی است در نتیجه افق‌های دور را هدف و
منشأ حرکت خود قرار می‌دهد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ش: ج ۱، ۱۶۲).

چون ایمان، مقتضی عمل صالح است و در واقع ما را به عمل صالح و پسندیده وادار می‌کند.
انگیزه و میل قوی در انسان برای انجام کارهای خوب و ترک کارهای زشت به وجود می‌آورد؛ و
انسان را در مقابله با هوای نفس و سایر رذیلت‌ها مقاوم می‌کند (همان: ۱۶۶).

باور به پروردگار عالم، روابط اجتماعی را بهبود می‌بخشد و سبب رشد و گسترش حجت،

الفت، صداقت، عفت و... می‌شود چون خداوند حد و مرز رفتار، گفتار، کردار، افکار آدمی را متناسب با همه مکان‌ها، زمان‌ها و در مقابل افراد گوناگون اعم از محرم، نامحرم، اقوام، دوستان و دشمنان را کاملاً دقیق و گویا بیان کرده است. که پایبندی به این حدود الهی سبب تعدیل غرایز و خواسته‌های نفسانی است که تبدیل غرائز و تحت نظارت عقل بودن، عامل مهمی در رشد ارزش‌های اخلاقی در جامعه می‌شود.

افراد با ایمان همه آفریده‌های خدا را به یک چشم می‌نگرند و با آنها به عدالت رفتار می‌نمایند، چون: خداوند را رازق می‌دانند از فقر نمی‌هراسند و نفس خود را در زمان فقر و ناداری از ورود به گناه و زشتی‌ها باز می‌دارند، مؤمنین انسان‌های راستگو، باوفا، متواضع، عقیف و... هستند.

بنابراین تعمیق باور و اعتقاد افراد جامعه می‌تواند به تقویت ارزش‌ها کمک نماید و هرچه ایمان مردم جامعه قوی‌تر باشد ارزش‌ها در سطح وسیعی از جامعه رواج می‌یابند که رسیدن به این امر مهم، از طریق؛ اخلاص در انجام عمل، اتصال به قرآن و تأمل در آیات الهی، ذکر و یاد مستمر خداوند، زیادت در انجام عمل صالح، تفکر و اندیشه در سختی‌های جهنم و لذت‌های بهشت، یادآوری سکران مرگ و عذاب قبر، محاسبه اعمال خویش، انجام واجبات و ترک محرمات، کسب لقمه حلال، دوری از شبهات، مطالعه سیره معصومین علیهم‌السلام، توسل به معصومین، دعا، دادن بینش صحیح توسط والدین، معلمان، مدارس و نهادهای علمی و تربیتی در تمام مقاطع سنی به تناسب سن، امکان‌پذیر است.

دو. شناخت ارزش‌ها و معرفی آنها

یکی دیگر از مهم‌ترین گام‌ها در حفظ و اعتلای ارزش‌ها، شناخت و آگاهی نسبت به آنهاست. کسی که شهد شیرین حقایق و ارزش‌ها را بچشد و لذت آن را درک کند، در هر شرایطی به آنها پای بند است و به هیچ قیمتی آن را نمی‌فروشد و نسبت به آن بی‌تفاوت نمی‌شود. چنان‌که امیر مؤمنان علی علیه‌السلام می‌فرماید:

ما شککت فی الحق مذ رأیتہ (دستی، ۱۳۷۸ ش: ۴۸)؛

از زمانی که حق را شناختم در آن تردید نکرده‌ام.

شناخت و آگاهی درست، صحیح و جامع از فضائل اخلاقی از طرق مختلفی قابل دسترسی است که در ذیل به اختصار بیان می‌کنیم.

الف) تبلیغ: مبلغان کشور، نهادهای فرهنگی و مذهبی می‌توانند از طریق تبلیغ ارزش‌ها در زمان مناسب مثل ماه رمضان، محرم و مکان‌های مختلف مثل مساجد، مدارس، دانشگاه‌ها، ادارات و... گامی مهم در معرفی و شناسایی ارزش‌ها بردارند. لازم به ذکر است تبلیغ نباید خام باشد یعنی صرف آیات و روایات لازم است اما کافی نیست بلکه تبلیغ باید نوین، جذاب و شیرین و به روز، متناسب، انگیزشی باشد به گونه‌ای مخاطب را در حین تبلیغ در محضر مبلغ، میخکوب کند.

ب) جلسات پرسش و پاسخ: با تشکیل جلسات پرسش و پاسخ و حلقه‌های اخلاقی متنوع برای سنین مختلف و برای قشرهای مختلف مردم با موضوعات اخلاقی مختلف می‌توان به تبیین ارزش‌ها کمک کرد که رعایت سه شرط اساسی در آن لازم است؛ از یکسو استاد پاسخ‌دهنده باید مسلط به مباحث باشد و دیگر این که باید شبهات و سوالات به روز و شایع، نو، تازه و جذاب و اساس و همچنین ارائه پاسخ‌های گویا، دقیق و صریح، روش‌های نو و مؤثر می‌توان توجه افراد را به شناخت ارزش ما جلب نمود.

ج) از طریق رسانه‌های جمعی مثل تلویزیون، روزنامه رادیو: رسانه‌های جمعی در سطح کشور مخاطبان زیادی دارند از این رو با برنامه‌ریزی‌های کلان، دقیق، کاربردی در زمینه‌های مختلف همچون ساخت سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی، کارتن‌ها، سخنرانی‌ها، پیام‌های صوتی و تصویری و... می‌توان ارزش‌ها را در مدت زمان کوتاه به مخاطبان بسیاری منتقل نمود.

د) از طریق داستان‌های اخلاقی: چراکه داستان‌های جذاب و هیجان‌انگیز، خواننده و شنونده را با خود همراه می‌سازد و فرد خود را قهرمان اصلی داستان می‌پندارد در نتیجه اهداف و پیام‌های اخلاقی را به صورت غیرمستقیم دریافت می‌کند. که این شیوه مورد توجه همه افراد در همه سنین است. بنابراین اگر دست به دست یکدیگر دهیم و هرکس به اندازه توان خود ارزش‌ها را بشناسد و به دیگران بشناساند قدم بزرگی در مسیر احیای ارزش‌های اخلاقی برداشته‌ایم.

سه. مطالعه کتب اخلاقی

همه افراد می‌توانند با مطالعه کتاب‌های اخلاقی خود را از جهل و ناآگاهی نسبت به ارزش‌ها برهانند. و فضائل را دقیق، جامع و صحیح فرا بگیرند. چرا که در سایه شناخت و علم است که

می‌توان ارزش‌ها را حفظ کرد. اما متأسفانه سرانه مطالعه در کشور ما خیلی کم است و باید چاره‌ای برای این مسئله مهم اندیشید. یکی از راهکارهای تقویت مطالعات کتاب‌های اخلاقی برپایی جلسات و حلقه‌های خوانش کتاب توسط کودکان و نوجوانان و برگزاری مسابقه از متن کتاب هست که مطالعه را لذت‌بخش می‌سازد و مطلوب حاصل می‌شود. راه دیگر تبدیل کتاب‌های متنی به کتاب‌های صوتی است که قابلیت گوش دادن در مسیرهای رفت و آمد روزانه را فراهم می‌کند و مورد دیگر طرح مباحث اخلاقی در قالب، شعر، داستان و حکایت و نمایش و فیلم و تئاتر است.

تأمین نیازهای اولیه

تأمین نیازهای اولیه افراد جامعه از طریق مشروع و صحیح، عاملی مؤثر در رشد ارزش‌های اخلاقی است. زیرا رفع نیازهای ضروری زندگی مثل خوراک، پوشاک، سرپناه، شغل، ازدواج و... از اولویت برخوردارند و افراد تا زمانی که تحت فشار گرسنگی، بی‌مسکنی و تمایلات جنسی باشد صحبت از رشد و تعالی اخلاقی بیهوده است.

قرآن کریم نیز تأمین نیازهای اولیه را اولویت بخشیده و سپس توصیه به ارزش‌های اخلاقی نموده است. «وکلوا مما رزقکم الله حلالاً طیباً، و اتقوا الله...» (مائده: ۸۸) «یا ایها الذین آمنوا کلوا من الطبیات ما رزقناکم و اشکروا لله» (بقره: ۱۷۲)، و «یا ایها الرسول کلوا من الطبیات و اعملوا صالحاً» (مؤمنون: ۵۱).

با دقت در سه آیه فوق، دعوت و توصیه به ارزش‌هایی همچون تقوای الهی، شکر الهی و انجام اعمال صالح در اولویت دوم قرار دارند و نیازهای اولیه بر آنها مقدم شده‌اند.

رسول گرامی اسلام ﷺ نیز رفع نیازهای زیستی و اولیه انسان را مقدمه‌ای برای رسیدن به اهداف عالی اخلاقی می‌دانند و می‌فرمایند: تأمین خواسته‌ها و احتیاجات اولیه از دو بعد اهمیت دارد؛ از یک سو ارضا و برآورده نمودن نیازهای ضروری افراد، زمینه انگیزه و میل به کسب ارزش‌های بالاتر را تقویت می‌کند و جنبه انگیزشی می‌یابد، و از سوی دیگر، پاسخگویی به نیاز ما از طریق مشروع، صحیح و در زمان مناسب، سبب اعتدال در قوای درونی انسان می‌شود و اعتدال در قوا و تحت فرمان قوه عاقله بودن راه هرگونه افراط و تفریط را می‌بندد، سبب رشد فضائل و تربیت اخلاقی می‌شود (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۶: ۱۷۰).

ایجاد شغل متناسب با تحصیلات افراد، ارائه دادن تسهیلات لازم برای خرید مسکن، فراهم

کردن بسترهای لازم برای ازدواج به موقع جوانان، فرهنگ‌سازی برای ازدواج‌های آسان، ایجاد و گسترش فضاهای تفریحی و ورزشی سالم برای جوانان، برنامه‌ریزی‌های دقیق برای اوقات فراغت نوجوانان و جوانان از عواملی هستند که در مسیر تأمین نیازهای ضروری افراد کمک‌کننده می‌باشند.

امر به معروف و نهی از منکر

مراقبت و نظارت عمومی یا امر به معروف و نهی از منکر در اسلام تکلیف مهم و مقدسی شمرده شده است که یکی از راه‌حل‌های مهم در جهت سالم‌سازی محیط زندگی از ناپاکی‌ها، کژئی‌ها و مفاسد اخلاقی است، اگر این دو فریضه به خوبی برای افراد جامعه معرفی و تبیین شود و به اهمیت آن پی ببرند و به یک فرهنگ عمومی، همگانی و مستمر تبدیل شود. در سایه آن ارزش‌های اخلاقی زیادی در محیط جامعه جان دوباره می‌گیرند و در جامعه ظهور و بروز می‌یابند که مولای متقیان امام علی علیه السلام می‌فرماید و زیرا تک‌تک افراد احساس مسئولیت می‌کنند و نمی‌توانند در برابر ترک معروف و ارزش‌ها و همچنین ارتکاب به منکرات و ضد ارزش ما ساکت بنشینند. بلکه یکدیگر را به به انجام نیکی‌ها دعوت و امر می‌نمایند و از ارتکاب منکرات و کژئی‌ها باز می‌دارند. در نتیجه فضای مناسب و مساعد برای رشد ارزش‌ها فراهم و بستر بروز منکرات و رذائل اخلاقی محو می‌شود. امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

امر به معروف و نهی از منکر راه و روش پیامبران و شیوه صالحان است و فریضه بزرگی است که دیگر فرائض به واسطه آن برپا می‌شوند، راه‌ها امن می‌گردد، درآمد حلال می‌شود، حقوق پایمال شده به صاحبش برمی‌گردد، زمین آباد می‌شود، بدون ظلم حق از دشمنان گرفته می‌شود و کارها سامان می‌پذیرد (کلینی، ۱۳۷۵: ج ۵، ۵۶).

بنابراین اصل نظارت همگانی از ویژگی‌های لاینفک مؤمنین است که نقش عظیمی در تحکیم احکام، عقاید و فضیلت‌زایی و رذیلت‌زدایی ایفا می‌کند. اما متأسفانه این امر در جامعه امروز ما کم‌رنگ شده است که نیازمند تدبیرهای عالمانه و اجرایی و مردمی است.

ارائه و معرفی الگوهای موفق

نخبگان، بزرگان، فضلاء، قهرمانان ورزشی، مدیران، رؤساء و افراد شاخص و چهره و بسیجیان از سازندگان اصلی محیط اخلاقی هستند. به همین خاطر عموم افراد جامعه به خصوص نوجوانان و جوانان این افراد را الگوی خویش می‌دانند و از رفتار، گفتار و خصوصیات

رفتاری و اخلاقی آنان الگوبرداری می‌کنند. بنابراین لازم است برای رشد فضائل اخلاقی در جامعه، الگوها و اسوه‌های اخلاقی، دینی و علمی موفق را در تمام سطوح شناسایی کنیم و از طریق گفتگو، مصاحبه، مناظره، نشر آثار آنها، سخنرانی، اردوهای تفریحی و... معرفی نمائیم و الگوهای ناشایست اخلاقی را از جامعه طرد یا نسبت به آنها اطلاع‌رسانی کنیم. زیرا وجود الگو و افراد نمونه و موفق، به خودی خود افراد حاضر در محیط اطراف خویش را جذب می‌کنند و افراد، مجذوب صفات و رفتار نیک و پسندیده آنها می‌شوند و از آنها تقلید می‌کنند (دیلمی، ۱۳۸۶ش: ۱۶۴).

همچنین می‌توان بر الگوهای اخلاقی ثبت شده در تاریخ و قرآن کریم سرمایه‌گذاری کرد و با معرفی دقیق، کاربردی و در عین حال محبوب و دوست‌داشتنی حیات مجدد بخشید و آنها را در قالب‌های گوناگونی مثل داستان، تئاتر، سریال، کتاب، عکس، نقاشی، رمان، پیامک، و... و متناسب با سن افراد، معرفی و ارائه داد. نکته لازم به ذکر است در ارائه الگوها باید به مخاطبان این دقت توجه را داد که ممکن است هر فردی از یکی از جهت و یا از چند جهت الگو و برخی افراد به طور کامل الگو هستند بنابراین باید موارد مثبت و ارزشمند او را الگوبرداری کرده و سایر ابعاد وی را که قابلیت الگوگیری ندارد را رها کنند.

بنابراین انسان‌ها فطرتاً الگوطلب و الگوپذیر هستند که الگوها هم نقش حساس، مهم و عظیمی را ایفا می‌کنند به گونه‌ای که الگوهای نیک، شایسته و صالح مردم را به فلاح و رستگاری می‌رسانند و الگوهای نامناسب، موجب تباهی، سردرگمی، حیرت و فساد مردم می‌شوند و این مسئله، ضرورت ارائه الگوهای تام، کامل، برای احیای مجدد ارزش‌های اخلاقی، رشد و تقویت آنان را دوچندان می‌کند (وفایی، ۱۳۹۰ش: ۱۷۴). بنابراین بسیجیان نقش مضاعفی در این امر دارند چون الگو هستند و باید مهذب باشند و خود را به اخلاق الهی و انسانی آراسته سازند تا تأثیرگذار باشند. به فرموده امام علی علیه السلام با عمل باید دعوت‌کننده مردم به امور خیر باشید نه زبان‌تان.

به کارگیری روش‌های تشویق و تنبیه

با استفاده از روش تشویق و تنبیه در محیط خانواده، مدرسه، دانشگاه، اداره و نهادهای کلان سیاسی و اقتصادی می‌توان گام‌هایی مؤثر در احیای فضائل اخلاقی برداشت. تشویق در لغت به معنای راغب ساختن، به شوق افکندن و آرزومند کردن است. و تنبیه نیز

به معنای آگاه کردن، بیدار کردن، ادب کردن آمده است (معین، ۱۳۶۲ ش: ج ۲، ۱۵۴). بنابراین اگر خانواده ها، مدارس و همه نهادهایی که به نوعی با افراد سروکار دارند این شیوه را سرلوحه کار خویش قرار دهند؛ بدین معنی که در برابر صفات و رفتارهای اخلاقی نیک و پسندیده فرزندان، دانش آموزان، دانشجویان کارمندان و بی تفاوت نباشد بلکه واکنش مثبت نشان دهند و رضایت خود را از رفتار مناسب او ابراز نمایند و همچنین در برابر عملکرد ناپسند آنها سکوت نکنند بلکه نارضایتی خود را نسبت به عمل نادرست او اعلام نمایند. تشویق سبب تقویت رفتارهای مثبت و نیک در جامعه می شود و در مقابل تنبیه سبب کاهش یا حذف کژی ها می شود، و بی تفاوتی نسبت به رفتارهای مثبت سبب خاموشی و تضعیف آنان، و نسبت به رفتارهای منفی سبب رشد و شیوع آن می گردد. از این رو امام علی (ع) خطاب به مالک اشتر می فرماید:

نیکوکار و بدکار نزد تو یکسان نباشند؛ زیرا این امر [یکسان انگاری] موجب ترک نیکوکاری خویان و تداوم بدکاری ناهلان خواهد شد. پس برای رعایت ادب، با هر کدام مطابق با احوال خودش برخورد کن (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۷۷، ۴۶).

زیرا اصلاح نیکان با اکرام آنان و اصلاح بدکاران با تأدیب آنان میسر می گردد (همان: ج ۷۸، ۲۴۵).

تشویق و تنبیه انواع گوناگونی دارند که با توجه به شرایط، سن، سطح علمی، شغلی، فهم و درک و بسته به اهمیت عملی که فرد انجام داده، اعمال می شود، یعنی گاهی از توجه عاطفی مثل نگاه محبت آمیز، لبخند زدن، مهربانی کردن، تکان دادن سر به نشانه تأیید رفتار او استفاده می شود، گاهی نیز از تشویق و تنبیه زبانی مثل تشکر و قدردانی یا سرزنش، تعریف و تمجید یا نکوهش و توبیخ و... مدد گرفته می شود و گاه نیز باید از تشویق عملی مثل جایزه، هدیه، نمره، اضافه حقوق، اردو، سفرهای زیارتی و سیاحتی، بن کالا و... می توان استفاده کرد (زینهاری، ۱۳۷۱ ش: ۳۶).

تشویق به هر نحوی که صورت پذیرد علاوه بر این که سبب رشد فضائل می شود. خود نوعی تنبیه برای افرادی که اعمال ناشایست انجام می دهند محسوب می شود چرا که میان آنها و افراد شایسته تفاوت قائل شده اند و شاهدند که دیگران مورد توجه و احترام قرار می گیرند ولی کسی به اینها توجه نمی کنند و خود این مسئله می تواند آنها را ترغیب به انجام فضائل و ترک رذائل نماید.

ایجاد محیط تربیتی مساعد

تربیت دینی و اخلاقی فرزندان از وظایف والدین است و یکی از عوامل مؤثر در تربیت اخلاقی و گسترش فضائل فراهم کردن محیط مناسب برای رشد اخلاقی است. زیرا شرایط محیطی که فرد در آن زندگی می‌کند اعمال، رفتار تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ یعنی اگر محیط مناسب، سالم و مساعد برای تربیت باشد سبب رشد فضائل و اخلاق پسندیده در فردی شود و اگر محیط فاسد و آلوده باشد رذائل و اخلاق ناپسند در فرد رشد می‌کند.

خانواده اولین نهادی است که فرد در آن قرار می‌گیرد و رشد و تکامل می‌یابد. پس اولین محیطی که کودک در آن قرار می‌گیرد خانواده است لذا خانواده‌ها باید محیط خانه را به یک محیط امن، آرامش بخش، دینی و اخلاقی تبدیل نمایند و نیز والدین خود را ملزم به رعایت مسائل اخلاقی نمایند و از هر گونه تشویش، اضطراب، بروز رذائل و خصلت‌های زشت دوری بجویند، چراکه همه این امور بر تربیت فرزندان تأثیر سوء می‌گذارند. خانواده برای تربیت فرزندان براساس موازین اخلاقی باید امور متعددی را مدنظر داشته باشند چراکه عناصر مختلفی در فراهم ساختن محیط مناسب تربیت دخیل هستند که عبارتند از:

الف) نام نیک بر فرزندان نهادن، چراکه نام نیک و شایسته سبب گرایش فرد به سوی خوبی‌ها و نیکی‌ها می‌شود و نام بد و زشت فرد را به سوی فرومایگی و پستی سوق می‌دهد.

ب) انتخاب محل مناسب برای زندگی، کار، تحصیل، ورزش، تفریح و... چون محل زندگی مذهبی و دینی افراد را متمایل به سوی خوبی‌ها می‌کند و محل زندگی نامناسب و فاسد زمینه بروز ناهنجاری‌ها را افزایش می‌دهد.

ج) ازدواج درست و صحیح، به خانواده ما توصیه شده که از خانواده‌های نجیب، باصالت، هم‌کفو و با اخلاق همسر بگیرید و از انتخاب همسری که در خانواده‌های غیردینی، ناهنجار پرورش یافته‌اند پرهیز نمایند.

بنابراین فراهم شدن محیط عاری از هرگونه رذیله و انحراف می‌تواند کمک شایانی به گسترش فضائل در جامعه نماید و هرچه بین محیط‌های تربیتی مثل خانواده، اجتماع هماهنگی بیشتری باشد چون تعارض هنجارها در آن کم است تربیت اخلاقی افراد راحت‌تر است و رفتارهای پسندیده موجود استحکام می‌یابند. که بسیجیان و پایگاه‌های بسیج هر محل می‌توانند نقش مهمی در فراهم کردن محیط سالم باشند آنها می‌توانند با برنامه‌های فرهنگی محلیه خود را مزین با آداب اخلاقی کرده و با تربیت و ارشاد دختران و پسران و مادران

محلیه، محله‌ای امن و پاک را بسازند.

بصیرت‌افزایی

بصیرت در لغت به معنای دانایی، بینایی، بینایی دل، هوشیاری، زیرکی و یقین است (معین، ۱۳۶۲ ش: ج ۱، ۵۴۶) و در اصطلاح عرفانی و فلسفی، قوه قلبی یا نیروی باطنی که به خوی قدسی روشن گردیده است و از پرتو آن، صاحب بصیرت حقایق و بواطن اشیاء را می‌داند و بصیرت به مثابه چشم برای نفس آدمی است (جمعی از محققان، ۱۳۶۰ ش: ج ۳، ۲۷۱).

به بیان ساده‌تر می‌توان بصیرت را چنین تعریف کرد؛ بصیرت، بیداری و هوشیاری در برخورد با حوادث و پدیده‌های بیرونی و برخورداری از قوه تجزیه و تحلیل مسائل و زمان‌شناسی و برخورد واقع‌بینانه با آن است.

رشد و تقویت بصیرت در افراد سبب می‌شود که افراد نسبت مسائل اطراف خود، فرهنگ، عقاید، فضائل و رذائل اخلاقی، اظهارنظرهای گوناگون افراد، رفتارهای دشمن و همچنین برنامه‌ها و اهداف آنان، بی‌تفاوت نباشد بلکه با فهم و درک روشن خود آنها را رصد می‌کنند و به همه چیز توجه دارند. مثلاً بصیرت در زمینه اخلاق، توانایی انسان را در تشخیص ارزش‌ها و ضدارزش‌ها بالا می‌برد، با آگاهی کامل و درست فضائل را می‌پذیرند به آن پای بند هستند و در پناه شناخت درست رذائل و مفساد آنها، از آنها دوری می‌کنند و از یک نوع ثبات و پایداری برخوردارند و کمتر نوسان اخلاقی در آنها مشاهده می‌شود.

انسان‌های بصیر در برابر حوادث و پدیده‌ها عجولانه و سطحی عمل نمی‌کنند بلکه از روی تدبیر و اندیشه قدم در عرصه می‌گذارند، با نگاه دقیق و موشکافه مسائل مورد را می‌سنجند و نگاه آگاهانه و علمی دارند و از توجه عامیانه و سطحی به دور هستند. امام علی (ع) می‌فرماید:

فانما البصیر من سمع فتفکر و نظر فابصر؛

بصیر آن کسی است که بشنود، گوش خود را بر صداها نبندد و وقتی شنید بیندیشد (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان استان قم، ۱۳۸۹/۸/۴).

در سایه بصیرت، حق و باطل، درست و نادرست، ظالم و مظلوم، ارزش و ضدارزش، مهاجم و غیرمهاجم و فرهنگ خودی و غیرخودی، به خوبی روشن و شناخته می‌شوند از این رو نگاه و

فکر انسان‌های بصیر به سوی خوبی‌ها متمایل و از بدی‌ها دور گریزان می‌شوند، علاوه بر این دیگران را نیز به خوبی‌ها ترغیب و از بدی‌ها منع می‌کنند، درصدد شناخت عیب‌های خود می‌آیند و با تمام توان اعضا و جوارح، فکر و اندیشه، توان و استعداد خود را در مسیر کسب فضائل اخلاقی به کار می‌گیرند و در حیطة پای بندی به ارزش‌ها ثابت قدم می‌مانند. و راه هرگونه نفوذ رذائل را بر خود می‌بندند.

اما عوامل زیادی در ایجاد و افزایش بصیرت دخالت دارند و کمک‌کننده هستند که با به کارگیری آنها می‌توان شاهد رشد فضائل اخلاقی در جامعه بود که عبارتند از:

الف) تقوا: زیرا خداوند فرمود:

﴿إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾ (انفال: ۲۹).

ب) ذکر و یاد خداوند: ذکر زبانی به قلبی و عملی موجب بصیرت می‌گردد؛ امام علی علیه السلام فرمودند:

هرکس به یاد خدا باشد، بینایی و بصیرت یابد (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶ ش: ج ۵، ۱۶۶).

ج) همنشینی با علماء: امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

اقامت کن نزد علما تا بینا گردی (همان: ج ۳، ۳۸۷).

د) عقلانیت و خردورزی در امور: این که انسان هر چیزی را که می‌شنود یا می‌بیند سریع نپذیرد بلکه پیرامون آن فکر و اندیشه نماید، جوانب آن را سنجید، منبع خبر را شناسایی و آن را بعد از گذراندن از فیلتر عقل و اندیشه‌اش بپذیرد یا رد نماید. چنین فردی بصیر است. زیرا آینده فکری و به کار بردن خرد در فرجام امور باعث بصیرت و بینایی می‌گردد (همان).

دشمن شناسی

دنیا عرصه تقابل حق و باطل است. و به حکم شناخت دشمن و آگاهی از موقعیت، قدرت و اهداف آن یک امر ضروری است. ملت مسلمان ایران که دارای حکومت اسلامی است نیز دشمنان بسیاری دارد و گاه و بیگاه از طریق نظامی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی وارد عمل می‌شوند تا بتوانند اهداف شوم خود را محقق کنند. لذا بر تمام مسلمانان واجب است که با همه توان در مسیر اقتدار و تعالی خود قدم بر دارند و با تمام قوا در برابر دشمن بایستند، تا بتوانند کلمه حق را بر بام جهان به اهتزاز درآورده و دشمن در جایگاه ضعف بنشانند.

دشمن کسی است که مسیر، هدف و او اسلامی نیست. امام خمینی رحمته الله علیه می‌فرماید:

برنامه ملت ما، برنامه طویل‌المدت، این است که همان‌گونه که در گذشته دشمن را شناختیم و از میدان رد کردید، حال هم دشمن را بشناسید و از میدان ردش کنید. زیرا (دشمن) ما فقط محمدرضا نبود، هرکس مسیرش، مسیر اسلام نباشد دشمن ماست (موسوی خمینی، ۱۳۷۸ ش: ج ۶، ۲۵۷).

دشمنان ایران بعد از شکست در عرصه نظامی بر علیه ایران، مسیر دشمنی خود را عوض نموده و از کانال فرهنگ در کشور ما نفوذ کردند. و برای رسیدن به خواسته‌های شوم و ظالمانه خود؛ آداب و رسوم، باورها، اعتقادات، ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی ما را نشانه گرفته‌اند تا با تخریب آنها بتواند فرهنگ نادرست و غیراسلامی خویش را بر ما تحمیل کنند.

اکنون که دشمن اسلام، انسانیت و تمام موجودیت ما را مورد هجمه قرار داده است. غفلت و سستی در برابر آنها عوارض سنگینی به بار می‌آورد که جبران ناپذیر است. پس لازم است از شناسایی دشمن غافل نباشیم بلکه باید دائما برنامه و اهداف آنان را پیش‌بینی کنیم و در برنامه‌ریزی ما همیشه جلوتر از دشمن باشیم و در واقع میدان ابتکار و عمل را در دست بگیریم و قبل از دشمن قدم برداشته و طرح‌ها و نقشه‌های آنان را در نطفه خفه کنیم (بیانات مقام معظم رهبری در حرم رضوی، ۱۳۹۲/۱/۱).

شناخت دشمن و اهداف او، که نابود کردن باورها و ارزش‌های اعتقادی و اخلاقی ماست سبب استقامت و پایداری ما در پای‌بندی به ارزش‌ها می‌شود. زیرا خود را لحظه به لحظه در میدان جهاد و مبارزه با دشمن می‌بینیم که باید با چنگ و دندان از داشته‌های خود محافظت و پاسداری نمائیم. و هرگونه غفلت، اعتماد بی‌جا به دشمن، ضعیف‌پنداشتن او، مساوی با نابودی تمام باورها، اصول و مبانی اعتقادی و اخلاقی است.

استفاده کامل، بهینه، دقیق و هدفمند از ظرفیت‌های رسانه‌های جمعی داخلی

یکی از ابزارهای مؤثر و مفید در احیای ارزش‌ها هستند زیرا «رسانه‌های جمعی» را در ردیف عوامل شخصیت‌ساز قرار داده‌اند و بر این باورند که رسانه‌های جمعی می‌توانند هنجارهای اجتماعی را تقویت یا تضعیف سازند (کوئن: ۱۳۷۲ ش: ۱۱۲) و به تعبیر ژان کازینو، وسایل ارتباط جمعی می‌توانند به تسطیح فرهنگی و یکسان شدن الگوها و اندیشه‌ها کمک شایانی بکنند (کازینو، بی تا: ۱۵۵).

روشن است که درجه تأثیر رسانه‌ها و نیز استقبال همگانی از آنها شدت و ضعف داشته، تابع متغیر رشد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه می‌باشد؛ چون پیشرفت دانش و فناوری سهم اصلی را در نحوه استفاده افراد یک جامعه از رسانه‌های همگانی دارد (فخار طوسی، ۱۳۸۱ش: ۳).

به هر روی، اصل تأثیر عمیق رسانه‌های جمعی قابل انکار نیست و این به خاطر وقت زیادی است که افراد صرف خواندن کتاب، مجله، روزنامه، تماشای برنامه‌های تلویزیون، گوش دادن به رادیو و رفتن به سینما می‌کنند، به گونه‌ای که جامعه‌شناسان هنگام بررسی آثار و پیامد تماشای تلویزیون در کشورهای صنعتی، متوجه شدند که این رسانه جمعی برای کودکان و نوجوانان ۳ تا ۱۶ سال چنان جاذبه‌ای دارد که میانگین وقتی را که آنها صرف تماشای تلویزیون می‌کنند، بیش از وقتی است که در کلاس درس می‌گذرانند (کوئن: ۱۳۷۲ش: ۱۱۲).

در میان اقشار جامعه، قشر کودک و نوجوان تحت تأثیر شدید رسانه‌ها، به ویژه تلویزیون، هستند و این امر از دو جهت قابل توجه است: نخست این که در زمانی وسایل ارتباط جمعی با انسان‌های بزرگ و بالغ برخورد می‌کنند که آنان دارای ذهنی پرداخته و ساخته شده هستند. از این رو، پیام‌ها کمتر می‌توانند در آنها رسوخ کنند؛ زیرا شخص از سازوکارهای دفاعی خاص خود برخوردار است. اما این امر در مورد کودکان مصداق ندارد؛ ذهن کودک، ساده و فاقد شبکه به هم پیوسته متشکل از اندیشه‌ها و باورهاست. هنوز ذهن کودک رموز تحلیل عقاید، سنجش و سپس پذیرش یا طرد منطقی آنان را بازنیافته است. بدین روی، کودکان بدون هیچ پناه یا حفاظی در برابر وسایل ارتباط جمعی قرار می‌گیرند و سخت تأثیر می‌پذیرند (ساروخانی، ۱۳۷۲ش: ۱۷۷) و دوم این که بنابر تأکید انسان‌شناسان و دانشمندان علوم اجتماعی، شخصیت افراد غالباً در سنین ۳ تا ۱۲ سالگی شکل گرفته، سپس در محیط اجتماعی بروز و ظهور می‌کند (جمعی از نویسندگان، بی‌تا: ج ۲، ۷۳).

با توجه به نکات یاد شده و این واقعیت که رسانه‌های جمعی در جهت تغییر و تضعیف ارزش‌ها و شکل‌گیری باورهای منفی نیز کارایی مؤثری دارد، پس لازم و ضروری است که از این فرصت و ظرفیت طلایی که رسانه‌ها دارند به نحو احسن استفاده نمائیم یعنی تمام برنامه‌ها، سریال‌ها، کارتن‌ها، مقالات و... همسو و همگام با ارزش‌های دینی و اخلاقی باشند؛ زیرا در صورت کم‌کاری و غفلت از این فرصت ارزشمند لطامات جبران‌ناپذیری را بر حوزه اخلاق وارد

می‌کند و سلامت اخلاقی گروه کثیری از جامعه را تحت شعاع قرار می‌دهد و به خطر می‌اندازد و انسان‌ها را از مسیر بندگی و تقرب الهی که هدف خلقت است باز می‌دارد.

نتیجه‌گیری

بی‌گمان جامعه‌ای که ارزش‌های اخلاقی در آن پررنگ باشد و اکثر افراد خود را مقید به آن بدانند، جامعه‌ای پیشرفته محسوب می‌شود و افراد در این جامعه به راحتی پله‌های قرب الهی را طی می‌کنند و خود و دیگران را به سعادت می‌رسانند. اما از آن جایی که در مسیر انجام دستورات الهی دشمن بیرونی و درونی به کمین نشسته است و مانع تهذیب و آراسته شدن افراد جامعه به اخلاقیات می‌شود و با ابزارهای گوناگون می‌کوشد که ارزش به ضدارزش و ضدارزش به ارزش تبدیل شود و به نوعی دگرگونی ارزش‌ها ایجاد شود. لذا لازم است برای رسیدن به کمال نهایی و قرب الهی افراد جامعه مجهز به اموری شوند که بتوانند برخی ارزش‌های رنگ باخته در جامعه فعلی خود را پررنگ نمایند و سایر ارزش‌های مورد توجه را حفظ نمایند که با کمک به کارگیری اصول و روش‌های زیر این مهم حاصل می‌شود:

- رشد و تقویت اعتقادات دینی فرد، او را در برابر ترفندهای دشمن درون و برون مصون می‌سازد و فرد دارای ایمان قوی بر مصمم بر اصول خود می‌ایستد و تحت هر شرایطی به ارزش‌ها پایبند می‌باشد.

- شناخت ارزش‌ها و معرفی آنها به افراد جامعه باعث شناخت کامل و دقیق ارزش‌ها می‌شود در نتیجه افراد آگاه و عالم کمتر دچار ناهنجاری‌های اخلاقی می‌شوند و در اکثر موارد افراد منحرف از مسیر اخلاقیات را به مسیر اصلی باز می‌گردانند.

- تجربه ثابت کرده است افرادی که از نیازهای اولیه برخوردار بوده‌اند کمتر از مسیر اخلاقیات خارج شده‌اند که این وظیفه مسئولان کشور را دوچندان می‌کند.

- امر به معروف و نهی از منکر یکی از موضوعات دینی است که در سایه این دو فریضه ارزش‌ها حفظ می‌شوند که ارتباط مستقیم با رشد مصالح و دفع مفاسد اجتماعی دارد.

- ارائه و معرفی الگوهای موفق یکی از شیوه‌های قرآنی برای دعوت به ارزش‌های اخلاقی است زیرا انسان فطرتا الگوظلب است و الگوها مسیر رشد اخلاقیات را هموار می‌کنند.

- به کارگیری روش‌های تشویق و تنبیه و بی‌تفاوت نبودن در برابر کارهای نیک و منفی افراد نقش به سزایی در ترویج ارزش‌ها دارد.

- تربیت افراد در محیط مساعد و مناسب، افراد را مقید به ارزش‌ها می‌نماید زیرا ارزش‌ها به تدریج در آنها ملکه می‌شود.

- بصیرت، بیداری و هوشیاری سبب می‌شود افراد جامعه با حوادث و پدیده‌های بیرونی و درونی که ارزش‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند انفعالی برخورد نکنند بلکه بعد از تجزیه و تحلیل برخوردی واقع‌بینانه و آگاهانه دارند.

- شناخت دشمن و اهداف آن یکی از دستورات قرآن است که به افراد می‌آموزد در برابر دشمن مدبرانه عمل کنند.

- شکی نیست که استفاده بهینه و هدفمند از ظرفیت‌های رسانه‌های جمعی و همسو بودن تولیدات آنها با آموزه‌های دینی و اخلاقی تأثیر شگرفی در همگانی شدن ارزش‌ها دارد.

منابع

قرآن کریم

۱. ابراهیم، مصطفی و دیگران (بی‌تا)، *معجم الوسیط*، استانبول: دارالدعوه.
۲. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین (۱۳۶۶ش)، *شرح بر غرر الحکم و درر الکلم*، ترجمه: جلال الدین حسینی ارموی محدث، تهران: دانشگاه تهران.
۳. بیرو، آلن (۱۳۶۷ش)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
۴. جاناناتان اچ، ترنر (۱۳۷۸ش)، *مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی*، ترجمه: فولادی و بختیاری، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه‌الله علیه.
۵. جمعی از محققان (۱۳۶۰ش)، *دائرة المعارف تشیع*، تهران: حکمت.
۶. جمعی از نویسندگان (بی‌تا)، *زمینه روان‌شناسی*، ترجمه: سعید شاملو و دیگران، تهران: رشد.
۷. دشتی، محمد (۱۳۷۹ش)، *نهج البلاغه*، قم: نسیم حیات.
۸. دیلمی، احمد؛ آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۶ش)، *اخلاق اسلامی*، قم: دفتر نشر معارف.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی‌تا)، *مفردات*، ترجمه و تحقیق: غلامرضا خسروی، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۱۰. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸ش)، *وسایل ارتباط جمعی و تغییر ارزش‌های اجتماعی*، تهران: نشر گروس.
۱۱. زینهاری، مهری (۱۳۷۱ش)، «نقش تشویق و تنبیه در تربیت کودک»، *ماه‌نامه پیام زن*، شماره

۷.

۱۲. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰ش)، *درآمدی بر دائرة المعارف علوم اجتماعی*، تهران: کیهان.
۱۳. ساروخانی، باقر (۱۳۷۲ش)، *جامعه‌شناسی ارتباطات*، تهران: اطلاعات.
۱۴. فخار طوسی، جواد (۱۳۸۱ش)، *امام خمینی و رسانه‌های گروهی*، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله علیه.
۱۵. فرانکنا، ویلیام کی (۱۳۷۶ش)، *فلسفه اخلاق*، ترجمه: هادی صادقی، قم: طه.
۱۶. کازینو، ژان (بی‌تا)، *جامعه‌شناسی و سایل ارتباط جمعی*، ترجمه: باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، تهران: اطلاعات.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵ش)، *اصول کافی*، ترجمه: محمد باقر کمره‌ای، قم: اسوه.
۱۸. کوئن، بروس (۱۳۷۲ش)، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه: فاضل توسلی، تهران: سمت.
۱۹. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، ترجمه: جمعی از محققان، بیروت: دار احیا التراث العربی.
۲۰. محسنیان راد، مهدی (۱۳۷۵ش)، *انقلاب، مطبوعات و ورزش‌ها*، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۲۱. محمدی ری شهری، محمد (بی‌تا)، *میزان الحکمة*، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم: دارالحديث.
۲۲. مسکویه، ابوعلی (۱۳۷۵ش)، *کیمیای سعادت*، ترجمه: میرزا ابوطالب زنجانی، تصحیح: ابوالقاسم امامی، تهران: نقطه.
۲۳. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۲ش)، *جامعه و تاریخ*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۴. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۳ش)، *دروس فلسفه اخلاق/اسلامی*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۵. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۴ش)، *فلسفه اخلاق*، ترجمه: امیرحسین شریفی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه.
۲۶. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۱ش)، *اخلاق در قرآن*، ترجمه: محمد حسین اسکندری، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه.
۲۷. مطهری، مرتضی (۱۳۵۸ش)، *نقدی بر مارکسیسم*، تهران: صدرا.
۲۸. معین، محمد (۱۳۶۲ش)، *فرهنگ فارسی*، تهران: امیرکبیر.

۲۹. ملوین، فلور و دیگران (۱۳۷۰ش)، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه: حمید خضر نجات، بی‌جا: دانشگاه شیراز.
۳۰. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸ش)، *صحیفه نور*، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله علیه.
۳۱. نوری، حسین (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، تحقیق: مؤسسه آل‌البیت، قم: مؤسسه آل‌البیت.
۳۲. وفایی، اعظم (۱۳۹۰ش)، *صدف عفاف*، تهران: کانون اندیشه جوان.



ISSN: 2423 - 7655



Pajoheshha- e Mahdavi

A Research Quarterly in Mahdaviyyat
Thirteenth year, No 50, summer 2024

Youth and their role in seeking justice, with emphasis on the Supreme Leader's strategies

Kainat Zardari¹

Zahra Ziaei²

Dr. Sedighe Mohammadi³

Abstract

Justice is one of the important issues in the Supreme Leader's thought. He has listed strategies for realizing justice, the study of which leads to the role of youth in advancing the goals of justice. The present study was developed with the aim of examining youth and their role in seeking justice, emphasizing the strategies of the Supreme Leader. According to the leadership's perspective, youth, with their pragmatism, tireless spirit, fearlessness, idealism, and connection with Mahdism, play a significant role in realizing justice. The data for this study were obtained using the Supreme Leader's statements on the website www.khamenei.ir, and the method of content analysis and coding was used to explain this issue. The findings of this study are a total of 46 basic themes and 9 organizing themes. Based on the analyses conducted, this figure was reduced to 32 basic themes and 4 organizing themes. Based on the studies conducted in the statements of His Highness, in order to enjoy justice, a component is needed, which is: the difficulty of implementing justice in practice, the continuity of justice and tirelessness, the absence of fear and despair in the difficult implementation of justice, and justice and Mahdism. After analyzing the aforementioned components, it is clear that these components correspond to four characteristics that are found only in youth, and youth are the most targeted members in realizing the implementation of justice policy. From all the statements of the Supreme Leader, it can be concluded that to have a dynamic, dynamic and constructive society, all elements of which end in justice, it is useful to use the power of youth. Of course, this does not mean the complete independence of youth in establishing justice, but all these factors, along with the use of the statements of elders and the study and research of the works of researchers, this is possible and feasible

Keywords: Youth, Justice, Supreme Leader, Strategies

1. Master's degree at Bent Al-Huda Higher Education Complex (Responsible Author)

2. Doctorate in Islamic Theology, Bint Al-Huda Higher Education Complex

3. Assistant Professor of Education, Al-Mustafa International University

جوانان و نقش عدالت خواهی آنان با تأکید بر راهبردهای مقام معظم رهبری

کائنات زرداری^۱

زهرایایی^۲

صدیقه محمدی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۸

چکیده

عدالت یکی از مسائل مهم در اندیشه مقام معظم رهبری است. ایشان راهبردهایی را برای تحقق عدالت برشمرده اند که مطالعه پیرامون آنها، به نقش جوانان در پیشبرد اهداف عدالت منتهی می شود. پژوهش حاضر، با هدف بررسی جوانان و نقش آنها در عدالت خواهی با تأکید بر راهبردهای مقام معظم رهبری تدوین شده است. براساس دیدگاه رهبری جوانان با برخورداری از مولفه های عمل گرایی، روحیه خستگی ناپذیری، عدم ترس و آرمان گرایی و پیوند با مهدویت، نقش به سزایی در تحقق عدالت دارند. داده های این تحقیق با استفاده از بیانات مقام معظم رهبری در سایت www.khamenei.ir به دست آمده است و با استفاده از روش تحلیل مضمون و کدگذاری به تبیین این مسئله پرداخته است. یافته های این پژوهش مجموعاً ۴۶ مضمون پایه و ۹ مضمون سازمان دهنده است. براساس تحلیل های انجام شده این آمار به ۳۲ مضمون پایه و ۴ مضمون سازمان دهنده کاهش یافت. براساس بررسی های انجام گرفته در بیانات معظم له، برای برخورداری از عدالت نیاز به مولفه است که عبارت است از: سخت بودن اجرای عدالت در عرصه عمل، مستمر بودن عدالت و خستگی ناپذیری، عدم ترس و ناامیدی در اجرای سخت عدالت و عدالت و مهدویت است. پس از تحلیل مولفه های مذکور مشخص می شود که این مولفه های منطبق بر چهار ویژگی است که فقط در جوانان یافت می شود و جوانان بیشترین عضو هدف در تحقق اجرای سیاست عدالت هستند. از مجموع بیانات مقام معظم رهبری نتیجه می شود که برای داشتن جامعه ای پویا و سرشار

۱. کارشناسی ارشد مجتمع آموزش عالی بنت الهدی (نویسنده مسئول).

۲. دانشجوی دکتری کلام اسلامی مجتمع آموزش عالی بنت الهدی.

۳. استادیار معارف جامعة المصطفی العالمیه.

از تحرک و سازنده که تمام عناصر آن ختم به عدالت می‌شود، استفاده از نیروی جوانان تا چه اندازه مفید است البته این امر به معنای استقلال همه جانبه جوانان در برقراری عدالت نیست بلکه تمام این عوامل در کنار بهره‌گیری از بیانات بزرگان و مطالعه و تحقیق آثار محققین، این امر میسر و شدنی است.

واژگان کلیدی

جوان، عدالت‌خواهی، مقام معظم رهبری، راهبردها.

مقدمه

اولین خواسته و نیاز فطری بشر در طول تاریخ، عدالت بوده است. در آموزه‌های وحیانی نیز به طرق مختلفی این موضوع مورد توجه قرار گرفته به طوری که در قرآن کریم برقراری عدل و قسط در جامعه هدف نهایی بعثت انبیاء بیان گشته است:

﴿لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط﴾ (حدید:

۲۵).

در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز خلقت تکوینی عالم و برقراری آسمان و زمین به واسطه قسط عنوان شده:

بالعدل قامت السموات و الارض (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۳ق: ج ۴، ۱۰۳).

اهمیت این مسئله به اندازه‌ای است که یکی از ثمرات ظهور منجی عالم بشریت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برقراری عدالت جهانی برشمرده شده و حکومت ایشان به حکومت بر مبنای عدل و وعده عدل جهانی و همه جانبه معروف شده است:

یلا الله به الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً (صدوق، ۱۴۰۵ق: ۳۷۷).

در قرآن کریم عدالت اصل و مبدأ هستی بوده و خلقت بر پایه عدالت صورت گرفته است؛ یعنی هستی براساس آن به وجود آمده است:

﴿وقت کلمه ربک صدقا و عدلاً لا مبدل کلماته﴾ (انعام: ۱۱۵).

یعنی والاترین هدف خلقت جهان و بشریت، رسیدن به عدالت و تحقق آن در جامعه و نفوس انسان‌ها معرفی شده است. بنابراین در جامعه انسانی، همه در جستجوی عدالت هستند این جستجو عمدتاً سوی مطالبه دارد و در نتیجه این سؤال پیش می‌آید که چه کسی باید عدالت را اعطا کرده و بسط دهد؟ عامل یا فاعل بسط عدالت چه کسی یا چه نهادی است؟ پیش از پاسخ به این پرسش باید معنای عدالت را از نظر لغوی و اصطلاحی بررسی

کنیم. عدالت در لغت به معنای مساوی و برابری (راغب، ۱۳۸۳ ش: ۳۲۵؛ احمدبن فارس، ۱۴۰۴ ق: ج ۴، ۲۴۶) و گاهی به معنای موزون بودن معنا شده است (ابن منظور، بی‌تا: ج ۱۱، ۴۱۴) برخی نیز آن را به معنای القصد فی الامور یعنی میانه روی در امور معنا می‌کنند (فیومی، ۱۴۲۰ ق: ۲۰۶) ابن منظور می‌گوید؛ عدل هر آن چیزی است که فطرت انسان حکم به استقامت و درستی آن نماید. در اصطلاح به چهار معنای؛ موزون بودن، تساوی و رفع تبعیض، رعایت حقوق افراد و عطا کردن به هر ذی حق، حق او را و رعایت استحقاق‌ها در افاضه وجود و امتناع نکردن از افاضه و رحمت به آنچه امکان وجود یا کمال وجود دارد، معنا شده است (مطهری، ۱۳۹۵ ش: ۵۰-۵۸). براساس تعاریف بیان شده، عدالت یک مفهوم گسترده است که شامل عدالت فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... را در بر می‌گیرد و شامل ابعاد معنوی و مادی انسان می‌گردد. این عدالت تبعا از جنس عدالت مهدوی است و مقام معظم رهبری آن را این‌گونه ترسیم می‌کند:

برقراری عدالت هدف بعثت پیامبران و آرمان اسلام و ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه است و یکی از شعارهای قدیمی اسلام است (بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۷/۲۳).

ایشان همچنین با توجه به حساسیت و اهمیت موضوع عدالت و عدالت‌خواهی، در سال‌های مختلف از ابتدای رهبری‌شان تاکنون سعی در هدایت افکار عمومی و جهت‌دهی درست به مسئولین، نخبگان و عموم مردم در این موضوع داشته‌اند. از این رو، برای همگان و مخصوصا قشر جوانان که بیش از سایر اقشار هم حقیقتا دغدغه عدالت دارند و هم خود را ملتزم به منویات رهبر انقلاب می‌دانند بسیار ضروری است که به آراء ایشان در این مورد مراجعه نمایند تا تکلیف و وظیفه‌شان را بهتر بشناسند و در دام اشتباهات و غلط‌کاری‌ها نیفتند. به اعتقاد معظم له، شناخت افراط‌ها و تفریط‌ها و مشخص کردن نسبت جوانان با این جریانات و بررسی میزان تطابق رفتار آنها با عدالت‌خواهی حقیقی و همچنین فهم وظیفه و تکلیف در این زمینه برای قشر جوان ضروری می‌باشد. از دیدگاه رهبری جوانان نقش بسیار مهمی در تحقق عدالت و بزرگ‌ترین گروه جمعیتی در کشور و مسئولان اداره جامعه در آینده محسوب می‌شوند از این رو، اهمیت خاصی برای پویایی جامعه دارند. بی‌شک جوانان یکی از اقشار اجتماعی هستند که به اقتضای عوامل مختلفی مانند استقلال‌خواهی، نوجویی و آرمان‌گرایی در فعالیت‌های عدالت‌خواهی انگیزه بالایی دارند.

جوان در زبان فارسی به معنای هر چیزی است که از عمر آن چندان نگذشته باشد (دهخدا،

۱۳۷۳ش: ج ۱۶، ۱۴۱) و سن آن را از ۱۸ تا ۳۵ سالگی نوشته‌اند (عمید، ۱۳۶۳ش: ج ۱، ۷۰۹) در زبان عربی از این واژه تعبیر به شاب و فتی شده است؛ اولی از ریشه شب به معنای شکوفایی و برخورداری از حرارت و دومی از ریشه فتی به معنای طراوت و شادابی (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹ش: ۱۳) در اصطلاح نیز جوان به کسی می‌گویند که بر پایه‌های ارزش‌مداری قرار گرفته است (صداقت، ۱۳۷۸ش: ۳۰) امام خامنه‌ای دربارهٔ جوانان می‌فرماید:

نقاط ستایش برانگیز جوانی، نیرو، قدرت، ابتکار و نشاط در وجود آنهاست... اینها بخشی از فهرست طولانی امتیازات جوانی است (بیانات رهبری در دیدار با جوانان استان اصفهان، ۱۳۷۷/۲/۷).

از این رو دست یافتن به چگونگی تحقق عدالت به دست جوانان براساس راهکارهای مقام معظم رهبری و ویژگی‌هایی که ایشان از جوانان برای تحقق این امر و زمینه‌سازی برای ظهور بیان فرمودند، امری ضروری است. در این مقاله به دنبال استخراج نظرات ایشان در باب راهکارهای عدالت‌خواهی و پیوند آن با جوانان هستیم تا تکلیف و وظیفه جوانان را برای عدالت‌خواهی واقعی و تحقق عدالت جهانی مشخص سازیم.

پیشینه پژوهش

در زمینه عدالت در اندیشه رهبری، تعدادی مقالات به چاپ رسیده است از جمله مقاله پورهاشمی با عنوان (مبانی نظری عدالت در اندیشه مقام معظم رهبری) است. وی در این مقاله شش مبنای نظری را برای عدالت از نگاه رهبری عنوان می‌کند از جمله، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، غایت‌شناسی، جامعه‌شناسی، ارزش‌شناسی و معرفت‌شناسی. سیدان نیز با روش اسنادی در مقاله‌ای با عنوان (ابعاد مختلف عدالت در اندیشه رهبری به اهمیت عدالت و جایگاه عدالت در نظام جمهوری اسلامی) پرداخته است. تراب‌زاده نیز در مقاله (ساختار کلی نظام فکری آیت‌الله خامنه‌ای در عرصه عدالت، جایگاه عدالت و ضرورت آن را در اندیشه رهبری) مورد کنکاش قرار داده است.

در مورد جوانان نیز مقالاتی نوشته شده است. رضا برنجکار و همکارانش در مقاله‌ای با عنوان (وظایف جوانان در جامعه منتظر به بحث جایگاه جوان در جامعه بعد از ظهور) پرداخته است. محمدرضا فاضلی در مقاله (تبیین الگوی جوان انقلابی در گام دوم انقلاب از دیدگاه مقام معظم رهبری)، به تحلیل آرای رهبری دربارهٔ جوانان پرداخته است.

پس از جمع‌بندی و مطالعه در پژوهش‌های فوق به این نتیجه می‌رسیم که پژوهش‌های مذکور در به طور کلی یا مسئله جوان را به تنهایی و بدون مباحث عدالت به بحث نشسته‌اند و یا این که عدالت را به تنهایی و در آرای رهبری مورد مطالعه قرار داده‌اند. و مسئله جوان و نقش آن در عدالت‌خواهی براساس راهبردهای رهبری مورد غفلت واقع شده است. از این رو این تحقیق یک کار نو و جدید به شمار می‌رود.

روش پژوهش

این مقاله تحقیقی کیفی و از نوع پژوهش کاربردی است. جمع‌آوری داده‌های پژوهش در این تحقیق براساس متن کاوی صورت گرفته است. بدین صورت که کلیدواژه‌هایی با بحث راهبردها و عدالت‌خواهی در پایگاه اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای به نشانی www.khamenei.ir از سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۸ جستجو کردیم از این طریق گزاره‌ها و سخنان رهبری در این موضوعات استخراج شده و به عنوان نقل قول و داده اولیه در نظر گرفته شدند. سپس کلیدواژه‌هایی با بحث جوانان و عدالت‌خواهی از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۷ جستجو شد. پس از طی فرایند تحلیل مضامین هر دو حیطه، ما به شبکه‌هایی از مفاهیم که دارای سطح‌بندی هستند رسیدیم. داده‌ها با روش تحلیل مضمون که یکی از روش‌های ساده و کارآمد تحلیل کیفی است، صورت گرفت. تحلیل مضمون به طور کلی روشی است برای دیدن متن، برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتب یا تحلیل اطلاعات کیفی و مشاهده مند شخص، تعامل، گروه و تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی (شیخ‌زاده، ۱۳۹۰: ش: ۱۵۳) این روش علاوه بر سازمان‌دهی داده‌ها در قالب جزئیات، جنبه‌های مختلف موضوعات را مورد پژوهش قرار داده و آن را تفسی می‌کند (کمالی، ۱۳۹۷: ش: ۱۹۱).

یافته‌های پژوهش

الف) تحلیل مضمون‌های پایه

در تحلیل مضمون پایه سعی شده است که راهبردهای مقام معظم رهبری برای تحقق عدالت و بیانات ایشان درباره جوانان و عدالت‌خواهی آنان، مقوله‌بندی شده و مورد تفسیر قرار گیرد. نمونه‌ای از کدها و مفاهیم عدالت‌خواهی جوانان و راهبردهای تحقق عدالت در جدول شماره ۱ ارائه می‌شود. برای این منظور مجموعه بیانات رهبری با دو کلیدواژه راهبردهای

عدالت و جوانان و عدالت استفاده شده است.

جدول شماره ۱

مضمون پایه	جملات
عدالت الهی هدف همه انبیاء و اولیاء	تکیه بر عدالت اساسی‌ترین و محوری‌ترین اصل یک حرکت الهی است ادامه کار همه انبیاء و مصلحان بزرگ تاریخ است. البته عدالت، دشمنانی دارد همه کسانی که نان‌شان در بی‌عدالتی است با عدالت دشمن‌اند. همه کسانی که با قلدری و زورگویی در صحنه ملی تغذیه می‌شوند با عدالت مخالفند
عدالت و مهدویت	عدالت برجسته‌ترین شعار مهدویت و زینت متقین است
عدالت و معنویت	هدف عدالت، تحقق زندگی اسلامی است
تحقق عدالت در سایه انقلاب اسلامی	هدف نهایی انقلاب، تکامل و قرب الهی، هدف پائین‌ترینش انسان‌سازی و هدف پائین‌تر از آن جامعه اسلامی است که استقرار عدالت و توحید و معنویت است
نقش جوانان در اجرای عدالت و مبارزه با ظلم	جوان طبیعتش عدالت‌طلبی و شانش همین است آرمان او ریشه‌کنی فساد درون و ملت‌تشنه عدالت است
خودسازی و تهذیب شرط اول برقراری عدالت	عدالت یک اصل است و نیازمند قاطعیت. عدالت با من بمیرم، تو بمیری درست نمی‌شود؛ عدالت با تعارف درست نمی‌شود اولاً قاطعیت می‌خواهد ثانیاً ارتباط با مردم می‌خواهد ثالثاً ساده‌زیستی و مردمی بودن لازم دارد و بالاتر از همه خودسازی و تهذیب می‌خواهد این جزو پیش‌شرط‌ها و پیش‌نیازهای اجرای عدالت است اول باید خودمان را درست کنیم و یک دستی به سر و صورت خودمان بکشیم تا بتوانیم عدالت را اجرا کنیم
داشتن قوانین درست و عادلانه برای تحقق عدالت	این‌که امیرالمؤمنین فرمودند ما رأیت نعمه موفوره الا و فی جانیه‌ها حق مضیع یعنی هر جا شما دیدید ثروت انباشته‌ای به وجود آمده، بدانید در کنارش حقوق ضایع شده فراوانی وجود دارد؛ مظهر اصلی و مصداق عمده اش همین است که کارگزاران و مسئولان حکومت، با استفاده از نفوذ و قدرت، راحت بتوانند از امکانات عمومی استفاده کنند... ناگهان ببینید کسانی که دست‌شان از مال دینا تا اندکی خالی بود، ثروت‌های گزاف پیدا کرده‌اند، ظاهراً کار هم قانونی است
حمایت از ضعفاء	امروز در جامعه ما برترین گام در راه استقرار عدل، رفع محرومیت از طبقات محروم و تهی‌دست و کم‌درآمد است
حمایت از ضعفا	آن اسلامی که طبقات مستضعف و محروم به آن امیدوار نشوند و دل ندهند، اسلام نیست... همه باید خود را موظف به مواساه کنند... مواساه یعنی هیچ خانواده‌ای از خانواده‌های مسلمان و هم‌میهن و محروم را با دردها و محرومیت‌ها و مشکلات خود تنها نگذاشتن؛ به سراغ آنها رفتن و دست‌کمک رسانی به سوی آنها دراز کردن
مقابله با فساد	مبارزه با فساد هم موجب می‌شود که افراد، دقت بیشتری بکنند هم موجب می‌شود که دست‌های خیانتکار بترسند و عقب بکشند
عدالت رکن نظام جمهوری اسلامی	عدالت شعار اصلی و هدف بزرگ انقلاب اسلامی نظام جمهوری اسلامی بوده و هست
جوانان و تحقق عدل گستره عدل	مبارزه با فقر و ایجاد رفاه عمومی را جزو مطالبات خود بدانند. امر به معروف و نهی از منکر هم جزو مهم‌ترین مسائلی هست که جوان‌ها باید به آن اهتمام کنند. همچنین در برابر فریب رسانه‌ها در واژه‌گونه جلوه دادن حقایق تسلیم نشوند

مضمون پایه	جملات
معنای درست عدالت	به نظر ما عدالت، کاهش فاصله طبقاتی است کاهش فاصله‌های جغرافیایی است. این طور نباشد که اگر منطقه‌ای در نقطه‌ای دور از مرکز کشور قرار گرفته است، دچار محرومیت باشد، اما آن جایی که نزدیک است، برخوردار نباشد. این عدالت نیست
نقش عدالت در ساختار اجتماعی	در همه برنامه‌های حکومت در قانون‌گذاری، در اجرا، در قضا باید عدالت اجتماعی و پر کردن شکاف‌های طبقاتی، مورد نظر و هدف باشد
تلاش برای عدالت و توزیع عادلانه ثروت و امکانات	عدالت یعنی امکاناتی که در کشور هست، عادلانه و عاقلانه تقسیم کنیم، نه عادلانه بی حساب و کتاب و سعی کنیم همین امکانات را بیشتر کنیم تا به همه بیشتر برسد؛ نه این که به قشر خاص و به دسته خاص برسد. بعضی‌ها می‌گویند عدالت یعنی توزیع فقر. نه خیر، کسانی که این بحث عدالت را می‌کنند، به هیچ وجه منظورشان توزیع فقر نیست، بلکه توزیع عادلانه امکانات موجود است
تلاش و خستگی‌ناپذیری	در نظام اسلامی، عدالت مبنای همه تصمیم‌گیری‌های اجرایی است و همه مسئولان نظام، از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی تا مسئولان بخش‌های مختلف اجرایی به خصوص رده‌های سیاست‌گذاری و کارشناسی و تا قضات و اجزای دستگاه قضایی، باید به جد و جهد با همه اخلاص، درصدد اجرای عدالت در جامعه باشند
رابطه عدالت و عقلانیت	عدالت باید با معنویت و عقلانیت همراه باشد وگرنه ضد عدالت است
ضرورت تحقق عدالت	مردم در دنیا به شدت تشنه عدالتند
اجرای عدالت نشانه جامعه توحیدی	جامعه‌ای که دارای طبقات است و تبعیضات اجتماعی و اقتصادی در آن جاری است، جامعه توحیدی نیست
نفی هرگونه وابستگی مادی و معنوی در اجرای عدالت	این حکم قاطع اسلامی است در زمینه نفی طبقات اجتماعی؛ گرمی‌ترین شما نزد خدا، باتقوا ترین است یعنی از یک طبقه بودن وابسته به خانواده‌ای بودن، وابسته به یک سلسله و تیره‌ای بودن، موجب گرمی تر بودن نیست... آنهایی که باتقواتر هستند، باز از امتیاز حقوقی بیشتری برخوردار نیستند
رابطه مهدویت و عدالت	مهدویت یعنی ایجاد یک جهان توحیدی براساس عدالت است
مهدویت و اعتقاد به عدالت	دوران ظهور حضرت مهدی دوران جامعه توحیدی و دوران حاکمیت حقیقی معنویت و دین بر سراسر زندگی انسان‌ها و دوران استقرار عدل به معنای جامع این کلمه است
	عالم‌ترین عالم‌ها و دانشمندترین دانشمندان را هم اگر مغز سیاسی و فهم سیاسی نداشته باشد، دشمن می‌تواند با یک آبنبات ترشی آن طرف ببرد، مجذوب خودش بکند و برای خودش قرار بدهد
استفاده از عقل در اجرای عدالت	عقلانیت مهم ترین ابزار و از شرایط عدالت است... عقلانیت منشاء تحول عظیم می‌شود
استفاده از ابزار منطق در تحقق عدالت	از چیزهایی که خیلی لازم است فهم کنونی کشور است که عدالت خواهی جزئی از واقعیت‌ها است با اعتدال و روش منطقی مسائل را دنبال کنید و حرکت شما با تدبیر باشد
دقت و سخت بودن اجرای عدالت	اگر بدون دقت و حزم وارد قضا شوید، بی‌گناهای لگدمال می‌شوند
داشتن مدیریت و اراده‌ای پیگیر	اجرای عدالت یک روح غنی، اراده قوی و قدم ثابت لازم دارد
عدالت و عزم راسخ	با تبیین و تکرار و عزم، هم پیشرفت حاصل می‌شود هم عدالت
ویژگی‌های عدالت طلبان	عدالت طلبان باید مدیرانی باشند مؤمن به این مبانی دارای تدبیر و عزم این راه طولانی است لذا

مضمون پایه	جملات
	سربازان عدالت باید خستگی ناپذیر باشند
قوانین عادلانه راه تحقق عدالت	شاخص عدل، عمل به قانون است. اگر عمل منطبق به قانون شد، عدالت است اگر از قانون انحراف پیدا کرد، بی‌عدالتی است
عدالت و قانون	قانون، سرنوشت جامعه، اساس زندگی جمعی و عدل، اقامه قانون است
عدالت به معنای تلاش و مبارزه با فساد	عدالت کاهش فاصله طبقاتی و جغرافیایی است حق‌گرایی توجه به حقوق آحاد مردم، جلوگیری از ویژه‌خواری، تجاوز و تعدی به حقوق مظلومان، کم کردن فاصله فقیر و غنی، مبارزه با فقر و تقسیم درست ثروت در کشور است
عدالت معنوی و مادی هدف عدالت در اسلام	عدالت یعنی حقوق انسانی و حدود الهی یکسان اجرا شود یعنی ریشه‌کنی جهل و استضعاف، برقراری منظومه ارزش‌های اسلامی، حمایت از مظلوم و مقابله با ظالم و توانایی بهره‌مندی همه از فرصت حرکت و پیشرفت... عدالت قیدی ندارد
تلاش و آمادگی برای اداره کشور تلاش علمی و عملی و کسب ایمان و معنویت در جوانان	آن چیزی که برای بنده امید بخش است وجود شما جوان‌هاست. جوان‌ها خودشان را آماده کنند از لحاظ عملی از عملی خودشان را آماده کنند فردا مملکت دست شماهاست بایستی ان شاء الله بتوانید این مملکت را به اوج برسانید و ان شاء الله این کار را خواهید کرد
جوان و داشتن اراده و عزم راسخ	نسل جوانی که ما امیدمان به آن دوخته‌ایم... بایستی پولادین، محکم، با عزم با بصیرت است
داشتن انگیزه در در جوانان داشتن ابتکار در جوانان داشتن مسئولیت جوانان به علت مبتکر بودن داشتن اعتماد به نفس	تاکید بنده روی جوان‌هاست... جوانی که با انگیزه است با ایمان است با خرد است قدردان توان خویش است اهل کار است اهل ابتکار است توکل به خدا دارد اعتماد به نفس دارد
لازمه خودسازی و تهذیب نفس جوانان	من به شما جوان‌ها عرض می‌کنم، که جوان‌ها خودسازی کنند. خود را آماده کنند از لحاظ روحی، از لحاظ جسمی و علمی
آمادگی و داشتن توانایی مدیریت جوانان	از لحاظ توانایی‌های مدیریتی کشور باید به دست جوان‌ها اداره بشود
جوانان و نقش آنان در آینده	شما مردم عزیز - به خصوص شما جوان‌ها - هرچه که در صلاح خود، در معرفت و اخلاق و رفتار و کسب صلاحیت‌ها در وجود خودتان بیشتر تلاش کنید این آینده را نزدیک‌تر خواهید کرد، اینها دست خود ماست اگر ما خودمان را به صلاح نزدیک کنیم، آن روز نزدیک خواهد شد
خودسازی و ضرورت آن در جوانان	سربازی منجی بزرگی که می‌خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین‌المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی و آگاهی و روشن‌بینی دارد
جوان و عدالت	شما امیرالمؤمنین را فقط به عنوان یک چهره دوران چهل ساله و پنجاه ساله و شصت ساله نبینید. درخشش آن حضرت در دوران جوانی، همان الگوی ماندگاری است که همه جوانان می‌توانند آن را سرمشق خودشان قرار دهند
جوان یعنی انرژی و خودسازی	اگر در یک جمله کوتاه از من بپرسند که شما از جوان چه می‌خواهید، به او خواهم گفت: تحصیل، تهذیب و ورزش

مضمون پایه	جملات
جوانان و نقش آفرینی آنها در تمام عرصه‌ها	از منظر دینی، جوان یک نقطه امید و یک نقطه شکوفایی هست. این نقطه امید و شکوفایی، در همه چیز هست؛ در مبارزات، در مجاهدات اجتماعی، در فعالیت‌هایی گوناگون جامعه و در مجاهدات شخصی و روحی و درونی
مرد عمل بودن جوانان	من اساساً در بین خصوصیات مهمی که جوانان دارند، سه خصوصیات را خیلی بارز می‌بینم... آن سه خصوصیات عبارت است از: انرژی، امید، ابتکار
التزام به عدالت در جوانان	از جوانان این انتظار وجود دارد که عدالت‌خواهی را از بین نبرند
اجرای عدالت توسط جوانان	عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از اینها است و چشم امید برای اجرای آن به شما جوانان است
جوانان و دادن مسئولیت به آنها	مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را زیر بار مسئولیت دهند
نقش پررنگ جوانان در عرصه سیاست	اگر حرکت انقلابی و قیام سیاسی باشد، جوانان جلوتر از دیگران در صحنه‌اند، اگر حرکت سازندگی یا حرکت فرهنگی باشد، باز جوانان جلوتر از دیگرانند و دست آنها کارآمدتر از دست دیگران است. حتی در حرکت انبیای الهی هم از جمله حرکت صدر اسلام محور حرکت و مرکز تلاش و تحرک، جوانان بودند
صبر و استقامت جوانان	ابزار حوصله مهم‌ترین بستر برای جوان است
جوان و پویایی	جوان در هر جامعه و کشوری، محور حرکت است
نظم، شرط حضور جوانان در عرصه	معتقدم که جوان مملکت‌بایستی در همه میدان‌ها حضور و آمادگی داشته باشد؛ منتها با انضباط

ب) جمع‌بندی مضمون‌ها و تدوین مضمون سازمان‌دهنده

از تحلیل مضمون‌های پایه در دو مقوله راهبردهای مقام معظم رهبری در تحقق عدالت و نقش جوانان در عدالت‌خواهی به تعدادی مضمون‌های سازمان‌دهنده می‌توان دست یافت. در جدول شماره ۲ نمونه‌هایی از این مضامین را می‌توان مشاهده کرد.

جدول شماره ۲

مضمون‌های پایه با محوریت راهبردهای رهبری برای تحقق عدالت	مضمون سازمان‌دهنده	
	جوانان	عدالت
مضمون‌های پایه با محوریت جوانان و نقش آنان در تحقق عدالت	جوان و اهل عمل بودن	سخت بودن اجرای عدالت در عرصه عمل
نفی هر گونه وابستگی مادی و معنوی در اجرای عدالت، عدالت و توزیع عادلانه ثروت و امکانات، عدالت الهی هدف همه	جوانان و آمادگی داشتن توان مدیریتی بالا در اداره کشور، جوان و عدالت، جوانان و نقش آفرینی آنها در تمام عرصه‌ها، مرد	

مضمون‌های پایه با محوریت راهبردهای رهبری برای تحقق عدالت	مضمون سازمان‌دهنده	
	عدالت	جوانان
انبیاء و اولیای الهی، حمایت از ضعفا و محرومین، عدالت رکن نظام جمهوری اسلامی، دقت و سخت بودن اجرای عدالت، قوانین عادلانه راه تحقق عدالت، عدالت به معنای تلاش و مبارزه با فساد، عدالت مادی و معنوی هدف عدالت در اسلام		عمل بودن جوانان، التزام به عدالت در جوانان، اجرای عدالت توسط جوانان، نقش پررنگ جوانان در عرصه سیاست، نظم شرط حضور جوانان در عرصه، جوانان و تحقق عدل
مقابله و تلاش برای مبارزه با فساد، نقش عدالت و پیگیری آن در تمام ساختار اجتماعی جامعه، تلاش و خستگی ناپذیری برای اجرای عدالت، تلاش برای تحقق جامعه توحیدی عدل محور، تلاش برای تحقق معنای درست عدالت، تلاش برای عدالت و توزیع عادلانه ثروت و امکانات، داشتن مدیریت و اراده‌ای پیگیر، عدالت و داشتن عزمی راسخ،	استمرار و خستگی ناپذیری در پیگیری آرمان عدالت	تلاشگری و روحیه خستگی ناپذیری جوانان
خودسازی و تهذیب نفس شرط اول برقراری عدالت، استفاده از عقل در اجرای عدالت، استفاده از ابزار منطق در تحقق عدالت، معنویت و عدالت، تحقق عدالت در سایه انقلاب اسلامی، رابطه عقلانیت و عدالت،	عدم ترس و ناامیدی و رعایت اخلاق در مسیر عدالت	عدم ترس و ناامیدی و آرمان‌گرایی جوانان
داشتن انگیزه در جوانان، داشتن اعتماد به نفس، لازمه خودسازی نفس جوانان		

مضمون‌های پایه با محوریت رهبری برای تحقق عدالت	مضمون سازمان‌دهنده		مضمون‌های پایه با محوریت جوانان و نقش آنان در تحقق عدالت
	عدالت	جوانان	
ضرورت تحقق عدالت، تلاش برای تحقق جامعه توحیدی عدل‌محور			
عدالت و مهدویت	امام زمان و نقش آن در عدالت‌محوری	جوان و مهدویت	جوانان و نقش آنان در آینده

تحلیل مؤلفه‌های چهارگانه (مضامین سازمان‌دهنده) نقش جوانان در عدالت‌خواهی با تأکید بر راهبردهای مقام معظم رهبری

۱. مؤلفه عمل‌گرایی در اجرای عدالت و نقش جوانان در آن

یکی از مؤلفه‌های اساسی در منظومه فکری مقام معظم رهبری عمل‌گرایی در اجرای عدالت است از نظر ایشان مبارزه با فقر، کاهش فاصله طبقاتی، برابری در فرصت‌ها و امکانات از مقدمات اصلی اجرای عدالت است که کار سختی به نظر می‌رسد. ایشان معتقدند که به نظر ما عدالت، کاهش فاصله طبقاتی است، کاهش فاصله‌های جغرافیایی است. این‌طور نباشد که اگر منطقه‌ای در نقطه‌ای دور از مرکز کشور قرار گرفته است، دچار محرومیت باشد، اما آن جایی که نزدیک است، برخوردار باشد، این عدالت نیست (سایت رهبری، ۱۳۸۸/۱/۱). سختی این کار از نگاه ایشان به خاطر این است که تشکیل حکومت اسلامی کار سختی است از نظر وی برپایی عدالت مشروط به تلاش برای تشکیل حکومت اسلامی است و تنها از این مسیر می‌توان شاهد عدالت باشیم؛ هدف نظام‌سازی، هدف تمدن‌ها و هدف حرکت بشر، در محیط جامعه عدالت است (سایت رهبری، ۱۳۹۰/۲/۲۷). این نگاه بیانگر تلاش و کوشش مضاعف برای تشکیل حکومت اسلامی و اجرای عدالت است که قدرت و توان زیادی را می‌خواهد. آیت‌الله خامنه‌ای در این خصوص صرفاً به مباحث نظری در خصوص عدالت کفایت نکرده است و از مسئولان نظام می‌خواهد تا به استقرار عملی عدالت بپردازد. ایشان معتقدند که در نظام اسلامی عدالت مبنای همه تصمیمات اجرایی است و همه مسئولین نظام از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی تا مسئولان بخش‌های مختلف اجرایی به خصوص رده‌های سیاست‌گذاری و کارشناسی و تا قضات و اجزای دستگاه قضایی باید به جد و با همه اخلاص درصدد اجرای عدالت در جامعه باشند (سایت رهبری، ۱۳۷۰/۳/۱۳). معظم له همچنین

برقراری عدالت و اجرای آن را هدف بعثت نهایی پیامبران و آرمان اسلام و ظهور امام زمان عنوان کرده و اعتقاد دارد که این کار شدنی اما، بسیار سخت است. ایشان همواره جوانان و مخصوصاً قشر دانشجویان را دغدغه‌مند در اجرای عدالت در جامعه معرفی کرده است و آنان را به اندیشیدن، کار و تحقیق برای اجرای عدالت تشویق کرده است.

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به کارآمدی جوانان در تحقق عدالت و عدالت‌طلبی، آنان را بهترین گزینه برای مقابله و تلاش برای مبارزه با فساد در کشور معرفی کرده و با توجه به نقش عدالت و پیگیری آن در تمام ساختار اجتماعی جامعه و تلاش و خستگی‌ناپذیری جوانان برای اجرای عدالت، سخت بودن عدالت را در مرحله عملیاتی آن کاری سهل‌الوصول قلمداد می‌کنند. ایشان با خاطر نشان ساختن این‌که تمام تلاش جمهوری اسلامی برپایی نظام توحیدی بر مبنای عدل است، خطاب به جوانان می‌فرمایند جوانان به دلیل آن‌که دارای عزم و اراده‌ای راسخ هستند ضمن آن‌که از عهده مدیریت جامعه به خوبی بر می‌آیند می‌توانند در تحقق عدالت و توزیع عادلانه ثروت و امکانات سربلند و پیروز و موفق باشند.

جدول شماره ۳

مضمون‌های پایه با محوریت جوانان و نقش آنان در تحقق عدالت	مضمون سازمان‌دهنده		مضمون‌های پایه با محوریت راهبردهای رهبری برای تحقق عدالت
	جوانان	عدالت	
جوانان و آمادگی داشتن توان مدیریتی بالا در اداره کشور، جوان و عدالت، جوانان و نقش‌آفرینی آنها در تمام عرصه‌ها، مرد عمل بودن جوانان، التزام به عدالت در جوانان، اجرای عدالت توسط جوانان، نقش پررنگ جوانان در عرصه سیاست، نظم شرط حضور جوانان در عرصه، جوانان و تحقق عدل	جوان و اهل عمل بودن	سخت بودن اجرای عدالت در عرصه عمل	نفی هر گونه وابستگی مادی و معنوی در اجرای عدالت، عدالت و توزیع عادلانه ثروت و امکانات، عدالت الهی هدف همه انبیاء و اولیای الهی، حمایت از ضعفا و محرومین، عدالت رکن نظام جمهوری اسلامی، دقت و سخت بودن اجرای عدالت، قوانین عادلانه راه تحقق عدالت، عدالت به معنای تلاش و مبارزه با فساد، عدالت مادی و معنوی هدف عدالت در اسلام

۲. مؤلفه استمرار و خستگی ناپذیری در پیگیری آرمان عدالت و نقش جوانان در آن

در اندیشه آیت الله خامنه ای مقابله و تلاش برای مبارزه با فساد و برقراری عدالت موضوع درجه اول است که در مقابل دیگر ارزش ها از اعتبار بالایی برخوردار است. ضمن آن که نسبت به مسائل دیگر کشور اولویت دارد. نباید اجازه دارد که نقش عدالت و پیگیری آن در تمام ساختار اجتماعی جامعه مورد تضعیف و یا فراموش شود (۱) در نگاه ایشان پیشرفت های یک کشور در عرصه های مختلف در صورتی ارزشمند است که به تحقق عدالت کمک کند از این رو، اجرای عدالت، تلاش و روحیه ای خستگی ناپذیری را می طلبد. این امر محقق نمی شود مگر از طریق معنویت؛ چرا که در صورت فقدان معنویت و جداسازی آن از بحث عدالت، شعار عدالت خواهی و عدالت از مسیر اصلی خود منحرف می گردد و به یک امر اجباری و تحمیلی مبدل می گردد (۲) ایشان همچنین معتقد است که اگر عدالت پشتوانه اعتقادی نداشته باشد، علاوه بر این که تلاش ها برای عدالت و توزیع عادلانه ثروت و امکانات بی ثمر می ماند، زمینه تربیت افراد بی عدالت و ظلم پرور نیز در جامعه بیشتر می شود. بدین منظور، رهبر انقلاب به ظرفیت ها و خصوصیات جوانان برای پیشرفت و تحقق عدالت در جامعه اشاره کرده و می فرماید عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از اینهاست و چشم امید برای اجرای آن به شما جوان هاست (بیانات رهبری، ۱۳۹۷/۱۱/۲۴). از نظر ایشان جوانان به دلیل تلاش و پشتکاری که دارند، مهم ترین گزینه برای اداره کشور به شمار می روند در این خصوص خطاب به جوانان کرده و آنان را به مطالعات نظری در حوزه عدالت و عدالت خواهی و مراجعه به بیانات امام راحل رحمته الله علیه و کتاب های شهید مطهری توصیه می کند (۳) رهبر انقلاب لازمه تحول در اجرای عدالت را در تلاش عملی و عملی و کسب ایمان و معنویت در جوانان، عنوان کرده است. در نظر ایشان، جوانان دارای اراده و عزم راسخی هستند که تنها از مسیر آنان میشود به مطالبه گری در عدالت دست یافت. از آن جایی که جوانان اهل ابتکار، پرانرژی و صبور هستند می توانند به تبیین عدالت در ابعاد کلان و وسیع بپردازند و علاوه بر آن که گفتمان عدالت را عمومی و همه گیر سازند، جامعه و مسئولین را در جهت اجرای عدالت حرکت و سمت و سو دهند. حضرت آیت الله خامنه ای همچنین از جوانان خواستند تا برای اجرا و تحقق عدالت جوانان مسئولیت کشور را به عهده بگیرند و فرمودند که دنباله مسیر عدالت به دشواری گذشته نیست باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار جوانان صورت بگیرد. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان فعال، فعالان جوان، در تمام عرصه ها باید شانه خود را زیر بار مسئولیت دهند و از تجربه ها و عبرت های گذشته بهره

جدول شماره ۴

مقابله و تلاش برای مبارزه با فساد، نقش عدالت و پیگیری آن در تمام ساختار اجتماعی جامعه، تلاش و خستگی ناپذیری برای اجرای عدالت، تلاش برای تحقق جامعه توحیدی عدل محور، تلاش برای تحقق معنای درست عدالت، تلاش برای عدالت و توزیع عادلانه ثروت و امکانات، داشتن مدیریت و اراده‌ای پیگیر، عدالت و داشتن عزمی راسخ	استمرار و خستگی ناپذیری در پیگیری آرمان عدالت	تلاشگری و روحیه خستگی ناپذیری جوانان	تلاش و آمادگی برای اداره کشور، تلاش عملی و عملی و کسب ایمان و معنویت در جوانان، جوان و داشتن اراده و عزم راسخ، داشتن ابتکار در جوانان، داشتن مسئولیت به علت مبتکر بودن، جوان یعنی انرژی و خودسازی، صبر و استقامت جوانان، جوان و پویایی، ویژگی‌های عدالت طلبان
---	---	--------------------------------------	---

۳. مؤلفه عدم ترس و ناامیدی در اجرای عدالت و نقش جوانان در آن

مقام معظم رهبری در موضوعات گوناگون در سال‌های اخیر همواره بر لزوم به کارگیری عقل و عقلانیت در مباحث سیاسی اشاره کرده و یکی از تکالیف افراد و جریانات انقلابی را عمل بر مبنای عقل و منطق دانسته است. ایشان در بحث عدالت نیز بر ضرورت عقلانیت و محاسبه تاکید فراوانی داشته است. و وجود عقلانیت را شرط اول عدالت و برقراری آن عنوان می‌کند. در بیان رهبری، عدم استفاده از عقل و محاسبات عقلانی باعث اشتباه در تشخیص عدالت و مصداق آن خواهد شد. وی همچنین معتقد است که در استفاده از این عنصر نباید دچار مبالغه و افراط شد، عقلانیت در کنار خودسازی و تهذیب نفس شرط اول برقراری عدالت است؛ در جامعه اسلامی زیربنای همه عدل‌ها، عدل اخلاقی است و حتی عدل اقتصادی و سیاسی به دلیل نقشی که در عدل اخلاقی دراد مورد توجه است (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۹/۱). معظم له همچنین معتقد است که داشتن روحیه امیدواری در انسان، او را به موجودی کارآمد، سرشار از انرژی، نوآور تبدیل می‌کند و زمینه تحول و دگرگونی در تمام ابعاد را دارد. جوانان با داشتن انگیزه بالا، روحیه اعتماد به نفس و از طریق خودسازی می‌توانند عامل مهمی برای تحول و دگرگونی عدالت باشند وی در این راستا می‌فرماید: عدالت با من بمیرم و تو بمیری

درست نمی‌شود اولاً نیاز به قاطعیت دارد و ثانياً نیاز به نیروی دارد که خودشان را ساخته‌اند و خودسازی پیش شرط نیازهای اجرای عدالت است تا خودمان را نسازیم نمی‌توانیم دیگران را بسازیم (بیانات رهبری، ۱۳۸۵/۳/۲۹)؛ این روحیه بیشتر از همه در میان جوانان انقلابی یافت می‌شود.

جدول شماره ۵

خودسازی و تهذیب نفس شرط اول برقراری عدالت، استفاده از عقل در اجرای عدالت، استفاده از ابزار منطق در تحقق عدالت، معنویت و عدالت، تحقق عدالت در سایه انقلاب اسلامی، رابطه عقلانیت و عدالت، ضرورت تحقق عدالت، تلاش برای تحقق جامعه توحیدی عدل محور	عدم ترس و ناامیدی و رعایت اخلاق در مسیر عدالت	عدم ترس و ناامیدی و آرمان‌گرایی جوانان	داشتن انگیزه در جوانان، داشتن اعتماد به نفس، لازمه خودسازی نفس جوانان
---	---	---	--

۴. عدالت و مهدویت و نقش جوانان در آن

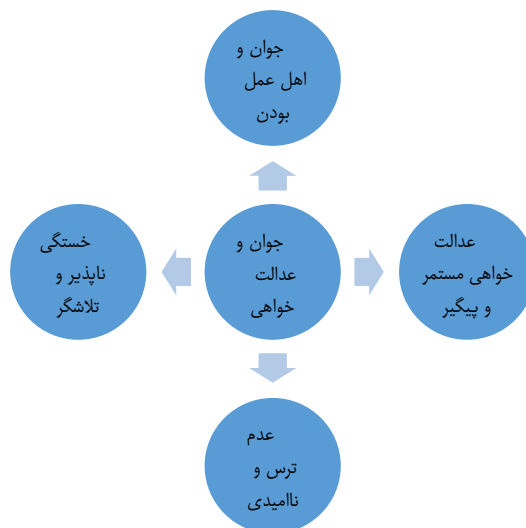
عموم امت اسلامی معتقدند که براساس وعده‌های قرآن، در آخرالزمان مردی از خاندان پیامبر ﷺ ظهور خواهد کرد که سراسر زمین را از عدل و داد پر می‌کند و چنان‌که در قرآن کریم آمده، ظهور این مصلح کل ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است که سرانجام باید ظاهر شود و با تشکیل حکومت جهانی و اسلامی دین اسلام را بر سایر ادیان غلبه دهد. انقلاب اسلامی هم بر مبنای جهان بینی الهی است آینده خود را در شکل‌گیری حکومت عادلانه مهدوی می‌داند در این راستا آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است که جمهوری اسلامی امانت تاریخی انبیای عظام الهی است آرزوی موسی و عیسی و آرزوی همه اولیاء و ائمه بزرگوار است که امروز تحقق پیدا کرده است ولو ناقص، کاملش هم ان شاء الله در دوران حکومت کبرای و ولایت عظمای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشرف ظاهر و آشکار خواهد شد (بیانات رهبری، ۱۳۷۳/۱۰/۱۵) از این رو، پیگیری این جریان نیز باید توسط نیروی جوان نیز صورت گیرد زیرا آینده از آن جوانان است.

جدول شماره ۶

عدالت و مهدویت	امام زمان و نقش آن در عدالت محوری	جوان و مهدویت	جوانان و نقش آنان در آینده
----------------	--------------------------------------	---------------	-------------------------------

ارتباط و پیوند میان مؤلفه‌های یاد شده

با توجه به راهبردهای آیت‌الله خامنه‌ای، تحقق عدالت نیاز به سه مؤلفه اساسی است که مهم‌ترین آنها عبارت است از؛ سخت و مشکل بودن جهت اجرایی کردن عدالت، پیگیری آرمان عدالت در سایه تداوم و استمرار دائمی آن، عدم ترس و ناامیدی در مسیر عدالت‌خواهی و تحقق عدالت واقعی با ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف. این چهار مؤلفه، زنجیروار به یکدیگر متصل هستند به طوری که وجود و عدم وجود هر یک از آنها می‌تواند تأثیر زیادی در تحقق و شکل‌گیری عدالت داشته باشد. اگر یکی از آن مؤلفه‌های به دلایلی دچار ضعف و یا فقدان شوند، نمی‌توان انتظار اجرای عدالت را در جامعه داشت. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برای این منظور (عدالت) و برای جلوگیری از به تأخیر افتادن عدالت همه جانبه در جامعه، مسئله میدان‌داری جوانان و ورود آنها را به عرصه عمل در اجرا و تحقق عدالت پیش می‌کشد. از نظر ایشان عدالت‌خواهی یک آرمان متعالی نه تنها در انقلاب اسلامی، بلکه در تمامی ادیان الهی است که همواره مورد خواست و مطالبه آنان از جوانان بوده است؛ یک لحظه از درخواست و مطالبه عدالت کوتاهی نکنید این شأن شماس است گفت‌مان عدالت‌خواهی را فریاد بکشید (بیانات رهبری، ۱۳۸۷/۲/۸۴) ایشان با تأکید بر این که جوانان دارای ویژگی‌هایی مانند اهل عمل بودن، خستگی‌ناپذیر و تلاشگر و امیدوار و آرمان‌گرا هستند می‌خواهد تا در زمینه عدالت‌خواهی مطالعه و عدالت را مطالبه کنند. این امر می‌تواند زمینه‌ساز بسیار مناسبی برای ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد زیرا حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف برای ظهور و تعجیل در آن نیاز به سربازانی دارد که برای تحقق هدف اول قیام که همان عدالت و عدالت جهانی است، مهیا و آماده‌اند. نمودار زیر نمونه‌ای از این مؤلفه‌ها را نشان می‌دهد.



نتیجه‌گیری

آنچه از بررسی و تبیین اندیشه مقام معظم رهبری در رابطه با راهبردهای عدالت در جامعه و نقش جوانان در شکل‌دهی به این راهبردها یافته‌ایم، معطوف به چهار مؤلفه است که عبارت است از سخت بودن اجرایی کردن عدالت در میدان عمل، استمرار و خستگی‌ناپذیری در پیگیری آرمان عدالت، عدم ترس و ناامیدی در مسیر پیگیری عدالت و عدالت و مهدویت. مقام معظم رهبری علاوه بر روشن کرده تعریف و معنای دقیق عدالت، تحقق آن را بسیار دشوار عنوان کرده است وی متذکر شده است که این دشواری به لحاظ، تشکیل حکومت اسلامی است یعنی حکومتی که براساس عدالت و ندای عدل به وجود آمده باشد. در سایه چنین حکومتی است که مبارزه با فساد و حمایت از محرومان و مستمندان کلید می‌خورد. از سوی دیگر برای اجرای عدالت در جامعه نیاز به نیروهای خستگی‌ناپذیری است که با تحرک و پویایی و انرژی سازنده بتوانند عدالت را در مرحله عمل به فعلیت برسانند. این گروه ویژه همان جوانان است که به استفاده از عقلانیت، منطق، معنویت و خودسازی گام موثری در اجرای عدالت خواهند داشت. از دیگر مؤلفه‌های راهبردی در عدالت، مایوس نشدن در مسیر سخت اجرای عدالت است. این امر تنها توسط نیروهای جوان و محرکی قابل اجراست که سرشار از امید و آرمان هستند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر این‌که جوانان دارای ویژگی‌هایی مانند اهل عمل بودن، خستگی‌ناپذیر و تلاشگر و امیدوار و آرمان‌گرا هستند می‌خواهد تا در زمینه

عدالت خواهی مطالعه و عدالت را مطالبه کنند. این امر می تواند زمینه ساز بسیار مناسبی برای ظهور حضرت حجت علیه السلام باشد زیرا حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف برای ظهور و تعجیل در آن نیاز به سربازانی دارد که برای تحقق هدف اول قیام که همان عدالت و عدالت جهانی است، مهیا و آماده اند.

منابع

۱. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۲. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم (بی تا)، *لسان العرب*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳. صداقت، محمد عارف (۱۳۸۷ش)، *جوان و جوانی در سیره اهل بیت علیهم السلام*، قم: جامعه المصطفی العالمیه.
۴. صداقت، محمد عارف (۱۳۹۵ش)، *عدل الهی*، تهران: نشر صدرا.
۵. فیومی، احمد بن محمد بن علی (۱۴۲۰ق)، *المصباح المنیر*، بیروت: المکتبة العصریه.
۶. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۹ش)، *حکمت نامه جوان*، قم: دارالحديث.

Examining effective solutions for transferring religious knowledge to students in universities

Dr. Akram Khalili Noushabadi ¹

Abstract

Transferring religious concepts and beliefs to the younger generation is one of the duties and responsibilities of educators and teachers in every generation, and several aspects have an impact on this matter, so that the matter of education and transfer reaches perfection and its purpose is achieved. In this article, we will point out that four important factors, teacher, content, organization, and learner, as four aspects, have an effective intervention in the issue of teaching and learning religious concepts and beliefs, and each one tries to play a role according to its job description, but there are some disadvantages in transferring religious concepts to students, which has caused this transfer, even if it is done well, to not be very successful in finding the objectivity of the theoretical training related to it, and has caused concern to those who care about it and educators in the religious community. The findings show that by using several effective solutions, the existing disadvantages in transferring religious concepts to students can be reduced and the valuable opportunity that is available to university officials to educate the Mahdavi and revolutionary generation can be better used. These strategies are summarized in three parts: the influential environment, the behavior of academic agents and agents, and psychological methods in interacting with students. The data of this research was collected through library methods and from reliable sources, and an attempt was made to examine these three areas and revise their dimensions through a descriptive-analytical method

Keywords: Students, knowledge transfer, harms, solutions

1. Faculty member and member of the Language Studies Center, Islamic Azad University, South Tehran Branch



ISSN: 2423 - 7655



فصلنامه علمی ترویجی مهدویت
سال سیزدهم / شماره پنجاهم / تابستان ۱۴۰۳

بررسی راهکارهای مؤثر در انتقال معارف دینی به دانشجویان در دانشگاه‌ها

اکرم خلیلی نوش‌آبادی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۱۱

چکیده

انتقال مفاهیم و باورهای دینی به نسل جوان یکی از وظایف و شئون مربیان و معلمان در هر نسل است و اضلاع متعددی در این امر صاحب تأثیرند، تا امر آموزش و انتقال به کمال برسد و هدف از آن محقق شود. در این مقاله اشاره خواهیم کرد که چهار عامل مهم معلم، محتوا، تشکیلات و فراگیر به عنوان چهار ضلع در موضوع آموزش و فراگیری مفاهیم و باورهای دینی دخالت مؤثر دارند و هر یک تلاش می‌کند مطابق شرح وظایف خویش، نقش آفرین باشد، اما آسیب‌هایی در انتقال مفاهیم دینی به دانشجو وجود دارد که سبب شده این انتقال حتی اگر به به خوبی انجام پذیرد، ولی عینیت یافتن آموزش‌های نظری مرتبط با آن، با توفیق چندانی روبرو نبوده و موجب نگرانی دلسوزان و مربیان جامعه دینی شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که می‌توان با به کارگیری چند راهکار مؤثر، آسیب‌های موجود در انتقال مفاهیم دینی به دانشجو را کم نموده و از فرصت مغتنمی که در اختیار مسئولان دانشگاهی برای تربیت نسل مهدوی و انقلابی قرار دارد استفاده بهتری کرد. این راهکارها در سه بخش محیط اثرگذار، رفتار عوامل و کارگزاران دانشگاهی و شیوه‌های روان‌شناختی در تعامل با دانشجو خلاصه می‌شود. داده‌های این جستار به شیوه کتابخانه‌ای و از منابع معتبر جمع‌آوری شده و به روش توصیفی - تحلیلی تلاش می‌شود این سه حوزه بررسی و ابعاد آن منقح شود.

واژگان کلیدی

دانشجویان، انتقال معارف، آسیب‌ها، راهکارها.

مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی در جهت گسترش فرهنگ دینی دروس دانشگاهی را با رویکرد دینی متحول ساخت و به تدریج انقلاب فرهنگی در این دروس

۱. عضو هیئت علمی و عضو مرکز مطالعات زبان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.

خاصه در مباحث اعتقادی از بعد کیفی و کمی به تحقق پیوست، به گونه‌ای که علاوه بر گروه مشخص و مستقل معارف اسلامی، تشکیلات متعدد دیگری که همسو با این گروه بود در زمینه ایجاد تحولات فکری و فرهنگی تأسیس شد که فعالیت‌هایی با رویکرد دینی، قرآنی و انقلابی در آن به چشم می‌خورد و از آن جا که صیغه انقلاب ۵۷، اسلامی و با شعار نصرت دین و مبتنی بر اصل عدم جدایی دین از سیاست بوده و به منظور زمینه‌سازی برای جامعه جهانی و عدالت محور مهدوی صورت گرفته بود، فعالیت‌های علمی و سیاسی موجود در آن نیز در راستای فرهنگ و آموزه‌های دینی تنظیم شد و انتظار میرفت نتایج اخلاقی، دینی، معنوی و فرهنگی و تحولات اخلاقی و رفتاری متناسب با فرهنگ عصر غیبت در میان نسل جوان و خصوصاً دانشجو که مخاطب خاص این آموزش بود، دیده شود، اما با گذشت چند دهه، خاصه در دهه اخیر با کاستی‌های زیادی در این فعالیت‌ها مواجه هستیم چرا که هدف مدنظر از این امور محقق نمی‌شود و روشن می‌سازد که انتقال مفاهیم دینی به نسل جدید نیاز به دقت نظر بیشتر و برنامه‌ریزی منسجم‌تری دارد.

در این مقاله تلاش می‌کنیم ابتدا به زمینه‌ها و عوامل دخیل در انتقال مفاهیم دینی به دانشجویان در حال حاضر بپردازیم و آن‌گاه راهکارهایی را برای تربیت بهتر و مؤثرتر نسل جوان دانشجو در مسیر اهداف دینی و انقلابی نظام اسلامی ارائه دهیم.

این موضوع از آن جهت اهمیت پیدا می‌کند که نسل جوان امروزی به عنوان نسل تأثیرگذار و کنش‌گر در جریان‌ات روز و دارای اهمیت ویژه در پیشبرد آرمان‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی و منویات سیاست‌گذاران نظام اسلامی تلقی می‌شود و این اهمیت به اندازه‌ای بدیهی و محرز است که دشمنان نظام برای اضمحلال فکری و معرفتی این نسل، به انواع شیوه‌های دشمنی متوسل شده است و در برخی موارد جریان‌اتی را رهبری کرده و برای نظام مقدس جمهوری اسلامی دردسر و هزینه ایجاد کرده است.

مسئله این تحقیق این است که چگونه باید این نسل حساس، پرشور، پرانرژی و آکنده از هیجانات دهه دوم و سوم زندگی را تربیت نمود و از آن مهم‌تر چگونه از این نسل که سال‌ها با کار جهادی متربیان خدوم و پرتلاش و از جان گذشته نسل اول و دوم انقلاب پرورش یافته محافظت کرد تا در دام مکر و فتنه دشمنان امروز گرفتار نشوند؛ دشمنانی که برای نابودی جریان انقلاب اسلامی، مزورانه با این نسل معصوم و کم‌تجربه اظهار دوستی می‌کنند و چهره خبیث و شیطانی خود را پشت نقاب فریبنده شعارهای دروغینی چون آزادی بیان، آزادی

عقیده، دموکراسی و حقوق بشر، پنهان کرده‌اند.

از آن جا که پژوهشگر در این مطالعه خود از اعضاء هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی است، اشراف بیشتری نسبت محتوا و تشکیلات و دیگر عوامل دخیل در امر آموزش معارف قرآنی و دینی در دانشگاه آزاد دارد و داده‌ها و یافته‌های این تحقیق عمدتاً ناظر به محیط دانشگاه آزاد اسلامی است.

در این زمینه تحقیقات ارزشمندی صورت گرفته است. یوسفی لویه (۱۳۷۹: ۲۶) در تحقیق خود به شناسایی نقاط ضعف و قوت موجود در ارائه دروس معارف اسلامی از دیدگاه دانشجویان پرداخته است. شفیع‌پور مطلق و خدادادی (۱۳۸۹: ۲۹) در تحقیق‌شان عوامل مؤثر در جذابیت دروس معارف اسلامی را بررسی کرده‌اند. حسین‌زاده (۱۳۸۱: ۱۷) تسلط و احاطه استادان معارف اسلامی بر محتوای دروس و سازماندهی صحیح کتب معارف اسلامی و وسایل کمک آموزشی را تأثیرگذار در بالابردن کیفیت آموزش می‌داند. گلزاری (۱۳۸۳: ۱۹) به بهره‌گیری از روش‌ها و وسایل کمک آموزشی در افزایش کیفیت آموزش دانشجویان اشاره کرده است. مجیدی و فاتحی (۱۳۸۸: ۲۵) به ضعف محتوای آموزشی و شیوه ارائه آن پرداخته، امینی و همکارانش (۱۳۹۲: ۱۲) نوع ارزشیابی را به عنوان عمده‌ترین مانع اثربخشی دانسته‌اند. سیف و حسینی (۱۳۸۰) انتخاب مسلک مناسب تدریس برای هر رشته را عامل تأثیرگذار دانسته‌اند (روشنایی، ۱۳۸۶: ش: ۱۸). آموزش مبتنی بر پژوهش و مطالعات موردی را مؤثر می‌داند. مرور پژوهش‌های گذشته نشان می‌دهد که علیرغم توجه به مسئله آموزش کارآمد و نیز ضرورت تدریس معارف اسلامی و شناسایی عوامل مؤثر بر گرایش و تأثیرپذیری دانشجویان، اما هم‌چنان اشکالاتی در سیر فکری دانشجویان نسبت به ابعاد مختلف دین اعم از اعتقادات، اخلاق و احکام وجود دارد. در این پژوهش ما تلاش می‌کنیم ضمن ارج نهادن به پژوهش‌های قبلی عامل مهم دیگری که مرتبط با نوع تعامل با نسل جوان و دانشجویان را مدنظر قرار دهیم و از آن به عنوان یک راهکار در توسعه و تعمیق باورهای اعتقادی و شیعی خصوصاً باور به اصل مهدویت یاد کنیم.

زمینه‌ها و عوامل مؤثر در انتقال آموزه‌های دینی

۱. معلمان و اساتید

آموزش دروس اعتقادی در دانشگاه‌ها به عنوان یک درس عمومی، عمدتاً به عهده گروه

معارف واگذار شده است. اساتیدی که به فعالیت در گروه معارف علاقه نشان می‌دهند، با توجه به ماهیت این دروس، معمولاً واجد باورهای قلبی و رفتارهای فردی و اجتماعی دیندارانه و مؤمنانه هستند و با عشق و علاقه، به تدریس این دروس مشغولند. با این وجود توسط نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها مورد سنجش واقع می‌شوند و هم به جهت علمی و هم به جهت اعتقادی آزمون‌های سختی را پشت سر گذاشته و پس از آزمون کتبی و مصاحبه علمی و گزینش عمومی راهی کلاس‌های درس می‌شوند.

۲. محتوا

محتوای درسی که در کلاس‌های معارف به دانشجویان ارائه می‌شود، عموماً توسط محققان و اندیشمندان به نام حوزه و دانشگاه از جمله آیت‌الله سبحانی، دکتر محمد محمدرضایی و اخیراً گروهی از اساتید دانشگاه که به جمع‌آوری دیدگاه‌های مقام معظم رهبری، مرتبط با فصول مصوب درس معارف اسلامی، اقدام نموده‌اند، نگارش، تهیه و در قالب کتاب تدوین شده است. غیر از کتاب‌های مصوب، محتوای آموزشی دیگری در قالب فیلم، جزوه، موشن‌گرافی و...، از مصادر قانونی تولید شده و به دانشجویان عرضه می‌شود و نشان می‌دهد که محتوای آموزشی معارفی برای همه دانشجویان، غیر از رشته‌های مرتبط با مطالعات دین پژوهانه، از غنای کافی برخوردار بوده و همه ابعاد دین را با جزئیات شامل می‌شود و اینک به بررسی آنها می‌پردازیم.

دروس معارف اسلامی

شاید بتوان گفت گروه معارف در هر دانشگاه مرکز و قلب آموزش‌های معارفی و دینی و است که علاوه بر شأن و مسئولیت اصلی خود که آموزش است، یکی از بازوی مهم فرهنگی دانشگاه نیز محسوب می‌شود. جدیدترین شرح مسئولیت آموزش امور اعتقادی و دینی که به عهده این مجموعه در تمام دانشگاه‌ها نهاده شده، در اواخر سال ۱۳۹۸ توسط کمیسیون تخصصی محتوا و متن وابسته به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها برای این گروه تصویب شد. در بخشنامه‌ای که حاوی شرح آموزش‌های گروه معارف اسلامی است، جدولی از کتب قابل تدریس دروس معارف اسلامی تنظیم و توسط مدیریت دروس معارف اسلامی نهاد به دانشگاه‌ها ابلاغ شد. در این جدول پنج گرایش با عناوین انقلاب اسلامی، تاریخ و تمدن اسلامی، منابع اسلامی، اخلاق اسلامی، مبانی نظری در اسلام به چشم می‌خورد که در ادامه جدول دروس مربوط به هر گرایش خواهد آمد.

ردیف	نام گرایش	نام درس	تعداد واحد
۱	مبانی نظری اسلام	۱. اندیشه اسلامی ۱ (مبدأ و معاد) ۲. اندیشه اسلامی ۲ (نبوت و امامت) ۳. انسان در اسلام ۴. حقوق سیاسی اجتماعی در اسلام	۲ ۲ ۲ ۲
۲	اخلاق اسلامی	۱. اخلاق اسلامی؛ مبانی و مفاهیم ۲. آئین زندگی؛ اخلاق کاربردی ۳. عرفان اسلامی در اسلام ۴. اخلاق خانواده	۲ ۲ ۲ ۲
۳	انقلاب اسلامی	۱. انقلاب اسلامی ۲. قانون اساسی ۳. اندیشه‌های سیاسی امام خمینی رحمه الله	۲ ۲ ۲
۴	تاریخ و تمدن اسلامی	۱. تاریخ فرهنگ و تمدن ۲. تاریخ تحلیلی ۳. تاریخ امامت	۲ ۲ ۲
۵	آشنایی با منابع اسلامی	۱. تفسیر موضوعی قرآن کریم ۲. تفسیر موضوعی نهج البلاغه	۲ ۲
۶	تک درس	دانش خانواده و جمعیت	۲
۷	تک درس	تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلامی	۲
۸	درس عمومی (اجباری) همه مقاطع تا دکتری	آشنایی با قرآن کریم	۱
۹	درس عمومی	اندیشه‌های و وصایای حضرت امام رحمه الله	۱

از مجموع واحدهای فوق، گذراندن ۱۲ واحد درسی برای هر دانشجوی مقطع کارشناسی اجباری است.

آموزش مجازی دانشگاهیان

این سایت که متعلق به نهاد مقام معظم رهبری است، بیش از ۲۳۰ درس و هر درس مشتمل بر چندین جلسه حدود نیم ساعته است را پوشش می‌دهد که مرتبط موضوعات، فقهی، اعتقادی، سیاسی، اجتماعی، خانوادگی، قرآنی، سلامت، تاریخی، مباحث مربوط به حجاب و دیگر مسائل مربوط به جریان‌های سیاسی و اجتماعی روز است و برای تمامی دروس گروه معارف اسلامی و پیرامون آن، حکم پشتیبان را داشته و علاوه بر آن مطالعات جنبی و تقویتی بسیار ارزشمندی را ارائه می‌دهد و حاکی از تلاش و زحمت شبانه‌روزی اساتید بارز و برجسته حوزه و دانشگاه در شرح و بسط و تفسیر دیدگاه‌های شخصیت‌های تراز هم‌چون

استاد مطهری، است. هر جلسه از درس در دو قالب جزوه و فیلم و با کیفیت قابل قبولی ارائه شده است و اساتید معارف در سراسر دانشگاه‌های کشور اعم از دولتی و غیردولتی، با عنایت به بخشنامه نهاد، برای پوشش دادن بخشی از نمره کلاسی، دانشجویان را به این سایت ارجاع می‌دهند تا دروس را گذرانده و گواهی صادره از سایت را به عنوان سند مطالعه درس در سایت مذکور ارائه دهد.

منابع دیگر

دو مورد قبلی مواردی بود که دانشجو ملزم به گذراندن آن و گذراندن امتحان است و اگر هر ترم تحصیلی دانشجو دو واحد از این دروس را ثبت نام کرده باشد، به معنی این است که یک دانشجو به مدت شش ترم و هر ترم هفته‌ای دو ساعت با یک استاد معارف و محتوای اعتقادی تدریس شده توسط او سر و کار دارد. ضمن این که تکالیف هفتگی و تکالیف نهاد مقام معظم رهبری، نیز سبب می‌شود ذهن دانشجو در طول هفته از مباحث اعتقادی جدا نباشد. گذشته از آموزش‌های دانشگاهی، منابع متعددی دیگری نیز هستند که محتوای تولید شده آنها سمع و بصر دانشجویان را در طول مدت حضور در دانشگاه درگیر می‌سازد؛ از نماز جماعت در مساجد و نمازخانه‌های دانشگاه‌ها و مراسم آئینی زیارت عاشورا و دعای عرفه و دیگر ادعیه و مناجات‌ها و گردهمایی‌ها و سخنرانی‌های مذهبی، تا پلاکاردها و پوسترهایی که به مناسبت‌های مذهبی در و دیوار دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی را زینت می‌بخشند.

۳. تشکیلات اجرایی و کارگزاران

غیر از گروه معارف اسلامی و محتوای دینی که شرح آن گذشت، ادارات و تشکیلاتی در امر عرضه، آموزش، عملیاتی کردن مفاهیم، آموزه‌ها، ارزش‌ها و اخلاقیات دینی و برگزاری آئین‌های مذهبی در دانشگاه‌ها دخیل هستند که شرح آن در زیر خواهد آمد:

معاونت فرهنگی

معاونت فرهنگی در هر دانشگاه، مسئولیت یادآوری، معرفی، شناساندن، توجه دادن و پاسداشت مصادیق فرهنگی، دینی و آئینی در جامعه دانشگاهی را به عهده دارد. این معاونت یک تشکیلات مهم فرهنگی در هر واحد و یا مرکز دانشگاهی، چه دانشگاه‌های دولتی و چه دانشگاه‌های غیردولتی است. علاوه بر آن که هر دانشگاه مادر خود مجهز به تشکیلات معاونت فرهنگی است، برای دانشکده‌های متصل به دانشگاه مادر نیز پست معاونت فرهنگی تعریف

شده است.

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها

این نهاد براساس دستور رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در سال ۱۳۷۲، در کلیه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، با این اهداف وظایف تشکیل شد. ماده دوم از اساس‌نامه این نهاد حاوی اهداف زیر است:

- توسعه و تعمیق آگاهی‌ها و علائق اسلامی دانشجویان و دانشگاهیان و تبیین ارزش‌های اسلامی؛

- ایجاد و گسترش فضای معنوی و اسلامی و رشد فضائل اخلاقی در دانشگاهیان، رشد بینش سیاسی در محیط دانشگاه؛

- حاکمیت بخشیدن به ارزش‌های اسلامی و انقلابی در سطوح اجرایی و علمی و مقابله با ترویج عقاید و افکار انحرافی؛

- تبیین مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی؛

- اهتمام به تعظیم شعائر اسلامی و مراسم دینی.

هدایت تشکله‌ها و نهاده‌ها و حرکت‌های اسلامی دانشجویی و دانشگاهی و تقویت فعالیت‌های اسلامی در دانشگاه (سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تاریخ مراجعه ۱۴۰۲/۱۰/۱۹).

در سایت معاونت آموزشی نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها برنامه‌ریزی آموزشی و سیاست‌گذاری متناسب با آن، از پایه‌های مهم در فرآیند آموزشی تلقی شده است و از همین رو این نهاد مدیریت دروس معارف را به عهده گرفته است (www.nahad.ir، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۲/۱۰/۲۲).

دفتر فرهنگ اسلامی

دیگر نهادی که در کنار اساتید معارف به تعمیق باورهای دینی دانشجویان کمک می‌رساند، دفتر فرهنگ اسلامی در دانشگاه‌هاست. برخی از بندهای شرح وظایف این مرکز که همسو با گروه‌های معارف و دفاتر نهاد رهبری است، چنین است:

بند ۱. برنامه‌ریزی جهت برگزاری مناسبت‌ها، اعیاد و شهادت ائمه معصومین و مراسم‌های ملی و مذهبی؛

بند ۲. برنامه‌ریزی جهت آذین‌بندی و سیاه‌پوشی مکان‌های معین در مناسبت‌های خاص؛
بند ۳. برنامه‌ریزی جهت برگزاری همایش‌ها، میزگردها، سمینارها و جلسات پرسش و پاسخ؛
در بند ۸ آمده است: نظارت بر کانون‌های فرهنگی و انجمن‌های علمی و ادبی و هدایت آنها در امور اسلامی؛

بند ۱۰ نیز همسو با آموزه‌های معارفی است: برنامه‌ریزی جهت برگزاری اردوهای فرهنگی (زیارتی - سیاحتی، منتخبین و توجیهی)؛
و اما بند ۱۲ که آخرین بند است: برنامه‌ریزی امور مربوط به عمره دانشجویی برابر آئین‌نامه‌های مربوطه.

بسیج اساتید

سازمان بسیج اساتید کشور مأموریت دارد تا در راستای آموزش‌های دینی و فرهنگی است و ترویج روحیه انقلابی‌گری و دفاع از آرمان‌های نظام و انقلاب برنامه‌هایی را ترتیب دهد تا شناخت ابعاد تهاجم فرهنگی در دانشگاه‌ها برای دانشجویان حاصل شود. همچنین مؤلف است در راستای تبدیل دانشگاه‌های فعلی از جهت علمی به دانشگاه مسئله‌محور و تراز انقلاب اسلامی، بصیرت‌افزایی در بین دانشجویان، حاکم کردن روحیه انقلابی و حضور به موقع در میادین انقلاب اسلامی، تلاش کند.

بررسی این هدف نشان می‌دهد بسیج اساتید در بعد اندیشه و بصیرت‌افزایی مأموریت مهمی بر دوش دارد. بسیج اساتید که به عنوان یکی از اقشار دارای تخصص در بحران‌های سیاسی و آشوب‌های خیابانی نقش درمانگر در جغرافیای دانشگاه‌ها را به عهده دارد، قطعا در انجام این وظیفه با توجه به عدم جدایی دین از سیاست در نظام ولایی، انتقال و تفهیم و تعمیق آموزه‌های اعتقادی و دینی از جمله بحث توحید، نبوت، امامت و ولایت باید به عنوان گذرگاه مهمی برای تفهیم آرمان‌ها و اهداف انقلاب مدنظر اساتید بسیجی باشد (https://basijasatid.ir/node/64852، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۲/۱۰/۲۲).

تشکیلات مربوط به جامعه بانوان مسلمان

در اسنادی که تشکیلات مرتبط با جامعه بانوان فعالیت‌های خود را با آنها مستند می‌کند، این تشکیلات از ظرفیت علمی و کنشگری غیرقابل انکاری در حوزه زنان و خانواده و در برنامه‌ریزی‌های کلان و در حوزه‌های فرهنگی، آموزشی، پژوهشی و اداری و تعالی خانواده

دانشگاهیان برخوردار است. حل مسائل و چالش‌های زنان شاغل در دانشگاه؛ آموزش مهارت‌های زندگی، تعلیم و تربیت و مهارت‌افزایی متخصصین متعهد و روزآمد و خلاق و توسعه سبک زندگی اسلامی، فرهنگ عفاف و خانواده به همراه پرورش اخلاقی منابع انسانی از مهم‌ترین راهبردهای آن است و این تشکیلات با این ظرفیت عظیم می‌تواند در دامنه‌ای که برای فعالیت‌های چنین نهادی تعریف شده، اتفاقات بزرگی را در راستای تحولات اعتقادی و فرهنگی جامعه دانشگاهی رقم بزند (<https://fwac.iau.ir/fa>)، تاریخ مراجعه ۱۴۰۲/۱۰/۲۲).

راهکارهایی برای رفع آسیب‌های موجود

در بخش‌های گذشته مشخص شد تشکیلات و دستگاه‌های اجرایی در مراکز دانشگاهی برای پیاده‌سازی منویات دلسوزان و سیاست‌گذاران، از تعدد و تنوع قابل توجهی برخوردارند و در این زمینه متولیان فرهنگی با کمبود مواجه نیستند. در محتوا نیز به مدد نویسندگان و محققان دغدغه‌مندی که در این زمینه تلاش می‌کنند، متون و کتاب‌های ارزشمندی نگاشته شده و برنامه‌های صوتی و تصویری، فیلم و کلاس‌های مجازی قابل توجهی تدوین شده و برنامه‌های فرهنگی متنوعی در دانشگاه‌ها از سوی متولیان فرهنگی اجرا می‌شود و پیشتر ذکر آن گذشت. اینها همه حاکی از جایگاه مهم موضوعات فرهنگی و دینی خاصه بحث‌های اعتقادی و فقهی در نظر سیاست‌گذار است. با این وجود آن‌طور که انتظار می‌رود، مباحث عقیدتی و آنچه موضوع بحث این همایش است؛ یعنی مهدویت با همه ابعاد کلامی، اجتماعی، تاریخی و دیگر ابعاد آن در بین جوانان دانشجوی تبیین نشده و در کلاس‌های درس گاهی حتی در باب اصل مهدویت و مباحث پیرامونی آن از جمله بحث انتظار با شبهات متعددی از سوی دانشجویان مواجه می‌شویم، شبهاتی که ریشه در بدخواهی‌ها و کینه‌توزی‌های دشمنان اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی دارد و از کانال‌های متنوعی از جمله شبکه‌های ماهواره‌ای و رسانه‌های معاند فارسی و غیرفارسی و جهان گسترده مجازی در دسترس فرزندان معصوم ما قرار می‌گیرد و به علت نفرت‌پراکنی دشمن از پایگاه‌های دینی در داخل کشور، میل برخی جوانان به رجوع مستقیم به این پایگاه‌ها وجود ندارد و ذهن آنها را با انبوهی از سوالات بدون پاسخ درگیر می‌کند و چون اراده‌ای برای مراجعه به منابع متنوع پاسخگو در داخل کشور وجود ندارد، سوالات و شبهات ذهنی، راهی جز انکار باورهای و حقایق دینی را برای جوان باقی نمی‌گذارد و رویگردانی از این حقایق را سبب می‌شود. در این بخش تلاش می‌کنیم به

راهکارهایی اشاره کنیم که از نظرگاه برنامه‌ریزان مغفول مانده و این غفلت، تلاش‌های ارزنده دست‌اندرکاران فرهنگی و اعتقادی و انقلابی را آفت‌زده و کم‌ثمر کرده و حرکت دو ضلع محتوا و تشکیلات اجرایی را که حقیقتاً از عیار بالایی برخوردار بوده و بسیار ارزشمند و غنی است، را کند نموده است. ما این راهکارها را در سه بخش عمده بررسی می‌کنیم.

۱. راهکارهای محیطی

نمازخانه دانشگاه

ظاهر برخی از نمازخانه‌های دانشگاه‌ها هرگز با روح و حقیقت نمازخانه و هدف و انگیزهٔ احداث این مکان مقدس شباهت ندارد. در برخی از واحدهای دانشگاهی، کوچک‌ترین، تاریک‌ترین، دورترین و مرده‌ترین فضا به نمازخانه اختصاص داده شده، به گونه‌ای که کمترین بهره‌ای از جذابیت و معنویت ندارد. بدیهی است مکان و ابعاد مناسب، آراستگی، نظافت و بهداشت یک نمازخانه ویتترین و پیشانی آن است. اما متأسفانه در برخی نمازخانه‌ها، علاوه بر بوی نامطبوعی که نمازگزار را در بدو ورود می‌آزارد، رنج آلودگی بصری و مواجهه با بی‌نظمی در وضوخانه، جامه‌ری، قفسه قرآن‌ها و سجاده‌ها، و کثیفی در و پرده و کفپوش‌ها سبب می‌شود دانشجوی نمازگزار عطای نمازخانه را به لقائش ببخشد و از خواندن نماز در آن محیط صرف نظر کند. نمازخانه باید مکانی جذاب، بانشاط و پر رفت و آمد برای دانشجویان اساتید، کارمندان و مسئولان باشد و صرفاً به اوقات نماز اختصاص نیابد بلکه محل مناسبی برای حلقه‌های گفتگوی علمی، اعتقادی، مناظره و پرسش و پاسخ و نظایر آن باشد.

استراحتگاه دانشگاه

بنای مکانی به نام استراحتگاه در دانشگاه‌ها امری مغفول و بی‌اهمیت برای مسئولین دانشگاه‌هاست. این غفلت خصوصاً در باب دانشجویان دختر صدمات روحی و روانی زیادی را در پی دارد. دختران به علت ساختمان بیولوژیک و تغییرات هورمونی در روزهایی از ماه، دچار نوسانات خلقی شده و مشکلات و دردهای جسمی، روانی و احساسی را تجربه می‌کنند، تمرکز ضعیف، احساس خستگی و ضعف، میل به گریه و پرخاشگری از علائم این دوره است (باباخانی، ۱۳۹۵: ۱۴-۳۰) و این امر نیاز به مکان امنی برای استراحت اندک و تجدید قوای جسمانی، کنترل نمون نسبی استرس و درد بدنی را ضروری می‌سازد. همین استراحت کوتاه بین کلاس‌ها می‌تواند میزان تاب‌آوری دانشجویان دختر را در روز تقویت کند، از نظر

روانی آرامش نسبی را نصیب آنها سازد، بی‌حوصلگی و پرخاشگری را در این جنس کاهش دهد و تمرکز و صبوری ایشان را برای اتمام درس بالا ببرد. بی‌توجهی به اهمیت استراحتگاه‌ها در برخی واحدهای دانشگاهی، سبب شده نمازخانه‌ها به محلی شبیه استراحتگاه و خوابگاه برای دانشجویان دختر، آن‌هم فقط حوالی نماز ظهر، تبدیل شود و این تغییر کاربری خود مبین عدم توجه مسئولین دانشگاه‌ها به ضرورت وجود استراحتگاه مناسب برای دانشجویان دختر است. ارتباط بنای استراحتگاه با مبحث حاضر از این جهت است مرتبط است که این دسته از دانشجویان از استاد درس معارف، به جرم این‌که درس عمومی است انتظار دارند که رأفت دینی نشان داده و اذن خروج بدون برگشت از کلاس را صادر نماید و همین امر سبب از دست دادن بخشی از مباحث کلاس‌های معارف می‌شود.

حراست دانشگاه

حراست دانشگاه‌ها به ویژه در بخش دانشجویان دختر، با بهره‌گیری از کارمندان خانم از نوع غلاظ و شداد، شبیه ورودی بازداشتگاه است. برانداز کردن سر تا پای دانشجو هنگام ورود و پرتاب دستور «حفظ حجاب» در قالب کنایه و طعنه و یا به صورت خطابات گل‌درشت، هرگز جای امر به معروف و نهی از منکر دینی را نمی‌گیرد، بلکه خود مصیبتی عظمی و عذابی الیم برای دانشجو است که هر روز او را می‌آزاد و نفرت از حجاب را در او عمیق‌تر می‌سازد. اگرچه ضرورت وجود مأمور حراست، قابل انکار نیست، اما می‌توان با ایجاد تغییراتی، رابطه خصمانه بین مأمور حراست و دانشجو را تعدیل و بلکه به مرحله دوستی و محبت و تأثیرگذاری هدایت کرد. اتاق حراست هر دانشگاه معمولاً در ابتدای محوطه باز دانشگاه هست و از این رو می‌توان کمی ابعاد آن را بزرگ‌تر در نظر گرفت تا با این چند متر زمین از این کرهٔ عظیم خاکی، اتفاق مهمی را خلق کرد و هدف والایی را محقق ساخت. این مکان ظرفیت مناسبی برای برپایی نمایشگاهی از آثار هنری دانشجویان دختر، عرضهٔ عکس‌های زیبا و با حجاب دانشجویان در گردهمایی‌های دانشجویی، آثار نقاشی شده دانشجویان از مناظر طبیعی، چهره‌ها، اسطوره‌ها، تصاویر انقلابی و آئینی و غیر آن، و همچنین طراحی حجاب و روسری و در کنار آن برپایی مسابقات آشپزی، خیاطی و... باشد و فضایی پررونق از حضور دانشجویان دختر شاد را فراهم ساخته و گدده‌های دوستانه مختلط در دانشگاه و یا بیرون از آن را که خالی از چاشنی دخانیات و در حالت بدبینانه مسکرات و مواد افیونی نیست، تبدیل به گدده‌هایی دخترانه در محیطی

کاملاً امن و جذاب، با نظارت آمران و ناهیان کند، فضایی که در آن بین آمر و مأمور و ناهی و منهی رفاقت و قرابت و دوستی و همدلی نزدیکی رخ می‌دهد. این فضا می‌تواند به اندازه‌ای جذاب باشد که دانشجویان دختر همه ساعات بیکاری خود را مشتاقانه صرف حضور در آن و در کنار دوستان خود و لذت بردن از برنامه‌های متنوعی که خود مجری و پدیدآورنده آن هستند، نمایند. اینها همه اهداف ثانی و بالعرض است و مقصود همان امر به معروف و نهی از منکر با رفتار محبت‌آمیز و با لحن دوستانه و مهربانانه مأموران حراست است که در قالب دوست و در کنار دانشجویان به وظیفه خود عمل می‌کنند:

كونوا دعاة للناس بغير ألسنتكم ليروا منكم الورع والاجتهاد والصلاة والخير فإن ذلك داعية (کلینی، ۱۳۷۵ق: ج ۲، ۷۸)؛

با غیر زبان خویش مردم را دعوت کنید، مردم باید ورع و کوشش و نماز و خیر شما را ببینند، اینها خود دعوت‌کننده باشند.

۲. راهکارهای رفتاری

اجرای صحیح فریضه امر به معروف و نهی از منکر

این بند می‌تواند شامل بسیج دانشجویی، نیروهای فرهنگی، حراست، اساتید، همکلاسی‌ها و هر فرد حقیقی و حقوقی باشد که وظیفه دینی امر به معروف و نهی از منکر را بر گرده خود احساس می‌کند. شاید هیچ‌گاه در مخیله برخی مسئولین دانشگاهی، آموزش کارگاهی آمران به معروف و ناهیان از منکر جایگاهی نداشته باشد، اما این غفلت هرگز نافی اهمیت و حیاتی بودن این آموزش‌ها نیست. اهمیت اصل امر به معروف و نهی از منکر نیازی به یادآوری ندارد. قرآن کریم و روایات صحیح توصیه‌های فراوانی در این خصوص به مؤمنین عرضه نموده‌اند. فراز نورانی «و تواسوا بالحق» (عصر: ۳) از این جمله است که مراد از توصیه به حق، توصیه به امر به معروف و نهی از منکر است (طبرسی، ۱۴۰۸ق: ج ۱۰، ۸۱۵). در سوره توبه نیز این کریمه نورانی، حاکی از جایگاه مهم این فریضه نزد خداوند متعال است:

«والمؤمنون والمؤمنات بعضهم أولياء بعض يأمرون بالمعروف وينهون عن المنکر...» (توبه: ۷۱)؛

و مردان و زنان مؤمن همه یاور و دوستدار یکدیگرند، خلق را به کار نیکو وادار و از کار زشت منع می‌کنند.

همچنین لقمان علیه السلام این گونه فرزند خود را به این اصل امر می‌کند:

﴿يا بني أقم الصلاة وأمر بالمعروف وانه عن المنكر واصبر على ما أصابك﴾ (لقمان: ۱۷)؛
ای پسرک من، نماز را برپا دار و به کار پسندیده وادار و از کار ناپسند باز دار، و بر آسیبی که
بر تو وارد آمده است شکیبا باش.

در آیه دیگری خداوند می‌فرماید:

﴿ولتكن منكم أمة يدعون إلى الخير ويأمرون بالمعروف وينهون عن المنكر وأولئك هم
المفلحون﴾ (آل عمران: ۱۰۴)؛
باید از میان شما گروهی باشند دعوتگر به خیر که به نیکی فرمان دهند و از نا شایستی
بازدارند و اینان رستگارانند.

امر به معروف و نهی از منکر به اندازه‌ای مقدس و والامقام است که قرآن کریم در آیه پیش
رو امت اسلام را به سبب انجام آن بهترین امت معرفی می‌کند:

﴿كنتم خير أمة أخرجت للناس تأمرون بالمعروف وتنهون عن المنكر وتؤمنون
بالله﴾ (آل عمران: ۱۱۰)؛
شما بهترین امتی هستید که برای مردمان پدید آمده‌اند که به نیکی فرمان می‌دهید و از
ناشایستی باز می‌دارید، به خدا ایمان دارید.

علمای بزرگ شیعه و سنت نیز امر به معروف و نهی از منکر را فریضه‌ای عظیم دانسته،
اکیدا به انجام آن توصیه می‌کنند (نوری همدانی، ۱۳۷۷ ش: ۲۷). این فریضه در مذهب کلامی
معتزله به اندازه‌ای مهم است که به عنوان یکی از اصول خمرسه این مذهب قلمداد
می‌شود (زمخشری، ۱۴۰۷ ق: ج ۱، ۳۹۸-۳۹۶).

پس از ذکر ضرورت فریضه امر به معروف و نهی از منکر، اکنون بر حفظ کیفیت و شیوه
اجرای صحیح آن تأکید می‌کنیم. حساسیت در کیفیت اجرا به قدری بالاست که پیامبر
اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام پیروان خود را در این زمینه با رفتار عملی خود آموزش می‌دادند تا مبادا
نتیجه عکس از آن حاصل شود. اجرای این اصل با چاشنی محبت یکی از این شیوه‌هاست که
پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام و شاگردان مکتب اهل بیت اولین کسانی هستند که از این
روش بهره می‌برند و آن را به امت اسلام در سراسر جهان توصیه می‌کنند. از دیگر شیوه‌ها
می‌توان به آسان‌سازی، استفاده از طنز، الگوسازی، استمداد از وجدان، تحریک عواطف بشری

و ملی، حفظ جنبه مخفی بودن، رعایت اختصار در انجام این فریضه، بیان وعده‌های اولیاء خدا به فردی که مورد امر و نهی است و توجه به این که در انجام امر به معروف و نهی از منکر باید آگاهی فرد مورد نظر را بالا برده و او را تحت آموزش قرار دهیم، از شیوه‌های مهم و کارآمدی است که ضریب اثرگذاری و حصول نتیجه را بالا می‌برد (قرائتی، ۱۳۸۸ ش: ۲۰۶-۲۲۰).

عامل به معروف بودن کارگزاران دانشگاهی

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَحْتَكُم عَلَى طَاعَةِ إِلَّا وَأَسْبِقُكُمْ إِلَيْهَا وَلَا أَنْهَاطُكُمْ عَنْ مَعْصِيَةِ إِلَّا وَآتَانَهُ قَبْلَكُمْ عَنْهَا (صبحی صالح، ۱۴۱۴ ق: ۲۵۰، خطبه ۱۷۵)؛

ای مردم به خدا سوگند شما را به هیچ طاعتی تشویق نمی‌کنم مگر قبلاً خودم آن را انجام می‌دهم و از هیچ کار خلافی باز نمی‌دارم مگر این که پیش از شما از آن دوری جست‌ه‌ام.

این نوع رفتار باید در بین عوامل دانشگاهی خصوصاً مقامات ارشد همه‌گیر شود تا دانشگاه به مدینه فاضله قرآنی نزدیک شده و دانشجو هرچه در کلاس می‌آموزد را بی‌درنگ در رفتار مدیران خود، خارج از کلاس مشاهده کند. در این صورت دانشگاه محیطی مملو از الگوهای عملی خواهد بود و نفاق به کمترین میزان خود می‌رسد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ وَصَفَ عَدْلًا وَعَمَلَ بَغْيِرَةً (کلینی، ۱۳۷۵ ق: ج ۲، ۳۰۰؛ حویزی، ۱۴۱۵ ق: ج ۱، ۷۵)؛

از کسانی که در روز قیامت عذاب‌شان از همه شدیدتر است کسی است که سخن حقی بگوید و خود به غیر آن عمل کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ ش: ج ۱، ۲۱۵).

حضرت شعیب علیه السلام به مردم می‌فرماید:

﴿وَمَا أَرِيدُ أَنْ أَخَالِفَكُمْ إِلَى مَا أَنْهَاكُمْ عَنْهُ﴾ (هود: ۸۸)؛

من در ترک آنچه شما را نهی می‌کنم، پیشگام هستم.

این شواهد نشان می‌دهد این ویژگی در همه اسطوره‌های دینی، انبیاء و منادیان توحید، ائمه معصومین و درجه بعد همه علماء و دانشمندان و مجاهدان راه حق و آمرین به معروف و ناهین از منکر و مبلغان اسلام مصداق دارد و خلاف آن مورد مذمت قرآن است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَمْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ (صف: ۲-۳)؛

چرا سخنی می‌گوئید که عمل نمی‌کنید؟ نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگوئید و انجام ندهید!

سخن قرآن چنان تازه و به روز است که هر شنونده‌ای را به اندیشه‌ورزی و تأمل وامی‌دارد:

﴿تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ﴾ (بقره: ۴۴)؛

آیا مردم را به خیر و نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید؟

فطرت سالم نمی‌تواند بپذیرد که در کلاس درس از اخلاص علوی و عدالت مهدوی سخن رانده شود، و خلاف آن در خارج از کلاس، رویه همیشگی مدیران و مسئولان ظاهر الصلاح باشد. سیره عملی پیامبر اسلام ﷺ که بنیان‌گذار تمدن اسلامی و اول شخص جهان اسلام است، و همچنین سیره اهل بیت (علیهم‌السلام)، مصادیق روشنی از صداقت و هماهنگی در گفتار و کردار و مؤید توصیه آن حضرت است که فرمود:

كونوا دعاة الناس بغير السنتكم (ابن بابویه، ۱۳۶۱ ش: ۸۳)؛

مردم را با اموری غیر از زبان، دعوت کنید.

اما متأسفانه بی‌عملی و بی‌اعتقادی شمار اندکی از مدیران، کارمندان و اساتید رشته‌های غیرمعارفی نسبت به آموزه‌های اعتقادی و احکام فقهی و همچنین عدم التزام ایشان به ظواهر دینی اعم از پوشش سر و لباس و استفاده از آرایش و زیورات غیرمعارف در محیط‌های علمی و ارائه عملکردی برخلاف آموزه‌های دینی، دانشجو را با این تناقض روبرو می‌سازد که اگر التزام به موازین دینی و شرعی امری مقدس و لازم است، چرا فقط دانشجو باید به آن ملتزم باشد؟ اگر التزام به نماز اول وقت برکات و فوائد زمینی و آسمانی بی‌شماری به همراه دارد، چرا مسئولان و مدیران به اوقات این فریضة الهی توجهی ندارند؟ روشن است که یکی از عوامل رونق بخشی به فرائض جمعی از جمله نماز جماعت دانشگاه‌ها، حضور مدیران ارشد و معاونان و اساتید در این مکان مقدس و برگزاری باشکوه نماز است. برگزاری مراسم قرائت قرآن و مراسمات مذهبی با حضور مدیران ارشد و کارمندان و التزام آنها به این حضور و حتی مشارکت مسئولین در امر قرائت روزانه قرآن، باعث قوت قلب دانشجویان می‌شود و حتی بخشی از اهداف دروس معارفی با همین حضور پررنگ مسئولین محقق خواهد شد. ناگفته نماند که این امر با فشار بخشنده‌ای و امتیازدهی و ارزشیابی اثر خود را از دست خواهد داد و جنبه منافقانه و ریاکارانه پیدا خواهد کرد، بلکه نیازمند تبیین اهمیت و ضرورت آن برای افراد است و این مهم جز با

جلسات کارگاهی مرتب و منسجم و تکرارشونده برای مسئولین و دیگر عوامل دانشگاه میسر نخواهد شد:

﴿وذكر فإن الذكرى تنفع المؤمنين﴾ (ذاریات: ۵۵)؛

و پیوسته تذکر ده، زیرا تذکر مؤمنان را سود می‌بخشد.

۳. راهکارهای روان‌شناختی

تألیف قلوب

یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی، تأسیس مراکز علمی و دانشگاهی متعدد و ایجاد فرصت ارزشمند علم‌آموزی و حضور در این مراکز برای نسل جوان است و امروزه تعداد قابل توجهی از دختران و پسران به سبب اقبال افکار عمومی به حضور در دانشگاه، طلایی‌ترین اوقات و فصول زندگی خود را را در اختیار مسئولان علمی کشور قرار می‌دهند و چه فرصتی از این مغتنم‌تر می‌تواند در اختیار دلوایسان و دلسوزان قرار گیرد! ذکاوت و خیرخواهی مسئولین امور دانشگاهی که نگران عاقبت بخیری جوانان این سرزمین هستند، اقتضا می‌کند با رفع موانع و فراهم آوردن بستر لازم، زمینه نزدیکی قلبی و ذهنی خود و دانشجویان را فراهم آورند و این جمعیت کثیر از جوانان را به سوی آرمان‌های تعریف شده نظام اسلامی هدایت کنند. اما متأسفانه در برخی از مراکز آموزشی دانشگاهی فاصله طبقاتی معناداری بین ریاست دانشگاه، معاونت‌ها، مدیران و حتی مسئولین نهاد مقام معظم رهبری با دانشجو دیده می‌شود به گونه‌ای که بالاترین، مجهزترین و زیباترین فضاها همراه با آسانسور اختصاصی در اختیار مسئولین قرار دارد و دیدار و گفتگو با آنها جز با طی کردن مراحل سخت بوروکراسی اداری و نامه‌نگاری و تعیین وقت ملاقات میسر نیست. این امر سبب شده این افراد نه تنها با فضای فکری دانشجویان غریبه باشند بلکه حتی از مشکلات اداری و کمبودهای مربوط به شئون دانشجویی نیز بی‌خبر باشند، مشکلاتی مثل فضای نامناسب کلاس‌ها و کمبودها و رنج‌های حاصل از عملکرد عوامل مدیریت داخلی مجموعه‌های دانشگاهی که باعث مکدر شدن خاطر دانشجویان می‌گردد و به آنان حس حقارت و ناچیزی را القا کند. مدیران و مسئولان دانشگاه باید در دسترس دانشجو و در اتاق‌های شیشه‌ای طبقات پائین دانشگاه امور مدیریتی و مسئولیت‌های خود را به انجام برسانند و به این ترتیب خود شاهد اتفاقات و جریانات محیط تحت مسئولیت خود باشند. کم شدن این فاصله، در دسترس بودن و گفتگوی مستقیم

مسئولین و دانشجویان می‌توانند باعث درک متقابل فضای فکری دانشجو و فرد مسئول شده و نه تنها به رفع بهتر مشکلات منجر شود، بلکه باعث تألیف قلوب دانشجویان و تأثیرگذاری بیشتر عناصر علمی و فرهنگی گردد و مشکلات و دغدغه‌های دانشجویان را کم کند. مسئولین دانشگاه باید دانشجویان را فرزندان خود تلقی کنند و رفتار پدرانه و در نوع ایده‌آل آن رفتاری پیامبرانه با دانشجویان داشته باشند، الگوی عملی رفتار علوی برای این قشر تلقی شوند، تعالیم نظری اساتید معارف را عینیت ببخشند و ضریب تأثیر این دروس را با رفتار خود بالا ببرند.

اصل اعتماد به نسل جوان

یکی از عوامل ایجاد فاصله بین مسئولین و نسل جوان دانشگاهی عدم اعتماد به این نسل است. این تلقی که جوانان از عهده کارهای فرهنگی بر نمی‌آیند باید به فراموشی سپرده شده و رشته کار به دست این گروه سنی سپرده شود. مگر این نسل از اخلاف فرماندهان و امرای هشت سال جنگ تحمیلی و دفاع مقدس نیست؟ فرماندهانی که در عنوان جوانی و تحت فرماندهی رهبری شجاع و با ایمان، تمام معادلات سیاسی جهان را به هم ریخته و صحنه‌ای بدیع از رشادت و توانمندی را به نمایش گذاشتند و با غرور حاصل از توکل به خدا در مقابل تمامی جهان غرب ایستادند. باید به بازآفرینی این باور در خود اقدام نموده و به نسل جوان اعتماد کنیم و رشته کار را به دست او بسپاریم. ثمره این اعتماد، خودباوری و اعتماد به نفس جوانان خواهد بود و با این اقدام او را در صف اول اقدامات و تلاش‌های فرهنگی قرار داده و نیروی بانگیره و پرتلاشی را برای ایجاد تغییرات مثبت در هم‌نسلان او در دانشگاه در اختیار خواهیم داشت. این امر سبب می‌شود دانشجو خارج از کلاس در اختیار نهادهای دانشگاهی بوده و از جریان‌های ناصواب فاصله گرفته و دانشگاه را در فعالیت‌های فرهنگی یاری کند. چاره کار این است که متولیان امور دینی و فرهنگی فضیلت صبر، عفو و گذشت نسبت به برخی خطاهای دانشجویی را در خود تقویت کنند. مسئولین نباید شادی برای جوان امروز را به اباحه‌گری و ولنگاری تحویل ببرند. سختگیری‌های متعصبانه‌ای که برخی از خود نشان می‌دهند سبب ایجاد شکاف و فاصله بین این دو قشر خواهد شد. باید صبورانه و واقع‌بینانه برای این نسل صرف وقت کرد و ایشان را در امور مربوط به خودشان درگیر کرد. جوان امروز بهتر از بزرگسالان، هم‌نسلی‌های خود را می‌شناسد، به نیازها و اموری که سبب اعتراض آنها

می‌شود اشراف بیشتری دارد، از فضای فکری که هم‌نسلان او در آن غوطه‌ورند و همچنین از منابعی که فکر نسل جوان را تغذیه می‌کند، اطلاع دقیق‌تری دارد. سایت‌ها، برنامه‌های پیام‌رسان، افراد مشهور و چهره را بهتر می‌شناسد و حتی به ادبیات هم‌نسلان خود وقوف دارد و زبان آنها را می‌فهمد. پس باید ضمن کنترل و هدایت از دور، برای انتقال مفاهیم دینی از خود او استفاده کنیم و فعالیت‌های او را به صورتی نامحسوس به طریق صحیح هدایت نمائیم.

به کار گرفتن دانشجوی‌های معترض و ارزش دادن به سخنان آنها

در این بند اصل اعتماد به دانشجو با غلظت بیشتری باید حاکم شود. لازم است نسبت به دانشجویانی که موضع خصمانه نسبت به تعالیم دینی و خصوصا مهدوی دارند ملاطفت و رأفت بیشتری نشان داد. باید آنها را به کار گرفت و با تغافل نسبت به مواضع پیشین ایشان و با لطایف الحیل، مسئولیت‌هایی را با اشراف نامحسوس متولیان به آنها واگذار کرد تا هم حس اعتماد به نفس‌شان را تقویت نمود و هم اعتماد به کارگزاران و متولیان را. فاصله گرفتن، برچسب زدن، استفاده از زبان گزنده سبب ایجاد شکاف و دودستگی بین دانشجویان و تبدیل مخالف و معترض به دشمن خواهد شد.

استفاده از ظرفیت دانشجویان هنر

بسیاری از دانشگاه‌ها از گروه معماری و هنر بهره‌مندند. ظرفیتی که این دانشکده‌ها دارند، بسیار قابل توجه است و مدیران و برنامه‌ریزان آنها می‌توانند با دعوت از دانشجویان هنر و با کاربرد زبان هنر، تئاتر، نقاشی، فیلم، فیلم کوتاه و بلند، با استفاده از ظرفیت دانشجویان، برای معرفی و شناساندن اصول دینی از جمله اصل ولایت و مهدویت و انتظار به این نسل گریزنا و منتقد و پرسشگر و هیجانی بهره‌ها ببرند. از دانشجویان خوش‌الحن، خطاط، نقاش، کارگردان، موسیقی‌دان و... می‌توان در این آئین‌ها استفاده کرد و محافلی برای عرضه تولیدات این نسل با صبغه مهدوی برگزار کرد. مسابقات خط و نقاشی با رنگ دینی و اعتقادی، می‌تواند یک رسانه بسیار مؤثری باشد که هم‌اکنون بالفعل در اختیار دانشکده‌های هنر است، ولی دست‌اندرکاران فرهنگی غافل از ظرفیت بسیار بالای دانشجویان، ساعت‌های زیادی را به جلسات پرهزینه هفتگی و ماهانه، اختصاص می‌دهند تا برای این امور بیندیشند و برنامه‌ریزی کنند. باید گفت دیده شدن این قشر آینده‌ساز و تأثیرگذار، عامل قوی و محکمی است که سبب به دست آوردن دل و روح دانشجویان می‌شود و این خود پلی است برای حرف شنوی و منقاد

ساختن دانشجو و آنگاه تربیت نسل مهدوی.

نتیجه‌گیری

انتقال صحیح معارف و آموزه‌های دینی به نسل جوان یک وظیفه دینی و الهی و از سوی دیگر یک وظیفه اجتماعی محسوب می‌شود و موفقیت در این راه سبب ظهور نسلی شاداب، فعال، پویا با انگیزه و هدفمند خواهد شد، که نتیجه مهم و راهبردی آن، تعالی جامعه در ابعاد فرهنگی و دینی و حتی مادی خواهد بود. ظهور روحیه جهاد و ایثارگری و سایر خصلت‌های الهی که محصول فراگیری آموزه‌های دینی است، قطعاً برای رشد و پیشرفت جامعه اسلامی در همه ابعاد آن امری لازم و ضروری است و نقشه دشمنان اسلام و نظام اسلامی را برای فروپاشی جریان انقلاب اسلامی و استحاله فرهنگی آن با شکست روبرو خواهد ساخت. آنچه گفته شد نشان می‌دهد محتوای آموزشی، سیاست‌ها، هدف‌گذاری‌ها و برنامه‌های کارگزاران و مسئولین علمی و فرهنگی کشور باید همگام با ارائه نمونه‌های عینی و عملی برخاسته از میان خود کارگزاران و مسئولین پیش رود تا تأثیرگذار باشد و به هدف نزدیک شود. باید از فرصت دانشگاه و جوانان دانشگاه نهایت استفاده را کرد و نسل مهدوی، مؤمن و انقلابی را برای عصر ظهور تربیت نمود.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۱ش)، معانی الأخبار، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲. امینی، محمد و دیگران (۱۳۹۲ش)، «تحلیل و ارزیابی موانع اثربخشی دروس معارف اسلامی»، نشریه توسعه آموزش در علوم پزشکی، دوره ۶، شماره ۱۰.
۳. آهنچی، امید (۱۴۰۱ش)، «بررسی امکان ارتقاء اثربخشی دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها با رویکرد الهیات عملی»، پژوهش‌نامه فلسفه دین، شماره ۳۹.
۴. باباخانی، مریم (۱۳۹۵ش)، راهنمای تشخیص و درمان اختلال ملال و درد پیش از قاعدگی، تهران: نشر آکادمیک.
۵. حسینی کریمی، سیدباقر؛ ضابط‌پور کاری، غلامرضا (۱۳۹۹ش)، «تأثیر آموزش دروس معارف اسلامی بر نگرش و انگیزش دینی دانشجویان (مطالعه موردی)»، نشریه پژوهش و

نگارش کتب دانشگاهی.

۶. حلیمی جلودار، حبیب‌الله (۱۳۹۴ش)، «بررسی دیدگاه دانشجویان درباره شیوه آموزش دروس معارف اسلامی با تأکید بر خصایص جمعیت‌شناختی آنان»، *نشریه پژوهش و نگارش*، شماره ۳۷.

۷. حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، *تفسیر نورالثقلین*، تصحیح: هاشم رسولی، قم: نشر اسماعیلیان.

۸. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، *الکشاف*، بیروت: دارالکتب العربی.

۹. صبحی صالح (۱۴۱۴ق)، *شرح نهج البلاغه*، قم: مؤسسه دارالهجره.

۱۰. طبرسی، فضل بن حسن و دیگران (۱۴۰۸ق)، *مجمع البیان*، مقدمه: محمد جواد بلاغی، تصحیح: هاشم رسولی، مقدمه: محسن امین، بیروت: دارالمعرفة.

۱۱. فرحزادی، اکبر (۱۳۸۶ش)، «عوامل و موانع مؤثر بر تأثیرگذاری دروس معارف اسلامی، *مجله معرفت*، شماره ۴۸.

۱۲. قرائتی، محسن (۱۳۸۸ش)، *امربه معروف ونهی از منکر*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵ق)، *الکافی*، شرح و ترجمه: محمد باقر کمره‌ای، قم: انتشارات اسوه.

۱۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۱۵. نوری همدانی، حسین و دیگران (۱۳۷۷ش)، *امربه معروف ونهی از منکر*، ترجمه: محمد محمدی اشتیاردی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۱۶. یوسفی لویه، وحید (۱۳۸۶ش)، «تأثیر آموزش دروس معارف اسلامی بر نگرش دینی دانشجویان»، *فصل‌نامه علمی تربیت اسلامی*، دوره ۳، شماره ۵.

۱۷. سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی: <https://rc.majlis.ir>

۱۸. سایت معاونت فرهنگی واحد تهران جنوب: <https://stb.iau.ir>

۱۹. سایت نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها: www.nahad.ir

Weakness of educational methods in transmitting religious and revolutionary knowledge

Zahra Gohari ¹
Dr. Saeid Bakshi ²

Abstract

If education wants to instill the correct content in learners and regulate their lifestyle in accordance with rational and revealed teachings, it must be able to convey appropriate educational foundations and principles and the desired knowledge in the correct ways. Deficiencies in educational methods will lead to weakness in the transmission of educational content. Such as: strictness instead of love, failure to convince thoughts, insufficient encouragement and punishment, inappropriate modeling, lack of use of art, disregard for conversation skills, abandonment of enjoining what is good and forbidding what is evil. No matter how strong the foundations are, if they are not presented in a scientific and human-friendly way, they will have no effect on building, rebuilding, and correcting human education and training, and there will be a failure in the transmission of knowledge to the individual. If, after about forty-seven years since the Islamic Revolution of Iran, today's and yesterday's teenagers and young people are still lax in practicing religious and revolutionary concepts, and in some cases even resist, then undoubtedly one of the most important reasons for this is the incorrect methods of transmitting revolutionary and religious knowledge. Although a review of educational methods may not be able to repair the shortcomings of the previous generation, it will definitely be able to safely guide the future generation through the challenges ahead

Keywords: Artistic expression, enjoining what is right, forbidding what is wrong, role modeling, conversation skills

1. PhD in Quran and Hadith Sciences, Usuluddin University, Tehran(Responsible Author)
2. Assistant professor, faculty member of Allameh Tabatabai University

ضعف روش‌های تربیتی در انتقال معارف دینی و انقلابی

زهرا گوهری^۱

سعید بخشی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۱

چکیده

اگر تعلیم و تربیت، بخواهد محتوای صحیح را به متعلم القا کرده و سبک زندگی آنها را مطابق آموزه‌های عقلانی و وحیانی تنظیم کند، باید بتواند مبانی و اصول تربیتی مناسب و معارف مورد نظر را به شیوه‌های صحیح انتقال دهد. نقایص شیوه‌های تربیتی موجب ضعف در انتقال محتوای تربیتی خواهند شد. مانند: سختگیری به جای محبت، عدم اقناع افکار، تشویق و تنبیه ناکافی، الگوسازی نامناسب، عدم استفاده از هنر، بی‌توجهی به مهارت‌های گفتگو، ترک امر به معروف و نهی از منکر. هرچقدر مبانی قوی باشند، اگر با روش علمی و مورد پسند انسان ارائه نشوند، هیچ تأثیری در ساخت، بازسازی و تصحیح تربیت و تعلیم انسان نداشته و در انتقال معارف به شخص، شکست ایجاد خواهد شد. اگر بعد از حدود چهل و هفت سال که از انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد، هنوز نوجوانان و جوانان امروز و دیروز در عمل به مفاهیم دینی و انقلابی، کاهلی کرده و بلکه در بعضی موارد مقاومت به خرج می‌دهند، بی‌شک یکی از مهم‌ترین علل آن، روش‌های نادرست انتقال معارف انقلابی و دینی است. بازنگری روش‌های تربیتی، گرچه شاید نتواند نقایص وارده در نسل قبل را ترمیم کند، اما قطعاً خواهد توانست نسل آینده را از چالش‌های پیش رو به سلامت عبور دهد.

واژگان کلیدی:

شیوه بیان هنری، امر به معروف، نهی از منکر، الگوسازی، مهارت‌های گفتگو.

۱. دکترای علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصول‌الدین تهران (نویسنده مسئول) (z.gohari313@gmail.com).

۲. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی (saeidbakhshy@atu.ac.ir).

مقدمه

امر آموزش و پرورش از چنان اهمیتی در ساحت ربوبی برخوردار است که در اولین آیات نازل شده بر قلب حضرت رسول اکرم ﷺ صحبت از آموزش مفاهیم به انسان است. تدبر در آیات آغازین سوره علق، نشان می‌دهد روح انسان که نشأت گرفته از نفخه الهی است به دنبال پاسخی برای نادانسته‌هاست. در این حال اولین معلم انسان، ذات اقدس اله است و همه رسولان الهی، تعلیم‌دهندگان مفاهیمی هستند که انسان نمی‌داند. به انسان نیز دستور داده شده که پاسخ مجهولات خود را از دانایان دریافت کنند (نحل: ۴۳).

مقوله تعلیم و تربیت، امری تأخیری نیست و انسان از زمانی که پا به عرصه وجود می‌گذارد، در حال یادگیری است. متولیان این امر، به خوبی می‌دانند که آموزش امور مختلف ارزشی، اجتماعی، علمی و غیره باید در زمان خود و مطابق با ظرفیت وجودی هر کس به او عرضه شود و تعلل در تعلیم مفاهیم از افراد کارآمد، موجب تعلم مفاهیم از افرادی است که متعهد و متخصص این امور نیستند.

تعریف مسئله

ایجاد هر ساختاری، بر سه پایه بنیان می‌گردد: بنیان، اصول و روش. توضیح آن که برای آموزش هر امر در هر ساحتی، باید مبانی آن موضوع روشن شده و اصول آموزش آن تبیین و سپس با روش‌هایی مناسب به مربی آموزش داده شود. انقلاب اسلامی ایران که خود را انقلابی فرهنگی می‌داند، از ابتدای پیدایش تاکنون همواره خواسته است فرهنگ دنیایی به ارث رسیده از طاغوت قبل از انقلاب را به فرهنگ اسلامی و قرآنی که در سیره پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام پیاده شده، تبدیل سازد.

به منظور آن که نوجوانان در رویارویی با این فراز و نشیب‌ها، تعادل خود را از دست نداده و منفعل نشوند، لازم است تحلیل‌هایی به آنان ارائه شود تا بتوانند نسبت به اتفاقات اطرافشان، موضع صحیحی اتخاذ نمایند، در غیر این صورت، سرگردانی و بلامتکلیفی نوجوانان، منجر به اتخاذ رویه‌های نامناسب و احیاناً جذب شدن به جریانات سیاسی و اجتماعی ناسالم خواهد گردید (شرفی، ۱۳۷۶: ۳۷۳).

بیش از دو دهه است که رهبری معظم انقلاب دربارهٔ هجمه فرهنگی هشدار داده‌اند. لکن خطر این هجمه که پیامدهای آن دامن نوجوانان و جوانان را گرفته است، هیچ‌گاه جدی

گرفته نشد. اکنون که فتنه ۱۴۰۱ مورد آسیب‌شناسی قرار می‌گیرد، مشاهده می‌شود که در فتنه‌های قبل آن در سال‌های ۱۳۹۸، ۱۳۸۸، ۱۳۷۸ آنچه بیش از همه خود را نشان داد، چالش‌های فرهنگی نسل جوان با ایده‌آل‌های انقلاب اسلامی بود. به نظر می‌آید در بین تعداد عمده‌ای از جوانان، گرایش‌ات مذهبی، آداب و اخلاق اسلامی، هنجارها و ارزش‌های دینی و قرآنی متزلزل شده است.

سؤال اصلی این جاست که در هر پایه از ساختار آموزش فرهنگ اسلامی و قرآنی، چه نقیصه‌ای صورت گرفته که نتوانسته این آداب و هنجار و عقیده و ارزش را در بین جوانان نهادینه کند؟ انقلاب اسلامی، انقلابی مبتنی بر عقاید اسلامی است که هدفش، هدایت و رشد استعداد‌های انسان برابر با رضایت پروردگار است. بر این مبنا اصول و معیارهایی حاوی اولویت‌ها و باید‌ها و نبایدها را تبیین کرده و برای عملیاتی کردن اصول و مبانی، روش‌هایی در نظر گرفته و انجام داده است. قطعاً در هر یک از این سه مرحله، کوتاهی‌هایی شده که نتیجه آن بعد از چهل سال تعلیم و تربیت، وجود نسلی با این همه چالش با اهداف اسلامی است که در انتخاب صحیح بین حق و باطل در فتنه ۱۴۰۰، این حجم وادادگی از نسل جوان مشاهده می‌شود.

گروه‌های علمی مختلفی از دانشمندان باید به این امر بپردازند که آیا در ارائه محتوای آموزشی مناسب هر رده سنی خللی بوده و یا اصول و روش‌های علمی و مؤثر به کار گرفته نشده و یا همه این مراحل دچار نقص در طرح و اندیشه بوده‌اند؟

اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

اهمیت این پژوهش از آن نظر است که دانستن و ندانستن رموز تربیتی، با عاقبت انسان سر و کار دارد و انسان مورد نظر اسلام که جانشین خداوند است، در صورتی می‌تواند در آخرت در جوار رحمت الهی باشد که انتخاب‌های صحیح در زندگی داشته و با عزم جزم متعهد به این انتخاب‌ها باشد. برای این انسان چه محتوایی با چه کیفیتی باید ارائه شود تا در پایان عمر، گرفتار خسران نگردد؟ اکنون پس از چهار دهه از انقلاب ایران، به نظر می‌آید با وجود آموزش مفاهیم دینی، معارف انقلابی و ارزشی نوعی جهالت در نسل جدید مشاهده می‌شود که با بصیرت همسالان خود در زمان انقلاب قابل مقایسه نیست. معروف است که نوجوانان و جوانان این عصر، با آموزش دیجیتال پهنه دانسته‌های‌شان اقیانوسی به عمق یک بند

انگشت است و آسیب این دانسته‌های اندک پراکنده، آن‌جا خود را نشان می‌دهد که در امر خطیر انتخاب در زندگی در هر مقوله‌ای به راحتی دچار اشتباه می‌شوند.

ویژگی این تحقیق آن است که نگارنده بدون وابستگی به جریانی خاص، نقایص روشی را هم از جنبه علمی هم مذهبی و هم با توجه به روش ارائه مریبان مورد نقد قرار داده است. نویسنده در فضایی حقیقی و نه انتزاعی از نزدیک با روش‌ها و اصول مبتنی بر مبانی عقیدتی در مراکز آموزش مختلف برخورد داشته و این رویارویی نزدیک کمک کرده است که نقص هر پایه در ساختار آموزش را به خوبی مورد دقت قرار دهد.

این پژوهش با عنوان «ضعف روش‌های تربیتی در انتقال معارف به نوجوانان و جوانان» با رویکرد تحلیلی و روش کتابخانه‌ای درصدد تبیین نقایص روش‌های مؤثر در انتقال مفاهیم به طور اعم و بالاخص از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون می‌باشد.

پیشینه تحقیق

در جستجوی مقالاتی که به نقایص تعلیم و تربیت پرداخته باشند، تحقیقات جامع مشاهده نشد. اکثر تحقیقات به مطالعه موردی و در محدوده خاص بسنده کرده‌اند. در عین حال گزارشی از نزدیک‌ترین تحقیقات ارائه می‌شود:

۱. پایان‌نامه «قرآن و سبک زندگی در ابعاد فردی و اجتماعی» نوشته خانم فاطمه رضازاده در مقطع کارشناسی ارشد و به راهنمایی خانم اشرف میکائیلی و مشاوره آقای احمد شجاعی در دانشگاه محقق اردبیلی از تحقیقاتی است که به موضوع پژوهش نقص مبانی و روشی، بسیار نزدیک است. این تحقیق به آرامشی که در نتیجه داشتن سبک زندگی الهی ایجاد می‌شود، اشاره داشته و وجه افتراق از سبک زندگی غیر الهی را ددر فسق و فجور جوامع به ظاهر مدرن می‌داند. لکن، فقط به یک مورد از این نقایص تعلیم و تربیتی اشاره کرده است.

۲. پایان‌نامه «مبانی و اصول اسلامی اخلاق رسانه» در مقطع کارشناسی توسط خانم آفرین قائمی و به راهنمایی آقای محمدعلی شمالی در دانشگاه باقرالعلوم (ع) نوشته شده است. این تحقیق به اثر رسانه در القای فرهنگ و معارف و اخلاق، در قالب خبر و فیلم و سریال و با بهره‌وری از فنون جدید در آموزش مخاطبین می‌پردازد. نویسنده به تأثیرگیری رسانه از مبانی لیبرالیسم پرداخته و تأثیر لیبرالیسم هنری در سکولاریزه شدن جامعه هدف را بررسی می‌کند.

۳. آقای خسرو باقری در کتاب *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی* که توسط انتشارات مدرسه

منتشر شده است به اصول و روش‌های تربیت اسلامی در ذیل ۱۴ اصل می‌پردازد. مرتبط‌ترین تحقیق با موضوع مقاله حاضر در کتاب حاضر بیان شده که البته در بیان نقص تربیتی مبانی و روشی به طور مستقیم نیست و خواننده باید با مقایسه روش‌های جاری و آن چه در کتاب بیان شده، به نتیجه مدنظر دست یابد.

۴. کتاب *سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام* نوشته آقای محمد داوودی و سیدعلی حسین‌زاده به آداب و روش‌های زمینه‌ساز تربیت با توجه به سیره اهل بیت علیهم السلام پرداخته است. کتاب با وجود برخورداری از غنای مطالب سیره اهل بیت علیهم السلام، عاری از تبیین نقایص تربیتی موجود در فضاهای تربیتی است.

در بسیاری از کتاب‌ها و پژوهش‌های موجود نیز این مطلب نمایان است که محققین، جنبه اثباتی در امر تعلیم و تربیت را بیان کرده و به نقایص روشی در فضاهای تربیتی و آموزشی نپرداخته‌اند. وجه تمییز تحقیق حاضر با سایر مطالعات این است که به طور موجز، سعی داشته عوامل مهم و مؤثر در نقص تربیتی را مورد توجه قرار دهد.

نقایص شیوه‌های تعلیم و تربیت

بهترین مبانی اگر مجهز به شیوه‌های مناسب نباشند، شکست خواهند خورد. طبیعی است که نظام تربیتی اسلام که هدفش تربیت انسانی شایسته خلافت الهی است، شیوه‌هایی مؤثر در روح و قلب انسان پیشنهاد کند تا عمل صحیح و مطابق با احکام الهی از انسان سر بزنند.

۱. عدم اقناع افکار و رضایت درونی

از مهم‌ترین راه‌های انتقال معارف، اقناع تفکر شخص است. پاسخ به شبهات به سه طریق صورت می‌گیرد. سوره نحل آیه ۱۲۵ می‌فرماید:

ای رسول ما، خلق را با حکمت و برهان و موعظه نیکو به راه خداوند دعوت کن و با بهترین طریق با اهل جدل، مناظره کن.

حکمت به معنای اصابت حق و رسیدن به آن به وسیله علم و عقل است. موعظه به معنای یادآوری کارهای نیک به گونه‌ای است که قلب رقت پیدا کند و تسلیم گردد و جدال در معنای کلی یعنی سخن گفتن از طریق نزاع و غلبه جویی. در این آیه هم موعظه و هم جدال مقید به قید «حسن» هستند. چرا که گاهی موعظه‌کننده، خودش به حق عمل نمی‌کند، ولو به زبان دعوت به حق دارد. همچنین دعوت به حق به وسیله مجادله نیز گاهی احسن نیست. یعنی

دشمن را به عناد و لجبازی وامی‌دارد. مجادله‌ای احسن است که شخص از هر گونه بی‌عفتی در کلام خودداری کرده و به خصم خود و مقدسات او توهین ننماید. در غیر این صورت شاید توانسته باشد حق را احیا کند، اما حقوقی دیگر را از بین برده است. لذا قرآن این سه را آورده و تشخیص آن بسته به مورد آن، به عهده کسی است که قصد دفاع از حق را دارد (طباطبایی، ۱۳۶۳ش: ج ۲۴، ۳۱۱).

این روش به پیامبران پیشین نیز توصیه شده است. استدلال حضرت ابراهیم علیه السلام با ستاره پرستان، ماه پرستان و خورشید پرستان و ماجرایی بت شکنی حضرت ابراهیم علیه السلام نیز استفاده از حکمت و موعظه روشن می‌شود. استدلال حضرت در مقصر دانستن بت بزرگ و ارجاع مردم برای سؤال از او، بت پرستان را به فطرت الهی بازمی‌گرداند و آنها متوجه می‌شوند پرستش سنگ و چوبی که خود ساخته‌اند و توقع صحبت با آنها انتظاری بی‌جاست.

بنابراین دعوت به دینداری باید بر پایه تحقیق باشد. برخی بدون تحقیق تابعند و برخی بدون تشخیص متبوع و قرآن کریم هر دو دسته را مذمت کرده است. خواه تابع، خواه متبوع، جدالش، جدال جاهلانه است. یعنی وقتی پذیرش عقیده و تطبیق عملی آن مطابق وحی و عقل نباشد، تقلید کور خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۷۹ش: ۸۰).
جای این شیوه به خصوص در مراکز علمی ما خالی است و شبهه‌هایی که در مورد عقاید و احکام اسلامی مطرح می‌شوند، در بسیاری موارد بی‌پاسخ می‌مانند.

۲. سختگیری به جای محبت

محبت از شیوه‌های بسیار مؤثر در انتقال معارف و علوم است. انسان الهی باید نسبت به گنهکاران دغدغه هدایت داشته باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، چنان نسبت به عدم هدایت بعضی افراد متأثر می‌شد که مورد ندای الهی قرار گرفت. سوره شعرا آیه ۳ می‌فرماید:
ای رسول تو چنان در اندیشه هدایت خلق هستی که می‌خواهی جانم را در غم کسانی که ایمان نمی‌آورند، هلاک کنی.

محبت لسانی را خداوند در آیات مختلف بیان کرده است. انسان مؤمن هم باید حرف خوب بزند و هم خوب حرف بزند. سوره بقره آیه ۸۳ می‌فرماید:
با مردم با زبان خوش تکلم کنید.

این روش سخن‌گویی را خداوند به حضرت موسی علیه السلام در مواجهه با فرعون هم مورد تأکید

قرار می‌دهد. سوره طه آیه ۴۴ می‌فرماید:

با او با کمال آرامی و نرمی سخن بگو که متذکر شود یا از خدا بترسد.

اما بررسی اوضاع کنونی جهان معاصر نشان می‌دهد که سهم مهم بودجه جهان، صرف فساد، افساد، تخریب، تهدید و کشتار می‌شود، مقدار متوسطی برای نیازهای لازم و بخش ناچیزی هزینه اصلاح و پژوهش می‌گردد. ما بیش از چیز و پیش از هر تلاشی، نیازمند رأفت و رحمت در کانون خانواده هستیم که نه در بازار و نه مهدکودک و نه در حوزه و دانشگاه پیدا می‌شود. بلکه همانند شیر مادر چشیدنی است. خداوند در سوره آل عمران آیه ۳۱ می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾

بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست بدارد.

پیامبر ﷺ فرمود:

حلقه و رابط محبتی بین خدا و بنده معرفی شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۳ ش: ۱۸۰).

محبت عملی مانند رسیدگی به ارحام، مستضعفان، محرومین و مستمندان، محبت بین همسران و موارد دیگر هم به طور وسیع تبیین شده است.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرموده است:

انسان بنده محبت و احسان است (آمدی، ۱۳۶۶ ش: ۳۸۵).

این علاقه و دوستی، زمینه را برای تأثیرپذیری از احسان‌کننده آماده می‌کند، زیرا قلب انسان به هرچه علاقه‌مند باشد، سایر اعضا و جوارح او نیز به آن علاقه‌مند می‌شوند و علاقه نیز پذیرش و پیروی را در بردارد (داودی، ۱۳۸۹ ش: ۲۴۲).

بخش اعظم تحقیقات مربوط به اثر بخشی معلم، بر ارتباط میان رفتار معلم و موفقیت دانش‌آموزان تأکید دارد. مطالعات حاکی از آن است که فرآیندهای آموزشی و مدیریتی کلید اثربخشی هستند، اما بسیاری از پاسخ‌ها در مصاحبه‌ها و نظرسنجی‌ها، تأکید دارند که ویژگی‌های عاطفی معلم یا رفتارهای احساسی و اجتماعی او، بیش از روش تعلیم و تربیت وی اهمیت دارند. همدلی، گوش کردن، درک و احترام، انصاف معلم، در ایجاد رابطه مؤثر با دانش آموز و ارتقاء کیفیت آموزش بسیار مؤثر هستند (حائری زاده، ۱۳۹۰ ش: ۲۶-۲۹).

یکی از مواردی که به انتقال معارف آسیب می‌زند، داشتن رفتار خشونت‌آمیز و عدم توجه به کرامت انسان است. در حقیقت این شیوه تفرغی است که برای فهم و درک انسان‌ها ارزش

قائل نبوده و فقط بخواهد مردم را وادار به عمل کند. سورة زخرف آیه ۵۴ می‌فرماید:
فرعون، قوم خود را خوار و ذلیل کرد، پس آنها مطیع اوامر او شدند.

تندخویی نمی‌تواند افکار فرد را اقناع کرده و او را از شبهات نجات دهد. بلکه داشتن سؤالات فراوان باعث می‌شود در اولین فرصتی که فرد بتواند، خود را از آن معرفت دینی و مهارت برهاند. آرامش روحی به همراه اعطای حس کرامت در انتقال معرفت و اجرای مهارت آن بسیار مؤثر است.

لکن در بسیاری از مراکز آموزشی و کارمندی، این شیوه به کار گرفته نشد. لذا افراد، قبل از آن که از فرد مؤمن زیبایی محبت را درک کنند، خشونت او در اجرای قانون را دیدند که موجب فراری دادن آنها شد.

۳. ترغیب و ترهیب ناکافی

انسان طبیعتاً از تحسین لذت می‌برد و بر اثر آن دست از رفتار ناروا برداشته و به سوی کارهای خوب ترغیب می‌شود. اگر تحسین و تشویق در حضور جمع باشد اثر مثبت‌تری را دارا خواهد بود و متربی به خاطر ملاحظات جمع، دست از انحرافات خود برخواهد داشت. التزامات این روش مانند منطقی بودن تحسین و تشویق، زمینه‌سازی، قدرشناسی و حدود و موقع اجرا در اثربخشی آن بسیار مؤثر هستند. ترهیب هم می‌تواند انواع مختلفی را دربر بگیرد. تذکر و اخطار، ملامت و محرومیت، مقابله منفی و تنبیه مراتب گوناگون ترهیب محسوب می‌شوند (قائمی، بی‌تا: ۲۸۲-۳۱۹).

قرآن کریم بعضی از اجرای حدود را در حضور افراد دیگر مطرح می‌کند تا ساحت جامعه از آن گناه پاک بماند. مانند سورة نور آیه ۲ مجازات فرد زناکار در حضور مردم و بدون هیچ مماشاتی صورت می‌گیرد تا مانع ارتکاب این گناه در سایر افراد جامعه باشد. در نامه ۵۳ نهج البلاغه که راهکارهای امیرالمؤمنین (علیه السلام) به مالک اشتر است، مجازات‌های سختی برای مفسدین اقتصادی در نظر گرفته شده است. در حدود چهل سال بعد از انقلاب، با بسیاری از مفسدین اقتصادی، اجتماعی برخورد سختگیرانه مناسب صورت نگرفت و این هم به دلیل نفوذ دشمنان در ساختار قوه قضائیه بود. عدم برخورد با این افراد و مماشات با آنها، تأثیر خلاف خود را در بینش نسل جوان نشان داد.

در نظام آموزش و پرورش نیز این نقص مشاهده می‌شود. دانش‌آموز سوم دبستان دختر که

روزه می‌گیرد و حجاب را رعایت می‌کند، در مدارس مورد تشویق قرار نمی‌گیرد. او هم‌چنان در کنار دانش‌آموزانی می‌نشیند که روزه‌خواری کرده و حجاب ندارند و چه بسا به دلایلی ولو موجه، آنها مورد تشویق قرار می‌گیرند و این مطلب ضدتربیت الهی برای او خواهد شد.

۴. الگوسازی و چهره‌پردازی‌های نامناسب

یکی از راه‌های مهم انتقال معارف، معرفی الگوهایی قابل پیروی، صحیح و منطبق با معیارهای قرآنی است. در سوره احزاب آیه ۲۱ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان اسوه مردم تعریف شده‌اند. به حسب این که پیروی از چه کسی باشد ممکن است اسوه‌ای نیک یا بد برای انسان فراهم آید. در این روش مربی می‌کوشد نمونه رفتار مطلوب را عملاً در معرض دید متربی قرار دهد و موقعیت اجتماعی او را دگرگون کرده تا او به پیروی بپردازد. ویژگی این روش این است که فرد در برخورد با اسوه، باید با بصیرت و انتخابگری به مواجهه بپردازد (باقری، ۱۳۹۵: ۱۴۴-۱۴۶).

در هر جامعه‌ای بعضی از افراد یک نوع برجستگی دارند و قهراً یک برجستگی خاصی پیدا می‌کنند. قهرمان سیاسی، قهرمان علمی، قهرمان ورزشی. این افراد به دلیل این که بزرگ هستند، دیگران از آنها تقلید می‌کنند. این یک مطلبی است که به تعبیر حکمای اسلامی، واهمه انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این هم از اموری است که قرآن برای خطاها، لغزش‌ها، اندیشه‌های باطل و بی‌ریشه معرفی می‌کند (مطهری، ۱۴۰۰: ۷۸).

معرفی چهره‌های شاخص در زمینه‌های مختلف اثر تربیت فوق‌العاده‌ای دارد. لکن این چهره‌ها خود باید، از جنبه نظر، به مسائل مختلف سعادت بشری آگاه و از جنبه عمل، به آن قوانین ملتزم باشند.

در این زمینه، حضرات معصومین الگوی کاملی در جهت تعلیم و تربیت محسوب می‌شوند. لکن سیره آنها در موارد مختلف در اختیار مردم قرار نگرفته است. به عنوان مثال، حضرت زهرا علیها السلام دارای نقش‌های متعدد در زمینه‌های مختلف می‌باشند: به عنوان یک مسلمان، دختر، همسر، مادر، مدیر خانه. او زنی است متعالی و دارای الگوی عظمت رهبری که در سایه ادای نقش‌هایش به انجام بزرگ‌ترین رسالت‌های انسانی و اجتماعی پرداخته است. او مسلمانی است که از یک سو سرگرم عبادات و وظایف تکلیفی است و از سوی دیگر سرگرم انجام وظیفه خانوادگی و از طرفی وظایف اجتماعی. زنی با هدف و اصیل است که هرگز رنگ محیط

را به خود نگرفت و با ناحق نساخت (قائمی، ۱۳۷۵ش: ۵۴-۶۷).

متأسفانه به خصوص در سال‌های اخیر، به افرادی در رسانه‌ها تحت عنوان «سلبریتی» پرداخته شد که نه از جنبه نظر، افرادی فرهیخته بودند و نه از جنبه عمل، اما الگوی قشر نوجوان قرار گرفتند. نتیجه این انتخاب نامناسب، در فتنه ۱۴۰۱ خود را نشان داد که این افراد به عنوان سران فتنه، چه بسیار جوانانی را که به دنبال خود به آتش فتنه وارد کردند.

۵. استفاده نکردن از جنبه‌های مختلف هنری

ناگفته پیداست که هنر در انتقال معارف جایگاه بسیار مهمی دارد. مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

هنر یک شیوه بیان است. منتها این شیوه بیان از هر تبیین دیگری رساتر، دقیق‌تر، نافذتر و ماندگارتر است. ای بسا که یک گزارش غیر هنری، گرچه علمی و تحقیقی و دقیق، خاصیت ارائه هنری را نداشته باشد (مقام معظم رهبری، گفتگو با اعضای سومین کنگره شعر و ادب دانشجویان سراسر کشور؛ جهاد دانشگاهی ۱۳۶۵/۹/۲۷).

همچنین در مورد قالب‌های مختلف هنری، می‌فرمایند:

شعر و هنر، زیباترین قالب برای همه پیام‌های نوین و مایه گسترش و نفوذ این پیام‌ها تا هر سوی خطه وسیع دل‌ها و جان‌های انسانی است (مقام معظم رهبری، نخستین کنگره دانشجویی شعر و ادب، ۱۳۶۳/۹/۲۷).

هنر در انواع مختلف، از نظر رساندن پیام، به طرز بلیغی عمل می‌کند. قالب‌های ادبی و شعری، قطعات نمایشی، هنرهای تجسمی و نقاشی و غیره. عمیق‌ترین پیام‌های اخلاقی، پاسخ به شبهات اعتقادی را به آسانی می‌توان با این روش در اختیار نسل جوان و مردم قرار داد. متأسفانه از این روش، به عنوان آموزش ضد ارزش‌ها استفاده شد. بی‌بند و باری‌ها، اختلاط نامحرم، ارزش‌های غیراخلاقی، پایه‌های سست ازدواج، پیامدهای بد فرزندآوری و غیره با ابزار هنر در اختیار مخاطبین قرار گرفت.

۶. آموزش ندادن مهارت‌های گفتگو

گفتگو، راهی بسیار روشن و آسان برای ارتباط با طرف مقابل است. دانستن رموز آن می‌تواند موانع فکری را از سر راه انسان‌ها برداشته و با تکیه بر اشتراکات، پیام انسان را به فرد مقابل برساند. در گفتگو، فقط گوینده مهم نیست، بلکه باید با توجه به شنونده، زمینه را برای درک متقابل فراهم کرد. نمونه‌هایی از این گفتگو در قرآن در سوره آل عمران آیه ۶۴ است که

می‌فرماید:

ای اهل کتاب بیایید به سمت کلمه‌ای که بین ما و شما مشترک است که به غیر از خدا نپرستیم.

همچنین در سوره انعام آیه ۱۰۸ می‌فرماید:

و شما مؤمنان به آنچه مشرکان غیر از خدا می‌خوانند دشنام ندهید تا آنها هم از روی دشمنی به خدا دشنام ندهند.

درباره گفتگو در قرآن کریم بر روی دو اصل تکیه شده است: اول آن که محتوای گفتگو باید نیکو باشد، دوم آن که محتوای گفتگو به طرز نیکو ادا شود. مقام معظم رهبری در شرح حدیثی اخلاقی از امام سجاد علیه السلام درباره آثار سخن نیکو، بیان می‌کنند که سخن نیکو، مال دنیا را برای انسان زیاد و رزق انسان را زیاد کرده و اجل انسان را به تأخیر انداخته و انسان را در میان اهل و خانواده خود محبوب می‌کند. سپس ایشان در توضیح قول حسن می‌فرمایند، سخنی که با موازین شرع منطبق است. مانند اسم خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و قیامت و دنیا و زندگی دینی و سعادت‌مندانه و ضمناً با روی خوش بیان شود. قول حسن طبعاً لازمه اش این است که با روی خوش و با زبان خوش ادا بشود (مقام معظم رهبری، شرح حدیث امام سجاد علیه السلام، ۱۳۹۴/۲/۸). اشتراکات افکار و دوری از اهانته، دو راه کار بسیار مهم در جذب مخاطب هستند که در گفتگو باید مورد تأکید قرار گیرد. راه گفتگوی مناسب بین مربی و متربی در بسیاری از مراکز، بسته است. مربیان یا از نظر علمی مسلط نیستند یا از نظر روشی، آداب گفتگو را نمی‌دانند که در هر دو صورت، رابطه صحیح برای انتقال معارف ایجاد نمی‌شود. از طرف دیگر، مخاطبین و متربیان نیز آداب گفتگو را فرا نگرفته اند تا بتوانند از نتیجه آن بهره‌مند شوند. به این ترتیب شبهات ذهنی متربی پاسخ داده نمی‌شود و مبانی صحیحی که بتواند متربی را اقناع کند نیز در اختیار او قرار نمی‌گیرد.

۷. ترک امر به معروف و نهی از منکر

یکی از شیوه‌هایی که می‌تواند در انتقال معارف مؤثر باشد، امر به معروف و نهی از منکر است. مطابق با سوره توبه آیه ۷۹ از نشانه‌های زنان و مردان مؤمن، علاوه بر اقامه نماز و ایتاء زکات، امر به معروف و نهی از منکر است. لازمه ایمان حقیقی، داشتن رابطه دوستی با یکدیگر و دغدغه نسبت به سرنوشت آنهاست و لازمه علاقه به یکدیگر، ارشاد هم به خوبی‌ها و انتقاد از

بدی‌ها و زشتی‌هاست. امر به معروف و نهی از منکر یعنی در برابر دیگران احساس مسئولیت کردن (شریفی، ۱۴۰۲ش: ۱۳۱).

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

به درستی که امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و شیوه صالحان است. وظیفه واجب است که به وسیله آن سایر واجبات برپا می‌شوند، راه‌ها امنیت پیدا می‌کنند و درآمدها حلال می‌شوند و مظالم (حقوقی که به ظلم گرفته شده‌اند) بازگردانده می‌شوند و زمین آباد می‌گردد و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و کارها روبه راه می‌گردد (حرعاملی، ۱۴۱۲ق: ج ۱۶، ۱۱۹، ح ۶).

در این شیوه فرد و جامعه، خود را نسبت به اعمال افراد دیگر مسئول دانسته و موضع بی تفاوت نخواهد گرفت. این شیوه، می‌تواند مستقیم و غیرمستقیم و همچنین قلبی، زبانی و عملی اجرا شود. شیوه عملی آن در حیطه اختیارات حکومت است که با عوامل اجرایی و قضایی، وارد شده و به صورت قانونی با فرد خاطی برخورد می‌گردد.

اگر جامعه‌ای مبتلا به بیماری ترک معروف و انجام منکر شود، از مسیر سعادت و پیشرفت خود دور می‌افتد. با عمل به این اصل جامعه پیشرفت می‌کند و با ترک این واجب الهی، انحطاط و پستی جامعه پیش خواهد آمد. ترک آن نشانه ضعف نفس و به تدریج مایه ضعف اراده و عمل می‌گردد. لازم به ذکر است که امر و نهی با ارشاد، تعلیم، تنبه و تذکر فرق دارد. امر به نیکی و نهی از زشتی، از سنخ فرمان و حاکمیت است نه از مقوله موعظه و پند و تعلیم (جوادی آملی، ۱۳۹۱ش: ۳۷۷).

هرچه در سال‌های اولیه انقلاب، توسط افرادی با اهداف خاص، این روش با خشونت اجرا شد، به همان اندازه در سال‌های اخیر نسبت به آن بی‌توجهی شد که هر دو بازخوردهای منفی خود را نشان داده است.

نتیجه‌گیری

در انتقال فرهنگ و معارف به انسان، اگر مبانی به دقت چیده شده و روش‌های مؤثر به کار گرفته شوند، محتوای معرفتی به جان انسان خواهد نشست. در این صورت با مرور زمان، این معارف نهادینه شده و خود شاخ و برگ تعالیم دیگری را در وجود انسان بارور می‌سازد. این که بعد از انقلاب، دشمنان هر ده سال توانسته‌اند از جهالت برخی جوانان استفاده کرده و فتنه‌ای بیفروزند، نشانه آفات تعلیم و تربیت اجرا شده در سال‌های گذشته است. برای رفع این آفات،

راهکارهایی پیشنهاد می‌شود:

- تهیه فیلم‌های هنری مستند در زمینه روشنگری‌های تاریخی انقلاب و مفاهیم دینی؛
- برگزاری کلاس‌های آزاد رفع شبهات و آموزش اخلاق در دوره‌های اول و دوم دبیرستان و دانشگاه‌ها؛
- برگزاری اردوهای دانش‌آموزی و دانشجویی برای آشنایی با جانبازان جنگ تحمیلی؛
- ساختن فیلم و سریال جذاب و شاد با محتوای معرفتی با رعایت نکات شرعی و آموزه‌های دینی؛
- ایجاد مهد کودک‌های فعال و مبتنی بر آموزه‌های تربیتی؛
- مطرح کردن دانشمندان جوان ایرانی به عنوان الگوهایی دست‌یافتنی؛
- استفاده از دبیران بانشاط، متعهد و متخصص در زمینه‌های دینی و علوم قرآنی در مدارس؛
- آموزش قرآن و مفاهیم آن به صورت جذاب در تمام مقاطع تحصیل.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶ش)، *غررالحکم و دررالکلم*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲. باقری، خسرو (۱۳۹۵ش)، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان، تهران.
۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹ش)، *سیره پیامبران (علیهم‌السلام) در قرآن*، قم: مرکز نشر اسراء.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹ش)، *صورت و سیرت انسان در قرآن*، قم: مرکز نشر اسراء.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳ش)، *زن در آئینه جلال و جمال*، تحقیق و تنظیم: محمود لطیفی، قم: مرکز نشر اسراء.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱ش)، *جامعه در قرآن*، قم: مرکز نشر اسراء.
۷. حائری زاده، خیریه بیگم؛ محمدحسین، لیلی (۱۳۹۰ش)، *ویژگی‌های معلم مؤثر*، تهران: نشر قطره، ششم.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ق)، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، بیروت:

مؤسسة آل البيت لاحياء التراث.

۹. داودی، محمد؛ حسینی زاده، سید علی (۱۳۸۹ش)، *سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام*، تهران:

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۱۰. شرفی، محمدرضا (۱۳۷۶ش)، *دنیای نوجوان*، تهران: انتشارات تربیت، چهارم.

۱۱. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۳ش)، *تفسیر المیزان*، تهران: کانون انتشارات محمدی.

۱۲. قائمی، علی (۱۳۷۵ش)، *فاطمه علیها السلام برترین بانوی اسلام*، قم: مؤسسه انتشارات هجرت.

۱۳. قائمی، علی (بی تا)، *تربیت و بازسازی کودکان*، تهران: انتشارات امیری.

۱۴. هاشمی گلپایگانی، سید محمد صالح (۱۴۰۰ش)، *آزادی بندگی هدف زندگی*، تهران: نشر بینش

مطهر.

۱۵. هاشمی گلپایگانی، سید محمد صالح (۱۴۰۰ش)، *خدا در زندگی انسان*، تهران: نشر بینش

مطهر.

۱۶. سایت مقام معظم رهبری، Khamenei.ir

The role of Mahdism and expectation in young people's mental health

Seyyed Mahdi Hosseini ¹

Abstract

This study seeks to explain the role of Mahdism and expectation in the mental health of young people. The mental health of a person (and consequently of young people) has characteristics that can be used to claim that a person has a healthy mind. Just as the purpose of physical health is to protect it from debilitating diseases and to actualize physical abilities, mental health is also achieved when the mind is immune to damage and the mental abilities are actualized. Mental health is a concept that is directly related to many characteristics of young people, such as independence, identity, self-esteem, role models, spirituality, emotionality, and outbursts of emotion and feelings. Since today's young people evaluate religious teachings, including Mahdism, in terms of their effectiveness and connection to their lives and needs. Explaining the functions and effectiveness of the progressive thought of Mahdism and expectation increases the motivation of young people to accept and develop the correct culture of Mahdism. According to the findings of this study, mental health has the following characteristics: 1. Feeling of worth (self-esteem); 2. Loving; 3. Feeling of responsibility; 4. Spiritual experiences; 5. Self-fulfillment; 6. Personality stability; 7. Purposefulness; 8. Giving meaning to life (as opposed to nihilism); 9. Peace of mind and the ability to fight anxiety; 10. Self-control. The idea of Mahdism and expectation directly affect these characteristics, and with these characteristics, mental health and well-being are achieved

Keywords: Mahdism, expectation, mental health, youth, functions of Mahdism

1. Level Four of Mahdism, the Promised Specialized Center of the Qom Seminary



ISSN: 2423 - 7655



فصلنامه علمی ترویجی مهدویت
سال سیزدهم / شماره پنجاهم / تابستان ۱۴۰۳

نقش مهدویت و انتظار در سلامت روان جوان

سیدمهدی حسینی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۲۸

چکیده

این پژوهش درصدد بیان نقش مهدویت و انتظار در سلامت روان جوان می‌باشد. سلامت روان انسان (و به تبع جوان) دارای شاخصه‌هایی می‌باشد که با وجود آنها می‌توان ادعا نمود شخص، دارای روان سلامتی می‌باشد، همان‌گونه که منظور از بهداشت بدن، حفظ آن از بیماری‌های ناتوان‌کننده و فعلیت بخشیدن به توانایی‌های جسمانی است، بهداشت روان نیز وقتی به دست می‌آید که مصونیت روان از آسیب‌ها و به فعلیت رسیدن توانایی‌های روانی حاصل شود. سلامت روان مفهومی است که با بسیاری از ویژگی‌های جوان نظیر استقلال‌طلبی، هویت‌یابی، عزت نفس، الگوخواهی، معنویت‌گرایی، هیجانی بودن و فوران عاطفه و احساسات، ارتباط مستقیم دارد. از آن جایی که جوان امروز آموزه‌های دینی از جمله مهدویت را از حیث کارایی و ارتباط آن با زندگی و نیازهایش ارزیابی می‌کند. تبیین کارکردها و کارآمدی اندیشه متمدنی مهدویت و انتظار، انگیزه جوانان را در پذیرش و گسترش فرهنگ صحیح مهدویت افزون می‌سازد. طبق یافته‌های این پژوهش، سلامت روان دارای شاخصه‌های: ۱. احساس ارزشمندی (عزت نفس)؛ ۲. عشق ورزی؛ ۳. احساس مسئولیت؛ ۴. تجربه‌های معنوی؛ ۵. خودشکوفایی؛ ۶. ثبات شخصیت؛ ۷. هدفمندی؛ ۸. معنی‌بخشی به زندگی (در مقابل پوچ‌گرایی)؛ ۹. آرامش روان و توانایی مبارزه با اضطراب‌ها؛ ۱۰. خودمهارگری می‌باشد که اندیشه مهدویت و انتظار در این شاخصه‌ها به صورت مستقیم تأثیرگذار می‌باشد که با وجود این شاخصه‌ها بهداشت و سلامت روان محقق می‌گردد.

واژگان کلیدی

مهدویت، انتظار، سلامت روان، جوان، کارکردهای مهدویت.

مقدمه

در شرایطی که فرهنگ غرب تمام تلاش خود را برای مهدی‌ستیزی و تصویر نادرست از

۱. سطح چهار مهدویت مرکز تخصصی موعود حوزه علمی قم (hos97676@gmail.com).

فرهنگ مهدویت در اذهان مردم به کار گرفته و اندیشه مهدویت را موهوم دانسته است و یا برای آن کارکرد منفی قائل است، مؤثرترین راه برای مقابله با این فکر باطل، نشان دادن ابعاد نتیجه‌گرایانه اندیشه مهدویت و انتظار و تبیین ظرفیت‌های بالقوه و آثار فردی و اجتماعی آن بر زندگی بشر است. زیرا جوان امروز آموزه‌های دینی از جمله مهدویت را از حیث کارآیی و ارتباط آن با زندگی و نیازهایش ارزیابی می‌کند. تبیین کارکردها و پی‌آمدها و کارآمدی اندیشه مترقی مهدویت، انگیزه جوانان را در پذیرش و گسترش فرهنگ صحیح مهدویت افزون می‌سازد. یکی از دغدغه‌های مهم هر جوانی سلامت روانی در کنار سلامت جسمانی می‌باشد. در عصر حاضر که فشار روانی، بیماری تمدن جدید نامیده شده و روز به روز بیماری‌های روانی در دنیا و به تبع کشور ما گسترش یافته، موجب گردیده که توجه بشر به مقوله سلامت روان دوچندان گردد.

آنچه که در این پژوهش حائز اهمیت است بررسی این است که نقش اندیشه مهدویت و انتظار در سلامت روان نسل جوان چیست؟

پیشینه پژوهش

۱. کتاب *مهدویت و آرامش روان* تألیف محمد سبحانی نیا؛ ۲. کتاب *نقش انتظار در تعالی خانواده* تألیف محمود ملکی‌راد؛ ۳. کتاب *راهبرد اخلاق/ انتظار* تألیف بهروز محمدی منفرد؛ ۴. کتاب *کارکردهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت* تألیف محمود ملکی‌راد.

۱. مقاله «کارکرد مهدویت در اصلاح و تغییر رفتارهای فردی و اجتماعی» تألیف محمود ملکی‌راد؛ ۲. مقاله «کارکرد اجتماعی اعتقاد به مهدویت» تألیف محمود ملکی‌راد و مجتبی گودرزی؛ ۳. مقاله «واکاوی مفهوم انتظار و فضیلت آن در روایات» تألیف سیده فاطمه موسوی، مرضیه سادات حسینی؛ ۴. مقاله «مفهوم انتظار و اهمیت آن» تألیف اشتهاردی؛ ۵. مقاله «جوانی: نیازها و انتظارات و جنبه‌های آسیب‌شناختی آن» تألیف فرهنگ ارشاد.

مزیت مقاله پیش رو در این است که به صورت خاص، شاخصه‌های سلامت روان را تبیین و سپس نقش اندیشه مهدویت و انتظار را در شاخصه‌های سلامت روان بررسی می‌نماید.

مفاهیم کلیدی

۱. مفهوم مهدویت

الف) مهدویت از نظر لغوی

مهدویت از لحاظ لغوی، مصدر جعلی یا ساختگی است که پس از افزودن تایی تانیث به اسمی که یاء نسبت به آن اضافه شده است، ساخته می‌شود. اسم اصلی که می‌تواند اسم فاعل، اسم مفعول یا هر اسم دیگری باشد (سلیمیان، ۱۳۸۸ش: ۴۳۴).

ب) مهدویت از نظر اصطلاحی

مهدویت در اصطلاح یعنی روش، رفتار، فکر و عقیده‌ای که به مهدی انتساب داشته باشد؛ پس مهدویت یعنی معتقد بودن به وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و طریقه یا رفتاری که به اعتقاد و باور به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منتسب باشد (ملکی راد، ۱۳۹۷ش: ۳۸).

۲. مفهوم انتظار

الف) معنای لغوی انتظار

صاحب کتاب *العین* انتظار را به معنای توقع داشتن کسی که منتظرش هستیم تعریف می‌کند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۸، ۱۵۶). ابن اثیر در *نهایه و لسان العرب* به تبع او، انتظار را به معنای چشم داشتن حضور کسی بیان می‌کنند (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷ش: ج ۵، ۷۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۵، ۲۱۹) فروق اللغة فرق میان انتظار و ترجی را در این می‌داند که ترجی در جایی است که تنها انتظار خیر هست و در حالت شک می‌باشد به خلاف انتظار که طلب امری است که مقدور است که واقع شود (عسکری، ۱۴۰۰ق: ۶۷) صاحب کتاب *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، انتظار را به معنای انتخاب و اختیار کردن نگاه دانسته و در مفهوم ترقب عامل بودن را نیز شرط می‌داند (مصطفوی، ۱۳۶۸ش: ج ۱۲، ۱۸۷).

با توجه به معانی ذکر شده در کتب لغت به نظر می‌رسد که انتظار بدین معناست که شخص، انتخاب و اختیار کند که متوقع حضور چیزی باشد.

ب) معنای اصطلاحی انتظار

انتظار در اصطلاح مهدویت به معنای چشم به راه بودن ظهور واپسین ذخیره الهی و آماده شدن برای یاری او در برپایی حکومت عدل و قسط در سراسر گیتی است (سلیمیان، ۱۳۸۸ش: ۱۳۸۸).

(۷۶).

ج، انتظار از منظر روایات

در روایات متعددی به فضیلت و اهمیت انتظار اشاره شده است:

رسول اکرم ﷺ پس از آن که انتظار فرج را در زمره عبادت‌های خداوند دانسته است آن را یکی از برترین عبادت‌ها بر شمرده‌اند (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۸۸). آنچه که با مراجعه به روایات مستفاد می‌گردد این است که انتظار صرفاً امری درونی نیست بلکه لازم است اثرش در عمل شخص ظاهر گردد.

در روایت دیگری امام صادق (ع) انتظار را ملازم با عمل به ورع و محاسن اخلاق دانسته‌اند (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ق: ۲۰۱).

در روایتی نورانی امام جواد (ع) انتظار را افضل اعمال شیعیان ذکر نموده‌اند (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۳۷۸) درباره اهمیت انتظار فرج افزون بر آنچه اشاره شد، به روایاتی بر می‌خوریم که انتظار را نه فقط جهاد بلکه برترین جهاد دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۴، ۱۴۱). به نحوی که در روایتی شیعیان را امر کرده‌اند به این که برای ظهور حضرت اسباب جنگی مهیا کنند (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ق: ۳۲۰).

۳. مفهوم سلامت روان

درباره بهداشت روان تاکنون از سوی پژوهشگران و روان‌شناسان، تعاریف گوناگونی ارائه شده است از جمله:

۱. نبود بیماری روانی؛
 ۲. قدرت تأمل درباره خود؛
 ۳. رشد و شکوفایی؛
 ۴. یکپارچگی همه صفات فرد؛
 ۵. توانایی کنار آمدن با فشارهای روانی؛
 ۶. خودفرمایی و خودفرمانبری؛
 ۷. دیدن جهان چنان که در واقع هست (سبحانی‌نیا، ۱۴۰۰ش: ۲۳)؛
 ۸. تسلط بر محیط و قدرت بر انطباق و سازگاری (ساجدی، ۱۳۸۷ش: ۵۶).
- در سال‌های اخیر انجمن کانادایی بهداشت روانی، سلامت روانی را در سه بخش تعریف

کرده است:

۱. نگرش‌های ناظر بر خود مانند، تسلط بر هیجان‌ها؛

۲. نگرش‌های ناظر بر دیگران مانند: احساس مسئولیت در مقابل محیط انسانی و مادی؛

۳. نگرش‌های ناظر بر زندگی مانند: پذیرش مسئولیت‌ها (گنجی، ۱۳۹۱ش: ۱۳).

همان‌گونه که منظور از بهداشت بدن، حفظ آن از بیماری‌های ناتوان‌کننده و فعلیت بخشیدن به توانایی‌های جسمانی است، بهداشت روان نیز وقتی به دست می‌آید که مصونیت روان از آسیب‌ها و به فعلیت رسیدن توانایی‌های روانی حاصل شود. بر این اساس باید انسان و روان او را بشناسیم و ضعف و قوت، سلامتی و بیماری و کمال و نقص او را دریابیم تا بتوانیم درباره بهداشت و سلامتی‌اش به درستی حکم دهیم.

۴. مفهوم جوان

الف) معنای لغوی جوان

جوان در زبان فارسی به معنای برنا، تازه، نو و چیزی است که از عمر آن چندان نگذشته باشد (لغت‌نامه دهخدا) اما در فرهنگ عربی دو تعبیر رایج در مورد جوان وجود دارد؛ یکی «فتی» و دیگری «شاب» (ری شهری، ۱۳۸۹ش: ۱۳). ریشه لغوی این تعبیر می‌تواند گویای حالات و مواضع آنان باشد. شاب به معنی برافروختگی و زبانه کشیدن است: «شب النار: یعنی آتش برافروخت» (فرهنگ الرائد).

ب) معنای اصطلاحی جوان

دست‌یابی به تعریف یگانه برای جوان و جوانی و به ویژه بیان دقیق دوره سنی آن در منابع اسلامی و روان‌شناسی و تربیتی، بسیار دشوار است و جمع کردن میان آنها دشوارتر. با همه تلاش‌هایی که روان‌شناسان برای پرده برداشتن از اسرار این مرحله به عمل آورده‌اند، باید اعتراف کرد که هنوز نقاط مبهم و ناشناخته بسیاری در این زمینه وجود دارد که بدون شناخت آنها اظهار نظر صریحی را درباره آنان نمی‌توان داشت با این حال، با در نظر گرفتن آنچه از تفسیر آیات و روایات مربوط به جوانی و نظریه‌های روان‌شناسی به دست می‌آید، جوان را می‌توان این‌گونه تعریف کرد:

جوانی، مرحله‌ای بی‌بدیل از عمر انسان است و فرصتی است که در آن عقیده و اخلاق ریشه‌دار شده و فضائل و ملکات انسانی در او تثبیت می‌گردد.

جوان در شرایط و امکاناتی است که می‌تواند حلال مشکلات باشد و نارسایی‌ها و کاستی‌های جامعه را از میان بردارد. قدرت عمل دارد و این قدرت خود عامل سازندگی و رشد و پیشرفت او و جامعه است. او در طریق وصول به هدف، قادر است موانع را درهم بشکند و مقاصد خود و جامعه‌اش را محفوظ دارد. نیروی جسمانی او در کمال اوج است و استعداد و ذهن و توجه او در نهایت رشد، همت او عالی است.

اگرچه در بیان عامه اصطلاح جوانی افرادی تا سن ۴۰ سالگی را هم در برمی‌گیرد اما مراد ما از جوانی در این نوشتار بین ۱۶ تا ۲۹ سال است، یعنی همان تعریفی که سازمان ملی جوانان و از جوانی ارائه کرده است.

ج) ویژگی‌های جوان

شخصیت انسان و به تبع جوان دارای سه بعد بینشی، گرایشی و کنشی می‌باشد. جوان در هر یک از این سه بعد دارای خصائص و ویژگی‌هایی می‌باشد که در ادامه به آنها اشاره می‌نمائیم.

الف) ویژگی‌های بینشی

۱. استقلال طلبی و هویت‌یابی؛ ۲. بلندپروازی و آرمان‌گرایی؛ ۳. خیال‌پردازی و آرزومندی؛ ۴. باریک بینی و تیزفهمی؛ ۵. پرسش‌گری (پویایی فکری)؛ ۶. داشتن روحیه انتقادی؛ ۷. حقیقت‌جوئی.

ب) ویژگی‌های گرایشی

۱. میل به زیبایی و خودنمایی؛ ۲. هیجانی بودن و فوران عاطفه و احساسات؛ ۳. نوگرایی و تنوع‌طلبی (سنت‌شکنی)؛ ۴. پاک دلی و رقت قلب؛ ۵. شور و نشاط جوانی؛ ۶. استقلال طلبی؛ ۷. معنویت‌گرایی؛ ۸. الگوخواهی؛ ۹. میل به جنس مخالف؛ ۱۰. نقش‌پذیری؛ ۱۱. عزت نفس؛ ۱۲. میل به قدرشناسی؛ ۱۳. شجاعت و بی‌باکی (خطرپذیری).

ج) ویژگی‌های کنشی

۱. فعال و پر تحرکی؛ ۲. رفیق بازی؛ ۳. نیرومندی جسمانی.

ارتباط جوان با سلامت روان

سلامت روان مفهومی است که با بسیاری از ویژگی‌های جوان نظیر استقلال طلبی،

هویت‌یابی، عزت نفس، الگوخواهی، معنویت‌گرایی، هیجانی بودن و فوران عاطفه و احساسات، ارتباط مستقیم دارد. یکی از دغدغه‌های مهم هر جوانی سلامت روانی در کنار سلامت جسمانی می‌باشد. در عصر حاضر که فشار روانی، بیماری تمدن جدید نامیده شده و روز به روز بیماری‌های روانی در دنیا و به تبع کشور ما گسترش یافته، موجب گردیده که توجه بشر به مقوله بهداشت روان دوچندان گردد.

جوامع بشری در طول تاریخ خود همواره دنبال آرامش روحی بوده‌اند، امروزه اضطراب و تشویش ذهنی و عوارض ناشی از آن، در زندگی فردی و اجتماعی گریبان‌گیر بشر، خصوصاً جوانان شده و نگرانی جدی برای جوامع فراهم ساخته است. اتفاقاً در کشورهای به اصطلاح توسعه‌یافته، میزان این اضطراب‌ها، استرس‌ها و مشکلات روانی بیش از دیگر کشورهاست. آمار روزافزون بیماران روانی بستری در بیمارستان‌های غرب مؤید این حقیقت است. بی‌گمان دست نیاز بشریت فراتر و فریاد احتیاج و نیازمندی‌اش به تعالیم حیات‌بخش الهی بلندتر از هر زمان دیگری است.

با توجه به مبنای علم‌گرایی، علوم جدید و از جمله روان‌شناسی در نشان دادن هدف زندگی انسان و راه انسانیت ناتوان‌اند و نمی‌توانند معنی و مفهوم درست و ارزشمندی برای زندگی ارائه کنند. جوان معاصر خود را میان انبوهی از بحران‌ها و مصیبت‌های عصر مدرن تنها یافته، از تنهایی‌های روحی، ادراکی، معاشرتی و... رنج می‌برد و دنبال پناهگاهی برای برون‌رفت از این همه تنهایی است. او در این امر هر آنچه را به محک و سنجه تجربه زده است مؤثر واقع نشده است جز این که باید به دین و باورهای دینی روی آورد تا با حضور خدا و باورهای دینی در زندگی، حصاری در مقابل هجمه‌های عصر مدرن پدید آورد و دیگر خود را تنها نبیند.

بررسی و تبیین نقش مهدویت و انتظار در سلامت روان جوان

در شرایطی که استعمار نوین، در عصر رسانه‌ها همه تلاش خود را برای مهدی‌ستیزی و تصویر نادرست از فرهنگ مهدویت در اذهان مردم به کار گرفته و اندیشه مهدویت را موهوم دانسته است و یا برای آن کارکرد منفی قائل است، مؤثرترین راه برای مقابله با این فکر باطل، نشان دادن ابعاد نتیجه‌گرایانه اندیشه مهدویت و انتظار و تبیین ظرفیت‌های بالقوه و آثار فردی و اجتماعی آن بر زندگی بشر است. زیرا جوان امروز آموزه‌های دینی از جمله مهدویت را از حیث کارآیی و ارتباط آن با زندگی و نیازهایش ارزیابی می‌کند. تبیین کارکردها و پی‌آمدها و

کارآمدی اندیشه متمدنی مهدویت، انگیزه جوانان را در پذیرش و گسترش فرهنگ صحیح مهدویت افزون می‌سازد. یکی از حوزه‌هایی که اندیشه مهدویت و انتظار به طور مستقیم در آن اثر می‌گذارد، حوزه سلامت روان است. انتظار در ابعاد عاطفی آن، یعنی اشتیاق، محبت و چشم به راه بودن که همگی مستلزم نوعی توسل و رابطه قلبی با حضرت است، بر سلامت روان به معنای پیشگیری اولیه، ممانعت از بیماری‌ها و ارتقای توانمندی‌ها در مقابله با استرس‌ها و اضطراب‌ها نقش مؤثری دارد. اعتقاد به مهدویت تنها یک تئوری و باوری اسلامی با رنگ دینی نیست، بلکه ریشه در یکی از ویژگی‌های ذاتی و فطری انسان، یعنی امید دارد و دارای رویکردهای معرفتی، اجتماعی، اخلاقی و عاطفی است.

با ورود اندیشه مهدویت به عرصه روان‌شناسی، به بعد معنوی انسان و در نتیجه رشد روحانی او توجه می‌شود و زندگی معنی پیدا می‌کند، چون فرد و جامعه‌ای که به آینده‌ای روشن و عصری متفاوت از وضع موجود و به دور از نقص‌ها ایمان دارد، الگویی از وضع مطلوب دارد و همواره موقعیت و منزلت خود را با آن می‌سنجد. سلامت روان، وقتی به دست می‌آید که اولاً روان از آسیب‌ها مصون گردد و ثانياً توانایی‌های روانی به فعلیت برسند.

شاخصه‌های سلامت روان

از منظر روان‌شناسان، سلامت روان انسان (و به تبع جوان) دارای شاخصه‌های زیرمی‌باشد:

۱. احساس ارزشمندی (عزت نفس)؛ ۲. عشق‌ورزی؛ ۳. احساس مسئولیت؛ ۴. تجربه‌های معنوی؛ ۵. خودشکوفایی؛ ۶. ثبات شخصیت؛ ۷. هدفمندی؛ ۸. معنی‌بخشی به زندگی (در مقابل پوچ‌گرایی)؛ ۹. آرامش روان و توانایی مبارزه با اضطراب‌ها؛ ۱۰. خودمهارگری (سبحانی‌نیا، ۱۴۰۰: ۴۷) که با وجود مجموع اینهاست که می‌توان ادعا نمود شخص، دارای روان سلامتی می‌باشد. ما در ادامه نقش اندیشه مهدویت و انتظار را در هر کدام از شاخصه‌های فوق تبیین خواهیم نمود.

۱. مهدویت و احساس ارزشمندی

یکی از ملاک‌های انسان سالم، داشتن عزت نفس و احترام به خود است. احساس ارزشمندی (عزت نفس) یعنی مقدار ارزشی که انسان برای خود قائل است یا دیگران برای شخصیت او قائل اند. یکی از واژه‌های مترادف با عزت نفس، کرامت نفس است که در روایات معصومین علیهم‌السلام بر آن تأکید شده است. اگر کسی نفس شریف و بزرگواری داشته باشد، آن را با

معصیت خوار و ذلیل نمی‌کند (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ ش: ۴۳۹). انسان کریم از خواهش‌های ذلت‌آور دوری می‌کند و شهوت و هوای نفسانی در نظر او بی‌ارزش است.

عزت نفس پائین در افراد محصول احساس ناتوانی، احساس پوچی و بی‌معنا دانستن زندگی، درماندگی در برابر موقعیت‌های استرس‌زا و بحران‌های زندگی و ترس از شکست است و اعتقاد به خداوند متعال، آدمی را در برابر حوادث و رویدادهای تلخ مقاوم می‌سازد. شخص مؤمن در مصیبت‌ها و گرفتاری به امداد غیبی پرودگار دلگرم است. شخص معتقد به مهدویت در تنگناها و گرفتاری‌ها امید به فرج و گشایش امور دارد و معتقد است که امام در پس پرده غیبت متولی امور بوده و رفع گره‌ها به دست اوست...

فردی که با امام خود انس دارد در درون خویش احساس نیرومندی می‌کند و مطمئن است که در ناملایمات امام از او دستگیری می‌نماید. چنین شخصی احساس ارزشمندی، کارآمدی و توانمندی می‌کند.

شخص معتقد به امام زمان (عجله) و منتظر ایشان طبق روایت امام سجاد (ع) برترین شخص در طول تمام زمان‌ها می‌باشد و این امر موجب می‌شود که فرد منتظر احساس ارزشمندی و عزت نفس بکند و در نتیجه در برابر مشکلات و ناملایمات سر فرود نیاورد:

... یا أبا خالد إن أهل زمان غيبة القائِلین یامامته و المنتظرین لظهوره أفضل من أهل کل زمان لأن الله تبارک و تعالی أعطاهم من العقول و الأفهام و المعرفة ما صارت به الغيبة عندهم بمنزلة المشاهدة و جعلهم فی ذلك الزمان بمنزلة المجاهدين بین یدی رسول الله ﷺ بالسيف أولئك المخلصون حقا و شیعتنا صدقا و الدعاة إلى دین الله عزوجل سرا و جهرا و قال علی بن الحسین (ع) انتظار الفرج من أعظم الفرج (ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق: ج ۱، ۳۲۰)؛

ای ابو خالد مردم زمان غیبت او که معتقد به امامت او هستند و منتظر ظهورش می‌باشند از مردم هر زمانی برترند، زیرا خدای تبارک و تعالی عقل و فهم و معرفتی به آنها عطا کرده است که غیبت نزد آنها چون مشاهده است و آنها را در این زمان بمانند مجاهد در رکاب رسول خدا ﷺ با شمشیر قرار داده است آنان به حق مخلصان و به درستی شیعیان ما و داعیان بدین خدای عزوجل در پنهان و آشکار می‌باشند و فرمود انتظار فرج از بهترین اعمال است.

۲. مهدویت و عشق‌ورزی

یکی از شاخصه‌های بهداشت روانی، توانایی هم‌جوشی، دوستی و عشق‌ورزی به دیگران در

روابط بین فردی است. باورداشت مهدویت در تحقق این مؤلفه تأثیر به سزایی دارد، زیرا از یک سو آتش عشق و عواطف درونی را شعله‌ور می‌سازد و از سوی دیگر بخشی از آن را به سمت عشق به دیگران به ویژه مؤمنان هدایت می‌کند.

عنصر صفا، محبت و همدلی را می‌توان در اندیشه مهدویت و انتظار به وضوح مشاهده کرد. امام صادق (ع) می‌فرماید:

اصحاب قائم به گونه‌ای با هم معاشرت می‌کنند که گویی از یک پدر و مادر هستند (بحرانی، ۱۳۷۴ ش: ج ۲، ۲۳-۲۴).

امام رضا (ع) در وصف امام مهدی (عج) می‌فرماید:

از پدران و مادران شان بر ایشان دلسوزتر است (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۲۵، ۱۱۶).

تربیت شده مکتب مهدوی با الگوگیری از امام خود، به انسان‌ها عشق می‌ورزد. از این رو کسی که منتظر حضرت است در دعای عهد دیگران را نیز در اظهار علاقه خود شریک می‌سازد:

اللهم بلغ مولانا الامام الهادی المهدی القائم بامرک صلوات الله علیه و علی آبائه الطاهرين عن جميع المومنين و المومنات... (قی، ۱۳۹۴ ش: ۸۸۰).

۳. مهدویت و احساس مسئولیت

به نظر بسیاری از روان‌شناسان، یکی از شاخصه‌های سلامت روانی، پذیرش مسئولیت است (گنجی، ۱۳۹۱ ش: ۱۳) کسی که از سلامت روانی بی‌بهره باشد، در زندگی فردی و اجتماعی به دیگران تکیه دارد و به کمک آنها چشم دوخته است.

مهدویت یعنی داشتن احساس مسئولیت جهانی برای انسان امروز و فردا و دغدغه اصلاح بشریت، رنج بشریت را احساس کردن و از قالب «من» در آمدن و به «ما» اندیشیدن. در دوران انتظار منتظران مسئولیت‌های عظیمی بر دوش دارند که آنها را می‌توان در دو بعد فردی و اجتماعی بر شمرد:

الف) مسئولیت‌های اجتماعی: نظیر امر به معروف و نهی از منکر زیرا طبق روایات «المهدی و اصحابه... یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» (بحرانی، ۱۳۷۴ ش: ج ۳، ۸۹۳).

مسئولیت اجتماعی دیگر عبارت است از یاری‌گری مظلومان و محرومان.

ب) مسئولیت‌های فردی نظیر: تهذیب نفس، دقت در گفتار و رفتار، تقویت دینداری، صبر و استقامت.

۴. مهدویت و تجربه‌های معنوی

وجه مشترک بسیاری از روان‌شناسان در مراد از تجربه‌های معنوی عبارتست از نوعی توجه به موضوعات روحانی و شهودی و رای دنیای محسوس به حس ظاهری. اندیشه مهدویت برای پیروان مذهب شیعه، بستر مناسبی را جهت کسب تجربه‌های معنوی فراهم کرده است. زیرا ارتباط عمیق عاطفی با امامی که او را حاضر غائب می‌دانند وجود دارد. امام سجاد علیه السلام به ابو خالد کابلی فرمودند:

مردم زمان غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که معتقد به امامت او هستند و منتظر ظهورش نشسته‌اند، بافضیلت‌ترین مردم دنیا می‌باشند، زیرا خداوند عقل و فهمی به آنان عطا کرده است که غیبت نزدشان به منزله ظهور و مشاهده است (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰ش: ۲۴۴).

شیعیان در زمان غیبت از راه‌های مختلف با امام زمان خود ارتباط معنوی و عاطفی برقرار می‌کنند از جمله:

- الف) توجه و ابراز علاقه در جشن‌های نیمه شعبان، روز ولادت با سعادت آن حضرت؛
- ب) خواندن دعای ندبه، زیارت آل یاسین، دعای عهد، دعای فرج و نماز امام زمان علیه السلام؛
- ج) رفتن به مسجد جمکران و مسجد سهله و دعای برای فرج آن حضرت؛
- د) استمداد، توسل و توجه به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای رفع مشکلات.

۵. مهدویت و خود شکوفایی

یکی از مؤلفه‌های بهداشت روانی رشد و شکوفایی است. این مؤلفه چنان جایگاهی دارد که کارل راجرز و مزلوکه دو روان‌شناس معروف آمریکایی‌اند، بهداشت روانی را به خود شکوفایی تعریف می‌کنند (مزلو، ۱۳۷۶ش: ۲۱۱ و ۲۴۹).

شکوفایی در اصطلاح به معنای رشد همه جانبه روح، جسم و روان به صورت هماهنگ می‌باشد. خود شکوفایی به معنای آن است که شخص از همه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خویش بهره گیرد.

فرهنگ انتظار با برخورداری از عناصری چون امید، شوق و یاد می‌تواند این نیاز روانی انسان را با ساز و کارهایی تامین کند، مانند:

ایجاد انگیزه

جوان برای تداوم زندگی و تحمل دشواری‌های آن نیازمند انگیزه‌ای نیرومند است که در پدیده امید به آینده تجلی می‌یابد. آینده‌ای که به مراتب زیباتر و بهتر از امروز باشد. این مسئله به ویژه برای جوانان اهمیت بیشتری دارد، زیرا آنان در پرتو «امید به فردایی بهتر» می‌توانند به نیروی فراوان خود و شور و نشاط بی‌پایان‌شان جهت و معنی بخشند.

وقتی منتظر باور دارد که موعود می‌آید، به آمدنش هم اشتیاق دارد و دائم به یاد اوست، ناگزیر خود را برای آمدنش آماده می‌کند و سعی دارد وقتی او می‌آید، در آمادگی کامل باشد. وقتی فرد باور داشته باشد که امامی هست و می‌تواند به او متوسل شود، وی را ناظر بر اعمال خویش می‌داند و در افعال خویش از او کمک می‌خواهد. چون منتظر به آمدن منجی اشتیاق دارد اعمالی انجام می‌دهد که آمدنش را سرعت بخشد، او همواره در رشد و تعالی خویش و جامعه تلاش می‌کند و هر آنچه را با آمدن موعود نافات دارد از سر راه برمی‌دارد. آموزه‌های دینی از جمله مهدویت، توان تولید و ایجاد نیروی انگیزه دارد که در سایه محبت الهی و عشق به امام حی و حاضر به دست می‌آید.

اعتقاد به این که ما در برابر امام مسئول هستیم، انگیزه آدمی را تقویت می‌کند. احساس تکلیف در واقع، تعهد و التزام به انجام وظایف را به دنبال دارد.

خودشناسی

اعتماد به نفس و خود شکوفایی تا حد زیادی متوقف بر شناخت جنبه‌های مثبت شخصیتی و آگاهی از استعدادها و توانایی‌ها و قابلیت‌هاست. عدم اعتماد به نفس غالب افراد به خاطر فقدان امکانات نیست، بلکه به دلیل عدم شناسایی خویشتن است (سبحانی‌نیا، ۱۴۰۰: ۸۰). دین با نگاه جامعی که به ابعاد شخصیت انسان دارد موجب می‌شود که شخص نسبت به توانایی‌ها و استعدادهای بالقوه خود آگاهی پیدا کند.

۶. مهدویت و ثبات شخصیت

ثبات شخصیت به معنای نبود دگرگونی‌های هیجانی افراطی است. افراد فاقد این صفت، دم‌دمی مزاج و بسیار احساساتی هستند. افراد مبتلا به آن از تغییرات دائمی حالات، رفتارها و افکار رنج می‌برند. به نحوی که هر لحظه به رنگی در می‌آیند و از کمترین سازگاری و انطباق در خانه، مدرسه، محل کار یا حتی در امر ازدواج برخوردارند. یکی از ریشه‌های این مشکل نبود

الگوی ثابت، کامل مطمئن و محبوب است. در چنین شرایطی فرد هر روز از کسی الگو می‌گیرد و پیرو الگوهای متفاوت، دچار تزلزل شخصیت می‌شود. آدمی به ویژه نوجوان و جوان زندگی خویش را با الگوگیری از شخصیت‌هایی که از نظر او برتر اند آغاز می‌کند و ناخود آگاه از الگوها اثر می‌پذیرند که اگر آنها را در آب‌های زلال نیابد در منجلاب‌های آلوده پیدا می‌کند و تا رفع این نیاز هرگز آرامش ندارد.

اندیشه مهدویت با عرضه الگوی کامل، مطمئن و محبوب، شخصیت پایداری را در فرد بنا می‌نهد و به روش‌های گوناگون راه را بر اثرپذیری از الگوهای سست می‌بندد. در این نظام تربیتی سخن از الگویی است که تکمیل‌کننده رسالت تربیتی تمام انبیاء و ائمه علیهم‌السلام است. کسی که زنده‌کننده تمام آثار ظاهری و باطنی انبیاء و اولیاء و به تجلی رساننده جمیع ویژگی‌های اخلاقی و معنوی ایشان است. اسوه و الگویی که جامع زیبایی‌های تمام زیباسیرتان عالم و خوبی تمام خوبان عالم می‌باشد و آنها را به ارث برده است:

المنتهی الیه موارث الانبیاء و لدیه موجود آثار الاصفیاء (ابن طاووس، ۱۴۱۷ق: اعمال سرداب مقدس، زیارت چهارم).

یکی از وظائف منتظران در عصر غیبت، الگوپذیری است. از منتظران مصلح جز این توقع نیست که از امام الگوپذیری کرده و خود نیز صالح باشند. در روایتی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده است که:

خوشا به حال کسی که قائم خاندان مرا درک کند، در حالی که پیش از دوران قیام، به او و امامان قبل از او اقتدا کرده و از دشمنان وی اعلام بیزاری کرده باشد. آنان دوستان و همراهان من و گرامی‌ترین امت در نزد من هستند (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، باب ۲۵، ح ۳، ۵۳۵).

۷. مهدویت و هدفمندی

روان‌شناسان معتقد اند که اشخاص برخوردار از سلامت روان، فعالانه در پی هدف‌ها، امیدها و رؤیاهای خویش‌اند. هدفمندی ویژگی‌ای است که انسان را از حیوان و شخصیت سالم را از بیمار متمایز می‌سازد.

در اندیشه مهدویت، مؤلفه «هدفمندی» وجود دارد، زیرا منتظر به جامعه‌ای می‌اندیشد که تمامی وعده‌های انبیاء و اولیاء در آن به وقوع خواهد پیوست و از این رو تلاش می‌کند تا به میزان توانایی و مسئولیت خویش، در ساختن چنین جامعه‌ای سهیم باشد. چنین شخصی

تمام فعالیت‌ها و تلاش‌هایش در سایه هدفی والا به نام «انتظار ظهور» می‌باشد.

امام صادق علیه السلام در روایتی نورانی می‌فرماید:

... من سره أن يكون من أصحاب القائم فلينتظر وليعمل بالورع و محاسن الأخلاق و هو منتظر... (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ق: ۲۰۰).

تکرار انتظار در این روایت بیانگر این مطلب است که انتظار مثل چتری است که همه اعمال شخص را پوشش می‌دهد. شخص همه اعمالش را با نگاه و حالت انتظار انجام می‌دهد.

۸. مهدویت و معنی‌بخشی به زندگی (در مقابل پوچ‌گرایی)

وجود معنی در زندگی عاملی اساسی برای ادامه زندگی و فراهم کردن زندگی‌ای شاد و همراه با خرسندی می‌دانند. تقریباً همه انسان‌ها در زندگی خود چیزی دارند که حاضر اند به خاطر آن زندگی کنند یا حتی بمیرند. معنای زندگی یعنی این که من چرا زنده‌ام؟ و زنده بودنم چه فایده‌ای می‌تواند داشته باشد؟ معنای زندگی یعنی آن چیزی که انسان به خاطرش زندگی می‌کند و به خاطر آن سختی‌ها را تحمل می‌کند.

یکی از بیماری‌های فردی و اجتماعی عصر جدید، احساس پوچی در زندگی و بی‌معنا بودن آن است. بالا رفتن آمار خودکشی‌ها ناشی از این احساس منفی می‌باشد. پدیده‌های فراوانی نظیر روی آوردن به الکل، اعتیاد، بزهکاری، بی‌هویتی جوانان، وابسته به این تهی شدن زندگی از معنی است.

انسان فطرتاً موجودی کمال‌جو است که تنها در صورتی می‌تواند به زندگی خود معنا ببخشد که در زندگی اهداف الهی را برگزیند.

انتظار و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، معنای حیات برای جامعه شیعه در دوران غیبت است. شیعه به خاطر «ظهور» زندگی و به سمت ظهور حرکت می‌کند و این جاست که مفهوم انتظار شکل می‌گیرد. شیعه به خاطر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، زنده است، به خاطر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زندگی می‌کند، به خاطر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تلاش کرده و همه ناملایمات را تحمل می‌کند.

انسان منتظر در برابر حوادث سر فرود نمی‌آورد و به اصلاح خویش و جامعه می‌پردازد. انسان منتظر تماشاچی نیست بلکه ایفاگر وظیفه‌ای است که بر دوشش نهاده‌اند. فرد منتظر به جامعه‌ای می‌اندیشد که تمامی وعده‌های انبیاء و اولیاء در آن به وقوع خواهد پیوست و از

این رو تلاش می کند تا به میزان توانایی خویش در ساختن چنین جامعه ای سهمیم باشد.

۹. آرامش روان و توانایی مبارزه با اضطراب ها

باور به مهدویت از چند طریق بر آرامش روحی و روانی اثر می گذارد:

الف) از دیدگاه دین تنها چیزی که نیاز به آرامش و امنیت روانی را برآورده می کند، یاد خداست: «... أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸) همان طوری که یاد خدا آرامش بخش است و زندگی را آسان می کند، دوری از یاد خدا موجب دشواری زندگی می شود: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا...» (طه: ۱۲۴).

طبق روایات یکی از مصادیق ذکر الهی، ائمه معصومین علیهم السلام هستند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۵۹۸). در اندیشه مهدویت که از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد می شود در حقیقت از خداوند یاد می شود. توجه به حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف، توجه به خداوند کریم است و کسی که قصد تقرب به خداوند بزرگ نماید، به ایشان روی آورد. همان طور که در زیارت جامعه کبیره می خوانیم: «مَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بَكَم».

یکی از عوامل افسردگی، اضطراب و نگرانی در آدمی، بدبینی و ترس از آینده خویش، می باشد. عده ای به آینده بشر نگاه مایوسانه و بدبینانه دارند اما رویکرد مهدویت به آینده بشر بسیار مثبت و درخشان است. و از این رو در ایجاد آرامش نقش پر رنگی دارد. قرآن کریم آینده بشریت را بسیار روشن می بیند، آیاتی نظیر:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵).

یا آیه ۵ سورة قصص که می فرماید:

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ».

یکی از راه های مقابله با فشار روانی و تخلیه هیجان، دعا و نیایش است. دعا چون بارقه امید است که در کانون دل انسان می درخشد و ابرهای یاس و اضطراب را از آسمان آن کنار می زند. یکی از وظایف منتظران در عصر غیبت دعا برای وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد. در کتاب *مکیال المکارم* بیش از ۱۰۰ فضیلت و اثر برای دعا جهت تعجیل فرج امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان شده است. دعا برای حضرت نوعی ارتباط معنوی با ایشان است که قطعا در سلامت روان ما مؤثر خواهد بود. در حدیث است که «اکثروا الدعا بتعجیل الفرج فان ذلک فرجکم» وقتی کسی برای حضرت دعا کند، ایشان هم برای مشکلات شخص دعاکننده، دعا

می کنند با این تفاوت که دعای معصوم مستجاب است.

یکی دیگر از عناصری که در ایجاد آرامش و دفع اضطراب مؤثر است، گریه برای حضرت می باشد. این گریه نه تنها موجب افسردگی نمی شود بلکه نقش درمانی دارد، کسانی که برای فراق امام می گریند به آرامشی می رسند که در کمتر مجلسی حاصل می شود. در دعای ندبه می گوئیم:

هل من معین فاطیل معه البكاء؟

آیا یاری کننده ای است تا با او ناله و گریه را طول دهم؟

دوران غیبت دوران غربت امام است. دوران مظلومیت و دل شکستگی و گریه های طولانی است، شخص منتظر هنگامی که می بیند امامش در غربت و حبس است نمی تواند بی تفاوت باشد و همدردی خود را با اشک بر فراق حضرت اظهار می کند.

۱۰. مهدویت و خودمهارگری

خودمهارگری به معنای توانایی فرد در کنترل ارادی فرآیندهای درونی و برون دادهای رفتاری است. خودکنترلی با واژه های زیادی نظیر خویشتن داری، تسلط بر نفس، مدیریت خود و کف نفس، مترادف می باشد.

انتظار فرج یکی از مهم ترین ابزارهای خودکنترلی است، چون مؤمنان براساس آن همواره خود را در محضر ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می بینند و تردید ندارند که امام شاهد و ناظر ایشان است. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرمایند:

بر اخبار و احوال تان آگاهیم و هیچ چیزی از اوضاع شما بر ما پوشیده نیست (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۳، ۱۷۵).

شیعه معتقد است امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از کارهای امت آگاه است. در کتب روایی ما، بابی به نام عرض الاعمال وجود دارد (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۶، ۱۷۲). طبق برخی از روایات تمام کارهای ما صبح و شام بر امام عرضه می گردد (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۲۱۹).

نتیجه گیری

مفهوم مهدویت و انتظار در شاخصه های سلامت روان تأثیر مستقیم دارد. فردی که با امام خود انس دارد در درون خویش احساس نیرومندی می کند و مطمئن است که در ناملایمات

امام از او دستگیری می‌نماید. چنین شخصی احساس ارزشمندی، کارآمدی و توانمندی می‌کند. تربیت شدهٔ مکتب مهدوی با الگوگیری از امام خود، به انسان‌ها عشق می‌ورزد. مهدویت یعنی داشتن احساس مسئولیت جهانی برای انسان امروز و فردا و دغدغهٔ اصلاح بشریت، رنج بشریت را احساس کردن و از قالب «من» در آمدن و به «ما» اندیشیدن. شیعیان در زمان غیبت از راه‌های مختلف با امام زمان خود ارتباط معنوی و عاطفی برقرار می‌کنند. فرهنگ انتظار با برخورداری از عناصری چون امید، شوق و یاد می‌تواند نیاز روانی انسان به خودشکوفایی را تأمین نماید. اندیشهٔ مهدویت با عرضهٔ الگوی کامل، مطمئن و محبوب، شخصیت‌پایداری را در فرد بنا می‌نهد. در اندیشهٔ مهدویت، مؤلفهٔ «هدفمندی» وجود دارد، زیرا منتظر به جامعه‌ای می‌اندیشد که تمامی وعده‌های انبیاء و اولیاء در آن به وقوع خواهد پیوست و از این رو تلاش می‌کند تا به میزان توانایی و مسئولیت خویش، در ساختن چنین جامعه‌ای سهیم باشد. چنین شخصی تمام فعالیت‌ها و تلاش‌هایش در سایهٔ هدفی والا به نام «انتظار ظهور» می‌باشد. شیعه به خاطر مهدی علیه السلام، زنده است، به خاطر مهدی علیه السلام زندگی می‌کند، به خاطر مهدی علیه السلام تلاش کرده و همه ناملایمات را تحمل می‌کند. یکی از مصادیق ذکر الهی، ائمهٔ معصومین علیهم السلام هستند. در اندیشهٔ مهدویت که از حضرت مهدی علیه السلام یاد می‌شود در حقیقت از خداوند یاد می‌شود و یاد خداوند نیز موجب آرامش دل‌ها می‌باشد. انتظار فرج یکی از مهم‌ترین ابزارهای خودکنترلی است، چون مؤمنان براساس آن همواره خود را در محضر ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌بینند و تردید ندارند که امام شاهد و ناظر ایشان است.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱۷. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبه*، تهران: نشر صدوق، اول.
۱۸. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷ش)، *النهایة فی غریب الحدیث و الأثر*، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چهارم.
۱۹. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران: اسلامیه، دوم.
۲۰. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۷ق)، *مصباح الزائر*، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۲۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار الفکر، سوم.
۲۲. احمد پناهی، علی (۱۳۸۸ش)، *جوانی فصل شکفتن*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۳. ارشاد، فرهنگ (۱۳۹۰ش)، «جوانی: نیازها و انتظارات و جنبه‌های آسیب‌شناختی آن»، *پژوهش‌نامه جامعه‌شناسی جوانان*، شماره ۲.
۲۴. اشتهازدی، محمد مهدی (۱۳۷۵ش)، «مفهوم انتظار و اهمیت آن»، *پاسدار اسلام*، شماره ۱۸۱.
۲۵. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۳۷۴ش)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم: موسسه بعثه، اول.
۲۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳ش)، *فرهنگ لغت*، تهران: نشر روزنه.
۲۷. ساجدی، ابولفضل (۱۳۸۷ش)، «دین و بهداشت روان»، *فصل‌نامه روان‌شناسی و دین*، شماره ۲.
۲۸. سبحانی‌نیا، محمد (۱۴۰۰ش)، *مهدویت و آرامش روان*، قم: نشر جمکران، سوم.
۲۹. سلیمیان، خدامراد (۱۳۸۸ش)، *فرهنگ‌نامه مهدویت*، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریک.
۳۰. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۸۰ش)، *منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر*، قم: مکتبه آیه الله العظمی الصافی گلپایگانی، اول.
۳۱. عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق)، *الفروق فی اللغة*، بیروت: دار الآفاق الجدیده، اول.
۳۲. فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، قم: نشر هجرت، دوم.
۳۳. قمی، شیخ عباس (۱۳۹۴ش)، *مفاتیح الجنان*، قم: دانش برنا.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چهارم.
۳۵. گنجی، حمزه (۱۳۹۱ش)، *بهداشت روانی*، بی‌جا: روان.
۳۶. لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶ش)، *عیون الحکم و المواعظ*، قم: دار الحدیث، اول.
۳۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، دوم.
۳۸. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۹ش)، *حکمت‌نامه جوان*، قم: دارالحدیث.

۳۹. محمدی منفرد، بهروز (۱۳۹۶ش)، *راهبرد اخلاق/ انتظار*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اول.
۴۰. مزلو، ابراهام اچ (۱۳۷۶ش)، *انگیزش و شخصیت*، ترجمه: احمد رضوانی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
۴۱. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول.
۴۲. ملکی راد، محمود (۱۳۷۵ش)، «کارکرد مهدویت در اصلاح و تغییر رفتارهای فردی و اجتماعی»، *فصل‌نامه مشرق موعود*، شماره ۴۵/۲.
۴۳. ملکی راد، محمود (۱۳۹۷ش)، *کارکردهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اول.
۴۴. ملکی راد، محمود (۱۳۹۸ش)، *نقش انتظار در تعالی خانواده*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اول.
۴۵. ملکی راد، محمود؛ گودرزی، مجتبی (۱۳۹۶ش)، «کارکرد اجتماعی اعتقاد به مهدویت»، *اسلام و مطالعات اجتماعی*، سال پنجم، شماره ۲.
۴۶. موسوی، سیده فاطمه؛ حسینی، مرضیه سادات (۱۳۹۸ش)، «واکاوی مفهوم انتظار و فضیلت آن در روایات»، *موعودپژوهی*، سال اول، شماره ۲.

The impact of Mahdist thought on the growth of society and the preservation and continuation of the Islamic Revolution from the perspective of the Supreme Leader

Fatemeh Lotfi ¹

Dr. Seyyed Ahmad Mousavi Bardei ²

Abstract

Thoughts and ideologies are behavioral and affect the way people interact with each other and the way legislation is made and implemented in the governmental and even global system. Mahdist thought is also one of the Shiite beliefs that after the victory of the revolution and the passage of more than a few decades of the Islamic Republic of Iran led by Ayatollah Khamenei, due to the structure of the Islamic system, has become more intertwined with people's lives than before. Since it is associated with the expectation of the return of Imam Mahdi (a.s.), it has created hope and dynamism in society and the all-round individual, social, economic, political and scientific growth of society. The present article, through the collection of information using a library method and the processing of information using a descriptive-analytical method, aims to examine various aspects of the impact of Mahdist thought and the expectation of the return and the various opinions of the leadership as important models for countries in the fight against arrogance and the preservation and continuation of the revolution. The findings of the research indicate that the Mahdist ideology, in the view of the Supreme Leader, is effective and constructive in the lifestyle of individuals, and society will be affected by this lifestyle in all moral, economic, scientific, and political dimensions, paving the way for the emergence and efforts to achieve global justice and preserve and continue the Islamic Revolution

Keywords: Mahdist thought, Supreme Leader, community growth, Mahdist justice, Islamic Revolution

1. PhD student in Theology at Motahari University and level 3 student at the Sisters' Seminary (Responsible Author)
2. Assistant Professor of Education Department and Higher Level Lecturer

تأثیر تفکر مهدویت در رشد جامعه و حفظ و استمرار انقلاب اسلامی از منظر مقام معظم رهبری

فاطمه لطفی^۱

سیداحمد موسوی باردئی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۲۱

چکیده

تفکرات و ایدئولوژی‌ها، رفتار ساز بوده و در نوع تعامل مردم با یکدیگر و شیوه قانون‌گذاری و اجرای آن در نظام حکومتی و حتی جهانی مؤثر می‌باشند. تفکر مهدویت نیز به عنوان یکی از اصول اعتقادی شیعیان است که پس از پیروزی انقلاب و گذشت بیش از چند دهه از نظام جمهوری اسلامی ایران به رهبری آیت‌الله خامنه‌ای، به دلیل ساختار نظام اسلامی با زندگی مردم بیشتر از قبل عجیب شده و از آن جایی که ملازم با انتظار فرج امام مهدی عجل الله تعالی است، باعث ایجاد امید و پویایی در جامعه و رشد همه جانبه فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و علمی جامعه شده است. نوشتار حاضر از طریق گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و پردازش اطلاعات به روش توصیفی - تحلیلی بر آن است که جنبه‌های مختلف تأثیر تفکر مهدویت و انتظار فرج و نظرات متعدد رهبری به عنوان الگوی مهم کشورها در مبارزه با استکبار و حفظ و استمرار انقلاب را بررسی نماید. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که تفکر مهدویت از نظر مقام معظم رهبری در سبک زندگی افراد مؤثر و سازنده بوده و جامعه نیز متأثر از این سبک زندگی در تمام ابعاد اخلاقی، اقتصادی، علمی سیاسی و زمینه ساز ظهور و تلاش برای تحقق عدالت جهانی و حفظ و استمرار انقلاب اسلامی خواهد بود.

واژگان کلیدی

تفکر مهدویت، مقام معظم رهبری، رشد جامعه، عدالت مهدوی، انقلاب اسلامی.

۱. دانشجوی رشته دکتری کلام دانشگاه مطهری و طلبه سطح سه حوزه علمیه خواهران (نویسنده مسئول)

(flotfi985@gmail.com).

۲. استادیار گروه معارف و مدرس سطوح عالی (mousavi6290@gmail.com).

مقدمه

تفکر مهدویت به عنوان یک مفهوم اعتقادی مهم در اسلام شیعی و باور به ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به آینده‌ای مهدوی و ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و شمولیت جهانی حکومت او اشاره دارد که به تجسم ایده‌هایی از عدالت، برابری، آزادی و خوشبختی می‌پردازد. تفکر مهدویت به عنوان یکی از اصول شیعه، عامل مهمی در راستای خودسازی فردی و اصلاح جامعه است. آینده و سرنوشت برای تمامی انسان‌ها دارای اهمیت بوده و لذا هر آنچه که در این امر مؤثر باشد دغدغه انسان‌ها خواهد بود. بررسی آثار اعتقاد به مهدویت و انتظار فرج نشان می‌دهد این امر تا چه حدی در آینده و سرنوشت انسانی مؤثر بوده و موجب آمادگی جامعه در حوزه‌های مختلف اعتقادی و فکری، اخلاقی و تربیتی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی می‌باشد. این تفکر، به جوانان و نسل‌های آینده امیدواری و انگیزه می‌بخشد و آنها را به راهی هدایت می‌کند که به تحقق ایده‌آل‌های اجتماعی و معنوی مهدویت نزدیک شوند. تفکر مهدویت، با تأکید بر ارزش‌های اخلاقی و انسانی، می‌تواند به تربیت افراد با اخلاق برتر کمک کند و در نتیجه به توسعه اجتماعی و اقتصادی جامعه کمک کند. همچنین، تفکر مهدویت به عنوان یک رویکرد سیاسی، سبب استواری تعامل بین مردم و حکومت شده و از طرفی جهان‌شمولی آن، به حفظ و تقویت هویت فرهنگی جامعه کمک می‌کند و با تعامل با دیگر ادیان و مذاهب، میان فرقه‌ها و اقشار مختلف جامعه یکپارچه‌سازی را ترویج می‌دهد. لذا باید به عنوان رکن مهم آینده‌پژوهی و تمدن‌سازی مورد بررسی قرار گیرد. برپایی جنبش‌های متعدد در جهان علیه مستکبران و از همه مهم‌تر مرتبط کردن انقلاب اسلامی ایران به ظهور مهدی موعود اهمیت بحث از این موضوع را بیشتر می‌کند. بررسی نگاه رهبر انقلاب اسلامی ایران به عنوان انقلابی که هویت اسلامی را به امت مسلمان باز گرداند و الگوی مهم کشورهای اسلامی شد حائز اهمیت می‌باشد. در این مقاله تأثیر این اعتقاد بر رشد همه‌جانبه جامعه و حفظ و استمرار انقلاب اسلامی از منظر مقام معظم رهبری، به عنوان رهبر انقلاب اسلامی ایران بررسی می‌شود.

مفهوم‌شناسی

مهدویت

مهدویت اسم منسوب (مهدوی) به همراه تایی تأنیث است که از لحاظ لغوی، به معنای

مهدی بودن است.

ابن اثیر در تشریح واژه مهدی می نویسد: «المهدی؛ الذی قد هداه الله الى الحق...» (مهدی، کسی که خدا او را به حق هدایت نموده، این اسم آن قدر به همراه اسم های دیگر به کار رفته که اسم غالب برای آن شده است. به همین سبب نامیده شد، آن مهدی ای که پیامبر ﷺ نوید آمدنش را در آخرالزمان داده است) (ابن اثیر، ۱۳۹۹ق: ج ۵، ۲۵۴). چون مهدی اسم مفعول است و معنای هدایت شده را می دهد، مهدویت به معنای ره یافته بودن خواهد بود و از نظر اصطلاحی منسوب به امام دوازدهم شیعیان حضرت مهدی ﷺ و شامل موضوعات مرتبط با ایشان می باشد.

جامعه

جامعه در لغت به معنای گردآورنده و برهم افزاینده و دربرگیرنده هست (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۸، ۵۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۰۱) و در اصطلاح گروه بزرگ و پردوام و متحرکی از افراد اسات که برای اهداف مشترک و با توجه به نیاز مشترک با هم و دارای مناسبات و ارتباطات و روابطی برای رفع مجموعه نیازهای مادی و معنوی شان هستند (گلابی، ۱۳۸۲ش: ۵۲-۵۱).

انقلاب اسلامی

در تعریف و مفهوم شناسی انقلاب، مفاهیم و مؤلفه هایی مانند دگرگونی و تغییر (بعلبکی، ۲۰۰۱م: ۲۰۰) وجود دارد. همچنین به تغییر اساسی و عمیق در زیرساخت های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه و تغییر نظام حاکم نیز انقلاب گفته می شود (آشوری، ۱۳۸۶ش: ۴۷). «انقلاب» در اندیشه شهید مطهری عبارت است از تغییر بنیادی در جامعه یعنی دگرگون شدن جامعه از بن و از بیخ و از اساس. به عبارت دیگر در هم ریختن نظم حاکم هرگاه با شدت و مقرون به نوعی عصیان و تمرد و انکار و نفی و طرد باشد، اینها مؤلفه هایی هستند که با تحلیل انقلاب های جهان به آن می رسیم.

انقلاب اسلامی خصوصیات منحصر به فردی دارد که آن را از دیگر انقلاب های جهان ممتاز می سازد و مفهوم جدیدی از انقلاب به دست می دهد. کلیم صدیقی در تعریف انقلاب اسلامی می نویسد:

انقلاب اسلامی عبارت است از حرکت امت مسلمان در جهت تغییر نظام غیر اسلامی

موجود و جایگزین نمودن یک نظام جامع و کامل اسلامی به جای آن؛ همچنین تلاش برای اجرای مقررات، قوانین و برنامه‌های اسلامی در کلیه شئون زندگی خویش (یعنی امت) (صدیقی، ۱۳۷۹: ۴۹).

آنچه که در این تعریف مورد توجه قرار گرفته دو عنصر اسلامی بودن و امت بودن یعنی حرکت عامه مردم تحت امر رهبری واحد می‌باشد.

با بررسی تاریخ مشاهده می‌شود شیعه همیشه خواستار تحول و انقلاب به سمت حقیقت بوده و هرگز ولایت ظالمان را نپذیرفته است. از طرفی تفکر مهدویت و انتظار فرج به عقاید شیعه پویایی و حرکت داده و آنها را به تلاش بیشتر برای تغییرات مثبت و مبارزه با ظلم رهنمون ساخته است. اوج شکوفایی این اعتقاد در انقلاب اسلامی ایران بروز کرد. لذا وقوع انقلاب اسلامی ایران که یکی از بزرگ‌ترین پدیده‌های تاریخ در قرن بیستم بوده و در زمره مهم‌ترین جنبش‌های سیاسی - اجتماعی به شمار می‌آید، تفاوت بسیار مهمی با سایر انقلاب‌های جهان مانند انقلاب کبیر فرانسه، کوبا، روسیه و... دارد و این تفاوت مهم به دلیل مبتنی بودن انقلاب اسلامی ایران بر مبانی ایدئولوژی اسلامی یعنی معنویتی واقعی و نه ساختگی می‌باشد. اساس توحیدی این ایدئولوژی دست تمام عوامل ظلم و استکبار و تسلط بر مردم را بسته و انقلاب را دارای پشتوانه‌های بزرگی مانند فقه و فلسفه و معارف اسلامی و رهبری یک عالم و متفکر همه‌جانبه، می‌نماید. عنصر ارزشمند و حیاتی توحید و به تبع آن اصول و فروع دین و از همه مهم‌تر اعتقاد به حضور امام زمان (عج) و تلاش برای زمینه‌سازی ظهور وی که در انقلاب اسلامی جای گرفته باعث پویایی انقلاب شده و از شروط اساسی ماندگاری آن می‌باشند.

نکته حائز اهمیت این است که با توجه به این‌که هر انقلابی ممکن است تحت تأثیر افکار نادرست یا اقدامات دشمن دچار انحراف شود لذا باید مرتب به سمت اهداف اصلی برگردد و هم‌چنان بر ریشه‌های اصلی خود تکیه دهد. بنابراین انقلاب فقط در شروع اولیه نیست و باید مدام این انقلاب و صیروت به آرمان‌ها در جریان باشد.

انقلاب تمام نمی‌شود، انقلاب استمرار دارد، انقلاب ادامه دارد، انقلاب متوقف نمی‌شود. یک صیرورتی وجود دارد؛ صیروت یعنی شدن، شدن دائم، تحول دائمی؛ در مسیر انقلاب یک صیروت دائمی‌ای وجود دارد که این صیروت دائمی، به تدریج آن آرزوهای بزرگ را، آن ارزش‌های والا را، آن آرمان‌ها را در جامعه تحقق می‌بخشد (بیانات مقام معظم

رهبری، ۱۳۹۷/۰۳/۰۷).

تفکر مهدویت و اصول آن

همه ادیان معتقد هستند که یک فردی به عنوان منجی ظهور می‌کند و انسان‌ها را از ظلم و تاریکی نجات داده و دنیا را پر از سعادت و خوشبختی می‌کند. ویژگی منحصر به فرد منجی در تشیع که متفاوت از ادیان دیگر است علاوه بر مشخص و معین بودن، امام بودن ایشان است. همچنین این تفکر در تشیع ملازم با انتظار فرج و ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. علامه طباطبائی در تفسیر آیه ۱۲۴ سوره بقره با موضوع امامت حضرت ابراهیم عجل الله تعالی فرجه الشریف امام را این‌گونه تعریف می‌کند:

الإمام هو الذي يقتدى و يأتم به الناس (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ۲۶۶).

اسوه و الگو بودن امام مهم‌ترین ویژگی امام است و اعتقاد به ظهور منجی با این ویژگی در معناداری زندگی انسان تأثیر ویژه‌ای خواهد داشت. اعتقاد به ظهور منجی در تشیع اعتقاد به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دوازدهمین امام از نسل خاتم الانبیاء پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. علیرغم اختلافاتی که در بین تشیع و تسنن در خصوص ولادت امام، غیبت و عصمت امام وجود دارد از آنچه که در این احادیث دیده می‌شود بر می‌آید که اهل تسنن نیز مانند شیعیان معتقدند امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده و حضرت عیسی نیز در زمان ظهور همراه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود و از طرفی هدف اصلی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برقراری عدالت و از بین بردن ظلم و جور می‌باشد.

در زیر احادیثی را در این خصوص می‌آوریم:

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله:

اگر از عمر دنیا بیش از یک روز نمانده باشد خداوند آن روز را طولانی می‌کند تا آن که مردی از اهل بیتم مبعوث شود که اسم او اسم من است. او زمین را از قسط و عدل پر می‌کند همان‌گونه که از ظلم و جور پر شده است (ترمذی، ۱۳۹۵ق: ج ۴، ۵۰۵).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله:

مردمی از مشرق خروج می‌کنند و زمینه را برای مهدی یعنی حکومت او فراهم می‌کنند (ابن ماجه، بی‌تا: ۱۳۶۸).

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله:

چگونه خواهید بود آن‌گاه که پسر مریم در میان شما بیاید و امام شما از شما باشد (بخاری، ۱۴۲۲ق: ج ۴، ۱۶۸).

لازم به ذکر است مهدویت در نگاه تشیع ثابت بوده است و قطعاً علت عمده عدم تغییر این نگاه، صحت وقایع آن و پیروی از ائمه معصومین علیهم‌السلام بوده است. رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز اصل مهدویت را مورد اتفاق همه مسلمانان و جزء مسلمات اسلام بیان کرده‌اند. از طرفی اعتقاد به چنین امری در نوع رفتار دشمنان و مستکبران عالم نیز تأثیر دارد. زیرا آنها به دنبال منافع خود هستند و با هر آنچه سبب پویایی و بهبود جامعه شده و منافع آنها را به خطر بیندازد مقابله خواهند کرد:

این نکته بسیار مهمی است. توجه بفرمائید که ما امروز چقدر باید هوشیار باشیم! دشمنان سراغ مجموعه احکام و مقررات اسلام رفتند - هر عقیده، هر توصیه‌ای از شرع مقدس که در زندگی و سرنوشت آینده فرد و جماعت و امت اسلامی تأثیر مثبت بارزی داشته است - و به نحوی با آن کلنجار رفتند، تا اگر بتوانند، آن را از بین ببرند؛ اگر نتوانند، روی محتوایش کار کنند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۹/۲۵).

اهمیت و تأثیر تفکر مهدویت در رشد فردی

باور به ظهور فردی که منجی بشریت و اصلاح جامعه می‌باشد نقش سازنده در تمام ابعاد زندگی انسان دارد. زیرا این مسئله فقط یک فرضیه یا نظریه علمی مانند اکثر نظریات علمی نیست که تنها بر محفوظات ذهنی اضافه گردد بلکه اعتقاد به این امر مبنای رفتار فردی و اجتماعی شده و هم سبب صبر و استقامت در مقابل سختی‌ها می‌گردد و هم باعث تلاش و پویایی، تحرک هدفدار و حالت آماده باش و هوشیاری خواهد شد. افرادی که چنین اعتقادی دارند هم برای بهبود زندگی خود تلاش می‌کنند هم برای اصلاح جامعه و کمک به دیگران گام بر می‌دارند. با توجه به موضوع این پژوهش که بررسی تأثیر تفکر مهدویت در جامعه از منظر مقام معظم رهبری است به همین مقدار از جنبه فردی بسنده می‌کنیم هرچند که واضح است تأثیرات بر جامعه از تأثیرات فردی نشأت می‌گیرد و همچنین جامعه نیز بر افراد تأثیر دارد:

مسئله اعتقاد به مهدی یک جنبه فردی دارد و آن جنبه این است که هر کسی باید سعی کند یک رابطه شخصی میان خود و ولی‌الله‌الاعظم (ارواحنا فداه) به وجود بیاورد... همه باید خودشان را آماده نگه دارند. هیچ کس نمی‌تواند بگوید که ظهور مهدی علیه‌السلام در آینده نزدیکی نیست؛ ما نمی‌دانیم، شاید در آینده نزدیکی بود؛ شاید در زمان حیات ما بود؛ شاید این توفیق برای مردم این نسل وجود داشت. مگر می‌شود با آلودگی، با ضعف نفس،

با عدم اصلاح نفس در دوران دولت حق و حکومت الهی او با آن بزرگوار رابطه برقرار کرد؟ باید خود را آماده کنیم (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۱۱/۸).

اهمیت و تأثیر تفکر مهدویت در رشد جامعه

اعتقاد به مهدویت در تشیع یعنی انتظار برای ظهور و این امر در آمادگی منتظران مؤثر بوده و موجبات نشاط، پویایی و وظیفه‌شناسی جوامع اسلامی در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را فراهم می‌نماید و تأثیر آن را در تمام شئون زندگی منتظر واقعی می‌توان دید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

شما اصحاب منید، لیکن برادران من مردمی‌اند که در آخرالزمان می‌آیند. آنان به نبوت و دین من ایمان می‌آورند با این‌که مرا ندیده‌اند. هر یک از آنان اعتقاد و دین خویش را با هر سختی نگاه می‌دارند، چنان‌که گویی درخت خار مغیلان را در شب تاریک با دست پوست می‌کنند یا آتش پردوام چوب داغ را در دست نگاه می‌دارند. آن مؤمنان، مشعل‌های فروزانند در تاریکی‌ها. خداوند آنان را از آشوب‌های تیره و تاریک آخرالزمان نجات خواهد داد (صفار قمی، ۱۳۸۹: ج ۱، ۳۳۰).

دیندار بودن تا حدی متفاوت از منتظر بودن است. شاید بتوان این دو را عموم و خصوص مطلق در نظر گرفت. یعنی شخص منتظر که معتقد به مهدویت است قطعاً دیندار نیز هست و علاوه بر آن تفاوت در سبک زندگی مهدوی با سبک زندگی دینی است. دارندگان هر دو سبک دیندار هستند و از امام خود اطاعت می‌کنند؛ ولی در سبک زندگی مهدوی فرد در کنار ایمان، خود را زمینه‌ساز ظهور امام زمان علیه السلام می‌داند (جعفری، ۱۳۹۲).

«انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان علیه السلام آماده کنیم» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰).

همچنین مقام معظم رهبری تلاش و کوشش را نشانه اصلی فرد منتظر می‌دانند مسلم است کسی که در امر تحقق حکومت امام زمان علیه السلام تلاش و کوشش کند تمام زندگی او مؤثر از این امر خواهد بود:

ما که منتظر امام زمان هستیم، باید در جهتی که حکومت امام زمان (علیه‌الاف التحیه و الثناء و عجل الله تعالی فرجه) تشکیل خواهد شد، زندگی امروز را در همان جهت بسازیم و بنا کنیم... (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲).

قطعا همیشه تفکرات و ایدئولوژی‌ها، رفتار ساز بوده و در نوع تعامل مردم با یکدیگر و شیوه قانون‌گذاری و اجرای آن در نظام حکومتی مؤثر می‌باشند. آنچه از آیات کریمه قرآن و روایات متعدد اهل بیت فهمیده می‌شود این است که حکومت امام زمان علیه السلام شامل کل زمین شده و حکومت‌کنندگان بندگان صالح خداوند هستند:

﴿ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر أن الأرض يرثها عبادي الصالحون﴾ (انبیاء: ۱۰۵)؛

در کتاب زبور بعد از یادآوری مقرر نمودیم که بندگان صالح من وارثان زمین‌اند.

بنابراین افراد مدعی یاری امام زمان علیه السلام در زمان ظهور باید از بندگان صالح خداوند باشند. صالح بودن به معنای ایمان و انجام عمل صالح است و عمل صالح قطعا شامل اعمال انسان قبل از ظهور چه در زمینه اعمال فردی و چه در تعامل با دیگران نیز خواهد بود. لذا اعتقاد به مهدویت شاخصه رفتاری مهم انسان‌ها قبل از ظهور نیز هست و قطعا آثار متعددی در جنبه‌های مختلف اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و علمی خواهد داشت و لازم است تفکرات و اعتقادات مردم از این منظر بررسی گردد. برخی از اصول و ارزش‌های مهم در تفکر مهدویت از قبیل عدالت، خیرخواهی و محبت، تلاش برای پیشرفت و از بین بردن فقر، امنیت، صبر و استقامت و... که در جوامع بشری نیز مورد توجه قرار دارد. آنچه در میان همه این مؤلفه‌ها جایگاه مهم و زیربنایی دارد عدالت است. برقراری عدالت یکی از اهداف مهم و از آرزوهای دیرینه جوامع بشری است و آنها نیز مدعی برقراری عدالت اجتماعی و توزیع منابع عادلانه هستند. پیامبران الهی نیز هدف از بعثت و ارسال خود را برقراری عدالت بیان کرده‌اند:

﴿لقد أرسلنا رسلنا بالبينات وأنزلنا معهم الكتاب والميزان ليقوم الناس

بالقسط...﴾ (حدید: ۲۵)؛

ما پیامبران خویش را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب و معیار فرود آوردیم تا مردم عدل و قسط را به پا دارند....

این آیه به روشنی برقراری عدل و قسط را هدف رسالت و بعثت پیامبران معرفی کرده است. از ویژگی‌های منحصر به فرد دوران حکومت‌های مهدی نیز که در احادیث و روایات معصومین فراوان ذکر شده و مورد تأکید و توجه قرار گرفته است، استقرار عدالت در تمام زوایای زندگی جامعه بشری از جمله عدالت اجتماعی، اقتصادی و... است.

... اگر مهدویت نباشد، معنایش این است که همه تلاش انبیاء، همه این دعوت‌ها، این

بعثت‌ها، این زحمات طاقت‌فرسا، اینها همه‌اش بی‌فایده باشد، بی‌اثر بماند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۴/۱۸).

برجسته‌ترین شعار مهدویت عبارت است از عدالت... انتظار این است که او همه عالم - نه یک نقطه - را سرشار از عدالت کند و قسط را در همه جا مستقر نماید (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۷/۳۰).

این عدلی هم که انتظار است حضرت به وجود بیاورند، عدل در یک بخش خاص نیست، عدل در همه شئون زندگی است... و ان شاء الله به لطف الهی [محقق] خواهد شد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۹/۱/۲۱).

نکته مهمی که باید به آن توجه کرد این است که رشد همه‌جانبه بشریت از قبیل رشد اخلاقی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فکری و علمی مردم نیز در پرتو برقراری عدالت شکل می‌گیرد. لذا در ادامه به بررسی تأثیر تفکر مهدویت در هر کدام از این عرصه‌ها می‌پردازیم.

تأثیر تفکر مهدویت در رشد اخلاقی جامعه

یکی از اثرات اعتقاد به مهدویت، خودسازی فردی و رشد ویژگی‌های تربیت گروهی فرد منتظر و معتقد به مهدویت است. این اعتقاد سبب می‌شود تا افراد منتظر در تربیت خویش بکوشند و صفات نیک و اخلاق حسنه را در خود نهادینه کنند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در وصف آنان فرموده است:

مردم زمان غیبت او و کسانی که به امامتش ایمان آورده‌اند و منتظران ظهور او هستند از مردم هر عصری بهترند زیرا خداوند تبارک و تعالی به آنها عقل و فهم و علم داده است که غیبت برای آنان به منزله مشاهده است و آنان را در آن زمان در مقام مجاهدت نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله با شمشیر قرار داد! آنها واقعا مخلصند، شیعیان واقعی ما و دعوت‌کنندگان به دین خدا در پنهان و آشکار (سلیمان، بی‌تا: ۲۳۳).

اعتقاد به ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌تواند سبب ایجاد آرمان‌های اخلاقی و هدایت افراد به سمت ارزش‌های اخلاقی مانند عدالت، خیرخواهی، احترام به حقوق انسانی، رحمت و اخلاق حرفه‌ای شده و به تقویت روابط اجتماعی سالم و توسعه فرهنگ اخلاقی در جامعه کمک کند. بزرگ‌ترین وظیفه منتظران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که از لحاظ معنوی و اخلاقی و عملی و پیوندهای دینی و اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و همچنین برای پنجه درافکندن با زورگویان، خود را آماده کنند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۷/۳۰).

در ادامه، چندین نکته درباره تأثیر مهدویت بر رشد اخلاقی جامعه را بررسی می‌کنیم:

خیرخواهی و محبت: در تفکر مهدویت، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان رهبری معرفی می‌شود که با اراده خداوند برای پیشرفت و سعادت بشر حکومت خواهد کرد. محبت و خیرخواهی در تفکر مهدویت رشد کرده و زیبایی و عظمت آن چندین برابر می‌شود ترسیم جامعه بعد از ظهور و تعامل مردم با یکدیگر را در روایات متعددی از جمله روایت امام باقر علیه السلام می‌بینیم ایشان می‌فرمایند:

... حتی اذا قائم القائم جاءت المزامله و یأقی الرجل الی کیس اخیه فیأخذ حاجته لا یمنعه (مفید، ۱۴۳۰ ق: ۳۵).

... به هنگام قیام قائم (آل محمد) آنچه دیده می‌شود دوستی و یگانگی و تعاون و الفت است تا آن‌جا که هرکس آنچه نیاز دارد، از جیب دیگری برمی‌دارد، بدون هیچ دشواری و بازدارنده‌ای.

از آن جایی که محبت و خیرخواهی از ارزش‌های مهم در جوامع بشری هستند رشد چنین ویژگی‌هایی با اعتقاد به مهدویت ارزش بسیاری پیدا می‌کند.

امیدواری: انتظار برای فرج یعنی امیدواری، تلاش افراد برای خودسازی خیرخواهی و محبت به دیگران ثمره امیدواری است. انسان امیدوار در عرصه فردی و اجتماعی فعال است و در مقابل ناامیدی اثرات مخربی بر روان فرد و جامعه دارد «انتظرو الفرج و لا تیأسوا من روح الله» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ ش: ۱۰۶).

صبر و آرامش روانی: صبر و آرامش در تفکر مهدویت به عنوان ویژگی‌هایی که مؤمنان بایستی در مواجهه با مشکلات و آزمایش‌های زندگی داشته باشند، مطرح می‌شوند. همچنین، در جوامع نیز صبر و حفظ آرامش در مواجهه با چالش‌ها و مشکلات، علاوه بر بهبود وضعیت جامعه و کنترل جامعه در مواقع بحرانی، سازنده اندیشه و عمل محسوب می‌شوند.

این آرامش روانی ناشی از انتظار فرج، این اطمینان نفسی را که انسان دارد که نفس او و دل او تلاطم ندارد، می‌شود افزایش داد؛ به وسیله دعا، به وسیله استغاثه، به وسیله مناجات با پروردگار که «الا بذکر الله تطمئن القلوب» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۹/۱/۲۱).

ارزش‌های انسانی: اعتقاد به ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به تأکید بر احترام به شخصیت انسانی، توجه به حقوق و کرامت انسانی، و تحقق ارزش‌هایی مانند عدالت، صداقت و مهربانی بین افراد منجر می‌شود. این امر می‌تواند به توسعه فرهنگی اخلاقی در جامعه کمک کرده و به رشد

اخلاقی جامعه کمک کند.

پایبندی به اصول دینی: ایمان به مهدویت معمولاً با پایبندی به اصول و مقررات دینی همراه است. این امر به تثبیت ارزش‌های اخلاقی در جامعه کمک می‌کند، زیرا اصول دینی اغلب به توجه به رفتارهای اخلاقی و تنظیم روابط اجتماعی می‌پردازند. مهدویت می‌تواند افراد را به پیروی از این اصول و دستورات دینی تشویق کند و در نتیجه رشد اخلاقی را در جامعه ترویج دهد.

شجاعت: یکی از فضائل اخلاقی است که سبب پیشرفت انسان می‌شود داشتن شجاعت است. اهمیت این فضیلت به حدی است که در روایت‌های متعددی افراد از دوستی و مشورت با افراد ترسو نیز نهی شده‌اند. از جمله مصادیق آن شجاعت در میدان نبرد، شجاعت در سیاست، شجاعت در مبارزه با نفس اماره، شجاعت در غلبه بر مشکلات زندگی، شجاعت در مبارزه با رذائل اخلاقی و شجاعت عقلی است. مقام معظم رهبری حرکت به سوی فرج را ثمره شجاعت در این مسیر معرفی می‌کند:

در این، شکی نیست. دنیا به سمت عدل و قسط حرکت می‌کند و معنای امام زمان و انتظار فرج همین است. انتظار فرج یعنی این‌که در سرنوشت بشریت، یک فرج بزرگ هست و ما به سمت آن فرج پیش می‌رویم (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۱/۱۱/۱۸).

اخلاق حرفه‌ای: تفکر مهدویت و همچنین جوامع بشری، از اهمیت اخلاق حرفه‌ای و رفتار صحیح در همه جنبه‌های زندگی و با همه افراد سخن می‌گویند. ارزش‌هایی مانند راستی، امانتداری، احترام به دیگران و عدم ظلم نیز در هر دو حوزه مهدویت و جوامع بشری بسیار مهم هستند.

به طور کلی، تأثیر مهدویت بر رشد اخلاقی جامعه می‌تواند به دلایل مذکور و بسیاری دیگر، مثبت و قابل توجه باشد. با این حال، برای واقعی شدن این تأثیر، ضروری است که افراد به طور فعال به ارزش‌ها و اصول اخلاقی عمل کنند و تلاش کنند تا در راستای رشد اخلاقی جامعه و ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به کار بيفزایند.

تأثیر تفکر مهدویت بر وحدت و آرامش اجتماعی

۱. قوت قلب و آرامش در جامعه

جامعه‌ای که به مهدویت معتقد است، قوت قلب پیدا می‌کند. این قوت قلب برای ملت‌ها

خیلی مهم است. بدانید تسلط استعمار بر کشورهای اسلامی بعد از آن بود که توی دل ملت‌ها را خالی کردند؛ آنها احساس ضعف کردند؛ احساس عدم توانایی کردند، بعد اینها آمدند و با قدرت بر آنها مسلط شدند... (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۶/۲۹).

۲. عدالت اجتماعی

ایمان به مهدویت باعث توجه به عدالت اجتماعی در جامعه می‌شود. اعتقاد به ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سبب می‌شود که جامعه به دنبال توزیع منصفانه و عادلانه منابع و فرصت‌ها باشد و تلاش کند تا نابرابری‌های اجتماعی را کاهش دهد و منجر به رشد اخلاقی در جامعه شود و همچنین احساس عدالت و تعادل را تقویت کند.

امام زمان علیه السلام برای این که فرج برای همه‌ی بشریت به وجود بیاورد، ظهور می‌کند که انسان را از فروبستگی نجات بدهد؛ جامعه‌ی بشریت را نجات بدهد؛ بلکه تاریخ آینده‌ی بشر را نجات بدهد. این معنایش این است که آنچه را که امروز وجود دارد؛ این نظم بشری غیرعادلانه، این نظم بشری که در آن انسان‌های بی‌شماری مظلوم واقع می‌شوند، دل‌های بی‌شماری گمراه می‌شوند، انسان‌های بی‌شماری فرصت عبودیت خدا را پیدا نمی‌کنند، مورد رد و اعتراض بشری است که منتظر ظهور امام زمان علیه السلام است. انتظار فرج یعنی قبول نکردن و رد کردن آن وضعیتی که بر اثر جهالت انسان‌ها، بر اثر اغراض بشر بر زندگی انسانیت حاکم شده است. این معنی انتظار فرج است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۵/۲۷).

۳. مسئولیت اجتماعی

ایمان به مهدویت باعث تقویت مسئولیت اجتماعی در جامعه می‌شود. اعتقاد به ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌تواند افراد را به سمت تحمل مسئولیت‌های اجتماعی هدایت کند و آنها را تشویق کند تا در راستای رشد اخلاقی جامعه دست به کار شوند. این می‌تواند شامل رعایت حقوق دیگران، مراقبت از زیست‌محیطی، حمایت از ضعف‌دیدگان و کمک به نیازمندان باشد. تشکیل گروه‌های جهادی در نظام جمهوری اسلامی و بین معتقدان به مهدویت گواه خوبی بر امر است.

شما جوانان عزیز که در آغاز زندگی و تلاش خود هستید، باید سعی کنید تا زمینه را برای آن چنان دورانی آماده کنید، دورانی که در آن، ظلم و ستم به هیچ شکلی وجود ندارد، دورانی که در آن، اندیشه و عقول بشر، از همیشه فعال‌تر و خلاق‌تر و آفریننده‌تر است، دورانی که

ملت‌ها با یکدیگر نمی‌جنگند، دست‌های جنگ‌افروز عالم همان‌هایی که جنگ‌های منطقه‌ای و جهانی را در گذشته به راه انداختند و می‌اندازند دیگر نمی‌توانند جنگی به راه بیندازند، در مقیاس عالم، صلح و امنیت کامل هست، باید برای آن دوران تلاش کرد. قبل از دوران مهدی موعود، آسایش و راحت‌طلبی و عافیت نیست. در روایات، «والله لتمعصن» و «والله لتغربلن» است، به شدت امتحان می‌شوید، فشار داده می‌شوید. امتحان در کجا و چه زمانی است؟ آن وقتی که میدان مجاهدتی هست. قبل از ظهور مهدی موعود، در میدان‌های مجاهدت، انسان‌های پاک امتحان می‌شوند. در کوره‌های آزمایش وارد می‌شوند و سربلند بیرون می‌آیند و جهان به دوران آرمانی و هدفی مهدی موعود روز به روز نزدیک‌تر می‌شود (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۱۱/۳۰).

تأثیر تفکر مهدویت بر وحدت و صلح جهانی و ارتباط با ادیان و ملل دیگر

یکی از وقایع قطعی دوران ظهور، بازگشت حضرت عیسی علیه السلام است که هر دو گروه مسلمانان و مسیحیان به بازگشت حضرت عیسی علیه السلام در آخرالزمان باور دارند. لکن مسلمانان به همزمانی این امر با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له اعتقاد دارند. آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسیر آیه «و یکلم الناس فی المهد و کهلا و من الصالحین» و در گهواره و میانسالی با مردم سخن خواهد گفت و او از شایستگان است؛ بیان می‌کند احتمال دارد این آیه یک نوع پیشگویی در مورد بازگشت عیسی علیه السلام باشد زیرا واژه «کهلا» در عربی به معنای مرد میانسال به کار می‌رود و از طرفی گفته شده، حضرت عیسی علیه السلام در سن ۳۲ یا ۳۳ سالگی به آسمان عروج کرده است. در روایات شیعه، هدف از بازگشت حضرت عیسی علیه السلام، یاری کردن امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له دانسته شده است «و من ذریته المهدی إذا خرج نزل عیسی بن مریم لنصرته فقدمه و صلی خلفه» (ابن بابویه، ۱۳۷۶ ش: ۲۱۸) پس از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له حضرت عیسی علیه السلام برای یاری او نازل می‌شود، پس مهدی را مقدم داشته و پشت سر او نماز می‌خواند. چنین امری سبب می‌شود عده بسیاری از مسیحیان مسلمان شده و یاری‌گر امام زمان علیه السلام باشند.

آن کلمه خدا در دوران گمراهی و جهل و بی‌عدالتی و بی‌اعتنائی به ارزش انسان، پرچم هدایت و نجات انسان‌ها را بر دوش گرفت و با قدرت‌های ستمگر زر و زور به ستیزه برخاست و به بسط عدل و رحمت و توحید همت گماشت. امروز مؤمنان به آن پیامبر بزرگ - یعنی

مسیحیان و مسلمانان - برای استقرار نظم شایسته جهانی، باید به تعالیم و راه پیامبران روی آورند و فضایل انسانی را بر طبق آموزش آن معلمان بشریت گسترش دهند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۱۰/۷).

تأثیر تفکر مهدویت در رشد اقتصادی جامعه

یکی از مظاهر گستردگی عدالت در جامعه، رشد اقتصادی همه مردم است. بخش قابل ملاحظه‌ای از ظلم و جنایت‌ها علاوه بر قدرت‌طلبی مستکبران و احزاب حکومتی، به خاطر فقر و تنگدستی مردم است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید:

فقر انسان را در آستانه کفر قرار می‌دهد (کلینی، ۱۳۸۷ ش: ج ۳، ۶۴۶).

در حکومت مهدوی، مشکلات اقتصادی جامعه بشری و عوامل فقر در تمام جهان از بین رفته و رفاه و آسایش پدید خواهد آمد.

این امر زمانی در حکومت مهدوی به تحقق می‌رسد که مردم خواهان آن بوده و خود را برای این امر آماده کرده باشند. اعتقاد به ظهور مهدی ﷺ در این که جامعه به دنبال توزیع منصفانه و عادلانه منابع اقتصادی باشد و تلاش کند تا نابرابری‌های اقتصادی را کاهش دهد، مؤثر خواهد بود و این امر می‌تواند منجر به افزایش کیفیت زندگی و رشد اقتصادی پایدار در جامعه شود و سبب می‌شود که جامعه به دنبال راهکارهایی باشد که نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی را کاهش داده و به توزیع عادلانه‌تر منابع اقتصادی بپردازد.

همچنین اعتقاد به مهدویت می‌تواند توجه به ارزش‌های اخلاقی در توسعه اقتصادی جامعه را تقویت کند و جامعه به دنبال توسعه اقتصادی براساس ارزش‌های اخلاقی مانند عدالت، صداقت، کارآفرینی، همکاری و احترام به حقوق انسانی باشد. این امر می‌تواند به تأسیس سیستم‌های اقتصادی پایدار و مطلوب کمک کند.

ما که انتظار فرج داریم، انتظار ظهور حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) را داریم، باید در این راه تلاش کنیم؛ باید تلاش کنیم در راه ایجاد جامعه مهدوی؛ هم خودسازی کنیم، هم به قدر توان مان، به قدر امکان مان، دگرسازی کنیم و بتوانیم محیط پیرامونی خود را به هر اندازه‌ای که در وسع و قدرت ماست، به جامعه مهدوی نزدیک کنیم که جامعه مهدوی، جامعه قسط است، جامعه معنویت است، جامعه معرفت است، جامعه برادری و اخوت است، جامعه علم است، جامعه عزت است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۹/۰۱/۲۱).

مسئله مؤثر دیگر در عدالت اقتصادی کارآفرینی و نوآوری است. ایمان به مهدویت می تواند روحیه کارآفرینی و نوآوری را در جامعه تقویت کند و افراد در جامعه به دنبال استفاده از استعداد های خود در راستای تحقق رشد اقتصادی باشند و تلاش کنند تا ایده های جدید را پیاده سازی کنند. این امر می تواند به ایجاد شرایط محیطی مناسب برای نوآوری، توسعه صنایع و افزایش تولید منجر شود.

تأثیر تفکر مهدویت بر رشد سیاسی جامعه

تأثیر مهدویت بر رشد سیاسی جامعه نیز یک مسئله پیچیده است و ممکن است با توجه به متغیر های مختلف متفاوت باشد. در ادامه، چندین نکته درباره تأثیر مهدویت بر رشد سیاسی جامعه را بررسی می کنیم:

۱. الگوی رهبری

ایمان به مهدویت می تواند در تشکیل الگوی رهبری جامعه تأثیرگذار باشد. اعتقاد به ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باعث می شود که جامعه به دنبال یک رهبر فراتر از خصوصیات سیاسی عادی باشد رهبری که عدالت و اخلاق برتری را تجسم کند. این امر می تواند به تحولات سیاسی در جامعه منجر شود و تأثیر قابل توجهی در توزیع قدرت و تصمیم گیری های سیاسی داشته باشد. لکن آمادگی پذیرش چنین رهبری باید در بین مردم باشد.

جامعه ای می تواند پذیرای مهدی موعود (ارواحنا فداه) باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد، و الا مثل انبیا و اولیای طول تاریخ می شود. چه علتی داشت که بسیاری از انبیای بزرگ اولوالعزم آمدند و نتوانستند دنیا را از بدی ها پاک و پیراسته کنند؟ چرا؟ چون زمینه ها آماده نبود. چرا امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در زمان خودش... تاوان عدالت امیرالمؤمنین، جان امیرالمؤمنین بود که از دست رفت! چرا؟ چون زمینه، زمینه نامساعد بود. زمینه را نامساعد کرده بودند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۹/۲۵).

۲. نیروی تحول و امید

امیدواری نعمتی از سوی پروردگار است که سبب می شود انسان ها با داشتن آن هیچ گاه از تلاش متوقف نشوند. اما ناامیدی از وسوسه های شیطانی است که انسان را از تلاش باز می دارد و او را تبدیل به فردی بی خاصیت می کند؛ ناامیدی از گناهان کبیره بوده و انسان ها ز آن نهی

شده‌اند. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

من أكبر الكبائر عند الله اليأس من روح الله، و القنوط من رحمة الله (کلینی، ۱۳۸۷ ش: ج ۴، ۴۲۰)؛

بزرگ‌ترین گناهان کبیر نزد خدا، یأس از روح خدا و ناامیدی از رحمت خداست.

گاهی اوقات دست‌های قلدر و قدرتمند، ملت‌های ضعیف را به جایی می‌رسانند که امیدشان را از دست می‌دهند. وقتی امید را از دست دادند، دیگر هیچ اقدام نمی‌کنند؛ می‌گویند چه فایده‌ای دارد؟ ما که دیگر کارمان از کار گذشته است؛ با چه کسی در بیفتیم؟ چه اقدامی بکنیم؟ برای چه تلاش کنیم؟ ما که دیگر نمی‌توانیم (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۹/۲۵).

ایمان به مهدویت ممکن است باعث تقویت اراده و انگیزه جامعه در جهت تحقق اهداف سیاسی و اجتماعی شود. این اعتقاد می‌تواند به عنوان یک نیروی تحولی عمل کند و افراد را به تغییرات سازنده در ساختارهای اجتماعی و سیاسی ترغیب کند.

بزرگ‌ترین خاصیت این اعتقاد در میان شیعیان، امیدآفرینی است. جامعه تشیع فقط به برجستگی‌های تاریخ خود در گذشته متکی نیست، چشم به آینده دارد. یک نفر معتقد به مسئله مهدویت طبق اعتقاد تشیع، در سخت‌ترین شرایط، دل [را] خالی از امید نمی‌داند... این یکی از مهم‌ترین آثار و دستاوردهای این اعتقاد است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۳/۱۴).

۳. مردمی بودن

آنچه که علت عمده نارضایتی مردم از حکومت‌های فعلی است استکبار و زورگویی برخی گروه‌ها بر مردم است. مردم خود را غیرمؤثر در تصمیمات و مسائل جامعه می‌دانند انواع حکومت‌های حزب‌های مختلف بر جهان و تحمیل منافع این حزب‌ها بر مردم و نارضایتی آنها گواه بر این مدعاست. مقام معظم رهبری حکومت مهدوی را یک حکومت مردمی می‌داند و مردمی بودن را به عنوان یک ارزش برای نظام حکومتی معرفی می‌کند:

حکومت آینده حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه موعود علیه السلام، یک حکومت مردمی به تمام معناست. مردمی یعنی چه؟ یعنی متکی به ایمان‌ها و اراده‌ها و بازوان مردم است. امام زمان، تنها دنیا را پر از عدل و داد نمی‌کند؛ امام زمان از آحاد مؤمن مردم و با تکیه به آنهاست که بنای عدل الهی را در سرتاسر عالم استقرار می‌بخشد (بیانات مقام معظم رهبری،

۱۳۸۱/۷/۳۰.

۴. در دست داشتن قدرت

معتقدان به ظهور باید برای ایجاد زمینه‌های ظهور تلاش کنند. لذا این امر سبب می‌شود جامعه به دنبال اصلاح نظام‌های سیاسی و اقتصادی نابع عدالت و توزیع منصفانه منابع باشد. این می‌تواند منجر به تغییرات سیاسی و اجتماعی عمده‌ای شود و به بهبود شرایط زندگی برای همه افراد جامعه کمک کند:

عدالتی که ما در انتظار آن هستیم - عدالت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه که مربوط به سطح جهان است - با موعظه و نصیحت به دست نمی‌آید؛ یعنی مهدی موعود ملت‌ها نمی‌آید. ستمگران عالم را نصیحت کند که ظلم و زیاده‌طلبی و سلطه‌گری و استثمار نکنند. با زبان نصیحت، عدالت در هیچ نقطه عالم مستقر نمی‌شود. استقرار عدالت، چه در سطح جهانی - آن‌طور که آن وارث انبیا انجام خواهد داد - و چه در همه بخش‌های دنیا، احتیاج به این دارد که مردمان عادل و انسان‌های صالح و عدالت‌طلب، قدرت را در دست داشته باشند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۷/۳۰).

تأثیر تفکر مهدویت بر رشد فکری و علمی جامعه

علمی و کاربردی بودن اصول مبتنی بر مهدویت: ویژگی مهم نظریات علمی واقعی بودن و مستقل از ذهن بودن آنهاست. هرچقدر نظریه‌ها جدا از تفسیرهای ذهنی و شخصی باشند دقیق‌تر و منطبق بر واقعیت خواهند بود و اصول مبتنی بر آن نیز واقعی بوده و از منافع شخصی مبتنی بر حرص و هوی و هوس مصون خواهند بود و از این جهت کاربردی‌تر و دارای منافع عام برای تمام مردم می‌باشد. اعتقاد به مهدویت در تشیع نیز یک نظریه واقعی است. خصوصیت اعتقاد ما شیعیان این است که این حقیقت را در مذهب تشیع از شکل یک آرزو، از شکل یک امر ذهنی محض، به صورت یک واقعیت موجود تبدیل کرده است. حقیقت این است که شیعیان وقتی منتظر مهدی موعودند، منتظر آن دست نجات بخش هستند و در عالم ذهنیات غوطه نمی‌خورند؛ یک واقعیتی را جستجو می‌کنند که این واقعیت وجود دارد. حجت خدا در بین مردم زنده است؛ موجود است؛ با مردم زندگی می‌کند؛ مردم را می‌بیند؛ با آنهاست... (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۵/۲۷).

اعتقاد به این امر و ایمان به غیب از ویژگی‌های مهم مؤمنین است:

﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ (بقره: ۳).

دیگران - مسلمانان غیرشیعه و متدینین غیرمسلمان - به یک چیز مبهمی معتقدند؛ ما شیعه نه؛ مشخص است که چه می‌خواهیم، با چه کسی حرف می‌زنیم (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۲/۱۰).

نقش تفکر مهدویت در تحقق آموزش و پژوهش برتر

انحصار علم و تکنولوژی در دست مستکبرین عالم برای زورگویی و استعمار و ملت‌ها مسئله غیرقابل انکاری است که به دلیل داشتن مبانی سودجویانه و غلط، جز ظلم، جنگ، بیماری و آزار برای مردم نتایجی نداشته است. مسلماً هیچ قدرت و حکومتی بدون علم ماندگار نخواهد بود.

یکی از بزرگ‌ترین جنایات‌هایی که به بشریت شد، این بود که در انقلاب صنعتی در دنیا در این دو سه قرن، علم وسیله‌ای شد برای زورگویی... با ابزار علم که اینها داشتند، بر مردم مسلط شدند؛ مردم به جان آمدند، چه انسان‌هایی نابود شدند، چه آرزوهای نابود شد، چه ملت‌هایی عقب افتادند، چه کشورهای خراب شدند. اینها از ابزار علم یک چنین استفاده‌ای کردند. این بزرگ‌ترین خیانت به علم است؛ هم‌چنان که بزرگ‌ترین خیانت به بشریت است. اینها می‌خواهند این انحصار شکسته نشود. هر ملتی که بتواند با استقلال - نه زیر بلیط آنها و با مجوز آنها و در اختیار آنها و در مشق آنها - روی پای خود بایستد، یک ضربه به این انحصار زده؛ و این کار امروز خوشبختانه در ایران راه افتاده (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۲/۳).

مسلماً آنچه سبب شده ایران انحصار علم در دست مستکبران عالم را بشکند مبتنی بودن نظام حکومتی ایران بر پایه اعتقاد به مهدویت و تلاش برای اتصال آن به فرج امام زمان (عج) می‌باشد. در جهل و گمراهی نگه داشتن مردم توسط تعدادی از حکومت‌ها که خود را جامعه جهانی می‌نامند با هدف ادامه دادن به جنایت‌های خود می‌باشد.

امام زمان (عج) برای این که فرج برای همه بشریت به وجود بیاورد، ظهور می‌کند که انسان را از فروبستگی نجات بدهد؛ جامعه بشریت را نجات بدهد؛ بلکه تاریخ آینده بشر را نجات بدهد. این معنایش این است که آنچه را که امروز وجود دارد؛ این نظم بشری غیرعادلانه، این نظم بشری که در آن انسان‌های بی‌شماری مظلوم واقع می‌شوند، دل‌های بی‌شماری گمراه می‌شوند، انسان‌های بی‌شماری فرصت عبودیت خدا را پیدا نمی‌کنند، مورد رد و اعتراض بشری است که منتظر ظهور امام زمان (عج) است. انتظار فرج یعنی قبول نکردن و رد کردن آن

وضعیتی که بر اثر جهالت انسان‌ها، بر اثر اغراض بشر بر زندگی انسانیت حاکم شده است. این معنی انتظار فرج است (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷).

رابطه تفکر مهدویت و حفظ و استمرار انقلاب اسلامی

از جمله تأثیرات تفکر مهدویت بر انقلاب اسلامی این است که مردم کسی را سزاوار رهبری این انقلاب می‌دانند که طبق حدیث معروف "راویان حدیث" از امام زمان (عج) محل مراجعه شیعیان در زمان حوادث و رویدادها باید فقیه و متخصص در دین باشد و آن فرد حجت امام بر مردم است. بدون شک حضور یک رهبر با این ویژگی‌ها سبب ایمن ماندن انقلاب از آفات و تحریف‌ها خواهد بود.

(در رویدادهایی که اتفاق می‌افتد به راویان حدیث ما مراجعه کنید زیرا آنها حجت من بر شما و من حجت خدا بر آنان هستم) (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۸۴).

امام خمینی (رحمته الله علیه) بنیان‌گذار انقلاب اسلامی براساس آموزه مهدویت و وظایف منتظران و استناد به آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱) که راهکار تغییر وضعیت و اصلاح جامعه را منوط به تغییر و اصلاح نفس از تمام رذائل و آلودگی‌ها می‌داند، تلاش بر تغییر سرنوشت را آغاز کرده و بعد از چندین سال تلاش همراه با انتظار فعال و پویا موفق به انقلاب اسلامی ایران شد.

آنچه که ثمره تفکر مهدویت بر ریشه انقلاب اسلامی بوده و در طول سال‌های گذشته از انقلاب اسلامی ایران نیز آثار آن به وضوح مشاهده شده تأثیر دو طرفه انقلاب اسلامی و مهدویت نسبت به هم می‌باشد. امام خمینی (رحمته الله علیه) در این خصوص فرمودند:

انقلاب ما نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام، به پرچمداری حضرت حجت (ارواحنا فداه) است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور فرجش را در عصر حاضر قرار دهد (موسوی خمینی، ۱۳۶۸ش: ج ۲۱، ۳۲۶).

باور به مهدویت به مردم امید و انرژی می‌دهد و آنها را به تحقق اهداف انقلاب و اصلاح جامعه تشویق می‌کند. آنچه که بعد از انقلاب شاهد آن بودیم مقابله دولت‌های استکباری و عوامل آنها از هر طریق ممکن از جمله جنگ نظامی، شبیخون فرهنگی و تحریم‌های اقتصادی علیه انقلاب اسلامی است که باور به ظهور و مهدویت، شیعیان را به مقاومت در برابر

این تحریم‌ها و مشکلات برمی‌انگیزاند. آنها با اعتقاد به آیه شریفه «و نريد أن نمْن على الذين استضعفوا في الأرض و نجعلهم أئمة و نجعلهم الوارثين» (قصص: ۵) یقین دارند که پیروزی در نهایت با پیروان الهی است، از طرفی انقلاب اسلامی با تکیه بر همین اعتقادات تشکیل شده و در صورتی که مردم بر حفظ اصول انقلاب تلاش کنند پیروزی نهایی با انقلاب اسلامی خواهد بود. بنابراین همان‌طور که در توضیح مفهوم انقلاب اسلامی گفته شد انقلاب فقط در شروع اولیه و ایجاد آن نیست. بلکه انقلاب یعنی استمرار در تحقق اهداف، بنابراین تداوم انقلاب اهمیت بیشتری دارد و همین امر از امتیازات دیگر انقلاب اسلامی ایران نسبت به انقلاب‌های دیگر دنیاست.

آرمان‌های انقلاب در کوتاه‌مدت تحقق پیدا نمی‌کند؛ اگر بخواهیم این آرمان‌ها در جامعه تحقق پیدا کند، یک حرکت بلندمدت لازم دارد. یعنی چه؟ یعنی زنده بودن انقلاب. ببینید! این که مدام می‌گوئیم انقلابی باشیم، انقلابی بمانیم، معنایش این است. اگر چنانچه انقلاب استمرار پیدا کرد، تحقق این آرمان‌ها ممکن خواهد شد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۳/۷).

از نظر رهبر انقلاب، انقلاب کردن با انقلابی ماندن متفاوت است.

مشکل‌تر از انقلابی بودن و گرایش انقلابی داشتن، انقلابی ماندن است؛ چه فرد، چه جمع (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۴۰۱/۳/۴) و البته «انقلابی ماندن» هم راه و قاعده مشخص و ثابت و مستحکمی دارد.

برای این که بتوانیم خودمان را انقلابی نگه داریم باید چه کار کنیم؟ توصیه بنده این است که باید مراقبه کنیم، باید حساب‌کشی کنیم از خودمان. مراقبه دائمی لازم است... این مراقبت، در اصطلاح قرآنی و اسلامی، اسمش تقوا است؛ تقوا یعنی همین مراقبت دائمی از خود که دامن انسان گیر نکند به این خارهای دور و بر (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۴۰۰/۳/۰۶).

توجه عموم دنیا به خصوص مستضعفان عالم به انقلاب اسلامی و امیدواری به تحقق اهداف آن، جایگاه انقلاب را بیش از پیش روشن نمود. رهبر معظم انقلاب نیز پس از چهل سال از گذشت انقلاب، با صدور بیانیه گام دوم انقلاب، حرکت‌های راهبردی آن را تبیین نموده و هدف اصلی آن را نزدیک شدن انقلاب به آرمان بزرگش یعنی آمادگی برای ظهور حضرت حجت عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف عنوان می‌کند.

نتیجه‌گیری

از آنچه گفته شد چنین بر می‌آید که اعتقاد به مهدویت و انتظار برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سبب امید و آگاهی مداوم در افراد، رشد و پیشرفت همه جانبه و پویایی جامعه و حفظ و استمرار انقلاب اسلامی می‌باشد. چنین آثاری موجب کوتاهی دست زورگویان و ظالمان شده و سبب نمی‌شود تا آنها منتظر از بین رفتن منافع شخصی و سودجویی‌های مبتنی بر حرص و طمع و هوی و هوس‌شان باشند. بنابراین تمام تلاش خود را برای از بین بردن علل اصلی آن یعنی مهدویت خواهند کرد. لذا آنچه حائز اهمیت است حفظ چنین اعتقادی از تحریفات می‌باشد. بیانات مقام معظم رهبری نیز در راهبری این موضوع جایگاه مهم و تأثیرگذاری دارد.

منابع

۱. ابن اثیر (۱۳۹۹ق)، *النهاية في غريب الحديث والأثر*، محقق: طاهر أحمد الزاوی، بیروت: المكتب العلمي.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶ش)، *الامالی*، تهران: کتابچی.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران: اسلامیه، دوم.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳ش)، *تحف العقول*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۵. ابن ماجه، محمد بن یزید (بی‌تا)، *سنن*، محقق: بشار عواد معروف، بیروت: دارالجلیل، اول.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، محقق: جمال الدین میردامادی، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، سوم.
۷. آشوری، داریوش (۱۳۸۶ش)، *دانشنامه سیاسی*، تهران: مروارید، چهاردهم.
۸. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲ق)، *صحیح*، محقق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، دمشق: دار طوق النجاة، اول.
۹. بعلبکی، روحی (۲۰۰۱م)، *المورد*، بیروت: دارالعلم للملایین، پانزدهم.
۱۰. ترمذی (۱۳۹۵ق)، *سنن*، محقق: احمد محمد شاکر، مصر: البابیه حلبی.
۱۱. جعفری، محمد صابر (۱۳۹۲ش)، *سبک زندگی مهدوی باید الگوی جامعه شود*، سایت خبرگزاری شبستان: ۱۳۹۲/۴/۸.

۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، محقق: صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالشامیه، اول.
۱۳. صدیقی، کلیم (۱۳۷۵ش)، *نهضت‌های اسلامی و انقلاب اسلامی*، ترجمه: هادی خسروشاهی، تهران: اطلاعات.
۱۴. صفار قمی، محمد حسن (۱۳۸۹ش)، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد*، ترجمه: علیرضا زکی‌زاده رنانی، قم: نشر وثوق.
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: اُعلمی.
۱۶. کامل، سلیمان (بی‌تا)، *یوم الخلاص فی ظل القائم المهدی علیّه السلام*، بیروت: دارالکتب اللبنانی.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۷ش)، *ترجمه اصول کافی*، مصحح: صادق حسن‌زاده، قم: قائم.
۱۸. گلابی، سیاوش (۱۳۸۲ش)، *اصول و مبانی جامعه‌شناسی*، تهران: نشر میترا، یازدهم.
۱۹. مفید، محمد بن محمد نعمان (۱۳۸۶ش)، *تجلی پیام در افق رسانه ملی: برگرفته از اندیشه‌های شهید مطهری علیّه السلام*، تهران: صداوسیما، جمهوری اسلامی ایران (اداره کل پژوهش و آموزش سیما).
۲۰. مفید، محمد بن محمد نعمان (۱۴۳۰ق)، *الاختصاص*، بیروت: مؤسسة الاعلمی المطبوعات.
۲۱. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۸ش)، *صحیفه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیّه السلام.
۲۲. سایت: <https://farsi.khamenei.ir>

Pathology of the Mother's Role in Raising Teenagers from the Perspective of Science, Sunnah, and the Quran

Somayeh Abdi Saqavaz¹

Ehsan Ebadi²

Mohammadreza Nasuri³

Abstract

From the perspective of Islam, adolescence is very important and should be spent with knowledge and purity; because during this period, general changes in the body and psychological effects are so rapid and comprehensive that they cause anxiety and worry and make it difficult for him to interact and communicate with those around him and his family. For this reason, identifying possible and occurring harms in this matter is of great importance. This research has used documentary methods to identify the harms of mothers' upbringing by examining verses and narrations and citing the words of experts. The findings of this research indicate that: Adolescents are in a period of life when the use of incorrect upbringing methods by some mothers has exposed them to intellectual - ideological, moral, sexual, etc. deviations from various aspects of the family and environment. Incorrect methods such as unnecessary punishment and violence, or on the other hand, unlimited love, incorrect comparisons, discrimination, and disregard for spiritual issues such as the use of forbidden food, etc., can cause great harm in raising a teenager. In this regard, the more a mother values her teenager and recognizes his world, and uses the right educational methods at the right time, the more successful she will be in raising him

Keywords: Mother, upbringing, adolescent, pathology, upbringing method

1. PhD student in Theology at Motahari University and level 3 student at the Sisters' Seminary

2. Assistant Professor of Education Department and Higher Level Lecturer (Responsible Author)

3. Level 4 of Mahdism, Qom Seminary and Professor of the Mahdism Specialized Center

آسیب‌شناسی نقش مادر در تربیت نوجوان از منظر علم، سنت و قرآن

سمیه عبدی سقاوازا^۱

احسان عبادی^۲

محمدرضا نصوری^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۱۳

چکیده

از نظر اسلام دوران نوجوانی اهمیت زیادی دارد و باید با معرفت و پاکی سپری شود؛ زیرا در این دوران تغییرات عمومی بدن و تأثیرات روانی، آن چنان سریع و همه جانبه است که او را دچار تشویش و نگرانی نموده و برخوردها و ارتباط‌هایش با اطرافیان و خانواده را دچار مشکل می‌سازد. به همین دلیل شناسایی آسیب‌های احتمالی و وارده در این مسئله از اهمیت به سزائی برخوردار است. این پژوهش به روش اسنادی به شناسایی آسیب‌های تربیتی مادران با تتبع درآیات و روایات و با استناد به کلام صاحب‌نظران پرداخته است. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که: نوجوان در دوره‌ای از زندگی به سر می‌برد که استفاده از روش‌های تربیتی ناصحیح برخی از مادران، ایشان را در معرض انحرافات فکری - عقیدتی، اخلاقی، جنسی و... از جوانب مختلف خانوادگی و محیطی قرار داده است. روش‌های ناصحیحی چون تنبیه و خشونت‌های بی‌مورد یا از آن طرف محبت‌های بی‌حد و حصر، مقایسه‌های نادرست، تبعیض و بی‌توجهی به مسائل معنوی چون استفاده از لقمه حرام و... می‌تواند آسیب‌های زیادی را در تربیت نوجوان وارد سازد. در این راستا هر قدر مادر برای نوجوان خود بیشتر ارزش قائل شده و دنیای او را به رسمیت بشناسد و نیز در وقت مناسب از روش‌های صحیح تربیتی استفاده نماید، در راه تربیت موفق‌تر خواهد بود.

واژگان کلیدی

مادر، تربیت، نوجوان، آسیب‌شناسی، روش تربیتی.

۱. معاونت پژوهش مدرسه علمی حضرت نرجس علیها السلام.

۲. طلبه درس خارج و مربی بنیاد مهدویت مازندران (نویسنده مسئول).

۳. سطح چهار مهدویت حوزه علمی قم و استاد مرکز تخصصی مهدویت.

مقدمه

در منابع اسلامی بر تربیت فرزندان در دوره نوجوانی تأکید زیادی شده است. از جمله نامه حضرت علی علیه السلام خطاب به فرزند بزرگوارشان امام حسن علیه السلام است که در آن تصریح می‌فرماید: قلب نوجوان همانند زمین خالی و آماده کشت است که هرگونه بذر خوبی یا بدی را می‌توان در آن کاشت (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

والدین اولین و مهم‌ترین کسانی هستند که این زمین را آماده بذریابی می‌کنند. فکر او را می‌سازند و جهان بینی غلط یا صحیح را به وی می‌آموزند و سرنوشت و شخصیت او را تعیین می‌کنند.

امروزه عدم شناخت و آگاهی از جایگاه مادری و وظایف او و یا نداشتن برنامه و مهارت و روش‌های سنجیده و متناسب، برای ارتباط با فرزندان و تربیت آنان یکی از عوامل مهمی است که موجب شده است تا نسل نوجوان برآمده از برخی خانواده‌ها بدون تربیت صحیح به حال خود رها شده و به صورت خودرو و ناموزون و ناهماهنگ رشد کرده و هرج و مرج و بی‌بندباری را به وجود آورد.

لذا بازشناسی نقش مادران و آسیب‌های تربیتی و آگاه کردن به وظایف و مسئولیت آنان در قبال فرزندان و نیز شناساندن شیوه‌های تربیتی اسلام از امور بسیار مهم و ضروری است. بدیهی است مادران زمانی می‌توانند وظیفه خود را در تربیت فرزندان به خوبی انجام دهند که اولاً با مطالعه دقیق و تدبر عمیق نسبت به اهمیت نقش و وظایفی که در تعلیم و تربیت دارند، شناخت و آگاهی خود را ارتقا دهند؛ ثانياً از نیازهای جسمی و به ویژه روحی نوجوان و راه‌های برآورده کردن آنها شناخت کافی کسب کنند.

این پژوهش با هدف بررسی آسیب‌های تربیتی نوجوان از سوی مادر به رشته تحریر درآمده است. مهم‌ترین آسیب‌هایی که در تربیت نوجوان از منظر علم، سنت و قرآن وجود دارد، به شرح ذیل است:

انحراف فکری نوجوان

یکی از روش و حربه‌هایی که از دیرباز توسط دشمنان و استعمارگران علیه نوجوانان و جوانان به کار گرفته می‌شود، منحرف کردن افکار ایشان است.

در طی قرون گذشته، دشمنان همواره در تلاش بودند برای مبارزه با انبیاء و اولیای الهی،

افکار یاران ایشان را منحرف ساخته و مکتب ایشان را از بین ببرند. در عصر حاضر نیز از طرق مختلف فرهنگی - اقتصادی و اجتماعی سعی در انحراف و مشغول نمودن افکار نوجوانان و جوانان دارند تا نسل حاضر را در مسیر اصلی خارج نمایند.

الف) فساد اخلاقی

فساد اخلاقی در اشکال و حالت های مختلف آن، از جمله عواملی است که نوجوانان و جوانان کشور ما را همواره تهدید می کند. در این میان استعمارگران و دشمنان نیز از هیچ کوششی دریغ نورزیده تا این فساد را ترویج و اشاعه دهند. تا از این طریق قدرت تفکر و اندیشیدن را از آنان گرفته و مانع پیشرفت جوامع اسلامی شوند.

حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

اقعوا هذه النفوس فانها طلعة [طلقة] ان تطيعوها تنزع بكم الى شر غاية (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ش: ۲۳۹)؛

این نفوس سرکش را مقهور کنید و از خواهش های نادرست شان باز دارید که خودش را بی قیدند، اگر خواسته های آنان را پیروی نمائید، سرانجام شما را در بدترین پرتگاه می افکنند.

ب) شخصیت پرستی

از ویژگی های نوجوان شخصیت پرستی است. او در این مرحله، به جست و جوی انسان های مافوق برآمده و سعی می کند از طریق تخیل و پندارهای خود که گاه افراطی و غیرواقعی می نماید، آرمان های خود را پر و بال داده و از شخصیت برجسته مورد نظرش تقلید کند.

حال اگر نوجوان الگوی مناسب و مثبتی نداشته باشد، در پی همانندسازی خود با وی، دچار آشفتگی و هرج و مرج ذهنی، نامنظمی در افکار و رفتار و تشخیص غلط در هدف ها و تصمیم گیری های زندگی می شوند. دشمن نیز از این ویژگی بی بهره نمانده و همواره سعی دارد تا به وسیله بت کردن شخص یا اشخاصی، افراد ناآگاه و خام را جذب آنان سازد تا با مشغول شدن به این قضیه از ساختن شخصیت خود دور گردند.

انحراف جنسی

یکی از مشکلات و آسیب های اجتماعی که طبقه نوجوان و جوان را در معرض خطر سقوط اخلاقی قرار می دهد، انحراف جنسی است. بدون شک، وسایل ارتباط جمعی، ماهواره و

اینترنت، از زمینه‌های بروز این انحرافات هستند. خطر شومی چون همجنس‌بازی، از شبکه‌های مخرب اینترنت به سرعت در حال ترویج است. با آغاز دوران بلوغ و شعله کشیدن حس و غریزه جنسی در نوجوانان، احساسات بر عقل غالب شده و اگر مراقبت‌های لازم صورت نگیرد، خیلی زود احساس بر عقل چیره شده و دچار آسیب جدی می‌گردد. این غریزه را نمی‌توان از نوجوان گرفت ولی اگر کنترل نشود نه تنها خود، بلکه جامعه را نیز با خود به انحطاط می‌کشانند.

بروز این غریزه علاوه بر خود نوجوان به عوامل بیرونی نیز بستگی دارد. خانواده، جامعه و محیطی که نوجوان در آن زندگی می‌کنند، نیز در این امر تأثیر گذارند (متقی، ۱۳۸۰: ۸۳). محققان اروپایی زمینه‌های متعددی را که موجب انحرافات جنسی می‌شود، بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که تجربه سوءاستفاده جنسی، عدم تعادل در خانواده، بی‌صلاحیتی اجتماعی کسانی که ازدواج کرده‌اند، طغیان و سرکشی در درون خانواده‌ها و مواردی از این قبیل، موجب انحراف جنسی جوانان می‌گردد (بیرجندی، ۱۳۴۱: ۳۸۶).

اگر با سهل‌انگاری و عدم توجه والدین، نوجوان با صحنه‌ها و مناظری که نباید به آنها بنگرد مواجه شود، علاوه بر ایجاد انحرافات اخلاقی، بیماری‌های روانی نیز به دنبال خواهد آورد. خود نوجوان هم ممکن است به این غریزه دامن زده و به چشم‌چرانی و شهوترانی و دوری از اندیشه و تفکر روی آورد. بنابراین لازم است نوجوان با توکل به خدا و پیروی از عقل و مشغول نمودن خویش به کارهای صحیح و مطالعه، خود را از این پدیده خطرناک محافظت نمایند.

آفات انحراف جنسی

انحراف جنسی، پدیده‌ای نیست که بتوان به سادگی از کنار آن گذر کرد. اگر به منحرف جنسی به عنوان یک بیمار و نه مجرم نگریسته شود، می‌توان راهکارهای فرهنگی مناسبی برای درمان این پدیده شوم اجتماعی ارائه داد. انحراف جنسی عواقب بسیار بدی دارد که یکی از آنها عمل شنیع استمناء است که ضربه‌های روحی و جسمی برای فرد ایجاد می‌کند. دیگر این که شخصیت نوجوان منحرف، متزلزل شده و نسبت به گناهان دیگر نیز بی‌اعتنا می‌شود.

مهم‌ترین آفاتی که آینده نوجوان منحرف جنسی را تهدید می‌کند، تأثیر منفی‌ای است که بر

زندگی خانوادگی و ازدواج وی گذاشته می‌شود. زیرا فردی که با هوس بازی به انواع امراض مقاربتی مبتلا می‌شود، خیلی مشکل می‌تواند با یک همسر و آن‌هم با صداقت و پاکی زندگی کند (متقی، ۱۳۸۰ ش: ۸۷).

در این‌گونه موارد تنها عامل بازدارنده در نوجوانان تقویت نیروی ایمان است. در کنار آن باید عواملی که موجب تشدید غرائز جنسی می‌گردد، از بین برده شود. برای این کار باید اوقات نوجوان را با ورزش‌ها و تفریحات سالم و سودمند، مطالعه و کارهای علمی پر کرد، چرا که خالی بودن اوقات زندگی نوجوان یکی از عوامل مهم در گرایش نوجوان به سوی انحرافات است. لازم است مادر به نوجوان آموزش دهد که حفظ ایمان، با نگاه به نامحرم، به خطر می‌افتد و او را نسبت به خطاب خداوند در قرآن هدایت و راهنمایی کند:

﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَكْرَىٰ لَهُمْ مِنْ أَنْ يَبْلُغُوا بِمَا بَصُرُوا وَغِصَّةٌ بَيْنَ يَدَيْهِمْ وَخِصْيَا أَيْمَانِهِمْ وَسِوَاهُ ذَٰلِكُمْ عَنَاءٌ ۚ وَمَنْ يُفْرِغْ مِنْهُمَا فَيُغْضُ عَيْنَيْهِ وَيُحْفَظْ فَرْجَهُ فَلَا ضَرَرَ عَلَيْهِمْ شَيْءٌ وَلَا يَحْزَنُونَ﴾ (نور: ۳۰-۳۱)؛
ای پیامبر! به مردان مؤمن بگو: چشم‌های خود را از نگاه به نامحرم، فرو گیرند و عفاف خود را حفظ کنند؛ این، برای آنان پاکیزه‌تر است؛ زیرا خدا به آنچه می‌کنند، آگاه است و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را فرو گیرند و دامن خویش را حفظ کنند....

همچنین نوجوان باید بداند که پرهیز از نگاه کردن به نامحرم، از برترین عبادت‌ها محسوب می‌شود. امام علی (ع) می‌فرماید:

غض الطرف عن محارم الله أفضل عبادة (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ ق: ج ۱۱، ۲۸۰)؛
بهترین عبادت، چشم‌پوشی از محرمات است.

و بسیاری از راه‌های دیگر...

البته در این زمینه مادران به راحتی با استفاده از دستوراتی که خداوند در قرآن و ائمه معصومین (ع) در روایات خود و همین‌طور اندیشمندان در سخنان خود مطرح کرده‌اند، فرزند نوجوان خود را از انحرافات حفظ نمایند.

اوقات فراغت

والدین علاوه بر تأمین نیازهای جسمی و فراهم کردن خوراک و پوشاک برای فرزندان، باید در نظر داشته باشند که نوجوانان نیازهای جسمی و روانی متنوعی دارند که برخی از آنها با گردش و سفر و شرکت در فعالیت‌های ورزشی، فرهنگی، هنری و... برآورده می‌شوند.

در طی سال تحصیلی، نوجوانان قسمتی از اوقات فراغت‌شان را در انجام وظایف مدرسه و امور شخصی می‌گذرانند و برای پر کردن بقیه ساعات شبانه‌روز والدین به ویژه مادران مؤظفند، تدابیر لازم را به کار گیرند. چرا که در غیر این صورت امکان دارد نوجوان خود دست به کار شده و در این اوقات به کارهای بیهوده و مخرب مانند ایجاد رابطه با اشخاص غیر صالح و غیرهمجنس بپردازند:

تقسیم اوقات و نظم دادن به زندگی، برای جلوگیری از هدر رفتن فرصت‌ها و اوقات، يك دستور است. هرگز برای مؤمن، اوقات فراغت به معنای بیکار بودن وجود ندارد. بیکاری و فراغت برای کسی است که نظم ندارد (رحیمی، ۱۳۹۰ش: ۶۵-۶۶).

بر این اساس مادر باید طوری برنامه‌ریزی کرده و شرایط را فراهم نماید که فراغت بی‌حاصل نوجوان را به سوی شکوفاسازی سرمایه‌های فطری و الهی سوق دهد. امام رضا علیه‌السلام می‌فرمایند:

واجتهدوا ان یکون زما نکم اربع ساعات: ساعة لله لمناجاته وساعة لامرالمعاش و ساعة لمعاشره الاخوان الثقات والذين يعرفونکم عیوبکم ويخلصون لکم فی الباطن و ساعة تخلون فیها للذاتکم (مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۶ق: ۳۳۷)؛

کوشش کنید شبانه‌روز خود را به چهار بخش تقسیم نمائید: بخشی را برای عبادت و مناجات با خدا، بخشی را برای کار، بخشی را برای معاشرت با «برادران دینی مورد اعتماد و کسانی که شما را به عیب‌های‌تان آگاه می‌سازند و در باطن هم نسبت به شما خالص و خیرخواهند» و بخشی هم برای تفریح و استراحت [تا برای کارهای دیگر نشاط پیدا کنید].

قرآن کریم کل هستی و تمام جزئیات آن را هدفمند و قانونمند می‌داند و در آیات بسیاری به اهمیت وقت و زمان اشاره داشته است:

﴿هل أتى على الإنسان حين من الدهر لم یکن شیئا مذکورا﴾ (انسان: ۱)؛
آیا به راستی، روزگارانی نگذشت که چیزی در خور گفتن نبود؟

از طرفی اسلام دین اعتدال است چه در جایگاه تفریح و سرگرمی و چه در جایگاه دیگر، به اعتدال و در نظر داشتن رضا و خشنودی خداوند سفارشات عدیده‌ای داشته است.

براساس این تفسیر، انسان مسلمان باید هم به جسم و ابعاد جسمانی (کسب سلامت، نشاط، آسایش خاطر و نیرومندی بپردازد و هم به ابعاد روحانی و معنوی (عبادت، خدمت به خلق) توجه داشته باشد. امام سجاد علیه‌السلام می‌فرماید:

... فان قدرت لنا فراغا من شغل فاجعله فراغ سلامة لاتدركنا فيه تبهة، ولا تلحقنا فيه سئمة، حتى ينصرف عنا كتاب السيئات بصحيفة خالية من ذكر سيئاتنا، ويتولى كتاب الحسنات عنا مسرورين بما كتبوا من حسناتنا... (صحیفه کامله سجادیه، دعای (۱۱)؛

... خداوندا اگر برای ما فراغتی از کارهای دنیا مقدر فرموده‌ای، پس آن را فرصتی همراه با سلامتی قرار ده که در آن رنجی حاصل نشود و ملالتی به وجود نیاید، تا این که فرشتگانی که به ثبت گناه مأمورند با صحیفه‌ای خالی از گناه از پیش ما بروند و فرشتگان مأمور به نیکی‌ها، خوشحال از اعمالی که از ما نوشته‌اند، از نزد ما بروند.

بنابراین از نظر اولیای الهی فراغتی که همراه با یاد خدا و استفاده بهینه از فرصت‌های به دست آمده باشد، پسندیده است. در عوض آن فراغتی که با بیکاری و تن‌پروری و بدون هدف باشد، مذموم و همراه با خواسته شیطانی است. چنان که امام علی علیه السلام فرمودند:

مع الفراغ تكون الصبوة (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ش: ۳۲۵)؛

همراه با بیکاری، تمایل به خواسته‌های شیطانی حاصل می‌شود.

از جمله اعمالی که مورد سفارش اولیای الهی است، آموزش شنا و تیراندازی و ریسندگی است. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

علموا أولادكم السباحة والرمية (کلینی، ۱۳۶۵ش: ج ۶، ۴۷)؛

به فرزندان خود شنا کردن و تیراندازی بیاموزید.

در جای دیگر فرمودند:

أحب الله إلى الله تعالى إجراء الخيل والرمي (همان: ۳۸)؛

محبوب‌ترین سرگرمی نزد خدا اسب‌دوانی [سوارکاری] و تیراندازی است.

محبت بی حد و حصر

یکی از عوامل مهم در تربیت نوجوانان سیراب نمودن آنان از محبت و عاطفه است. «اثر محبت در رشد روانی فرزندان مانند اثر نور و حرارت در رشد دانه گیاهان است. تا گرمای محبت به فرزندان یک خانواده نرسد و آنان را سیراب نسازد، رشد روانی و شخصیتی آنها به طور طبیعی به انجام نمی‌رسد (احسانی، ۱۳۸۸ش).

در مورد عشق و محبت ورزیدن به فرزند سفارشات زیادی از ائمه معصومین علیهم السلام شده است.

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

من قبل ولده كتب الله عزوجل له حسنة و من فرحه فرحه الله يوم القيامة (کلینی، ۱۳۶۵ ش: ج ۲، ۴۹)؛

هرکس فرزندش را ببوسد خداوند برای او يك حسنه می‌نویسد و هرکس او را شاد کند خداوند روز قیامت او را شاد می‌کند.

همان‌طور که طبق تجربه بسیاری از انحرافات نوجوانان از کمبودهای عاطفی و محبت آنها در خانواده نشأت می‌گیرد، محبت فوق‌العاده نیز روش غلط دیگری است که در تربیت به کار می‌رود. از جمله معایبی که محبت بی‌حد و حصر دارد این است که در مواقعی که حوادث و اتفاقات غیرمنتظره برای نوجوان پیش می‌آید، در آنها درمانده می‌شوند و معمولاً افرادی متکی و تابع دیگران بار می‌آیند. به طوری که بدون اتکا و یاری والدین از عهده مشکل خود برنمی‌آیند. امام باقر (ع) می‌فرماید:

شر الآباء من دعاه البر إلى الإفراط... (یعقوبی، ۱۳۶۶ ش: ۵۳)؛

بدترین خانواده‌ها، خانواده‌هایی هستند که در نیکی و محبت نسبت به فرزندان، از حد تجاوز کنند و به زیاده‌روی بگرایند.

چنین افرادی در ایجاد ارتباط عاطفی و تعادل با دیگران، موفق نخواهند بود، زیرا انتظارات بی‌جای آنان از دیگران، آنها را فردی زودرنج و شکننده می‌سازد و با وجود روحیه آسیب‌پذیرشان خیلی زود با مشکلات جدی روبرو می‌گردند (احسانی، ۱۳۸۸ ش).
امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید:

من كلف بالأدب قلت مساویه (تیمی آمدی، ۱۳۶۶ ش: ۲۴۷)؛

هرکس که سختی تأدیب را تحمل کند، بدی‌هایش کم خواهد شد.

بنابراین نقش مادر که منشأ عاطفه و محبت است بسیار جدی است به طوری که باید عاطفه و محبت خود را به جا و اندازه نثار نوجوان خود کند تا در آینده دچار مشکلات نگردد.

خشونت

یکی از عوامل شایعی که دارای اثرات تربیتی سوء در فرزندان است، استفاده بی‌جا از خشونت و ضرب و شتم و اهانت و توبیخ و شدت عمل در برابر آنان است. نوجوانان بسیاری به علت خشونت والدین از تربیت سالم محروم شده‌اند و به علت خشونت زیاد آنها، از روحیه

ناسالم برخوردارند.

نوجوانانی که مرتب مورد خشونت قرار می گیرند، راه های تسلط بر دیگران یا قبول تسلط همیشگی بر خودش را می پذیرد.

چنین افرادی به علت در معرض خشونت بودن، گرفتار عقده حقارت می شوند، این حقارت خود منشأ بسیاری از انحرافات و رفتارهای نادرست است.

به علاوه، اگر والدین رفتاری خشونت آمیز داشته باشند، دیگر در فضای خانه از صمیمیت و همدلی خبری نخواهد بود و بذر دشمنی و کینه در نهاد نوجوان پاشیده می شود.

«خشونت علیه فرزندان به ویژه در دوران نوجوانی موجب پیدایش بدبینی نسبت به زندگی و احساس پوچی و بدبختی در نوجوانان می شود، گویی آنها از زندگی خود سرد و ناخشنودند، پیدایش چنین روحیه ای در نوجوانان زمینه را برای انواع انحراف ها فراهم می سازد و آنها را به سرعت به سوی عواملی که بتوانند اضطراب و ناآرامی آنها را هرچند به طور موقت فروشانند سوق می دهد» (احسانی، ۱۳۸۸ش). در بسیاری از موارد، خشونت و ملامت زیاد بیشتر نفرت ایجاد می کند (مطهری، ۱۳۶۶ش: ۲۱۶).

امام علی علیه السلام می فرماید:

ایاک ان تکرار العتب فان ذلك یغری بالذنب و یهون العتب (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ش: ۲۲۳)؛

از تکرار سرزنش بپرهیز؛ زیرا فرد را به گناه جری و سرزنش را بی اثر می کند.

قرآن کریم علت جذب مردم به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را رقت قلب و نرم خویی ایشان می داند:

«و لو کنت فظاً غلیظ القلب لانفضوا من حولک» (آل عمران: ۱۵۹)؛

اگر خشن و سنگدل می بودی، از اطراف تو پراکنده می شدند.

تنبیه

اگرچه تجربه نشان داده است که تنبیه در کاهش رفتار نامطلوب موثر بوده است. اما باید در نظر داشت که تنبیه، رفتار مورد تنبیه را از بین نمی برد، بلکه موقتاً مانع ارتکاب مجدد آن می شود. نوجوانانی که پی در پی توسط والدین خود مورد تنبیه قرار می گیرند، معمولاً میل به در کنار آنان ماندن را ندارند. شاید یکی از دلایل تنها ماندن والدین در سالخوردگی همین باشد. بعضی از کسانی که مورد تنبیه واقع می شوند، یا شاهد تنبیه افرادی بوده اند، در مکان ها و

مواقعی خود به تنبیه دیگران می‌پردازند. در واقع این نوعی بدآموزی توسط والدین به نوجوانان می‌باشد.

«بعضی از محققان معتقدند که به همین طریق بدرفتاری با کودک از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. بسیاری از والدین که فرزندان خود را کتک می‌زنند خودشان در کودکی و نوجوانی اذیت و آزار دیده‌اند» (احسانی، ۱۳۸۸ش).

تنبیه می‌تواند سبب نگرانی‌های شدید و ترس کودک گردد. به طوری که گاهی تا آخر عمر گریبان‌ش را می‌گیرد.

یکی دیگر از ایراداتی که بر تنبیه وارد می‌شود، این است که آثاری که بر جای می‌گذارد مثل پاداش، قابل پیش‌بینی نیست. چرا که پاداش مشوق تکرار آن عمل است ولی تنبیه مخالف آن عمل. اما فرد تنبیه‌کننده با منع از کار نوجوان، نمی‌گوید که چه کاری به جایش بکن و ممکن است جای آن عمل مورد تنبیه، عمل و یا رفتار نامطلوب دیگری اتفاق بیفتد.

«گزارش‌های متعدد از استان‌های مختلف اثبات می‌کند که کودکان و نوجوانان تنبیه شده، اغلب از کانون‌های اصلاح و تربیت سردر می‌آورند یا به افراد تحقیر شده و مظلومی تبدیل می‌گردند که جرأت اظهار وجود و احقاق حقوق خود را ندارند» (علوی یزدی، ۱۳۸۰ش: ۳۹). و پر واضح است که همین عدم جرأت اظهار نظر و توانایی احقاق حق خود، موجب بزه‌دیدگی و انحراف نوجوان می‌گردد.

البته خدای متعال در قرآن و اولیای الهی در سخنان گرانبارشان برای جلوگیری از انحراف و تربیت فرزندان تنبیه را تا حدودی جایز دانسته‌اند. چنان که در آیات زیادی از قرآن وعده‌های عذاب به گنهکاران جهت تنبیه آنان داده شده است (نساء: ۵۶؛ مائده: ۱۰؛ طه: ۷۴ و...). و در دنیا نیز مجرمان به فراخور خطا و گناهی که انجام داده‌اند، از قتل و قصاص گرفته تا گناه و تازیانه و حبس مجازات می‌گردند. در سیره ائمه معصومین (علیهم‌السلام) هم مواردی مشاهده می‌گردد:

از امام صادق (علیه‌السلام) درباره کودکی که به مرحله جوانی رسد و مسیحیت را برگزیند - درحالی که یکی از پدر و مادرش یا هر دو مسلمان بوده باشند - فرمود:

لَا يَتْرُكُ وَلَكِنْ يَضْرِبُ عَلَى الْإِسْلَامِ؛

جوان به حال خود رها نمی‌شود بلکه برای قبول اسلام او را تنبیه بدنی می‌کنند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۸، ۵۴۶).

همان‌طور که از روایات فهمیده می‌شود، تنها در موارد خاصی که برای فرزند سرنوشت‌ساز است و نه هر عملی که از فرزند سر می‌زند و مورد رضای والدین نیست - تنبیه جایز می‌باشد. راسل می‌نویسد:

به عقیده من تنبیه بدنی به هیچ وجه صحیح نیست. ولی صورت خفیف آن کم‌زیان است لیکن هیچ‌گونه سودی هم ندارد. و من این‌طور اقناع شده‌ام که صورت سخت و شدید آن موجب پیدایش قساوت و وحشی‌گری می‌گردد (راسل، ۱۳۴۷ش: ۱۶۵).

انگ زدن و مخاطب قرار دادن با عناوین و القاب نادرست

از دیگر روش‌های نادرستی که والدین و پدران هنگامی که نوجوان رفتاری غلط و یا کار نادرستی مرتکب می‌شوند به کار می‌برند، خطاب کردن آنان با القاب و عناوین زشت و ناپسند است.

والدین باید بدانند که با این کار خود چه تأثیرات بد و مخربی در شخصیت نوجوان خود برجای می‌گذارند. زیرا با مخاطب قرار دادن نوجوان با القاب زشت، عزت نفس نوجوان مخدوش شده و موجب خشم و ناخرسندی وی می‌شود. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

ایاک و مستهجن الکلام فانه یوغر القلب [القلوب] (تمیمی، ۱۳۶۶ش: ۲۱۴)؛
از کلمات مستهجن و زشت بپرهیز که باعث کینه و دشمنی دل می‌گردد.

از دیگر آثار استعمال این الفاظ و القاب، به خصوص اگر تکرار شود، یک خودانگاره منفی در شخصیت نوجوان، شکل گرفته و هویت وی را از مسیر صحیح منحرف می‌سازد. در نتیجه دیگر خود را دوست نداشته و برای خود ارزش و احترام قائل نمی‌شود. این‌گونه افراد، در استنباط از خود، دچار سردرگمی و تضاد هستند. برخی معتقدند که «هیچ چیز در دنیا برای نوجوان به اندازه پرسش‌هایی که به هویت او مربوط می‌شود، نگرانی و دلوپسی ایجاد نمی‌کند» (کواراسوس، ۱۳۶۷ش: ۳۹).

برخی از این عناوین، طوری روح و روان نوجوان را متأثر و مضطرب می‌سازند که تعادل روانی وی را برهم زده و موجب روی‌آوری او به سوی مواد مخدر، آرام‌بخش‌ها و یا خودکشی می‌گردد.

بنابراین باید دانست که برای مقابله با لغزش‌ها و انحرافات نوجوان نباید از الفاظ و عناوین زشت استفاده کرد. چرا که يك عمل غیراخلاقی و مخالف قانون است و قرآن کریم نیز افراد را از

این‌که یکدیگر را با القاب زشت صدا بزنند، نهی فرموده است:

﴿ولا تنابزوا بالألقاب﴾ (حجرات: ۱۱).

پیامبر ﷺ می‌فرماید:

بادروا أولادکم بالکنی قبل أن تغلب علیهم الألقاب (الهندی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۶، ۴۱۹)؛
پیش از آن‌که لقب‌های زشت بر فرزندان تان غلبه پیدا کند، لقب‌ها و کنیه‌های خوب بر
آنان بگذارید.

تبعیض و تفاوت‌گذاری

این روش اگرچه در مقام اصلاح و ایجاد رفتار هم مؤثر است ولی اگر با توجیه و تبیین برای
نوجوان همراه نباشد، این عدم رعایت مساوات، تعادل روحی وی را برهم زده و موجب ایجاد
تنش و دلهره و اضطراب و حقد و کینه نسبت به طرف متفاوت خود می‌گردد.
خداوند متعال در قرآن کریم، در سوره یوسف به این نکته مهم اشاره نموده است؛ چرا که
یعقوب علیه السلام در ابراز محبت نسبت به فرزندان از تساوی رفتار برخوردار نبوده و همین امر،
فرزندان دیگرش را تحریک نمود:

﴿إذ قالوا لیوسف وأخوه أحب إلى أبینا منا ونحن عصبه إن أبانا لفي ضلال مبین﴾ (یوسف: ۸)؛

آن‌گاه که (برادران) گفتند: یوسف و برادرش [بنیامین] نزد پدر، از ما محبوب‌ترند، در حالی
که ما خود گروه نیرومندی هستیم. مسلماً پدر ما، در گمراهی آشکاری است!

همین پندار موجب بزهکاری فرزندان یعقوب علیه السلام و اندوه و غم حضرت شد.

در روایتی از امام صادق علیه السلام از قول پدر بزرگوارشان می‌فرماید که:

والله إني لأصنع بعض ولدی وأجلسته علی فخدی وأکثرله الشکر وأن الحق لغيره من
ولدی، ولكن محاقه علیه منه و من غیره لئلا یصنعوا به ما فعل بیوسف وإخوته (مجلسی،
۱۴۰۳ق: ج ۷۴، ۷۱، ۷۴)؛

قسم به خدا که من گاهی با برخی از فرزندانم مدارا و ملاحظت می‌کنم و او را روی زانوی
خویش نشانده و مغز قلم برایش بیرون می‌آورم و شکر را نرم کرده و در دهانش می‌ریزم،
درحالی که می‌دانم فرزند دیگرم سزاوار چنین یاری است. این کار را برای آن می‌کنم که
او (فرزند مورد توجه) و سایر فرزندانم بر ضد وی (فرزند صاحب حق) تحریک نشده و کاری
را که برادران یوسف با وی انجام دادند، مرتکب نشوند.

والدین به ویژه مادران باید توجه داشته باشند که تفاوت بین افراد و فرزندان شان با یکدیگر وجود دارد. امام علی علیه السلام در روایتی تأکید دارد که تفاوت‌ها بین افراد، سبب رشد جوامع است و شبیه بودن آنها، موجب سقوط و هلاکت جوامع بشری می‌شود (همان: ج ۷، ۱۰۱)، را که اگر تفاوتی وجود نداشته باشد، حرکت و تحولی در جامعه ایجاد نخواهد شد و جامعه رشدی نخواهد داشت. ولی این تفاوت‌ها در فرزندان نباید نوع رفتار و کردار مادر نسبت به آنان را تغییر دهد به صورتی که یکی از امکانات و توجه ویژه‌ای نسبت به دیگری برخوردار گردد.

بزهکاری نوجوانان

بزهکاری نوجوانان به مسئله‌ای با قدمت و پیشینه طولانی است. حتی در مکتب اسلام علاوه بر توصیه‌هایی جهت بهداشت اجتماع، نسل، خانواده و روش‌های تربیتی صحیح، احکام خاصی برای مقابله با کج‌رفتاری‌ها و جرایم نوجوانان وجود دارد. بزهکاری یک رفتار ضداجتماعی است و انواع مختلفی دارد که دزدی، همجنس‌بازی، اعتیاد و... را شامل می‌شود. «از لحاظ میزان وقوع در بین پسران ۵ برابر بیشتر از دختران است تخلفات پسران بیشتر شامل دزدی، تجاوز جنسی، اعتیاد و خطاهای کینه‌توزانه بوده است. در دختران بیشتر شامل فرار از منزل، رفتار جنسی غیرمجاز و مصرف مواد مخدر است» (حسینی هاشمی، ۱۳۸۳: ۱۱۳).

علل و عوامل بزهکاری

بزهکاری مسئله‌ای نیست که تنها از علل و عوامل اجتماعی نشأت بگیرد. «بلکه پدیده‌ای زیستی - روانی - اجتماعی است و ریشه آن را باید در این سه مقوله جست‌وجو کرد و هرگونه تلاشی که تنها معطوف به یکی از این سه و نادیده انگاشتن دو بعد دیگر باشد، مقرون به واقعیت نخواهد بود به همین جهت است که تبیین‌های امروزی در باب جرم و بزهکاری، بیشتر تلفیقی و ترکیبی است؛ نه آن‌که تنها بر محور خاص شرایط جسمی بزهکار، یا عوامل اجتماعی یا روانی او تکیه کند» (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۵: ۸۰).

با وجود این بیشتر صاحب‌نظران اذعان دارند که بیشترین تأثیری که بر ظهور «بزهکاری نوجوان» می‌گذارد، مسئله عدم تأمین «امنیت روانی» که از اساسی‌ترین نیاز در نوجوان است، می‌باشد. امام صادق علیه السلام در مورد اهمیت ارضای نیاز به امنیت می‌فرماید:

خمس من لم تکن له لم یتهن بالعیش: الصحة والأمن والغناء والقناعة والآنس

الموافق (طبرسي، ١٣٨٥ق: ١٤٩)؛

هرگاه این پنج چیز برای کسی فراهم نباشد، زندگی او برایش ناگوار و ناسالم خواهد بود: سلامت، امنیت، ثروت، به‌نیازی و همسر همراز و همدم.

«آبراهام مزلو» نیاز به امنیت را از جمله نیازهای اساسی روانی بشر می‌داند و معتقد است که: آنچه باعث می‌شود کودک، احساس ناامنی کند، عبارت است از غیرقابل پیش‌بینی بودن رفتارها و حوادث برای او، بی‌عدالتی، بی‌انصافی، ناسازگاری والدین و به طور کلی، هر پیش‌آمدی که این احساس را در کودک ایجاد کند که دنیا، جای امنی نیست و حوادث یا رفتارهای والدین، قانونمند و تابع هیچ ضابطه‌ای نیستند. همچنین خشم یا گاهی تهدید والدین، مبنی بر تنبیه کودک، ناسازگویی و پرخاشگری نسبت به او، بدرفتاری با او و هرچه باعث وحشت و اضطراب وی شود، احساس امنیت کودک را به خطر می‌اندازد و پیامدهای آن، زیاد خواهد بود (فقیه، ۱۳۹۱: ش: ۱۸۹).

رفتار خشونت‌آمیز با نوجوان، جدایی (طلاق) والدین، اعتیاد والدین، کمبود محبت، احساس تنهایی و بی‌پناهی، یأس و ناامیدی، تضاد طبقاتی، فقر، بیکاری، احساس حقارت، نقص عضو، از دست دادن عزت نفس، اوضاع و احوال اجتماعی و... از جمله عواملی هستند که در بروز جرم و بزهکاری مؤثرند:

آن‌ان بخشی از دوران نوجوانی را در خانواده‌های از هم گسیخته و نابسان به سر برده بودند (قائم، ۱۳۶۹، ش: ۶۶).

دکتر «لوسین بودت» یکی از مشاوران بهداشت سازمان بهداشت جهانی می نویسد:

از هر راهی که بزهکار وارد بزهکاری شود و در همه عواملی که به جرم و بزهکاری می انجامد، وجه مشترک آنها، عدم امنیت، اضطراب، ستیزه جویی و احساس گناه است (کواراسوس، ۱۳۶۷ش: ۳۶).

در دوران نوجوانی و بلوغ، تغییرات زیادی در وضعیت روانی و جسمی فرد ایجاد می‌شود و روان‌شناسان از این دوران به دوران بی‌سر و سامانی روانی، دوره طوفان و فشار، دوران بحران (هویت) و تعبیری از این، قبل، باد کرده‌اند.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ با اشاره به تحولات روانی در دوران نوجوانی می‌فرماید:

الشباب شعبة من الجنون (ابن بابويه، ١٤١٣ق: ج ٤، ٣٧٧)؛

مرحله آغازین جوانی (نوجوانی) شاخه‌ای از جنون است.

به نظر بنده در قرآن آیه‌ای که صراحتاً بزه نوجوان را بیان کند، دیده نشده است، اگرچه موارد مشابه زیادی وجود دارد. قرآن در مورد افرادی که با نفس پاک خویش، معامله بد می‌کنند، بیان می‌دارد:

﴿بئسما اشتروا به أنفسهم أن يكفروا بما أنزل الله بغيا أن ينزل الله من فضله على من يشاء من عباده فباءوا بغضب على غضب و للکافرين عذاب مهين﴾ (بقره: ۹۰)؛
 بد معامله‌ای با خود کردند که به نعمت قرآن که از لطف خدا بر آنها نازل شد، کافر شدند و (از روی حسد) راه ستمگری پیش گرفتند که چرا خدا فضل خود را مخصوص بعضی از بندگان گرداند و به واسطه این (حسد) باز خشمی دیگر از خدا برای خود طلبیدند و برای کافران از قهر خدا عذاب خواری مهیاست.

و یا درباره کسانی که به خود و یا خانواده خود زیان رسانند می‌فرماید:

﴿من خفت موازينه فأولئك الذين خسروا أنفسهم بما كانوا بآياتنا يظلمون﴾ (اعراف: ۹)؛
 آنان که ترازوی اعمال‌شان سبک گشته است کسانی هستند که به آیات ما ایمان نیاورده بودند و از این رو به خود زیان رسانیده‌اند.

امام علی علیه السلام فرمودند:

من حاسب نفسه ربح و من غفل عنها خسر (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۸، ۳۵۲، ح ۹)؛
 کسی که از نفس خود حساب بکشد، سود برد و هر که از آن غافل ماند، زیان کند.

با همه این تفاسیر والدین باید بدانند که به گونه‌ای با نوجوانان برخورد نکنند که منجر به تشدید عصبانیت، عصیان‌گری، اضطراب، دلهره و ناآرامی روانی و عناد آنان گردد، چرا که چنین حالاتی به اندازه کافی در این دوران مشاهده می‌گردد. فراهم آوردن زمینه مناسب برای رشد حس خود ارزشمندی نوجوان، امکان‌رهایی او از گرایش‌های منفی و آزادگی او را فراهم می‌آورد. امام علی علیه السلام در این باره فرمودند:

اکرم نفسك عن كل دنیه ... و قد جعلك الله حرا (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

اگر نوجوان عزت نفس داشته باشد، به سوی رفتارهای ضد اجتماعی و بزهکارانه کشیده نمی‌شود، حضرت همچنین فرمودند:

من کرمت علیه نفسه لم یهتبا بالمعصیه (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ش: ۲۳۱).

به طور خلاصه می‌توان بیان داشت که وجود پیوندهای محکم عاطفی، برقراری انس و الفت با نوجوانان و کاستن کمبودهای عاطفی آنان، تا اندازه‌ای در جلوگیری از بروز بزهکاری، انحرافات اخلاقی و جنسی مؤثر است.

کم‌توجهی به مسائل معنوی

شناخت علل و عوامل بی‌توجهی و کم‌توجهی نوجوان و جوان به مسائل معنوی و دینی از جمله مسائل مهمی است که باید مورد بررسی و آسیب‌شناسی و بعد درمان قرار گیرد. تجربه نشان داد و تحقیقات ثابت کرده که هرگاه فردی از نور معنویت و دین بهره‌مند گردد و آن را در وجود خود به باور برساند، به طور قطع آن را در عمل نمایان می‌سازد پس ابتدا باید موانع را شناخت و بعد به دنبال موانع گشت و بعد از آسیب‌شناسی، فرهنگ‌سازی کرد. اگر ما فقط به دنبال مبارزه با فرهنگ بیگانه باشیم و فرهنگ‌سازی نکنیم و اصول و مبانی زیبای دین مبین اسلام برای نوجوان و جوان ما جذاب جلوه نکنند، به جای دارو، بیماری را در رگ‌های ایشان تزریق نموده‌ایم. نوجوان و جوان سرشار از عشق است و والدین، به خصوص مادر می‌توانند به عشق او جهت دهند.

لذا لازم است که والدین در امر تربیت دینی فرزندان خود از مسائلی چون برنامه‌های فرهنگی جذاب، شناخت صحیح برای ایجاد نگرش مثبت، برنامه‌هایی برای ایجاد تحول درونی، نداشتن افراط و تفریط در برنامه‌ها و شیوه‌های خود و... بهره بگیرند.

به فرمایش امام خمینی رحمه‌الله‌ علیه:

جوانان تا جوانی را در دست دارند باید در تهذیب و رفع حجب قلب بکوشند، چون جوانان به افق ملکوت نزدیک‌ترند. (فکری، ۱۳۹۱، ص ۱۵۷)

در ارتباط با آسیب‌شناسی نماز می‌توان بیان داشت که قرآن چهار نوع نماز را مورد مذمت قرار داده است: نمازهای بدون آگاهی، بدون نشاط، بدون اخلاص و بدون حضور قلب.

«بنا به فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام باید فرزندان خود را مطابق زمانه پرورش دهیم و روحیه نوگرایی آنان را در نظر بگیریم. آغوش باز والدین و مربیان متعهد می‌تواند از نوجوان و جوان دین‌گریز، ناامید و افسرده، نوجوان و جوانی مؤمن، بانشاط و شاداب بسازد؛ با تفهیم این مطلب که خدا توبه‌پذیر و مهربان است» (همان: ۱۵۸).

در خانواده‌ای که معنویت جایگاهی ندارد و یا به ظاهر معنوی و دینی به نظر برسد ولی در

کنار نماز خواندن و عبادت، دروغگویی، غیبت، همسایه آزاری، بدزبانی و... برایش عادی است، نوجوان و جوان، آن از دین گریزان خواهد بود.

نقش لقمه حرام

یکی از موانع مهم در اقامه فرائض دینی لقمه حرام است. در قرآن کریم حضرت شعیب علیه السلام قوم خود را به شدت از کم فروشی برحذر داشتند:

﴿وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ﴾ (هود: ۸۵)؛

ای قوم در سنجش وزن و کیل (اجناس) عدالت کنید.

و نیز در سوره مطففین می خوانیم:

﴿وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ * الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ * وَإِذَا كَالَهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ

يَخْسَرُونَ﴾ (مطففین: ۱-۳)؛

وای به حال کم فروشان، آنان که چون به کیل چیزی از مردم بستانند تمام بستانند و چون چیزی بدهند در کیل و وزن به مردم کم فروشند.

همچنین در سوره مؤمنون آمده است:

﴿يَا أَيُّهَا الرِّسْلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا﴾ (مؤمنون: ۵۱)؛

ای رسولان ما از غذاهای پاکیزه و حلال تناول کنید و به نیکوکاری بپردازید....

پرواضح است که دلیل تأکید خداوند بر نهی کم فروشی و به دست آوردن مال حلال تأثیری است که لقمه حرام بر قلب، مغز و سایر اندامهای انسان می گذارد و در نتیجه تفکر، تصمیم گیری ها، برخوردها و همه وجود ما را تحت تأثیر قرار خواهد داد و دیگر ارزش های بنیادین و اصیل اسلام ارزشی نخواهند داشت و کلام حق شنیده نخواهد شد.

مسلم کسی که نماز می گذارد ولی از لقمه حرام تغذیه می کند، در تربیت صحیح خانواده و به خصوص فرزندان او مانع ایجاد می گردد. چرا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند:

﴿الصَّلَاةُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَالْبِنَاءِ عَلَى الرَّمْلِ﴾ (قرائتی، ۱۳۷۴ ش: ۹۰)؛

نماز حرام خواران مثل بنای ساختمان بر ریگ است.

قرآن کریم نیز شریک بودن شیطان در اموال و فرزندان بعضی از انسان های گنهکار را متذکر شده است:

«وشاركهم في الأموال والأولاد» (اسراء: ۶۴).

امام باقر علیه السلام در پاسخ به سؤال یکی از یاران خود به نام «محمد بن مسلم» فرمودند: مشارکت شیطان در فرزند از راه نطفه‌ای که از غذای حرام باشد، پدید می‌آید (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق: ج ۳، ۱۸۳-۱۸۴).

«در میان گناهان، تغذیه حرام بیشترین نقش را در انحراف از حق ایفا می‌کند. از این رو دین مقدس اسلام نه تنها افراد مکلف را از خوردن غذای حرام بازداشته، بلکه در کنار توصیه به حلال بودن غذای مادران در دوران بارداری و شیردهی به حلال بودن غذای اطفال و کودکان نابالغ نیز توجه بسیار کرده است، زیرا اگرچه تکلیفی در این رابطه متوجه کودکان نیست ولی آثار وضعی غذای حرام بر ساختمان فکری و روحی آنها و همچنین بر سرنوشت آینده‌شان غیرقابل انکار است» (مؤیدی، ۱۳۸۸ش: ۷۴).

امام سجاد علیه السلام فرمودند:

وَأَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَانْ تَعْلَمْ أَنَّهُ مِنْكَ مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بَخِيرَةٍ وَشَرِّهِ وَأَنْتَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلَيْتَهُ (طبرسی، ۱۳۸۵ق: ۴۲۱)؛

اما حقی که فرزندت بر تو دارد این است که بدانی او از تو و وابسته به توست و خوب و بدش در این دنیا به تو ارتباط دارد و بی‌شک تو در مقام سرپرستی او (در پیشگاه الهی) مسئولیت داری.

نتیجه‌گیری

دوران کودکی و نوجوانی بهترین و مناسب‌ترین زمانی است که پدر و مادر می‌توانند فرزند خود را با اخلاق و آداب اسلامی آشنا سازند؛ زیرا در این دوران، فرزندان تنها پدر و مادر و محیط خانواده را می‌شناسند و به اصطلاح گوش و چشم آنها بسته است و تنها تحت پوشش شخصیتی خود تغذیه روحی و فکری می‌شوند. آسیب‌شناسی، مخاطب‌شناسی و برنامه‌ریزی صحیح و کارآمد در جهت پیشبرد اهداف تربیتی به ویژه در دین مبین اسلام برای والدین به خصوص مادران امری ضروری است تا با شناسایی آنها فرزندان خوب و شایسته‌ای تحویل جامعه دهند. عدم درک صحیح دنیای نوجوانی، خود موجب می‌شود، روش‌ها و تدابیری که در راه تربیت و هدایت این نسل اتخاذ می‌گردد، نه تنها نتیجه‌بخش نباشد؛ بلکه مضر و زیان‌آور باشد. بنابراین، با توجه به حساسیت ویژه دوره بلوغ از نظر جسمانی، عاطفی، عقلانی، اخلاقی، اجتماعی و به طور کلی رشد شخصیت نوجوانان، بایستی این دوره را مهم تلقی نمود و

از طریق آموزش های لازم و صحیح، نوجوانان را هدایت و ارشاد کرد.

مربیان بزرگ اسلام (ائمہ معصومین علیهم السلام) در سخنان گرانقدر خود، بارها و بارها از این امر مهم پرده برداشته و آثار مثبت تربیت و پیامدهای منفی بی توجهی به این امر را در روایات گوناگون بیان داشته اند. به کارگیری آموزه های دینی در تربیت نوجوان نه تنها مایه توفیق مادر در این امر پرمخاطره می گردد، بلکه نوجوان نیز با اطمینان خاطر بیشتری، روش های تربیتی وی را به کار می بندد و از انحراف فکر و تزلزل روح و شخصیت او کاسته شده و به آرامش واقعی دست می یابد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

صحیفه سجادیه

۱. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، *من لایحضر الفقیه*، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه انتشارات اسلامی، سوم.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام*، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: اسلامی، دوم.
۳. احسانی، طاهره (۱۳۸۸ش)، *بررسی نقش والدین در تربیت نوجوانان و جوانان*، لردگان، www.gorohrahnamaie
۴. احسائی، محمد بن علی (۱۴۰۵ق)، *عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیہ*، تحقیق: آقا مجتبی محمدی عراقی، قم: سیدالشهداء.
۵. بیرجندی، پروین (۱۳۴۱ش)، *روان شناسی مرضی*، تهران: دهخدا.
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶ش)، *تصنیف غررالحکم و درر الکلم*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، اول.
۷. تندنویس، فریدون (۱۳۸۳ش)، *حرکت شناسی*، تهران: دانشگاه تربیت معلم، هشتم.
۸. حاجی ده آبادی، محمد علی (۱۳۸۵ش)، «*تحلیلی درباره تأثیر روش های نادرست بر امنیت روانی بزهکاران نوجوانان*»، *جوان و آرامش روان؛ مشکلات مشاوره و درمانگری با نگرش اسلامی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *تفصیل وسائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعه*، قم: مؤسسه آل‌البیت.
۱۰. حسینی هاشمی، فاطمه (۱۳۸۳ش)، *نقش مادر در تربیت نوجوان از دیدگاه علم، قرآن و سنت*، مشهد: حوزه علمیه حضرت نرجس علیها السلام.
۱۱. دشتی، محمد (۱۳۶۸ش)، *مسئولیت تربیت (بررسی نقش زنان و مادران در تکامل کودک)*، قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، ششم.
۱۲. راسل، برتراند (۱۳۴۷ش)، *در تربیت*، ترجمه: عباس شوقی، تهران: عطائی.
۱۳. رحیمی، عباس (۱۳۹۰ش)، *جوان موفق*، قم: جمال، دهم.
۱۴. السیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر جلال الدین (۱۴۰۱ق)، *الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر*، بیروت: دارالفکر.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۵ق)، *مشکاة الانوار فی غرر الأخبار*، نجف: حیدریه، دوم.
۱۶. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ق)، *الخلاف*، تحقیق: علی خراسانی و دیگران، قم: نشر اسلامی، اول.
۱۷. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، *تفسیر نور الثقلین*، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، قم: اسماعیلیان.
۱۸. علوی یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰ش)، «تنبیه بدنی در مدارس و عواقب آن»، *فصل‌نامه تعلیم و تربیت*، سال هفدهم، شماره ۲.
۱۹. فقیهی، علی نقی (۱۳۹۱ش)، *تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش‌ها از منظر قرآن و حدیث*، قم: دارالحدیث، پنجم.
۲۰. فکری، شهناز (۱۳۹۱ش)، *شیوه‌های تشویق نوجوانان و جوانان به نماز*، قم: خادم الرضا.
۲۱. قائمی، علی (۱۳۷۸ش)، *کودک و خانواده نابسامان*، تهران: انجمن اولیاء و مربیان، دوم.
۲۲. قرائتی، محسن (۱۳۷۴ش)، *پرتوی از اسرار نماز*، تهران: ستاد اقامه نماز.
۲۳. کرمی فریدنی، علی (۱۳۸۵ش)، *نهج الفصاحه*، قم: حلم، چهارم.
۲۴. کلینی رازی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهارم.
۲۵. کواراسوس، ویلیام کلمنت (۱۳۶۷ش)، *بزمکاری نوجوانان مسئله‌ای برای دنیای مدرن*، ترجمه: جعفر نجفی رند، تهران: نمایشگاه کتاب کودک.

۲۶. الکوفی، محمد بن محمد بن الاشعث (بی تا)، *الجعفریات (الاشعثیات)*، تهران، مکتبه النینوی الحديثه.
۲۷. متقی، غلامرضا (۱۳۸۰ ش)، *شیوه جذب نوجوانان و جوانان از دیدگاه قرآن و حدیث*، تهران: عابد، دوم.
۲۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ق)، *بحار الانوار الجامعة لدرر الأئمة الأطهار*، بیروت: دار الإحياء التراث العربی.
۲۹. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۵ ش)، *میزان الحکمه؛ با ترجمه فارسی*، قم: دارالحدیث، ششم.
۳۰. مطهری، مرتضی (۱۳۶۶ ش)، *سیری در سیره نبوی*، تهران: صدرا.
۳۱. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۴ ش)، *رساله توضیح المسائل*، قم: نیلوفرانه، هفتم.
۳۲. مؤیدی، علی (۱۳۸۸ ش)، *چگونه جوانی دیندار و شاداب تربیت کنیم؟*، قم: حسنین علیهم السلام، اول.
۳۳. نجاتی، حسین (۱۳۸۹ ش)، *روان شناسی نوجوانی*، تهران: بیکران، دوم.
۳۴. نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۸ ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: مؤسسه آل البيت.
۳۵. ورام، مسعود بن عیسی (بی تا)، *مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)*، قم: مکتب فقیه، اول.
۳۶. الهندی، علی المتقی بن حسام الدین (۱۴۰۹ ق)، *کنز العمال فی السنن الاقوال والافعال*، تحقیق و تصحیح: صفوة سقا، بکری حیانی، بیروت: مؤسسه الرسالة.
۳۷. یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۶۶ ش)، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

A critical study of Mahdism in the works of Mansour Hashemi and its impact on youth

Masumeh Akbari ¹

Dr. Fatemeh Sharif Fakhr ²

Abstract

Mahdism is one of the important religious teachings, especially Islamic and Shiite. In addition to the correct explanation of Mahdism, some people have put their efforts into a new explanation of Mahdism. The movement of Mansour Hashemi, under the pseudonym Allama Mansour Hashemi Khorasani, is one of these movements. This research aims to introduce the Mahdism perspective based on Hashemi's two books, *Return to Islam* and *Geometry of Justice*; critically evaluate the perspective; its impact on young people based on interviews with those familiar with the movement; and evaluate this impact. Data collection was carried out using documentary methods and unstructured interviews, and data processing was carried out using qualitative methods and content analysis. In this method, in the first part of the discussion; five main themes, eighteen sub-themes, and sixty-one codes were obtained; and in the second part; five main themes, nineteen sub-themes, and thirty codes were extracted. By analyzing the themes, it became clear that Hashemi pointed to the certainty of the divine caliph on earth (the certainty of the existence of the Imam of the Time? to implement divine justice) and considered his mission to gather people to prepare for the emergence. He called on Muslims to follow reason and avoid imitation and considered the government of the guardianship of the jurist an obstacle to the emergence of the Imam of the Time? Hashemi attracted the youth through various means and had effects on them such as hostility towards the Islamic government and Muslim scholars, transforming the spirit of expectation into passivity, doubting religious beliefs, distancing himself from the Sharia, and despair if the promises made are not fulfilled

Keywords: Mahdism, Seyyed Khorasani, Mansour Hashemi, *Return to Islam*, *Geometry of Justice*, Youth

1. Master's degree in Islamic Theology, Bint Al-Huda Higher Education Complex (Responsible Author)
2. Assistant Professor of Islamic Theology, Bint Al-Huda Higher Education Complex

بررسی انتقادی مهدویت در آثار منصور هاشمی و تأثیر آن بر جوانان

معصومه اکبری^۱

فاطمه شریف فخر^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۳

چکیده

مهدویت، از آموزه‌های مهم دینی به ویژه اسلامی و شیعی است. در کنار تبیین صحیح مهدویت، افرادی، همت خود را بر تبیین جدیدی از مهدویت گذاشته‌اند. جریان منصور هاشمی با نام مستعار علامه منصور هاشمی خراسانی، از جمله این جریان‌هاست. این پژوهش، درصدد معرفی دیدگاه مهدویت براساس دو کتاب هاشمی *بازگشت به اسلام و هندسه عدالت*؛ ارزیابی انتقادی دیدگاه؛ تأثیر آن بر جوانان براساس مصاحبه با آشنایان با جریان؛ و ارزیابی این تأثیر می‌باشد. گردآوری داده‌ها، با روش اسنادی و مصاحبه غیرساختاریافته انجام شده و پردازش داده‌ها، با روش کیفی و تحلیل مضمون صورت گرفته است. در این روش، در قسمت اول بحث؛ پنج مضمون اصلی، هجده مضمون فرعی و شصت و یک کد به دست آمده و در قسمت دوم؛ پنج مضمون اصلی، نوزده مضمون فرعی و سی کد استخراج گردیده است. با تحلیل مضمون‌ها روشن شد که هاشمی به حتمی بودن خلیفه الهی در زمین (وجود حتمی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای اجرای عدل الهی اشاره کرده و رسالت خود را گردهمایی مردم برای آمادگی ظهور دانسته است. وی مسلمانان را دعوت به پیروی از عقل و دوری از تقلید نموده و حکومت ولایت فقیه را مانع ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌داند. هاشمی با ابزارهای گوناگونی، جوانان را جذب کرده و تأثیراتی چون ضدیت با حکومت اسلامی و علمای مسلمان، تبدیل روحیه انتظار به انفعال، تشکیک در اعتقادات دینی، دوری از شرع، ناامیدی در صورت محقق نشدن وعده‌های داده شده، بر آنها داشته است.

واژگان کلیدی

مهدویت، سید خراسانی، منصور هاشمی، بازگشت به اسلام، هندسه عدالت، جوانان.

۱. کارشناسی ارشد کلام اسلامی مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی (نویسنده مسئول).

۲. استادیار کلام اسلامی مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی.

مقدمه

در زمینه مهدویت، نوشته‌های فراوانی از دیدگاه علمای مسلمان در طول تاریخ به جا مانده است که در شناخت و درک صحیح مفاهیم مهدویت کمک بسیاری کرده است. در این آثار، در روایات بسیاری سخن از ظهور منجی جهانی و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف به میان آمده و به علایم و حوادث بسیاری درباره ظهور ایشان تأکید شده است. از نشانه‌های ظهور در روایات، آمدن مردی از خراسان، قبل از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. در این میان، همواره کسانی هستند که سودگرایانه به سوء برداشت از این روایات می‌پردازند و مسبب انحراف بسیاری شده‌اند؛ از لشکر کشی ابومسلم خراسانی از خراسان در زمان بنی عباس که در بعضی کتاب‌های متأخر شیعه، ابومسلم را همان خراسانی در روایات دانستند (صادقی، ۱۳۸۵: ش: ۱۸۵) تا چند دهه اخیر، فرقه‌هایی چون بابیت و بهائیت در ایران (رضائزاد، ۱۳۹۶: ش: ۴۱)، فرقه احمد الحسن بصری در عراق (آیتی، ۱۳۹۲: ش: مقدمه) و ده‌ها مدعی دیگر در گوشه و کنار ایران و کشورهای اطراف که هر کدام به نوعی سوگیری‌هایی را داشته و به مبارزه با اصل مهدویت پرداخته‌اند.

در دهه اخیر، از جمله مدعی دیگری که خود را عالم می‌خواند و درصدد کشف و برداشت جدیدی از مهدویت است، منصور هاشمی و جریان ایشان است. علیرضا بابایی آریا متولد ۱۳۶۳ شمسی فارغ التحصیل ارشد الهیات و معارف اسلامی با نام مستعار علامه منصور هاشمی خراسانی از جمله مدعیان خراسانی در دهه ۱۳۸۰ است که جریانی به نام نهضت جهانی با شعار بازگشت به اسلام و نماد پرچم‌های سیاه نبوی با هدف براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران و مخالفت با ولایت فقیه و زمینه‌سازی برای تحقق حکومت جهانی خداوند، از طریق تأسیس حکومت جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان خلیفه زمین را راه‌اندازی کرد (هوشیار، ۱۳۹۹: ش: مقدمه). از این رو، مأموریت خود را این می‌داند که همه تلاش خود را به کار برد تا یارانی کافی برای ظهور گرد بیاورد و حکومتی دیگر تأسیس کند. ایشان ابتدا فعالیتش را در مشهد شروع کرد و پس از دستگیری به افغانستان رفت و پس از ایجاد دفتر رسمی و پایگاه اطلاع‌رسانی علامه منصور هاشمی خراسانی، قشر جوان و تحصیل کرده مسلمان را تحت تأثیر خود قرار داد. وی اذعان می‌کند که وی را همان خراسانی موعود و صاحب پرچم‌های سیاه در روایات آخرالزمان خوانده‌اند. وی همچنین خود را عالمی عادل، دعوت‌گری مجاهد و رهبری انقلابی در خراسان بزرگ معرفی کرده است که دارای مکتب اعتقادی و فقهی ممتاز و مبتنی بر یقینیات اسلام است و دارای الگویی معتدل، عقلانی و وفادار به مبانی اسلام است. وی دارای چندین کتاب

مانند بازگشت به اسلام، دروازه‌ای به سوی ملکوت، سنن النبی و غیره است که محور اصلی مباحثش در کتاب بازگشت به اسلام است و بیشتر آیات قرآنی را وارد می‌کند و تفسیر به رای می‌کند، کتابی دیگر با عنوان هندسه عدالت دارد؛ محتوای کتاب حاوی ترسیم یک جامعه عدالت محور است که در قالب داستانی از شبهات شاگرد و پاسخ استاد مطرح شده است. وی مقاله‌های ماهانه یا حتی هفتگی و نامه‌هایی به شکل پرسش و پاسخ در سایت خود بارگزاری می‌کند که در آن به مخاطبین خود و شبهات مطرح شده از سوی مخالفینش پاسخ می‌دهد (همان). ایشان با بهره‌برداری از روایات نشانه‌های قبل ظهور، مدعی است که وی مهدی مهدی آل بیت، مهدی امام دوازدهم یا همان سید خراسانی است و با شعار بازگشت به اسلام، درصدد بازگشت مردم به اسلام حقیقی است و خود را مأمور می‌داند تا مسلمانان را آگاه سازد و آنها را در امر فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بر گرد هم جمع کند (هاشمی، ۱۳۹۹ ش: ۲۴۰). وی تنها امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را مستحق حکومت بر جهان می‌شمارد؛ زیرا عدالت انسان کامل در زمین را، تنها راه نجات بشر می‌داند. بنابراین، حکومت ولایت فقیه را رد کرده است. وی تقلید را امری ظنی می‌شمارد و انسان‌ها را به تقلید عقل صرف دعوت می‌کند (هاشمی، ۱۴۰۰ ش: ۴۹). در این راستا تبلیغات گسترده خود علیه نظام اسلامی ایران و دعوت به خود را از سال ۱۳۹۲ آغاز کرد و بعد از تبعید به افغانستان، فعالیت مجازی خود را در قالب راه‌اندازی پایگاه اطلاع‌رسانی علامه منصور هاشمی خراسانی و ایجاد دفتر، رسمیت داد و به نشر کتب، مقالات، کلیپ‌های صوتی، تصویری و فعالیت در شبکه‌های رسمی اجتماعی مشغولیت دارد (هوشیار، ۱۳۹۹ ش: مقدمه) ایشان با اتکا به عقل صرف و تمسک به ظاهر قران، بدون روایات و عترت معصومین علیهم السلام به شرح و تبیین عقاید اسلام و مهدویت می‌پردازد و تنها راه برای برپایی عدل الهی و ظلم‌ستیزی را برپایی حکومت خلیفه الهی می‌داند که در سایه گرویدن به وی و پیروانش ممکن است (پایگاه رسمی دفتر منصور هاشمی، پرسش و پاسخ‌ها، کد ۵۶۰۶). این امر موجب واکنش و تأثیرات فراوانی از سوی قشر جوان و تحصیل کرده بوده است.

در این نوشتار در پی پاسخ به این سؤالات هستیم: آرای منصور هاشمی در بیان و تبیین مهدویت و تأثیر آن بر جوانان چیست؟ در تبیین آن چه خدشه‌ای به مهدویت وارد کرده است؟ چرا جریان منصور هاشمی در تبیین و عمل پوشاندن به آن اهتمام داشته است یا هدف اصلی و فرعی این جریان چیست؟ از چه ابزار و وسیله‌ای برای پیشبرد اهداف خود بهره می‌گیرد؟ آیا جوانانی که جذب این جریان شده‌اند از اهداف و برنامه‌های آنان آگاه هستند؟ پیامدها و

عواقب جذب جوانان به این جریان چیست؟ آمار جوانانی که وارد جریان منصور هاشمی شده‌اند چقدر است؟

آنچه به عنوان فرضیه در این پژوهش مطرح است، این است که: آثار و آرای مطرح شده از منصور هاشمی باعث درک ناصحیحی از مهدویت و اسلام شده و آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به دنبال داشته است. ضرورت انجام این نوشتار از این جهت است که جریان منصور هاشمی در دهه گذشته فعالیت‌های رو به گسترش خود را در فضای مجازی آغاز کرده و در جهت جذب بالخصوص جوانان تحصیل‌کرده با هدف یاری رساندن حضرت مهدی علیه السلام در امر ظهور و بازگشت به اسلام حقیقی پای خود را فراتر گذاشته و به رد اصل ولایت فقیه همت کرده و تمام شیعیان را به اجتهاد فردی دعوت می‌کند و تقلید از مراجع عظام را امری غیرقابل قبول عقل و ناشایست می‌داند. در نتیجه، تأثیرهای فراوانی برای قشر جوان ایجاد کرده است. بر متخصصین دین واجب است علیه این جریان با هر وسیله یا قلمی به پا خیزند و کمر همت ببندند تا افراد در چگونگی برخورد با این جریان نوآگاهی داشته باشند. از این رو، نویسنده درصدد است به بررسی انتقادی مهدویت در آثار منصور هاشمی و تأثیر آن بر جوانان بپردازد.

در زمینه جریان منصور هاشمی جز مواردی اندک، نقدی صورت نگرفته است. مقاله‌ای با عنوان *بررسی ادعاهای منصور هاشمی در زمینه سازی ظهور* اثر فاطمه ملاشاهی یافت شد. محتوای آن درباره ادعاهای منصور هاشمی است از جمله این که خود را زمینه‌ساز ظهور مهدی علیه السلام می‌داند. وی با شعار «بازگشت به اسلام» و با باطل و طاغوت شمردن حکومت‌های فعلی و مانع ظهور دانستن آنها، مردم را به روی گردانی از این حکومت‌ها ترغیب می‌کند. همچنین، هر کس را که با وی مخالفت کند مانعی از موانع ظهور می‌داند و هشدار می‌دهد که در صورت تمکن یافتن، آنها را از سر راه خویش برخواهد داشت. وی با استناد به احادیث ضعیف و توسل به علائم ظهور و تأویل آنها بر خویش، ادعاهایش را مطرح می‌کند. مقاله پیش رو با نظر به دو کتاب مهم منتشر شده از منصور هاشمی، علاوه بر بیان ادعاهای منصور هاشمی، پاسخ و نقد آن، به بررسی و تحقیق کیفی تأثیر آثار ایشان بر جوانان جوامع پرداخته و براساس مصاحبه‌هایی که با افراد گرفته است به یک نتیجه کلی درباره این جریان و بازخورد عملی آن پرداخته است. رساله‌ای با عنوان *پرچم‌های تاریکی (بازخوانی انتقادی مناسبات مسئله شناخت با اسلام خالص در آرای منصور هاشمی)* نوشته دکتر علی محمدی هوشیار موجود است که در آن منصور هاشمی را مانند سلفی‌گرانی می‌داند که همانند خوارج سخن حقی را به

زبان آوردند و از آن اراده باطل کردند. وی معمولاً چند شبهه را در قالب یک شبهه بازگو می‌کند و سپس آن را تحلیل و بررسی می‌کند. کتابی از همین نویسنده با عنوان *توهم بازگشت*، در سال ۱۳۹۹ به چاپ رسیده است که در آن به نقد کتاب منصور هاشمی (بازگشت به اسلام) می‌پردازد و دارای مباحثی درباره ضرورت بازگشت به اسلام، موانع و اسباب عدم اقامه اسلام و شناخت اسلام است و در انتها به شبهات منصور هاشمی اشاره کرده که با دلایل عقلی و متقن پاسخ داده است. در این نوشتار، ابتدا با روش تحلیل مضمون، مضمون‌های دو کتاب *بازگشت به اسلام* و *هندسه عدالت*، استخراج و مورد ارزیابی قرار گرفته است. سپس با توجه به این که قشر متأثر از این جریان، بیشتر، جوانان بوده‌اند، به گفتگو با افراد آشنا با جریان، درباره تجربیات جوانانی که در دام آن گرفتار شده‌اند، پرداخته و این گفتگوها نیز به شکل تحلیل مضمون، بررسی و نقد شده است تا پند و عبرتی برای دیگر جوانان مسلمان باشد؛ زیرا پیشگیری از وقوع هر اتفاق یا جریان، برای یک جوان، آسان‌تر و بهتر است.

مفاهیم

۱. مهدی

در لغت از هدی فلان هدی، وهدیا، و هدایه ﴿و وجدک ضالاً فهدی﴾ (ضحی: ۷) اسم مفعول هدی (ابراهیم مصطفی، ۱۴۱۸ق: ج ۱، ۳۸۷) و به معنای هدایت شده، ارشاد شده است (دهخدا، ۱۳۷۳ش: ج ۱۳، ۱۹۳۳۲).

لفظ مهدی، مفهومی عام است که در عرف و لغت، به کار بردن آن به هر فرد که خدا او را هدایت کرده باشد جایز است. با این مفهوم، همهٔ انبیاء و اوصیاء مهدی هستند و به کار بردن آن در حق شخص پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین و سایر ائمه علیهم‌السلام جایز است؛ زیرا همه مهدی و هدایت شده بودند. همچنین به کار بردنش نسبت به شیعیان خاص و بلکه همهٔ شیعیان و هر کس که به حق هدایت شده باشد و در حال هدایت باشد، جایز است. در اصطلاح، از مشهورترین لقب‌های امام زمان عجل الله تعالی فرجه‌الشریف است. دربارهٔ علت نامیده شدن آن حضرت با این لقب، روایات مختلفی ذکر شده است.^۱ ایشان دربارهٔ امور نهانی هدایت می‌شود و

۱. امام باقر علیه السلام فرمودند که هنگامی که مهدی ما قیام کند، ثروت‌ها را به طور مساوی تقسیم می‌کند و در جامعه به عدالت و دادگری رفتار می‌کند. هر کس از او اطاعت می‌کند از خداوند اطاعت کرده است و آن حضرت را مهدی نامیده‌اند چون به امور پنهانی هدایت می‌گردد (مجلسی، ۱۳۸۴ق: ج ۵۱، ۲۹).

یا هدایت می‌کند (مجلسی، ۱۳۸۴ق: ج ۵۱، ۲۹). بدین ترتیب، مقصود از مهدی که بر لسان مبارک حضرت رسول ﷺ جاری شده، يك عنوان خاص و لقب مختص شخص معین است که پیامبر ﷺ به ظهور او بشارت داده است (لطف‌الله صافی گلپایگانی، گفتمان مهدویت، بخش ۳، ش ۱۹، پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت‌الله صافی گلپایگانی).

۲. مهدویت

الف) مهدویت از نظر لغوی، یا مصدر جعلی است و یا صفتی منسوب از مهدی است. یعنی؛ مهدویت که یک کلمه عربی است و از واژه مهدی گرفته شده است؛ دو گونه استعمال می‌شود: یکی به صورت مصدر جعلی است با این توضیح که هر وصفی که «یای» مشدد و «تا» (یت) به آن اضافه شود، تبدیل به مصدر می‌شود مثل عالمیت، حاکمیت. مهدویت به صورت مصدر جعلی به معنای مهدی بودن است. کاربرد دیگر مهدویت به صورت نسبت و صفت منسوب است. در این حالت، «ی» آخر آن، مصدری نیست بلکه «یای» نسبت است و «ت» هم، تائیث است که به صورت وصفی برای موصوف محذوف به کار می‌رود یعنی طریقه مهدویه یا نسبت مهدویه.

آنچه معمولاً مطرح است، همان صفت نسبی است. یعنی؛ روش، مذهب، رفتار، فکر و عقیده‌ای که به مهدی انتساب داشته باشد. می‌توان گفت، این «ی» تقریباً معادل اسمی است که در زبان‌های اروپایی به کار می‌رود. به انگلیسی نوشته می‌شود، «Mahdism» یا «مهدیسم». نکته دیگر این که برای انتساب، کمترین نسبت کافی است؛ وقتی می‌گوئیم مهدویت طریقه‌ای منسوب به حضرت مهدی ﷺ یا فکر و عقیده‌ای منسوب به ایشان است، ممکن است این انتساب از این جهت باشد که اصلاً محور آن فکر و شخص، مهدی است که اعتقاد به او می‌شود مهدویت. پس مهدویت یعنی معتقد بودن به وجود مهدی ﷺ، گاهی نسبت، بیش از این حیثیت لحاظ می‌شود یعنی رفتار هم رفتار مهدی پسند باشد یا رفتاری باشد که از او اخذ و الهام گرفته شده باشد. بدین ترتیب فکر، طریقه و یا رفتاری که انتساب به حضرت مهدی ﷺ داشته باشد را مهدویت یا مهدیسم یا مهدوی می‌گوئیم (همان).

ب) اعتقاد به ظهور مهدی ﷺ از جمله اعتقادات اصولی مذهب شیعه اثنی عشری است و همان پدید آمدن حکومت عدل جهانی است (تونه‌ای، ۱۳۸۴ش: ۷۱۱).

روش گردآوری اطلاعات

مضامین اصلی و فرعی از منابع و کتب منصور هاشمی استخراج شده و مصاحبه‌های صورت گرفته با پژوهشگران منتقد از ایران و افغانستان بوده که با جریان منصور هاشمی و پیروان آنها ارتباط داشته‌اند. قابل ذکر است مضامین اصلی و فرعی استخراج شده از دو کتاب اصلی منصور هاشمی - *بازگشت به اسلام و هندسه عدالت* - است و مصاحبه‌هایی از چهار پژوهشگر که در دسترس بوده و با این جریان در ارتباط مستقیم بوده‌اند، به شکل بدون سازمان یافته به منظور جمع‌آوری اطلاعات، انجام شد. در این شکل، پرسش‌های مصاحبه از قبل طراحی نشده است اما با اهداف و پرسش‌های محقق مرتبط است. در این روش، مصاحبه به شکل آزاد است و مصاحبه‌شونده هر چیز ارزشمندی را که مرتبط با موضوع است، به اشتراک می‌گذارد (سیدمن، ۱۳۹۵ ش: مقدمه).

این مصاحبه به صورت حضوری یا غیرحضوری از طریق شبکه‌های پیام‌رسان، صورت گرفت. در پایان به دلایلی چون حفظ امنیت فردی، اسامی برخی از آنان به صورت مستعار ثبت گردید. به دلیل اشراف بهتر بر نتیجه، تعداد مصاحبه‌ها بیشتر انجام گرفت و تعداد مضامین فرعی، بیشتر مربوط به مصاحبه‌ها و گزارش تأثیرات جوانان از فرقه منصور هاشمی است. همچنین تمامی اجزای مضامین به هم مرتبط هستند و در درک بهتر موضوع به مخاطب کمک می‌کند.

یافته‌ها

این قسمت، دو بحث با عنوان (۱) مهدویت در آثار هاشمی و (۲) تأثیر مهدویت در آرای هاشمی بر جوانان و نیز نقد هر یک از این دو را دربردارد. در این دو بحث، ابتدا مضمون‌های اصلی و فرعی و کدهای برگرفته از دو کتاب منصور هاشمی - *بازگشت به اسلام و هندسه عدالت* - و مصاحبه با افراد آشنا با این جریان را در قالب جدول ارائه نموده است. سپس به توضیح و تحلیل مضمون‌ها و کدها پرداخته و در مرحله سوم، دیدگاه مهدویت منصور هاشمی و تأثیرهای آن بر جوانان را نقد و ارزیابی نموده است.

۱. مهدویت در آثار منصور هاشمی

مضمون‌های اصلی و فرعی و کدها (جدول ۱)

مضمون اصلی	مضمون فرعی	کد
عقل و شرع در اسلام (مهدویت)	ماهیت عقل	وجه تمایز بین انسان و حیوان
	جایگاه عقل	عقل، ابتدایی‌ترین و مبنا‌ترین مبانی شناخت بدیهی و قطعی بودن حجیت عقل بازگشت دیگر مبانی به عقل
	کارکرد عقل	تنها نیروی تسلط انسان بر حیوان معیار شناخت انسان تنها قوه مدرکه در نفس مدرک مفاهیم کلی و تطبیق دهنده کلی بر جزئی رجوع حجیت هر چیزی به عقل
	معنای شرع	گفته و کرده خداوند
	نیاز شرع به عقل	نیاز شرع به عقل در حجیت معیار شناخت نبودن شرع
	حجیت و عدم حجیت سنت پیامبر	حجت دانستن سنت پیامبر در صورت تواتر بودن روایات و عدم حجت دانستن اخبار آحاد ظنی اختصاص حجیت سنت پیامبر تنها به زمان خودش
	معنا و انواع تقلید	پیروی از گفته یا کرده دیگری بدون دلیل پیروی از گفته و کرده عالمان به عنوان حکم شرع
	پیامدهای تقلید	پیروی از ظن تاریکی و گمراهی مانع شناخت فرق نهادن بین شرع و گفتار یا کرده ی عالمان بیعت عالمان با حاکمان جور و فریفته شدن مردم با روایات دروغین
	رد تقلید	منافات پیروی از عالمان با پیروی از معصوم و عدم تعلق امر خداوند به پیروی از هردو
	وجود وی	تولد یا عدم تولد خلیفه زمان
خلیفه زمان		

مضمون اصلی	مضمون فرعی	کد
	ویژگی‌های وی	عدم علم غیب عدم تفاوت با دیگران به جز در دانایی و وارسته بودن
ضرورت مهدویت	بازگشت به اسلام و آگاهی دینی مردم	نیاز مردم به مهدی برای آگاهی از اسلام و احکام خداوند
	نیازهای مردم	نیاز مردم به مهدی عدالت نقطه مقابل محرومیت و تأمین‌کننده تمام نیازهای انسان
	ضرورت حکومت	لزوم خلیفه برای هر زمان ضرورت حکومت انسان کامل
حکومت مهدوی	عدم مشروعیت حکومت‌ها و حاکمان اسلامی	مشروعیت نداشتن جنبش‌ها و حکومت‌های فعلی در جهان اسلام ناسازگاری ویژگی‌های حاکمان اسلامی با ویژگی‌های امام ناسازگاری حفاظت، اعانت و اطاعت از آنان با حفاظت، اعانت و اطاعت از امام فریبنده بودن حکومت‌های غیرمهدوی حکومت‌های غیرمهدوی، منادی اختلاف امت منافات داشتن پیروی از غیر معصوم (حاکم‌های کنونی) با پیروی از معصوم برابری عدالت حکومت‌های فعلی با عدالت نسبی نه عدالت مطلق
	زمینه‌سازی و جنبش برای حکومت معصوم	دعوت خود و دیگران به سوی تشکیل حکومت انسان کامل تحقق حکومت انسان کامل در سایه ی مقبولیت همگانی مردم مراحل سه‌گانه حرکت مردم به سوی انسان کامل: - ایمان قلبی به پذیرش حکومت انسان کامل و بری شدن از دیگر حکومت‌های اسلامی - آشکارسازی خواست خود به تحقق حکومت انسان کامل به شکل مطالبه یا شعار عمومی - تلاش برای برکناری حکومت‌های موجود و ایجاد موقعیت برای حکومت انسان کامل

مضمون اصلی	مضمون فرعی	کد
		نیاز به رهبری شایسته و مقتدر با هدف تأمین پیش نیازهای لازم برای تحقق حکومت انسان کامل و همانندی مشروعیت رهبر شایسته به مشروعیت حکومت انسان کامل قیام خراسانی: اعلام قیام و ویژگی‌های آن در روایات - قیام فردی از خراسان به نام منصور - لزوم شتافتن مردم به سوی فرد مهدی یاور به نام خراسانی (یعنی منصور هاشمی) - لزوم تبعیت و همراهی با آن - ملحق شدن خراسانی در کوفه به امام - توانایی و وجوب ایجاد حکومت برای انسان کامل
ظهور	موانع ظهور	اراده و خواست ابتدایی مردم به ظاهر نشدن مهدی (عج) عدم امنیت مهدی (عج) عدم مال، سلاح کافی و حمایت مردم حکومت حاکمان اسلامی فعلی
	شرایط ظهور	تعلق اراده ابتدایی خداوند بر ظاهر بودن مهدی (عج) چون غیبت، ظلم بر بندگان است اطاعت مردم از ولی مسلمانان حاضر (انسان کامل) حمایت کافی مردم از ولی مسلمانان حاضر

تحلیل مضمون‌های اصلی و فرعی

مطالبی که در جدول از مضامین اصلی، فرعی و کدها بیان شد، از دو اثر مهم منصور هاشمی یعنی؛ بازگشت به اسلام و هندسه عدالت استخراج شده است که دارای پنج مضمون اصلی و هجده مضمون فرعی و ۶۱ کد بوده است. عقل و شرع در اسلام (مهدویت)، امام مهدی، ضرورت مهدویت، حکومت مهدوی، و ظهور، مضمون‌های اصلی را تشکیل می‌دهد. مضامین فرعی عقل و شرع در اسلام (مهدویت) عبارت است از: ماهیت عقل، جایگاه عقل، کارکرد عقل، معنای شرع، نیاز شرع به عقل، حجیت و عدم حجیت سنت پیامبر (ص)، معنا و انواع تقلید، پیامدهای تقلید و رد آن. مضامین فرعی امام مهدی عجل عبارتند از: وجود امام مهدی (عج) و ویژگی‌های امام. مضامین فرعی ضرورت مهدویت عبارت است از: ضرورت حکومت، نیاز مردم، بازگشت به اسلام و آگاهی دینی مردم. مضامین فرعی ظهور عبارتند از:

شرایط ظهور و موانع ظهور، مضامین فرعی حکومت مهدوی، عدم مشروعیت حکومت‌های اسلامی و حاکمان اسلامی، نیز زمینه‌سازی و جنبش برای حکومت معصوم است.

وی درصدد است که در ابتدا عقل را تنها منبع متقن اسلام بیان کند و شرع را نیازمند به عقل معرفی می‌کند. از این جهت، تقلید را امری ظنی می‌شمارد و تنها یقینیات را از مرتبه عقل می‌داند و تقلید از علما را نوعی ظن و باطل تلقی می‌نماید. وی حجیت سنت پیامبر ﷺ را مورد شک و تردید قرار می‌دهد؛ زیرا سنت پیامبر ﷺ را صرفاً برای زمان خود معتبر می‌شمارد. دلیل وی این است که انسان یا از طریق شنیدن و گفتن می‌تواند چیزی را یقین کند یا این که روایات متواتر به دستش رسیده باشد که اکنون هیچ کدام در دسترس ما نیست (هاشمی، ۱۴۰۰: ش: ۲۱۴). ایشان حتی استجابت دعا از جانب پیامبر ﷺ هنگام درخواست استغفار مردم را غیرممکن می‌داند و مراجعه مردم به امام زمان عجل الله تعالی فرجه را ممکن می‌داند؛ با این وجود وی، علم غیب داشتن امام را انکار می‌کند و امامان را صرفاً انسان‌هایی وارسته و باتقوا می‌داند؛ زیرا به نظر او، علم غیب تنها مختص به خداوند است (هاشمی، ۱۳۹۴: ش: ۱۸).

وی به دنبال ترسیم یک جامعه عدالت‌محور با حاکمیت انسان کامل است و مهم‌ترین مانع آن را عدم آمادگی مردم می‌خواند. وی هرگونه مصلحت و حکمت‌هایی را که درباره فلسفه غیبت گفته شده، نمی‌پذیرد و آن را رد کرده است و صرفاً محدود به حمایت، اطاعت و آمادگی مردم از امام می‌داند. وی مشروعیت تمام حکومت‌های اسلامی را زیر سؤال می‌برد و آن را مانع ظهور تلقی می‌کند. وی با استناد به روایاتی ضعیف، آمدن خود را که همان خراسانی موعود است دلیلی برای ایجاد یک حکومت عدالت‌محور با حاکمیت انسان کامل می‌داند. وی خود را راهنمای بشریت می‌داند؛ زیرا همان کسی است که مردم را به سوی مهدی رهنمون می‌شود (همان: ۱۳۰).

۲. ارزیابی انتقادی مهدویت در آثار منصور هاشمی

وی عقل را منبع متقن می‌داند؛ در صورتی که وی از این نکته نباید غافل باشد که عقل توانایی درک تمام آموزه‌های دینی (غیرمعقولات) را ندارد، به این صورت که عقل درباره آن حکمی ندارد، نه این که مخالف احکام عقل یا عقل‌گریز باشد. ابن‌سینا متفکر عقل‌گرای مشاء نیز بر محدودیت ابزار عقل برای شناخت معارف الهی تأکید کرده است و برای درک آن راهی غیر از عقل؛ یعنی وحی، شرع و اخبار صادق از قول معصوم را برمی‌گزیند. پس نه تنها عقل

منبع کاملی برای درک آموزه‌های دینی نیست بلکه همراه با شرع می‌تواند گزاره‌های دینی را درک کند (حکیمی، ۱۳۸۳ش: ۷۳). منصور هاشمی، حکومت‌های اسلامی ازجمله ایران را غیرمشروع قلمداد کرده؛ در حالی که بارها در کتب شیعی بزرگانی چون شیخ مفید، مشروعیّت ولایت فقیه ثابت شده است. هم‌چنین علاوه بر تأیید امامان بر نیاز مردم به فقیهان و عالمان، استدلالات عقلی بر درستی آن نیز آمده است (ممدوحی، ۱۳۸۰ش: ۲۱۰). امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در نامه‌ای به شیخ مفید رجوع مردم به راویان حدیث در زمان غیبت را سفارش کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۸۶ق: ج ۲، ۲۸۳).^۱

منصور هاشمی که خود را راهنمای بشریت می‌داند، اول این‌که باید دلیل مبعوث شدن خود را با روایات محکم و صحیح بیاورد. وی فقط به روایات قلیلی از کتاب *الفتن* ابن حماد و دیگر کتاب‌های اهل سنت اشاره کرده است (ابن حماد، ۱۴۲۴ق: ۲۱۴) از آن‌جا که سلسله راویان روایات اهل سنت به امام معصوم نمی‌رسد، مورد اعتماد نیست. خداوند در قرآن کسانی را که راسخون در علم معرفی می‌کند، عالم به غیب معرفی کرده است (آل عمران: ۷) که در رأس آن، امامان معصوم و نبی اکرم است؛ اما وی امام را دارای علم غیب نمی‌داند (هاشمی، ۱۳۹۹ش: ۱۸). برخلاف نظر هاشمی، حجیت سنت پیامبر را از دو طریق می‌توان اثبات کرد: یا با اخبار متواتری که از قول معصوم باشد یا امور غیرظنی (غیر از اخبار متواتر) که با یک دلیل خاص مثل خبر واحد ثابت شده باشد (هوشیار، ۱۳۹۹ش: ۱۷۶). پس به این دو دلیل می‌توان سنت پیامبر را حجت دانست. در ضمن، اگر به گمان ایشان حجیت سنت پیامبر مردود است پس، حجیت تمام روایات خراسانی نیز می‌تواند مختص زمان امامان معصوم باشد و اکنون غیرقابل اثبات باشد. از طرفی روایاتی که خود به آن استناد می‌دهد، روایاتی احاد و ظنی است. درباره عدم ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، در منابع شیعه، حکمت‌ها و مصالحی ذکر شده که در رأس آن اراده و مشیت الهی بر ظاهر شدن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و تا اسباب و مسبب‌هایی که خداوند قرار داده محقق نشود، ظهور امام به تعویق خواهد افتاد (حر عاملی، ۱۴۲۵ق: ج ۵، ۸۷).

۳. تأثیر آرای منصور هاشمی درباره مهدویت بر جوانان

جریان منصور هاشمی به عنوان یک جریان تازه در دهه اخیر، با اهداف مشخص، تعریف شده و بر جوانان مسلمان که بیشتر از قشر فرهنگی و تحصیل‌کرده هستند، بیشترین تأثیر و

۱. و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا.

واکنش را داشته است. این جوانان با ذهنیت مذهبی و اعتقاد به وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وارد افکار و اندیشه‌های این جریان‌های نو می‌شوند؛ غافل از این‌که موجب دوری بیشتر ایشان از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد شد. جدول زیر، محتوا و کدهایی است که از مصاحبه با افراد آگاه از این جریان و در رابطه با تأثیر دیدگاه‌های هاشمی بر جوانان استخراج شده است.

مضمون‌های اصلی و فرعی و کدها (جدول ۲)

مضمون اصلی	مضمون فرعی	کد
اهداف و ابزار	کنش‌گری جوانان	تبدیل جوان به یک انسان کنش‌گر
	دعوت به خود	اصلی‌ترین هدف منصور هاشمی، دعوت به خود است دعوت منصور هاشمی برابر با یک دعوت سیاسی
	مخالفت با مراجع و ولی فقیه	شوراندن جوانان ضد مراجع تقلید و ولایت فقیه، به عنوان هدف اصلی جریان
	اعتقادات مردم	استفاده از اعتقادات مردم
	یاوری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف	بهانه بودن یاری رساندن به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
عوامل و شیوه‌های جذب	حمایت مالی	حمایت مالی رهبران دینی
	فطرت پاک	اقتناع اعتقادی جوانان با سوء استفاده از فطرت پاک آنها
	موافقت با اهداف	موافقت جوانان با اهداف جریان
	ناآگاهی	عدم آگاهی جوانان از ماهیت جریان
	وعده و وعید	دادن وعده و وعیدهای جریان مانند؛ رسیدن به حجت الهی، رسیدن به عدالت، رسیدن به عقلانیت
	روانکاوی و روان‌شناسی	بهره‌گیری از جنبه‌های روانکاوی و روان‌شناختی جوانان ناآگاه
پیامدها	ایجاد شبهات	غوطه‌ور شدن در شبهات و مسائل دینی
	عقل‌ستیزی	ضدیت آنان با عقل و عقل‌ستیزی و محدودیت عقل

مضمون اصلی	مضمون فرعی	کد
	عالم‌ستیزی	عالم‌ستیزی جوانان و عدم تبعیت از عالمان اسلام
	افراط‌گرایی	افراط‌گرایی جوانان در نقل بدون ضابطه
	تخریب مهدویت	تخریب جایگاه مهدویت در ذهن جوانان
	مشکلات فرهنگی و اعتقادی	معضل‌های اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی، عاطفی، شخصیتی یا مشکل اعتقادی مانند دین‌گریزی
	مشخص نبودن تعداد	عدم اطلاعات آماری دقیق از جریان به دلیل دو یا سه اکانت داشتن افراد
کمیت و کیفیت طرفداران	در ایران	حدود ۳۰۰ نفر کاهش آمار در ایران
	در کشورهای دیگر	بیشتر آمار از کشور افغانستان (طبق مصاحبه اول) یک پنجم از کشور افغانستان (طبق مصاحبه آخر) یک پنجم از کشور پاکستان
	عمومی و غیرنخبگانی	عدم جذب نخبگانی و صرفاً جذب عمومی به دلیل فشارهای حکومتی و اقتصادی (یک مصاحبه)
	دانشگاهی	جذب افراد دانشگاهی (مصاحبه دیگر)
	منتظران ظاهری	جذب افراد به ظاهر منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
	ضد حکومتی	جذب افراد ضد حکومت
	موقعیت جغرافیایی جریان	دفتر رسمی جریان در افغانستان (طبق مصاحبه اول) عدم اطلاع دقیق از مکان دفتر وی در کابل (طبق مصاحبه آخر)
مکان و موقعیت	محل سکونت	سکونت قبلی منصور هاشمی در آلمان سکونت فعلی، نامعلوم

تحلیل مضمون‌های اصلی و فرعی و کدها

طی چهار مصاحبه‌ای که با آقایان شفیعیان، هاشمی، هوشیار، سیدبهر صورت گرفت و به تشریح و تحلیل مصاحبه‌ها از واکنش و تأثیرات جوانان نسبت به باورداشت و آرای منصور

هاشمی پرداخته شد، می‌توان به ۵ مضمون اصلی و ۱۹ مضمون فرعی و تعداد ۳۰ کد اشاره کرد. مضامین اصلی عبارتند از: (۱) اهداف و ابزار جریان که مضامین فرعی آن عبارت است از: کنش‌گری جوان، دعوت به خود، مخالفت با ولی فقیه و مراجع عظام، اعتقادات مردم و یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف؛ (۲) عوامل و شیوه‌های جذب به جریان که مضامین فرعی آن شامل: حمایت مالی، موافقت با اهداف جوان، ناآگاهی، وعده و وعیدها، روانکاوی و روان‌شناسی جوانان است؛ (۳) پیامدها و آثار جریان که مضامین فرعی آن عبارتند از: ایجاد شبهات، فطرت پاک، عقل‌ستیزی و عالم‌ستیزی، افراط‌گرایی، تخریب مهدویت و مشکلات اعتقادی و فرهنگی؛ (۴) کمیت و کیفیت طرفداران که مضامین فرعی آن شامل: نامشخص بودن تعداد طرفداران، تعداد طرفداران در ایران و در سایر کشورها، حمایت‌کنندگان عمومی و غیرنخبگانی، دانشگاهی، منتظران ظاهری و ضدحکومتی است. آخرین مضمون درباره مکان و موقعیت جریان و محل سکونت منصور هاشمی است.

با توجه به گفتگویی که با افراد در ارتباط با جریان انجام شد، فرقه منصور هاشمی یک پدیده سیاسی - مذهبی است که طبق آمار، بیشتر طرفداران وی از قشر دانشگاهی، افراد ظاهرا مذهبی و تحصیل کرده هستند. وی هدف خود را مخالفت با جامعه اسلامی ایران و ولایت فقیه قرار داده است، وسیله و ابزار وی بهره‌گیری از اعتقادات جوانان و بهانه آن، رسیدن به حکومت ایده‌آل و عدالت محور امام زمانی است. این جریان به دلیل مطابقت ادعاهای وی با نیاز مردم بالخصوص جوانان، اقدام به جذب نیروی انسانی کرده است. البته با وجود حمایت‌های مالی این جریان، آن‌گونه که باید نتوانسته اهداف خود را پیش ببرد و همانند دیگر جریان‌ها حمایت حداقلی داشته و خواهد داشت؛ زیرا وقتی یک جوان وارد این‌گونه جریان‌ها می‌شود، بعد از چند مرحله از خودگذشتگی و به دنبال آن حمایت وی از سوی آنان، به باطل بودن آن پی خواهد برد و یا به دلایلی چون اقتصادی یا مشکلات خانوادگی یا اجتماعی حاضر به اعتراف و بازگشت از مسیر می‌شود یا در وجود خود حداقل به پوچی جریان‌هایی مانند این جریان خواهد رسید.

۱۶۹ در مصاحبه با آقای سید بحر اشاره شد که یکی از فریفتگان اظهار کرده که فکر نمی‌کرده دستگیر شود؛ زیرا امام زمان مراقب اوست و تا آخرین لحظه دستگیری، فکر می‌کرده این، یک مانوری برای آماده‌سازی بدنی است؛ اما بعد از دستگیری به وی گفته شده: شما که از دار و ندار خود می‌گذرید و با چای و نان سر می‌کنید نمی‌دانید که در یخچال منصور هاشمی تمامی

میوه‌های ارگانیک و درجه یک وجود دارد!

یکی از مهم‌ترین عللی که موجب جذب جوانان به این جریان بوده، عدم آگاهی کافی و صرفاً اعتماد به شنیدن روایاتی ناصحیح از سوی آنان بوده است. در مصاحبه دیگری که با یکی از افراد جریان شده، اظهار کرده که درطول فعالیت‌های شبانه‌روزی‌شان، تنها انگیزه‌ای که یاری‌گر آنان بوده که کل روز را با چای و نان بگذرانند، خدمت به امام زمان در راستای یاری و ظهور حضرت بود؛ زیرا مهم‌ترین تهدید برای آنان این بود که اگر این جریان را کنار بگذارند، شایستگی یاری حضرت را نخواهند داشت.

از موقعیت مکانی و جغرافیایی دفتر وی یا مکان اقامت وی اطلاعات دقیقی در دسترس نیست؛ صرفاً در تمام منابعی که به صورت مجازی از سایت وی نشر شده است، محل دفتر نشر آثار و کتب وی، بلخ افغانستان است.

۴. ارزیابی انتقادی تأثیر آرای هاشمی بر جوانان

به نظر می‌رسد جریان منصور هاشمی، جریان پرتطرفدار و بانفوذی در سطح جهان یا دست‌کم در میان جوانان (که موضوع این مقاله است) نیست؛ اما ضرورت بررسی آن این است که تأثیرگذاری یک اندیشه به هر میزان که باشد، باید مورد توجه قرار گیرد و راه درست نشان داده شود. دلیل مهم‌تر آن است که اگر اقدام نشود، ممکن است کارآیی و اثرگذاری آن بیشتر گردد. اصولاً راهبرد درست‌تر در هر ماجرای، پیشگیری است و مقابله پس از وقوع، هزینه و آسیب بیشتری دارد.

در این میان، بازخورد و تأثیراتی که آثار منصور هاشمی بر جوانان داشته با هدف دعوت به خود، به بهانه یاری رساندن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و با استفاده از فطرت پاک جوان می‌توان اشاره به خدشه‌دار کردن آموزه مهدویت در نظر آنان، سطحی‌نگری و عدم ژرف‌نگری جوان به مسائل ناب دینی و مهدویت، دوری از خردورزی و تأمل، تقابل جوان با ولایت فقیه و ایجاد شکاف در اتحاد اسلامی، ایجاد شبهات و ایجاد آمال و آرزوهای واهی کرد.

نتیجه‌گیری

مسئله و محورهای این نوشتار را می‌توان به چهار مورد کلی تقسیم کرد:
الف) مهدویت در دو اثر از آثار منصور هاشمی که عبارت از کتاب‌های بازگشت به اسلام و هندسه عدالت است:

- در آثار منصور هاشمی، ماهیت عقل، کشف واقع و ابزاری برای حجیت شرع است.
- وی شرع را حجت شرعی نمی‌داند و قائل بر این است که تنها مرتبه یقین از عقل است که مبین شرع است.

- وی تقلید را گونه‌ای از ظن می‌داند و از هرگونه دلیل عقلی بر اثبات آن پرهیز می‌کند؛ زیرا پیروی از عالمان غیرمعصوم را امری غیرقابل قبول می‌داند که با پیروی از معصوم منافات دارد.

- پیروی از سنت پیامبر را زمانی که روایات متواتر باشد می‌پذیرد و روایاتی که آحاد ظنی هستند را قبول ندارد. در صورتی که روایاتی که خود به آن استناد می‌دهد، روایاتی آحاد و ظنی هستند.

- ولایت فقیه و مراجع عظام را مانعی اصلی در امر ظهور می‌داند و از بین رفتن آن را مساوی با نزدیکی در امر ظهور می‌داند.

- تنها حکومت انسان کامل در زمین را راهی برای تحقق عدالت در زمین و حل مشکلات جوامع می‌داند که این امر با گرویدن به جریان ایشان میسر است؛ زیرا به عقیده وی، ایشان تنها زمینه‌ساز ظهور و مهدی مهدی آل بیت است.

- مردم در سه مرحله زبانی، فکری و عملی می‌توانند زمینه را برای ظهور انسان کامل فراهم کنند.

- هدف اصلی منصور هاشمی، شوراندن جوان علیه نظام اسلامی است، اعتقاد جوان، ابزار اوست و یاری رساندن حضرت، بهانه اوست.
ب) ارزیابی انتقادی این دیدگاه:

منصور هاشمی که مدعی مبعوث شدن است به روایات قلیلی از کتاب اهل سنت (که مورد اعتماد شیعه نیست) استناد می‌کند و تفسیر آیات قرآن را نمی‌داند که خداوند در آن اشاره به علم غیب داشتن امامان با واسطه کرده است. حجیت سنت پیامبر را می‌توان از طریق روش قطعی و روش غیرظنی اثبات کرد. اراده و مشیت الهی مهم‌ترین دلیل بر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و هر وقت اسباب و مسبب‌هایی که خداوند برای تحقق ظهور قرار داده محقق شود ظهور به وقوع خواهد پیوست.

ج) تأثیر آرای منصور هاشمی بر جوانان براساس مصاحبه با افراد مطلع:
عموما جوانانی که دارای مشکلات عاطفی، اقتصادی و اعتقادی هستند وارد این جریان

می‌شوند که بسیاری از آنان از اهداف این جریان ناآگاه هستند.

از پیامدهای گرایش جوانان به این جریان می‌توان به این موارد اشاره کرد: سستی در اصل مقوله مهدویت، ضدیت با عقلانیت، مبارزه با عالمان دین، ایجاد مسائلی از قبیل مرگ دینی، سستی انگیزه‌ها، دوری از علم‌آموزی، روی آوردن به مسائل مرید و مریدبازی، برخوردهای تعصبی و انحصارگرایی محتوا در سمت فرقه و عدم میل به مطالعه منابع انتقادی است. جریان منصور هاشمی با بهره‌گیری از جو فعلی حکومت اسلامی و فشارهای اقتصادی و سیاسی، جوانان را به سوی خود سوق می‌دهد و در این راستا بیشتر جوانانی که ضدحکومتی و قشر شیعی - مذهبی هستند یا به ظاهر منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، جذب این‌گونه جریان‌ها می‌شوند.

طبق آمار، بیشتر جوانان کشورهای افغانستان و ایران از شهرهای مشهد، تبریز، اصفهان، شیراز و قم به سمت این جریان هدایت شده‌اند که در ایران به سیصد نفر می‌رسد. (د) ارزیابی انتقادی این تأثیر:

در حال حاضر جریان منصور هاشمی، جریان نفوذی در سطح جهان یا در میان جوانان نیست؛ اما نیازمند تحقیق و بررسی درباره آن است؛ زیرا پیشگیری از وقوع مهم‌تر است. بازخورد و تأثیراتی که آثار منصور هاشمی بر جوانان داشته می‌توان به خدشه‌دار کردن آموزه مهدویت در نظر آنان، تقابل جوانان با ولایت فقیه و ایجاد شکاف در اتحاد اسلامی، آمال و آرزوهای واهی اشاره کرد.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن حماد، نعیم (۱۴۲۴ق)، *الفتن*، نجف اشرف: مکتبة الحیدریه.
۲. تونه‌ای، مجتبی (۱۳۸۴ش)، *موعودنامه*، قم: میراث ماندگار، اول.
۳. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ق)، *اثبات الهدی*، بیروت: مؤسسة الاعلمی المطبوعات.
۴. حکیمی، محمدرضا (۱۱۹۰ق)، *مقام عقل*، بی‌جا: انتشارات دلیل ما.
۵. دوانی، علی (۱۳۸۱ش)، *مهدی موعود*، تهران: مکتب الاسلامیه، بیست و نه.
۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳ش)، *لغت‌نامه*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، اول.
۷. رضائزاد، عزالدین (۱۳۹۶ش)، «بررسی و نقد تأویل قیامت به قیام قائم»، *انتظار موعود*.

شماره ۵۶.

۸. سلیمیان، خدامراد (۱۳۸۷ش)، *درستامه مهدویت*، قم: نشر شهر، اول.
۹. سیدمن، ایرونیگ (۱۳۹۵ش)، *مصاحبه به عنوان یک روش پژوهش کیفی*، ترجمه: علی کوشازاده، تهران: مهکامه، اول.
۱۰. صادقی، مصطفی (۱۳۸۵ش)، *تحلیل تاریخی بر نشانه‌های ظهور*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، دوم.
۱۱. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، *گفتمان مهدویت*، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله صافی گلپایگانی: www.saafi.com.
۱۲. طبرسی، ابومنصور (۱۳۸۶ق)، *الاحتجاج*، نجف اشرف: مطابع النعمان.
۱۳. طبرسی، میرزا حسین (۱۳۸۳ش)، *نجم الثاقب*، قم: انتشارات جمکران، هشتم.
۱۴. عمید، حسن (۱۳۸۱ش)، *فرهنگ فارسی*، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۱۵. کریم شاهی، حسین (۱۳۷۷ش)، *فرهنگ موعود*، قم: انتشارات ناصر، اول.
۱۶. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۴ق)، *بحارالانوار*، تهران: اسلامیه.
۱۷. محمدی هوشیار، علی (۱۳۹۹ش)، *توهم بازگشت*، قم: اسماعیلیان.
۱۸. محمدی هوشیار، علی (بی‌تا)، *مصاحبه*، بی‌جا: مدیریت پژوهشگاه مهدویت باقرالعلوم قم و تعدادی از پژوهشگران.
۱۹. مصطفی، ابراهیم (۱۴۱۸ق)، *معجم الوسیط*، تهران: انتشارات مرتضوی، دوم.
۲۰. معین، محمد (۱۳۸۷ش)، *فرهنگ لغت*، تهران: انتشارات فرهنگ نما، اول.
۲۱. ممدوحی کرمانشاهی، حسن (۱۳۸۰ش)، *حکمت حکومت ولایت فقیه*، قم: بوستان کتاب.
۲۲. هاشمی، منصور (۱۳۹۹ش)، *مناهج الرسول*، بلخ: دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی، ششم.
۲۳. هاشمی، منصور (۱۴۰۰ش)، *بازگشت به اسلام*، بلخ: دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی، هفتم.
۲۴. هاشمی، منصور (۱۴۰۰ش)، *هندسه عدالت*، بلخ: دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی، پنجم.
۲۵. سایت www.alkhorasani.com.